

# زیارت عاشورا

## فرااتر از شبمه

مجموعه نفیس از گفتارها و نوشته های

استاد الفقهاء والمجتهدين

میرزا جواد تبریزی (قدس سره)

متوفی سنه 1437 هـ. ق

دار الصدیقة الشهیدة (عليها السلام)





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## **زندگی نامه استاد الفقهاء والمجتهدين**

**میرزا جواد تبریزی(قدس سره)**

یکی از اعیان و مفاخر فقهای نامدار شیعه و یکی از اکابر و متبحرین در علوم اسلامی و یکی از استوانه های فقهی و اجتهادی در فقه اسلامی که از نظر آثار و برکات وجودی با برکت بوده، مرحوم فقیه مقدس میرزا جواد تبریزی(قدس سره) است بسیار عابد، زاهد، اهل خشوع و تهجد بود و مداومت بر علم و دانش داشت. جماعت بسیاری از او بهره بردنده. او بر تمام موالین و محبین اهل بیت(علیهم السلام) و فضلاء و طلاب حوزه حق دارد زیرا که در قرن خود در علوم و ولاء اهل بیت(علیهم السلام) تحولی عظیم ایجاد نمود.

هرگاه در پی شناخت ایشان برآییم ایشان را آگاه بر هر فنی خواهیم یافت. جملات مرح و ستایش در معرفی او، ناتوانند. گویا او تنديس علم و دانش و ادب و تجسم فضل و کمال است.

فقیه هوشیار محدث پارسا، ثقه جلیل القدر و سرچشمme بزرگواری ها و فضیلت ها و دارای تأیفات سودمندی است. علمای دین نه تنها از استاد خود درس علم و دانش می آموزنند، بلکه مراتب معنوی و کسب کمال را سپری می نمایند. مرحوم میرزا جواد تبریزی(قدس سره) همزمان با طی مدارج علمی و

سریع تر از آن مدارج معنوی و کمالات روحی را پیمودند تا آنجا که مصدق واقعی عالم ربانی گشت. این ادعا با مروری بر سجایای اخلاقی ایشان کاملاً روشن می شود از جمله خصائص بارز اخلاقی مرحوم میرزا(قدس سره) می توان به این موارد اشاره کرد:

یاد خداوند متعال: مرحوم میرزا(قدس سره) هیچ گاه از یاد خدا غافل نبود و تمام اعمالش را با قصد قربت انجام می داد.

زیارت و توسل: مرحوم میرزا(قدس سره) به زیارت ائمه هدی(علیهم السلام) اهمیت فراوانی می داد و هر جا فرصت می یافت و یا امکان بر ایشان حاصل می شد شروع به خواندن دعا و زیارت ائمه(علیهم السلام) می نمودند.

توجه خاص و توسل به معصومین(علیهم السلام) باعث گردیده بود که مرحوم میرزا(قدس سره) به تأليف کتب عقایدی روی آورند و اهمیت خاصی در رد شباهات و دفاع از کیان تشیع و مظلومیت اهل بیت(علیهم السلام) دهند.

زهد و پارسایی: یک ویژگی بسیار مهم در زندگی این بزرگ مرد زهد و پارسایی و ساده زیستی اوست. مرحوم میرزا(قدس سره) تمام امکانات را در اختیار داشتند اما با همه اینها، زندگی شخصی مرحوم میرزا(قدس سره) در نهایت زهد و پارسایی سپری می شد.

تواضع: تواضع مرحوم میرزا(قدس سره) از دیگر خصائص اوست. مرحوم میرزا(قدس سره) هیچ گاه به مقام اجتماعی و بالا و پائین بودن موقعیت نظر

نمی کرد با آن خصائص روحی و کمالات معنوی با علم و دانش گستردۀ از او شخصیتی ممتاز ساخته بود.

سعه صدر، خوش فهمی، حسن سلیقه، داشتن نظم و برنامه تحصیلی، ظرافت طبع، معنویت سخن و پختگی و بی نقص بودن آثار علمی، تخلق به اخلاق الهی و قرب منزلت از خصوصیات این عالم ربانی است.

تعلیم و تعلم از مهم ترین خدمات ایشان به شمار می آید. شخصیت بارز علمی ایشان در دقیق بودن در مطالب، و عمیق فکر کردن و حسن سلوک با طلاب باعث می شد هر روز گروه بیشتری از افراد علاقمند و با استعداد به سوی مجلس درس ایشان جذب شوند.

ایشان یکی از اعجوبه های روزگار خود بودند که در زمینه های مختلف علمی از جمله: فقه، اصول، کلام، رجال و... کتابهایی ارزشمند نوشته که به زیور طبع آراسته شده و در حدود ده ها کتاب از آثار خطی از ایشان به جای مانده است که حاکی از نبوغ این فقیه فقید است.

تألیفات فراوان و گوناگون وی در علوم و فنون مختلف اسلامی، هر کدام گوهری تابناک و گنجینه ای پایان ناپذیر است که هم اکنون با گذشت ایام روز به روز بر ارزش و اعتبار آن افروده می شود و جایگاهی بس رفیع و والا یافته اند و در صدر قفسه کتابخانه ها و در سینه فقها و دانشمندان جای می گیرد که از آن میان می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

1- ارشاد الطالب فی شرح المکاسب - 7 جلد

- 2- تنقیح مبانی العروة (طهارة) - 7 جلد
- 3- تنقیح مبانی العروة (صلاء) - 6 جلد
- 4- تنقیح مبانی العروة والمناسک (الحج) - 3 جلد
- 5- اسس القضاء والشهادات
- 6- اسس الحدود والتعزيرات
- 7- كتاب القصاص
- 8- كتاب الديات
- 9- كتاب نکاح
- 10- كتاب اجراء
- 11- تعليقه عروة الوثقى
- 12- تعليقه بر منهاج الصالحين
- 13- طبقات الرجال
- 14- الدروس في علم الاصول (دوره كامل اصول)
- 15- تنقیح مبانی العروة (كتاب الصوم)
- 16- تنقیح مبانی العروة (كتاب الزكاء والخمس)
- 17- صراط النجاة 12 جلد
- 18- كتاب ظلمات فاطمة الزهراء (عليها السلام) (در حال چاپ)
- 19- كتاب امير المؤمنین علی بن ابی طالب: (در حال چاپ)
- 20- فدک

- 21\_ الشعائر الحسينية (فارسی - عربی)
- 22\_ زیارت عاشوراء فوق الشبهات
- 23\_ نفی السهو عن النبي (صلی الله علیه وآلہ)
- 24\_ نصوص الصحیحۃ علی الائمه (علیهم السلام)
- 25\_ الانوار الھیئۃ فی مسائل العقائدیۃ
- 26\_ النکات الرجالیۃ (مخطوط)
- 27\_ ما استفدت من الروایات فی استنباط الاحکام الشرعیة (وسائل الشیعہ  
مخطوط)
- 28\_ النصایح (فارسی - عربی)
- و...

فوائد ارزشمند نوشته های ایشان همچون ابر بھاری تمام سرزمین ها را از  
قطرات حیات بخش بارانش سیراب می سازد.  
تألیفات او بر پیشانی روزگار همچون مروارید می درخشد و کلماتشان در  
میان سطرها همچون گوهرهایی گران بها کنار هم چیده می شود.  
تمام کسانی که یادی از ایشان کرده اند جز ستایش و تعریف هیچ ندارد و  
بنابر شهادت تمام بزرگان مرحوم میرزا(قدس سرہ) قله های رفیع علوم مختلف از  
جمله فقه، اصول، کلام، رجال و... را درنوردیده است.

## وفات

مردان الهی با رفتن از دنیا نمی میرند بلکه تا ابد در یاد و خاطر آیندگان زنده اند و برکات آنان خلاصه در ایام زندگیشان نیست بلکه پس از وفات نیز به واسطه تألیفات و شاگردان و باقیات و صالحاتی که بر جای گذارده اند منشاء بسیاری از عنایات الهی بر مردم هستند.

مرحوم میرزا(قدس سره) هنگام مرگ خدمات فراوانی از خود بر جای گذاشتند که به حمد الله پس از ایشان شاگردان و فرزندان ادامه دهنده این راه پر فروغ، خدمات ارزشمندی ارائه می نمایند اما جای خالی یک عالم فرزانه را هیچ کس و هیچ چیز پر نمی کند.

چراغ عمر مرحوم میرزا پس از 82 سال نورافشانی در شب 27 شوال سال 1427 هـ ق در شهر مقدس قم خاموش گشت و جهان از فیض وجود این عالم گرانمایه محروم شد و در مسجد بالاسر حرم مطهر حضرت معصومه کنار قطعه بزرگان و مفاخر مذهب آرامید. راهش پر رهرو و یادش گرامی باد آمین یا رب العالمین.

### (وصیت نامه)

## تأکید آیت الله العظمی فقیه مقدس میرزا جواد تبریزی (قدس سره) بر حفظ شعائر

بسمه تعالیٰ

اللهم صلّ علی محمد وآل محمد وعجل فرجهم واهلك اعدائهم

حال که پیکر این جانب بر دستان شماست ویا در قبر آرمیده است، بر دستان شاگردان عزیزم که سال ها برای موفقیت آنان تلاش کردم و هیچ گاه تعطیلی را احساس نکردم، این ناقابل نصیحتی دارم که در طول حیاتم سعی کرده ام قبل از آنکه نصیحتی متوجه کسی کنم، خود بدان عمل کرده باشم. بر تمام مؤمنین است با دل و جان از مسلمات مذهب حق دفاع کنند و هیچ گاه اجازه ندهند بعضی با القاء شبها، عوام از مؤمنین را فریب دهنده، خصوصاً در مسائل شعائر حسینیه که تشیع به واسطه آن زنده است، حفظ شعائر اهل بیت (علیهم السلام) حفظ مذهب بر حق تشیع است. در آن کوتاهی نکنید که مسؤول هستید، به طلب عزیز نصیحت می کنم که با جدیت و تلاش تقوای الهی را پیشه خود کنند و در امر تحصیل تلاش کنند و همواره رضای خدا را مد نظر داشته باشند. این جانب در طول دوران عمرم، طلبه ای بیش نبودم و مثل یک طلبه جوان شب و روز در امر تحصیل تلاش

می کردم تا بتوانم خدمتی ناچیز داشته باشم و اثری از خود بر جای بگذارم که طلاب عزیز از آن استفاده کنند. عزیزانم! سکان هدایت مردم به دست شماست. کاری نکنید که دل امام زمان(علیه السلام) به درد آید. او ناظر بر اعمال ما به اذن خداست و در همینجا از پیشگاه مبارکشان می خواهم که اگر کوتاهی از طرف این جانب سر زده، بر من ببخشند، عزیزانم به دعاء خیر شما نیاز دارم. من چه در میان شما باشم یا نباشم، دلی به دنیا نبسته ام که در ادای وظیفه خود تردید کرده باشم، هنگامی که در میان شما بودم، خود را یک خادم کوچک حساب می کردم که امیدوارم این خدمت ناچیز مورد رضایت اهل بیت(علیهم السلام) واقع شده باشد که رضای آنان رضای خداست. حال که در میان شما نیستم، به دعای خیر شما عزیزان محتاجم. در پایان بر حفظ شعائر تأکید می کنم و ضمن طلب دعای خیر، شما عزیزان را به خدای بزرگ می سپارم. **وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ جَمِيعًا وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.**

جواد تبریزی

**آخرین توصیه های فقیه مقدس، آیت الله العظمی**

**میرزا جواد تبریزی (قدس سرہ)**

**در بستر بیماری چند روز قبل از رحلت، در ایام شهادت**

**رئیس مذهب، حضرت امام صادق (علیه السلام)**

**بسم الله الرحمن الرحيم**

ایام شهادت امام صادق(علیه السلام) در حالی فرا می رسد که من در بستر بیماری هستم؛ پس قلبم از اندوه پر شده و اشک هایم جاری است؛ از حزن بر مصائبی که بر آن امام بزرگوار(علیه السلام) وارد شده است؛ از محاصره و دستگیری آن حضرت(علیه السلام) توسط عمال منصور و بردن آن بزرگوار(علیه السلام) با پای برخنه، در حالی که حضرت عمامه بر سر نداشت، همان طور که جد بزرگوارشان امیرالمؤمنین(علیه السلام) و امام سجاد(علیه السلام) را نیز به آن حال دستگیر کرده و به اجبار بردنده، تا ترساندن عیالات آن حضرت و رب و وحشتی که بر اهل بیت حضرت(علیه السلام) مستولی شده بود – همان طور که بر فرزندان امام حسین(علیه السلام) در کربلا مستولی بود – تا قطعه قطعه شدن قلب مبارک حضرت(علیه السلام) در اثر سم مهلك، همان طور که قلب جد مظلومشان، امام حسین(علیه السلام) با تیرها قطعه قطعه شده بود، پس از اعماق قلبم آرزو دارم که

در احیای مراسم عزاداری جهت این فاجعه در دنیاک شریک باشم. این امر باعث شده تا برادران و فرزندان مؤمنم را مورد خطاب قرار داده و از آنها بخواهم که در احیای مراسم عزای اهل بیت(علیهم السلام)، در ایام شادی و حزن آن بزرگواران و اقامه مجالس عزاداری برای مصائب اهل بیت(علیهم السلام) تلاش نمایند و ضمن برگزاری مجالس با عظمت و پر شکوه، آن را با امور موهن، از قبیل کف زدن و استعمال آلات موسیقی و مثل آن اموری که موجب اذیت اهل بیت(علیهم السلام) می شود، هتك ننموده و نیز در ترویج شعائر حسینی، به نحوی که بین طائفه بر حق شیعه معروف است، و زنده نگه داشتن مظلومیت اهل بیت(علیهم السلام) در طول تاریخ و گذر زمان تلاش نمایند، و برای کسانی که در این شعائر تشکیک کرده و در جهت تغییر، تبدیل یا محو آن تلاش می کنند، مجالی باقی نگذارند که این شعائر، همان چیزی است که سیره علمای ابرار ما، بر آن جاری است و شیعیان مخلص اهل ولاء در طول قرون متمامی بر آن مشی کرده اند و این خود، به کار بستن دستورالعملی است که از حضرات معصومین(علیهم السلام) وارد شده است که فرموده اند: وَمَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا يُحْبِي فِيهِ أَمْرُنَا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ<sup>۱</sup>، و نیز وارد شده است: أَنَّ الْبَكَاءَ وَالْجَزَعَ مَكْرُوهٌ لِلْعَبْدِ فِي

---

۱- عيون اخبار الرضا(علیه السلام)، ج 2، ص 264؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 502

**کل ما جزع، ما خلا البکاء والجزع علی الحسین بن علی(علیه السلام) فانه فيه  
مأجورٌ.**

همه مؤمنین می دانند که اینجانب وقتی مشاهده نمودم که بعضی از اشخاص در صدد تشکیک در مسلمات طائفه بر حق امامیه و عقاید بر حق آنها هستند و می خواهند مظلومیت صدیقه طاهره، حضرت فاطمه زهراء(علیها السلام) را مورد خدشه قرار دهند، به صورتی واضح و صریح و بدون ملاحظه و مجامله با هیچ شخصی، هر کس که باشد، در صدد دفاع از مظلومیت بانوی بزرگوار اسلام و شفیعه روز جزا، فاطمه شهیده مظلومه(علیها السلام) و دفاع از حریم عقاید مذهب برآمد و مؤمنین را نسبت به خطر این افکار پلید، و تشکیکات مخرب آن مطلع ساختم و در این راه مصائب و اذیت‌هایی را از دور و نزدیک متحمل شدم؛ ولیکن اینها ما را از ادامه راه فداکاری و دفاع از مذهب برحق جعفری باز نداشته و مانع نشده است. به این جهت، به برادران مؤمن، اهل ولایت و با غیرت تأکید می کنم که در مسیر دفاع از مظلومیت اهل بیت(علیهم السلام) و عقاید برحق آنها، استقامت داشته و از کید دشمنان مذهب و مکر تشکیک کنندگان و یاوه سرایان نترسند که شما به کمک حضرت حجت(علیه السلام) پیروز خواهید بود. به تبلیغات مادی و دنیایی آنها که غرضشان برگرداندن شما از وظیفه دفاع از مذهب حق است، ترتیب اثر ندهید و به آن اعتنایی نکنید. همان طور که از علماء و فضلا

---

۲- کامل الزیارات، ص 201، ح 286؛ جامع احادیث الشیعه، ج 12، ص 557؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 507، ح 13.

انتظار می رود که نهایت تلاش خود را در این راه مبارک به کار گیرند، هر چند راه سخت و دشواری است همان طور که از مucchomineen (علیهم السلام) وارد شده است: **إِذَا ظَهَرَ الْبِدَعُ فَعَلَى الْعَالَمِ أَنْ يُظْهِرَ عِلْمَهُ فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ سُلِّبَ مِنْهُ نُورُ الإِيمَانِ**<sup>۳</sup>. در نهایت به برادران مؤمن خود نسبت به ضرورت احیای این حادثه عظیم؛ یعنی زنده نگه داشتن شهادت رئیس مذهب، امام صادق (علیه السلام) تأکید می کنم و از آنها می خواهم که این مراسم را مانند «ایام عاشورا» و «ایام فاطمیه» در این سال و همه سال ها جهت تحکیم ارکان مذهب جعفری و تجلیل از مقام این امام بزرگ، که حیات خود را در راه نجات ما از هر گونه گمراهی فدا کرد، زنده نگه دارند. از خداوند متعال مسئلت دارم که همه را برای خدمت به ائمه مucchomineen (علیهم السلام) موفق گرداند؛ **إِنَّهُ سَمِيعُ الدُّعَاءِ قَرِيبٌ مُّجِيبٌ**.

---

۳- علل الشرایع، ج ۱، ص 236؛ عيون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲، ص 103؛ وسائل الشیعه، ج 16، ص 271، ح 9.

## مقدمه:

### زیارت عاشورا، نجوای آسمانی

زیارت عاشورا، نجوای است الهی که بند بند آن یاد آور حمامه خونین کربلا و مصائب اهل بیت(علیهم السلام) است. مردانی که از اجابت هوا و هوس گذشته و در رکاب امام معصومشان پا بر نردهان ترقی نهاده و تا مقام محمود عروج نمودند و نامی جاودان تا ابد از خود به یادگار گذاشتند. آنان که برای حراست از ارکان و شرایع دین بپا خاسته و قدم در مسلح عشق گذاشتند تا با فدا نمودن هستی خویش از آخرین دین و مکتب الهی دفاع نموده و به کسب مقام رضای الهی نائل آیند. زیارت عاشورا، یادآور مصیبت عظمایی است که سنگینی آن تاب تحمل از صابران گیتی برده و حتی ارض و سماء نیز در مقابل این مصیبت جانگداز کمر خم نموده اند: «وَجْلَتْ وَعَظُّمَتْ مَصِيَّبَتُكَ فِي السَّمَاوَاتِ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ». زیارت عاشورا، نه تنها سند زنده و گویای مظلومیت، بلکه عزت و عظمت سبط نبی اعظم و شاهراه حیات مذهب بر حق تنشیع است. زیارت عاشورا، هویت شیعه و بازگو کننده نهایت شقاوت اعداء، و عروج بی متها اهل ولاست. بر همین اساس دشمنان حق ستیز، دائماً در صدد محو این زیارت -

که بازگو کننده حقایق و مظلومیت اهل بیت(علیهم السلام) است - هستند و در طول تاریخ به هر وسیله ای متولّ شدند تا ارزش و اعتبار این هدیه آسمانی را محو نمایند، (يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمٌّ نُورًا). اما در هر برهه از زمان، مردانِ صاحب کمال، با نهایت درایت و فقاوت در مقابل این افکار شوم دشمنانِ خیره سر ایستاده، و از حقانیت اهل بیت دفاع نمودند. و در این عصر نیز، بعضی بدخواهان با ایجاد شبه در اذهان عوام، آنان را از خواندن زیارت عاشورا و نائل شدن به فوز اعظم دلسربد می نمایند. اما فقیه پاسبان مذهب حق و احیاگر فاطمیه حضرت آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی(قدس سره) با درایت و فراست قلم از نیام برآورد و با توصل به کلمات نورانی معصومان(علیهم السلام)، چون صاعقه ای بر شبهات واهی آنان تافته، آرزوی آنان را به یأس و نالمیدی مبدل ساخت. اکنون که آن حامی، مظلومیت اهل بیت(علیهم السلام) از دنیای فانی به جوار خوبانِ عالم شناخته اند بر ماست که پیرو خط آن مرجع عظیم الشأن بوده و نگذاریم دشمنان با شبهه افکنی در اعتبار زیارت عاشورا، مؤمنان را از این فیض اکمل محروم نمایند.

مرکز دارالصدیقة الشهیدة(علیها السلام) ضمن ترجمه کتاب «زیارت عاشورا فوق الشبهات» آن مرجع راحل، بیانات و استفتائات ایشان(قدس سره) در خصوص این زیارت شریفه را به صورت کتاب درآورده و در اختیار عزیزان و مدافعین خط

اصیل اهل بیت(علیهم السلام) قرار می دهد. امید است که این عمل مورد رضایت درگاه احادیث و ائمه اطهار(علیهم السلام) قرار گیرد و ذخیره ای باشد برای قبر و قیامت، در روزی که (يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بُنُونٌ \* إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ).

مرکز تحقیقات دار الصدیقة الشهیده(علیها السلام)

ربيع الثانی سنہ 1430ھ . ق

قم المقدسه

## فضيلت زيارة سيد الشهداء (عليه السلام)

### زيارة عاشوراء

«قال صالح بن عقبة وسيف بن عميرة: قال علقة بن محمد الحضرمي: قلت لأبي جعفر (عليه السلام): علمي دعاء أدعوه به ذلك اليوم إذا أنا زرته من قرب وداعاً أدعوه به إذا لم أزره من قرب وأوسمات من بعد البلاد ومن دارى بالسلام إليه. قال: فقال لي: يا علقة إذا أنت صليت الركعتين بعد أن تومئ إليه بالسلام، فقل بعد الإيماء إليه من بعد التكبير هذا القول (أى الزيارة الآتية)، فإنك إذا قلت ذلك، فقد دعوت بما يدعوه به زواره من الملائكة، وكتب الله لك مئة ألف ألف درجة، وكنت كمن استشهد مع الحسين (عليه السلام) حتى تشاركهم في درجاتهم، ولا تعرف إلاّ في الشهداء الذين استشهدوا معه، وكتب لك ثواب زيارة كل نبىٰ وكل رسول وزيارة كل من زار الحسين (عليه السلام) منذ يوم قتل عليه السلام وعلى أهل بيته<sup>٥</sup>:

السلامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِّيْفِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ النِّسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَارِرَ الْأَرْضِ وَالوَتَرَ الْمَوْتَوْرَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ...»<sup>٦</sup> (إلى آخر زيارة عاشوراء)

٥- مصباح المتهجد، ص 536 - 537.

٦- در كتاب كامل الزيارات به جای این فقره، «خیره الله وابن خیرته» آمده است.

٧- فرازهایی از زيارة عاشوراء. (مصباح المتهجد، ص 537)

صالح بن عقبه و سيف بن عميره می گويند: علقمه بن محمد حضرمی به ما گفت:

محضر مبارک ابی جعفر(علیه السلام) عرض کردم: دعائی به من تعلیم فرمائید،  
که در آن روز (روز عاشورا) وقتی از نزدیک به زیارت آن حضرت رفتم آن را  
بخوانم و دعائی به من یاد دهید، که هرگاه نتوانستم از نزدیک به زیارت ایشان  
بروم، از شهرهای دور و پشت بام خانه ام، به آن حضرت با اشاره سلام داده و آن  
را بخوانم.

حضرت فرمودند: ای علقمه، بعد از آنکه با اشاره به آن حضرت سلام دادی و  
پس از آن، دو رکعت نماز خواندی، اگر این دعا و زیارت (زیارت عاشورا) که  
شرحش را برایت بیان می کنم، خواندی، به آنچه فرشتگان زائر آن حضرت دعا،  
کرده اند، تو نیز دعا نموده ای و خداوند متعال صد هزار هزار درجه مقام و  
مرتبه تو را بالا برده و تو مثل کسانی می باشی، که با حضرت حسین بن  
علی(علیه السلام) شهید شده اند و بدین ترتیب در درجه ایشان قرار خواهی گرفت  
و شناخته نمی شوی، مگر در زمرة شهدائی که با آن حضرت شهید شده اند و  
ثواب تمام انبیاء و رسولان و کسانی که امام حسین(علیه السلام) را از زمان  
شهادتش تا به الان زیارت نموده اند را برایت می نویسد.

می گویی:

السلامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ  
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِّيْفِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ النِّسَاءِ الْعَالَمِينَ،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَائِنَّ ثَارِهِ وَالوِتْرَ الْمَوْتُورَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي  
حَلَّتْ بِفِنَائِكَ...» (تا آخر زيارة عاشوراء)

«قال علقة: قال أبو جعفر (عليه السلام): وإن استطعت أن تزوره في كل يوم بهذه  
الزيارة في دارك فافعل ولك ثواب جميع ذلك». ^

وروى محمد بن خالد الطيالسي عن سيف بن عميرة قال: خرجت مع صفوان بن مهران الجمال وعندها جماعة من أصحابنا إلى الغري بعد ماخراج أبو عبدالله (عليه السلام)، فسرنا من الحيرة إلى المدينة، فلما فرغنا من الزيارة [أى زيارة أمير المؤمنين (عليه السلام)] صرف صفوان وجهه إلى ناحية أبي عبدالله الحسين (عليه السلام)، فقال لنا: تزورون الحسين (عليه السلام) من هذا المكان من عند رأس أمير المؤمنين (عليه السلام)، من هيئنا أو ما إليه أبو عبدالله الصادق (عليه السلام) وأنا معه.

قال [سيف بن عميرة]: فدعا صفوان بالزيارة التي رواها علقة بن محمد الحضرمي عن أبي جعفر (عليه السلام) في يوم عاشوراء، ثم صلى ركعتين عند رأس أمير المؤمنين (عليه السلام) وودع في دربها أمير المؤمنين (عليه السلام) و ... ; علقة مى گويد: حضرت أبو جعفر أمام باقر (عليه السلام) فرمودند: اى علقة اگر بتوانی هر روز با این زیارت (زيارة عاشوراء) امام حسین (عليه السلام) را زیارت

٨- مصباح المتهدج، ص 539

٩- مصباح المتهدج، ص 540

کنی البتہ این کار را انجام بده که ان شاء الله تمام ثواب هایی که ذکر شده برایت منظور می گردد.

محمد بن خالد طیالسی به نقل از سیف بن عمیره گفت: بیرون رفتم با صفوان بن مهران و جمعی دیگر از اصحاب خودمان به سوی نجف، بعد از خروج حضرت صادق(علیه السلام) از حیره به جانب مدینه، پس زمانی که ما فارغ شدیم از زیارت [زیارت امیرالمؤمنین(علیه السلام)] صفوان صورت خود را به جانب مشهد ابوعبدالله(علیه السلام)، گردانید و گفت: برماست که زیارت کنیم حسین(علیه السلام) را از این مکان، از نزد سرّ مقدس امیرالمؤمنین(علیه السلام)، که از اینجا ایما و اشاره کرد به سلام بر آن حضرت امام صادق(علیه السلام)، و من در خدمتش بودم.

سیف گفت: پس خواند صفوان همان زیارتی را که روایت کرده بود علقمه بن محمد حضرمی از حضرت باقر(علیه السلام) در روز عاشورا (زیارت عاشورا)، آنگاه دو رکعت نماز در نزد سرّ امیرالمؤمنین(علیه السلام) خواند و با آن حضرت وداع نمود.

این زیارت شریفه به نص حضرت امام باقر و امام صادق(علیهم السلام) وارد شده است و از مصادیق زیارت سیدالشہدا(علیه السلام) می باشد، که طبق روایات وارد، اجر و ثواب فراوانی دارد و اثر معنوی عجیبی در زندگی انسان بر جای می گذارد، که فی الجمله، به بعضی از آنها اشاره می نماییم:

حفظ عرض و اموال، لقاء الله، دفع پریشانی و قضاء حوائج، طول عمر و افزایش رزق و روزی، آمرزش معاصی، ایام زیارت جزء عمر حساب نمی شود، دفع بلایا، اعطاء خیر و برکات، اعطاء ثواب حج، رفع عقوبت عالم قبر و قیامت و مؤای او بهشت و... است.

## **زيارة سيد الشهداء امام حسین(عليه السلام) افضل اعمال است**

«عن أبي خديجة، عن أبي عبدالله(عليه السلام) قال: سأله عن زيارة قبر الحسين(عليه السلام)، قال: أنه أفضـل ما يكون من الاعمال».<sup>١٠</sup>

ابـي خديجه، كـفتـ: از حضرـتـ ابـي عبدالله(عليه السلام) راجـعـ به زيـارتـ قـبـرـ حـضـرـتـ حـسـيـنـ بـنـ عـلـىـ(عليـهـ السـلـامـ)پـرسـيـدـمـ، حـضـرـتـ فـرـمـوـدـنـدـ: زيـارتـ آـنـ جـنـابـ اـفـضـلـ اـعـمـالـ مـیـ باـشـدـ».

«عن أبي عبدالله(عليه السلام) قال: من أحبـ الأـعـمـالـ إـلـىـ اللهـ تـعـالـىـ زيـارتـ قـبـرـ الحـسـيـنـ(عليـهـ السـلـامـ)، وـأـفـضـلـ الـأـعـمـالـ عـنـدـ اللهـ إـدـخـالـ السـرـورـ عـلـىـ الـمـؤـمـنـ، وـأـقـرـبـ ماـ يـكـونـ العـبـدـ إـلـىـ اللهـ تـعـالـىـ هوـ سـاجـدـ باـكـ»<sup>١١</sup>;

حضرـتـ ابـي عبدالله(عليـهـ السـلـامـ) فـرـمـوـدـنـدـ: مـحـبـوبـ تـرـينـ اـعـمـالـ نـزـدـ حـقـ تـعـالـىـ زيـارتـ قـبـرـ حـضـرـتـ حـسـيـنـ(عليـهـ السـلـامـ) بـوـدـهـ وـ بـرـتـرـينـ اـعـمـالـ نـزـدـ اوـ جـلـ وـ عـلـىـ، اـدـخـالـ سـرـورـ وـ شـادـىـ بـرـ مـؤـمـنـ اـسـتـ وـ نـزـدـيـكـ تـرـينـ حـالـتـ بـنـدـهـ بـهـ خـداـ، حـالـتـ بـنـدـهـ اـیـ اـسـتـ کـهـ درـ حـالـ سـجـودـ بـدـرـگـاهـ الـهـیـ گـرـیـانـ باـشـدـ».

«عن أبي خديجة، قال: قلت لـابـي عبدالله(عليـهـ السـلـامـ): ماـ يـلـغـ منـ زيـارتـ قـبـرـ الحـسـيـنـ(عليـهـ السـلـامـ)؟ قال: أـفـضـلـ ماـ يـكـونـ منـ الـأـعـمـالـ»<sup>١٢</sup>;

---

.١٠-کامل الزیارات، ص 276، ح 431؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 499؛ بحار الانوار، ج 98، ص 49.

.١١- کامل الزیارات، ص 277، ح 434؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 499.

.١٢- کامل الزیارات، ص 277، ح 435؛ بحار الانوار، ج 98، ص 49.

ابی خدیجه می گوید: محضر مبارک حضرت ابی عبدالله(علیه السلام) عرض کردم: از زیارت قبر حضرت امام حسین(علیه السلام) چه چیز به ما می رسد و عائدمان می گردد؟ حضرت فرمودند: افضل و برترین اعمال است».

«أبو خديجه عن أبي عبدالله(عليه السلام) قال: إن زيارـة الحسين(عليه السلام) أفضـل ما يكون من الأعـمال؛<sup>١٣</sup>

ابو خدیجه گفت: حضرت ابو عبدالله(علیه السلام) فرمودند: زیارت امام حسین(علیه السلام) افضل و برترین اعمال می باشد».

«عن معاوية بن وهب قال: استأذنت عن أبي عبدالله(عليه السلام) فقيل لي: أدخل، فدخلت فوجدته في مصلاه في بيته، فجلست حتى قضى صلاته فسمعته، وهو ينادي ربه ويقول: «يا من خصنا بالكرامة؛ وخصنا بالوصية؛ ووعدنا بالشفاعة؛ وأعطانا علم ما مضى وعلم ما بقى؛ وجعل أفتئه من الناس تهوى إلينا، أغرى ولي ولكنه ولزوال قبر أبي [عبد الله]؛ الحسين(عليه السلام)، الذين أنفقوا أموالهم وأشحروا أبدانهم رغبةً في برنا، ورجاءً لما عندك في صلتنا، وسروراً أدخلوه على نبيك صلواتك عليه وآلـه، وإجابةً منهم لأمرنا، وغيظاً أدخلوه على عدوـنا، أرادوا بذلك رضاك، فكافـهم عـنا بالرـضوان، وـاكـلـهم بالـليل والـنهار، وـاخـلفـ على أـهـاليـهم وأـولـادـهمـ الذينـ خـلـقـواـ بـأـحـسـنـ الـخـلـفـ وـاصـحـبـهمـ، وـاكـفـهمـ شـرـ كـلـ جـبارـ عنـيـدـ؛ وـكـلـ

---

. ١٣- كامل الزيارات، ص 278، ح 436؛ موسوعه احاديث اهل البيت (عليهم السلام)، ج 1، ص 381.

ضعيف من خلقك وشديد، وشرّ شياطين الإنس والجنّ، واعطهم أفضل ما أملوا منك  
في غربتهم عن أوطانهم، وما آثروا به على أبنائهم وأهاليهم وقرباتهم.  
اللّهم إِنَّ أَعْدَاءَنَا عَابُوا عَلَيْهِمْ خَرْوَجَهُمْ، فَلَمْ يَنْهَمُ ذَلِكَ عَنِ الشَّخْصِ إِلَيْنَا خَلَافًا  
مِنْهُمْ عَلَى مَنْ خَالَفُنَا، فَارْحَمْ تَلْكَ الْوِجْهَاتِ الَّتِي غَيَّرَتْهَا الشَّمْسُ، وَارْحَمْ تَلْكَ الْخَدْوَدَ  
الَّتِي تَقْلِبَتْ عَلَى حَفْرَةِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، وَارْحَمْ تَلْكَ الْأَعْيْنِ الَّتِي  
جَرَتْ دَمَوْعَهَا رَحْمَةً لَنَا، وَارْحَمْ تَلْكَ الْقُلُوبِ الَّتِي جَزَعَتْ وَاخْتَرَقَتْ لَنَا، وَارْحَمْ تَلْكَ  
الصَّرْخَةِ الَّتِي كَانَتْ لَنَا، اللّهم إِنِّي أَسْتَوْدُعُكَ تَلْكَ الْأَنْفُسِ وَتَلْكَ الْأَيْدَانَ حَتَّى  
نُوَافِيْهِمْ عَلَى الْحَوْضِ يَوْمَ الْعَطْشِ [الْأَكْبَرُ].

فما زال (عليه السلام) وهو ساجدٌ يدعو بهذا الدعاء، فلما انصرف قلت: جعلت فداك  
لو أنّ هذا الذي سمعت منك كان لمن لا يعرف الله عزّ وجلّ لظننت أنّ النار لا تطعم  
منه شيئاً!! والله لقد تمنيت أنّي كنت زرتـه ولم أحـجـ، فقال لي: ما أقربـكـ منهـ؛ فـما  
الـذـي يـمـنـعـكـ منـ إـتـيـانـهـ؟ ثمـ قالـ: ياـ مـعـاوـيـةـ لمـ تـدـعـ ذـلـكـ، قـلـتـ: جـعـلـتـ فـدـاكـ لمـ أـدـرـ  
أنـ الـأـمـرـ يـبـلـغـ هـذـاـ كـلـهـ؟ فـقـالـ: ياـ مـعـاوـيـةـ [وـمـنـ يـدـعـ لـزـوـارـهـ فـيـ السـمـاءـ أـكـثـرـ مـنـ  
يـدـعـ لـهـمـ فـيـ الـأـرـضـ]؛<sup>١٤</sup>

معاوية بن وهب مى گويد: اذن خواستم که بر امام صادق(عليه السلام) داخل  
شوم، به من گفته شد که داخل شو، پس داخل شده آن جناب را در محلّ

---

14- الكافي، ج 4، ص 583؛ وسائل الشيعة، ج 14، ص 411.

نمازشان یافتم، پس نشستم تا حضرت نمازشان را تمام کردند، پس شنیدم که با پروردگارشان مناجات نموده و می گفتند: بار خدایا، ای کسی که ما را اختصاص به کرامت داده و مختص به وصیت نمودی (یعنی ما را وصی پیامبرت قرار دادی) وعده شفاعت دادی و و علم به گذشته و آینده را به ما عطا فرمودی، و قلوب مردم را مایل به طرف ما نمودی، من و برادران و زائرین قبر پدرم حسین(علیه السلام) را بیامز، آنان که اموالشان را انفاق کرده و ابدانشان را به سختی انداخته به جهت میل و رغبت در احسان به ما و به امید آنچه در نزد تست به خاطر صله و احسان به ما و به منظور ادخال سرور بر پیغمبرت و به جهت اجابت کردنشان فرمان ما را و به قصد وارد نمودن خشم بر دشمنان ما.

اینان اراده و نیّتشان از این ایثار تحصیل رضا و خشنودی تو است پس تو هم از طرف ما این ایثار را جبران کن و به واسطه‌ی رضوان احسانشان را جواب گو باش و در شب و روز حافظ و نگاهدارشان بوده و اهل و اولادی که از ایشان باقی مانده اند را بهترین جانشینان قرار بده و مراقب و حافظشان باش و شر و بدی هر ستمگر عنود و منحرفی را از ایشان و از هر مخلوق ضعیف و قوی خود کفایت نما و ایشان را از شر شیاطین انسی و جنی حفظ فرما و عطا کن به ایشان برترین چیزی را که در دور بودنشان از اوطان خویش از تو آرزو کرده اند و نیز به ایشان ببخش برتر و بالاتر از آنچه را که به واسطه اش ما را بر فرزندان و اهل و نزدیکانشان اختیار کردند، بار خدایا دشمنان ما به واسطه‌ی خروج بر ایشان آنان را مورد ملامت و سرزنش قرار دادند ولی این حرکت دشمنان، ایشان را از

تمایل به ما باز نداشت و این ثبات آنان از باب مخالفت‌شان است با مخالفین ما، پس تو این صورت هائی که حرارت آفتاب آنها را در راه محبت ما تغییر داده مورد ترجم خودت قرار بده و نیز صورت هایی را که روی قبر ابی عبدالله الحسین(علیه السلام) می گذارند و بر می دارند مشمول لطف و رحمت بگردان و همچنین به چشم هائی که از باب ترجم بر ما اشک ریخته اند نظر عنايت فرما و دل هائی که برای ما به جزع آمده و به خاطر ما سوخته اند را ترجم فرما، بار خدایا به فریادهائی که به خاطر ما بلند شده برس، خداوندا من این بدن ها و این ارواح را نزد تو امانت قرار داده تا در روز عطش اکبر که بر حوض کوثر وارد می شوند آنها را سیراب نمائی.

و پیوسته امام(علیه السلام) در سجده این دعا را می خوانندند و هنگامی که از آن فارغ شدند عرض کردم: فدایت شوم این فقرات و مضامین ادعیه ای که من از شما شنیدم اگر شامل کسی شود که خداوند عزّ و جلّ را نمی شناسد گمانم این است که آتش دوزخ هرگز به آن فائق نیاید! به خدا سوگند آرزو دارم آن حضرت (حضرت امام حسین(علیه السلام)) را زیارت کرده ولی به حج نروم.

امام(علیه السلام) به من فرمودند: چقدر تو به قبر آن جناب نزدیک هستی، پس چه چیز تو را از زیارت‌ش باز می دارد؟

سپس فرمودند: ای معاویه زیارت آن حضرت را ترک مکن.

عرض کردم: فدایت شوم نمی دانستم که امر چنین بوده و اجر و ثواب آن این مقدار است.

حضرت فرمودند: ای معاویه کسانی که برای زائرین امام حسین(علیه السلام) در آسمان دعا می کنند، به مراتب بیشتر هستند از آنانکه در زمین برای ایشان دعا و ثنا می نمایند» – پایان حدیث

## آثار زیارت<sup>۱۵</sup> سیدالشہدا امام حسین(علیه السلام) در کلام معصومین(علیهم السلام)

۱- انسان مؤمن همواره در صدد آن است کاری را انجام دهد، که خداوند متعال او و آبرو و اموالش را حفظ کند و سعادتمند باشد.

«عن عبد الله بن هلال، عن أبي عبد الله(عليه السلام) قال: قلت له: جعلت فداك ما أدنى لزائر قبر الحسين(عليه السلام)؟ فقال لي: يا عبد الله إنَّ أدنى ما يكون له أنَّ الله يحفظه في نفسه وأهله حتى يرده إلى أهله، فإذا كان يوم القيمة كان الله الحافظ

لله؛<sup>۱۶</sup>

عبدالله بن هلال، می گوید: محضر امام(عليه السلام) عرض کرد: فدایت شوم کمترین ثواب و اجری که برای زائر قبر حضرت امام حسین(عليه السلام)می باشد

---

۱۵- زیارت از ریشه «زور» به فتح، به معنای قصد و میل است و در لغت به معنای دیدار کردن با قصد را گویند که در ریشه این واژه مفهوم میل و قصد نهفته است، گویی زائر از دیگران رو بر تافتة و به سوی زیارت شونده گرایش و تمایل یافته. ریشه «زور» در قرآن چهار بار به صورت «زرتهم، تزاور، الزور، زوراً» آمده است به طور مثال در سوره تکاثر، آیه ۲ می فرماید: (هَنَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِر). زیارت در عرف شیعه، به معنای حضور در پیشگاه شخص با جسم و جان، همراه با توجه قلبی و حضور دل نسبت به اولیای خدا است و زیارت جزء اعمال پسندیده و از سنت های بر جسته است که از معصومین(عليهم السلام)احادیث فراوانی در باب سفارش به زیارت وارد شده و این تأکید به زیارت تا حدی اشاعه داشته که محدثان بزرگ با جمع آوری احادیث زیارت، کتبی را تألیف نمودند که از باب نمونه می توان به کتاب «کامل الزیارات» ابن قولویه(رحمه الله)، کتاب مزار، وسائل الشیعه حر عاملی(رحمه الله)، مصباح ابن طاووس(رحمه الله)، مزار بن مشهدی(رحمه الله)، کفعمی و... اشاره کرد.

۱۶- کامل الزیارات، ص 382، ح 255؛ مستدرک الوسائل، ج 10، ص 240.

چیست؟ حضرت فرمودند: ای عبدالله! کمترین پاداشی که برای او است اینکه: خداوند متعال خود و اهلش را حفظ کرده تا به خویشانش بازگردد و وقتی روز قیامت شد خداوند متعال حافظ او خواهد بود».

۲- زیارت سیدالشہدا(علیه السلام) آنگونه فضیلت دارد، که امام صادق(علیه السلام) آن را برابر با دیدار خدا در عرش می داند.

«عن زيد الشحام قال: قلت لأبي عبدالله(عليه السلام): ما لمن زار قبر الحسين(عليه السلام)? قال: كان كمن زار الله في عرشه، قال: قلت: ما لمن زار احداً منكم؟ قال: كمن زار رسول الله(صلى الله عليه وآله);<sup>۱۷</sup>

زید بن شحام گوید: به امام صادق(علیه السلام) عرض کردم: زائر امام حسین(علیه السلام) در نزد پروردگار دارای چه مقام و منزلتی است؟ امام(علیه السلام) فرمودند: «همانند کسی است که خدا را در عرش دیدار نموده باشد». گفتم: برای کسی که یکی از شما را زیارت کند چه می باشد؟ فرمود: «همانند کسی است که رسول خدا(صلى الله عليه وآله) را زیارت نموده است».

۳- دفع پریشانی و قضای حاجات، خواسته هر فرد مؤمن است، که از فضل خداوند متعال زیارت سیدالشہدا(علیه السلام) چنین آثاری را دارد.

«عن فضیل بن یسار قال: قال أبو عبدالله(عليه السلام): إنَّ إِلَى جانبکم قبراً مَا أَتَاهُمْ مکروب إِلَّا نَفْسُ اللهِ كربته، وقضى حاجته;<sup>۱۸</sup>

---

۱۷-کامل الزیارات، ص 437، ح 278؛ منهج الصالحين، ج 1، ص 363

فضیل بن یسار می گوید: حضرت ابو عبدالله(علیه السلام) فرمودند: نزد شما قبری است که هیچ محزون و اندوه‌گینی آن را زیارت نمی کند، مگر آن که حق تعالی حزن و اندوهش را برطرف کرده و حاجتش را روا می سازد».

«عن أبي الصبّاح الكنانى قال: سمعت أبا عبد الله(عليه السلام) يقول: إنَّ إِلَى جانبِكَ قبراً ما أَتَاهُ مَكْرُوبٌ إِلَّا نَفْسُ اللَّهِ كَرِبَتْهُ، وَقَضَى حاجتَهُ، وَانْ عَنْهُ أَرْبَعَةُ آلَافٍ مَلَكٍ مِنْذَ [يَوْمٍ] قَبْضَ شَعْثَاً غَيْرًا يَبْكُونَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، فَمَنْ زَارَهُ شَيْعَوْهُ إِلَى مَأْمَنَهُ، وَمَنْ مَرْضَ عَادُوْهُ، وَمَنْ مَاتَ اتَّبَعُوا جَنَازَتَهُ»<sup>۱۹</sup>;

ابو صباح کنانی می گوید: شنیدم امام صادق(علیه السلام) فرمود: همانا نزد شما قبری است که هیچ فرد پریشانی نزد آن نمی رود، مگر آنکه خداوند از او پریشانی را دفع نموده و حاجتش را برآورده می نماید، و همانا در حریم کبریایی شهید کربلا چهار هزار فرشته هستند، که از هنگام شهادتش آشفته حال و غم آلود تا روز قیامت بر آن مصیبت عظمی می گریند. هر کس او را زیارت کند، وی را تا خانه اش بدرقه می کنند، و هر که مریض شود به عیادتش می روند، و هر که بمیرد جنازه اش را تشییع می کنند».

---

۱۸- کامل الزیارات، ص 312، ح 527؛ مستدرک الوسائل، ج 10، ص 238

۱۹- کامل الزیارات، ص 312، ح 528؛ و ص 350

«عن عبدالله بن مسکان قال: قال أبو عبدالله(عليه السلام): إن الله تبارك وتعالى يتجلّى لزوار قبر الحسين(عليه السلام) قبل أهل عرفات، ويقضى حوائجهم، ويفرّ ذنوبهم، ويسعّهم في مسائلهم، ثم يشّنّي بأهل عرفات فيفعل بهم ذلك»<sup>۲۰</sup>؛  
 امام صادق(عليه السلام) فرمود: به درستی که خدای تبارک و تعالی، قبل از اهل عرفات، برای زائران قبر حسین(عليه السلام) تجلی می نماید، حوايج آنان را بر آورده می کند، گناهانشان را آمرزیده و درخواستهایشان را به اجابت مقرون می سازد، و سپس متوجه اهل عرفات شده و در مورد آنان نیز این گونه عمل می کند».

۴- زیارت امام حسین(عليه السلام) بابی از ابواب فضل الهی است که باعث افزایش رزق، طول عمر و دفع بلایا و... می شود.

«عن عبدالملک الخثعمی عن أبي عبدالله(عليه السلام) «قال: قال لي: يا عبدالملک لا تدع زيارة الحسين بن علي(عليه السلام) و مُر أصحابك بذلك، يمد الله في عمرك، ويزيد الله في رزقك، ويحييك الله سعيداً، ولا تموت إلا سعيداً، ويكتبك سعيداً»<sup>۲۱</sup>؛  
 امام صادق(عليه السلام) به عبدالملک خثعمی فرمود: زیارت حسین بن علی(عليه السلام) را ترک مکن و دوستانت را نیز به آن فرمان بد، تا خداوند بر عمرت افروده و روزیت را زیاد گرداند. خداوند سبحان زندگانی تو را در سعادت قرار

۲۰- کامل الزيارات، ص 309، ح 522؛ وسائل الشیعه، ج 10، ص 363.

۲۱- کامل الزيارات، ابن قولويه(رحمه الله)، ص 286، ح 461؛ بحار الانوار، ج 98، ص 47.

خواهد داد، و نمی میری مگر سعادتمند، و نام تو را در سلک سعادتمندان خواهند نوشت».

«عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر(عليه السلام) قال: إنَّ الحسينَ صاحبَ كربلاَ قُتِلَ مظلوماً مكروباً عطشاناً لهفاناً، وحقٌّ على الله عزٌّ وجلٌّ أن لا يأتيه لهفان، ولا مكروب ولا مذنب ولا مغموم ولا عطشان ولا ذوعاهة ثمْ دعا عنده وتقرّب بالحسين(عليه السلام)إلى الله عزٌّ وجلٌّ إلَّا نفسُ الله كربته، وأعطاه مسألته، وغفر ذنبه ومدّ في عمره، وبسط في رزقه، فاعتبروا يا أولى الأ بصار؛<sup>۲۲</sup>

محمد بن مسلم گفت: امام باقر(عليه السلام) فرمودند: امام حسین(عليه السلام) در حالی به شهادت رسید که مظلوم، تشنه و به خود می پیچید و بر پروردگار متعال است که زائر امام حسین(عليه السلام) و اگر شخصی گنه کار، غم دیده تشنه باشد و در نزد قبر امام حسین(عليه السلام) دعا کند و به واسطه امام حسین(عليه السلام) به پروردگار متعال تقرب بجويد، بر نمی گردد، مگر آنکه خداوند حاجتش را به او بدهد و گناهانش را ببخشد و عمرش را طولانی کند و توسعه در روزیش بدهد، ای صاحبان خرد عبرت بگیرید».

۵- شیطان همواره در کمند انسان است، و مؤمنین سعی می کنند از وسوسه شیطان، رهایی یابند. اما گاهی القاءات شیطان بر انسان اثر می کند و لغزش صادر شود و یکی از بهترین وسائل آمرزش گناه زیارت سیدالشهدا(عليه السلام) است.

---

۲۲- بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۴۶ با اندکی اختلاف؛ کامل الزیارات، ص ۳۱۳، ح ۵۳۱

«عن محمد بن مسلم، عن أبي عبدالله(عليه السلام) – في حديث – قال: ومن زار قبر الحسين(عليه السلام) عارفاً بحقه، كتب الله له ثواب ألف حجة مقبولة، وغفر له ما تقدم من ذنبه وما تأخر»<sup>٢٣</sup>؛

محمد بن مسلم نقل می کند از امام صادق(عليه السلام) که فرمود: هر کس قبر امام حسین(عليه السلام) را زیارت کند در حالی که عارف به حق او باشد خداوند ثواب هزار حج مقبول را بر او ثبت می کند و گناهان قبل و بعد او را می بخشد». «عن ابن مسكان، عن أبي عبدالله(عليه السلام) قال: من أتى قبر الحسين(عليه السلام) عارفاً بحقه غفر [الله] له ما تقدم من ذنبه و ما تأخر»<sup>٢٤</sup>؛

ابن مسكان می گوید: حضرت ابی عبدالله(عليه السلام) فرمودند: کسی که به زیارت قبر حضرت امام حسین(عليه السلام) رود، در حالی که به حق آن جناب عارف باشد، خداوند متعال گناهان گذشته و آینده او را می آمرزد».

«عن مثنى الحناط، عن أبي الحسن موسى ابن جعفر(عليه السلام) قال: سمعته يقول: من أتى قبر الحسين(عليه السلام) عارفاً بحقه، غفر [الله] له ما تقدم من ذنبه و ما تأخر»<sup>٢٥</sup>؛

٢٣ - وسائل الشيعة، ج 14، ص 446؛ المالی، طوسی، ص 215.

٢٤ - الجوهر الكلام، ج 20، ص 97؛ الكافی، ج 4، ص 582.

٢٥ - کامل الزيارات، ص 401؛ ثواب الاعمال، ص 85.

مثنی حناط گفت: از حضرت موسی بن جعفر(علیه السلام) شنیدم که می فرمودند: کسی که به زیارت قبر حسین(علیه السلام) رود در حالی که به حق آن حضرت عارف باشد خداوند متعال گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد».

«عن جابر الجعفی قال: قال أبو عبد الله(عليه السلام) - في حديث طويل - فإذا انقلبت من عند قبر الحسين(عليه السلام) ناداك مناد لو سمعت مقالته لأقمت عمرك عند قبر الحسين(عليه السلام) وهو يقول: طوبى لك أيها العبد؛ قد غنمتم وسلمتم، قد غُفرلك ماسلف فاستأنف العمل - وذكر الحديث بطوله - <sup>٢٦</sup>».

جابر جعفی گفت: امام صادق(علیه السلام) فرمودند: «چون از نزد قبر حسین(علیه السلام) بازگشتی، ندا کننده ای تو را ندا می دهد که اگر آن را می شنیدی، حاضر بودی تمام عمر را نزد قبر شریف حسین(علیه السلام) اقامت می گردی. آن منادی گوید: خوشابه حال تو ای بندۀ خدا، که سود فراوان بردی و به سلامت (در دین) دست یافتنی. عمل از سرگیر که گناهان گذشته ات آمرزیده شد».

6- یکی از نعمتهاایی که خداوند متعال به زائر امام حسین(علیه السلام) داده؛ آن است که ایام زیارت سیدالشهدا(علیه السلام) جزء عمر انسان حساب نمی شود و نظر الهی به اوست.

---

26- کامل الزیارات، ص 288، ح 465؛ مستدرک الوسائل، ج 10، ص 248.

«عن أبي الحسن الرضا، عن أبيه (عليه السلام) قال: قال أبو عبدالله جعفر بن محمد الصادق (عليهما السلام): إنّ أيام زائرى الحسين (عليه السلام) لا تحسب من أعمارهم ولا تعدّ من آجالهم»<sup>٢٧</sup>

حضرت ابى الحسن الرضا (عليه السلام) از پدر بزرگوارشان نقل نمود که ابو عبدالله جعفر بن محمد الصادق (عليه السلام) فرمودند: ایام زیارت حضرت امام حسین (عليه السلام) جزء عمر زائر شمرده نشده و از اجلسان محسوب نمی گردد».  
«عن أبي عبدالله (عليه السلام) قال: إنّ الله تبارك و تعالى يبدأ بالنظر إلى زوار قبر الحسين (عليه السلام) عشيّه عرفة، قال: قلت: قبل نظره لأهل الموقف؟ قال: نعم، قلت: كيف ذلك؟ قال: لأنّ في أولئك أولاد زنا؛ وليس في هؤلاء أولاد زنا»<sup>٢٨</sup>  
حضرت ابى عبدالله (عليه السلام)، فرمودند: خداوند تبارک و تعالی عصر روز عرفه ابتداء به زوار قبر مطهر حضرت امام حسین (عليه السلام) نظر می کند. راوی می گوید: محضر مبارکش عرض کرد: قبل از نظر نمودن به اهل موقف (حاجی ها)؟ حضرت فرمودند: بله.

---

٢٧ - كامل الزيارات، ص 391، ح 259؛ جامع احاديث الشيعة، ج 12، ص 382.

٢٨ - كامل الزيارات، ص 317، ح 538؛ معانی الاخبار، ص 392؛ جامع احاديث الشيعة، ج 12، ص

عرض کردم: چرا این طور است؟ حضرت فرمودند: زیرا در بین حاجی‌ها زنزاوده وجود داشته، ولی در میان زائرین قبر مطهر آن حضرت ابدًا زنزاوده نمی‌باشد».

7- کمترین چیزی که به زائر امام حسین(علیه السلام) عنايت می‌شود مصون ماندن از بلایا است، و همچنین در آخرت در ظل الطاف خداوند متعال قرار می‌گیرد.

«عن محمد بن مسلم، عن أبي جعفر(عليه السلام) قال: مروا شيعتنا بزيارة قبر الحسين(عليه السلام) فإن إتيانه يزيد في الرزق، ويمد في العمر، ويدفع مداعف السوء، وإتيانه مفروض على كل مؤمن يقر للحسين بالإمامية من الله»<sup>۲۹</sup>.

محمد بن مسلم می‌گوید: امام باقر(عليه السلام) فرمودند: شیعیان ما را به زیارت قبر سیدالشهدا(عليه السلام) امر کنید، اگر به زیارت مشرف شوند روزی آن‌ها زیاد و عمرشان طولانی خواهد شد، خداوند سوء (بدی‌ها) را از آنها دفع خواهد کرد و رفتن به زیارت سیدالشهدا(عليه السلام) بر هر مؤمنی که اقرار بر امامت امام حسین(عليه السلام) کند واجب شده است».

8- انسان در جستجوی خیر و برکت است. زائر امام حسین(عليه السلام) مورد اکرام خداوند قرار می‌گیرد:

---

۲۹- وسائل الشیعه، ج 10، ص 346؛ بحار الانوار، ج 98، ص 4.

«عن عبدالله الطحان، عن أبي عبدالله(عليه السلام) قال: سمعته يقول: ما من أحد يوم القيمة إلاّ وهو يتمنى أنّه زوار الحسين بن على(عليهما السلام) لما يرى لما يصنع بزوار الحسين بن على من كرامتهم على الله»<sup>٣٠</sup>؛  
امام صادق(عليه السلام) فرمود: در روز قیامت نیست کسی، مگر آنکه آرزو کند  
زائر امام حسین(عليه السلام) می بود به واسطه اکرامی که خداوند متعال بر زوار  
امام حسین(عليه السلام) می کند».

«عن صالح بن میثم، عن أبي عبدالله(عليه السلام) قال: من سره أن يكون على موائد النور يوم القيمة، فليكن من زوار الحسين بن على(عليهما السلام);»<sup>٣١</sup>؛  
امام صادق(عليه السلام) فرمود: اگر کسی می خواهد در روز قیامت بر سفره های نورانی قرار گیرد، پس بوده باشد از زوار امام حسین(عليه السلام)».«عن ابی اسامه، عن ابی عبدالله(عليه السلام) قال: من أراد أن يكون في جوار نبیه وجوار على وفاطمة فلا يدع زيارة الحسين(عليهم السلام);»<sup>٣٢</sup>؛  
امام صادق(عليه السلام) فرمود: اگر کسی می خواهد در جوار پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآلہ و علی بن ابی طالب و فاطمه زهرا(عليهم السلام) باشد، زیارت امام حسین(عليه السلام) را ترک نکند».

---

. ٣٠- کامل الزیارات، ص 388، ح 258؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 424.

. ٣١- کامل الزیارات، ص 389، ح 258؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 424.

. ٣٢- کامل الزیارات، ص 392، ح 260.

۹- امام صادق(عليه السلام) در ضمن بیان فضائل و آثار پر خیر و برکت زیارت قبر سبط نبی اعظم(عليه السلام)، زیارت آن حريم ملکوتی را مساوی با حج بیت الله الحرام دانسته و در ادامه می فرماید: «نام زائر سیدالشہدا(عليه السلام) در اعلى علیین ثبت شده و در دریای رحمت الهی غرق می شود و همواره دعای معصومین(عليهم السلام) بدرقه راهش خواهد بود».

«عن زید الشحام، عن أبي عبدالله(عليه السلام) قال: زيارة الحسين(عليه السلام) تعد عشرین حجّة، وأفضل من عشرین حجّة»<sup>۳۳</sup>؛

زید شحام گفت: حضرت ابی عبدالله(عليه السلام) فرمودند: زیارت امام حسین(عليه السلام): معادل بیست حج بلکه برتر از بیست حج می باشد».

«عن ابن مسکان، عن أبي عبدالله(عليه السلام) قال: من أتى قبر الحسين(عليه السلام) عارفاً بحقه، غفر [الله] له ما تقدم من ذنبه وما تأخر»<sup>۳۴</sup>؛

ابن مسکان می گوید: حضرت فرمودند: کسی که به زیارت قبر حضرت امام حسین(عليه السلام) رود، در حالی که به حق آن جناب عارف باشد، خداوند متعال گناهان گذشته و آینده او را می آمرزد».

۳۳-کامل الزیارات، ص 302، ح 506

۳۴-کامل الزیارات، ص 264، ح 400

«محمد بن أبي جرير القمي» قال: سمعت أبا الحسن الرضا(عليه السلام) يقول لأبي:  
 من زار الحسين بن علي(عليهما السلام) عارفاً بحقه، كان من محدثي الله فوق عرشه،  
 ثم قرأ: ان المتقين في جنات ونهر في مقعد صدق عند مليك مقتدر;<sup>٣٥</sup>  
 محمد بن أبي جرير قمي گفت: از حضرت ابا الحسن الرضا(عليه السلام)شندید  
 که به پدرم می فرمودند: کسی که حضرت حسین بن علي(عليهما السلام) را زیارت  
 کند، در حالی که به حق آن حضرت عارف و آگاه باشد، از هم صحبت های حق  
 تعالی بالای عرش می باشد، سپس این آیه را قرائت فرمودند: (إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي  
 جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ \* فِي مَقْعُدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ).<sup>٣٦</sup>

(همانا اهل تقوی در باغ ها و کنار نهرها منزل گزینند، در منزل گاه صدق و  
 حقیقت نزد خداوند عزّت و سلطنت جاودانی متنعم می باشند).

«عن عبدالله بن مسکان، عن أبي عبدالله(عليه السلام)قال: من أتى قبر الحسين(عليه  
 السلام) كتبه الله في عليين»<sup>٣٧</sup>

امام صادق(عليه السلام) فرمود: هر کس به زیارت قبر حسین(عليه السلام) برود،  
 در حالی که عارف به حق او باشد، خداوند نام او را در اعلی علیین می نویسد».

. ٣٥-كامل الزیارات، ص 268، ح 414؛ سوره قمر، آیه ٥٤ - ٥٥.

. ٣٦- قمر، آیه ٥٤ - ٥٥.

. ٣٧-كامل الزیارات، ص 280، ح 441؛ وسائل الشیعه، ج 10، ص 330.

«عن عبدالله بن ميمون القداح، عن أبي عبدالله عليه السلام قال: قلت له: ما لمن أتي قبر الحسين عليه السلام زائراً عارفاً بحقه غير مستنكف ولا مستكبر؟ قال: يكتب له ألف حجة وألف عمرة مبرورة، وان كان شقياً كتب سعيداً، ولم يزل يخوض في رحمة الله عزّ وجلّ»<sup>٣٨</sup>.

از امام صادق عليه السلام پرسیدند: ثواب کسی که قبر امام حسین عليه السلام را زیارت کند، در حالی که کبر و غرور نداشته باشد، چیست؟ فرمود: برایش هزار عمره و حج مقبول نوشته می شود. اگر شقی باشد، سعید نوشته می گردد، و پیوسته در رحمت الهی غوطه‌هور خواهد بود».

«عن معاوية بن وهب، عن أبي عبدالله عليه السلام قال: قال لي: يا معاوية لا تدع زيارة الحسين عليه السلام لخوف، فإن من تركه رأى من الحسرة ما يتمنى أن قبره كان عنده، أما تحب أن يرى الله شخصك وسوادك فيما يدعوه له رسول الله صلى الله عليه وآله وعلی وفاطمة والائمة عليهم السلام؟ أما تحب أن تكون ممن ينقلب بالغفرة لما مضى ويغفر له ذنوب سبعين سنة؟ أما تحب أن تكون ممن يخرج من الدنيا وليس عليه ذنب تتبع به؟ أما تحب أن تكون غداً ممن يصافحه رسول الله صلى الله عليه وآله؟»<sup>٣٩</sup>

---

٣٨-كامل الزيارات، ص 426، ح 274؛ جامع احاديث الشيعه، ج 12، ص 399؛ وسائل الشيعه، ج 14،

ص 454

٣٩-كامل الزيارات، ص 230، ح 338؛ بحار الانوار، ج 98، ص 9 و 53.

معاویه بن وهب، گفت: حضرت امام صادق(علیه السلام) فرمودند:

ای معاویه، به خاطر خوف و هراس زیارت [قبیر] امام حسین(علیه السلام) را ترک مکن، زیرا کسی که زیارت آن حضرت را ترک کند، چنان حسرتی ببیند که تمّنا و آرزو کند قبر آن جناب نزدش باشد، آیا دوست نداری که خداوند متعال تو را در زمرة کسانی محسوب کند، که رسولش(صلی الله علیه وآلہ) و حضرت علی و فاطمه و ائمّه(علیهم السلام) برایش دعا می کنند؟

آیا دوست نداری از کسانی باشی که گناهان گذشته ات آمرزیده شده و برای گناهان هفتاد سال بعد طلب غفران برایت کنند؟

آیا دوست نداری از کسانی باشی که از دنیا خارج می شوند، در حالی که گناهی قابل مواجهه ندارند؟

آیا دوست نداری فردای قیامت از کسانی باشی، که رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ) با آنها مصافحه می کند؟

10- عذاب قبر و قیامت و آتش جهنم از مسلمات و ارکان مهم دین است، و براساس آیات و روایات وقوع آن حتمی است، به همین لحاظ انسان مؤمن همواره در پی دفع این عقوبت سخت است، و طبق روایات یکی از بهترین طرق رهایی از این بلاایا زیارت حضرت ابا عبدالله الحسین(علیه السلام) است، که ضامن سلامتی و امان از عذاب در قبر و قیامت خواهد بود.

«عن أبي بصير قال: سمعت أبا عبدالله؛ أو أبا جعفر(عليهما السلام) يقول: من أحبّ

أن يكون مسكنه الجنة ومؤاوه الجنّة فلا يدع زيارة المظلوم، قلت: من هو؟ قال:

الحسين بن علي(عليهما السلام) صاحب كربلا، من أتاه شوقاً إليه وحباً لرسول الله وحباً لفاطمة وحباً لأمير المؤمنين، أقعده الله على موائد الجنة، يأكل معهم والناس في الحساب؛<sup>٤١٤٠</sup>

ابی بصیر می گوید: از امام صادق(عليه السلام) یا امام باقر(عليه السلام)شنیدم که می فرمود: کسی که دوست دارد مسکن و جایگاهش در بهشت باشد باید زیارت مظلوم را ترک کند.  
عرض کردم: مظلوم کیست؟

حضرت فرمودند: مظلوم حضرت حسین بن علي(عليهما السلام) بوده که صاحب کربلاء می باشد، کسی که از روی شوق به آن حضرت و به جهت محبت به رسول خدا(صلی الله علیه وآل‌ه) و به فاطمه زهرا(عليها السلام) و به امیرالمؤمنین(عليه السلام) به زیارت آن حضرت برود، خداوند متعال او را برابر سفره های بهشتی می نشاند، که با رسول خدا و فاطمه زهرا(عليها السلام) و امیرالمؤمنین(عليه السلام) هم غذا باشد، در حالی که مردم در حال حساب می باشند».

---

٤٠- کامل الزیارات، ص 261، ح 393؛ ص 269، ح 416؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 496.

٤١- ابن قولویه روایت مذکور را دوبار به مضمون و الفاظ واحد، اما با اختلاف طرق ذکر کرده است. در مورد اول، روایت را به استناد شیخ صدوق(رحمه الله) در ص 261، باب 52، ح 393، از ابی بصیر به نقل از امام باقر یا صادق(عليه السلام) ذکر کرده، در مورد دوم، روایت را به استناد پدرش «محمد بن قولویه» در ص 269، باب 56، ح 416 به همان ترتیب ذکر کرده است.

«عن عبدالله بن زراره قال: سمعت أبا عبدالله(عليه السلام)يقول: إنّ لزوار الحسين بن علي(عليهما السلام) يوم القيمة فضلاً على الناس، قلت: وما فضلهم؟ قال:

يدخلون الجنة قبل الناس بأربعين عاماً وسائر الناس في الحساب وال موقف؛<sup>٤٢</sup>

عبدالله بن زراره می گوید: از حضرت ابوعبدالله(عليه السلام) شنیدم که می فرمودند: در روز قیامت برای زوار حسین بن علي(عليهما السلام) بر سایر مردم فضیلت و برتری می باشد.

عرض کردم: فضیلتشان چیست؟

حضرت فرمودند: چهل سال قبل از آنها به بهشت داخل می شوند، در حالی که مردم در حساب و موقف می باشند».

«عن حذيفة بن منصور قال: قال أبو عبدالله(عليه السلام): من زار قبر الحسين(عليه السلام) الله وفي الله، اعتقه الله من النار وآمنه يوم الفزع الأكبر، ولم يسأل الله تعالى حاجة من حوائج الدنيا والآخرة إلا أعطاه»<sup>٤٣</sup>

حذيفة بن منصور می گوید: حضرت ابوعبدالله(عليه السلام) فرمودند: کسی که قبر حضرت امام حسین(عليه السلام) را قربة الى الله و برای خدا زیارت کند، حق تعالی او را از آتش جهنم آزاد نموده و روز فزع اکبر او را در امان قرار می دهد و

---

. ٤٢-کامل الزیارات، ص 262 ح 395؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 425

. ٤٣-کامل الزیارات، ص 276 ح 430؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 499

حاجتی از حوائج دنیا و آخرت را از خداوند نخواسته، مگر آنکه باری تعالیٰ به  
وی اعطاء می فرماید».

«عن ابی اسامة زید الشحام قال: سمعت أبا عبد الله(عليه السلام) يقول: من أتى قبر  
الحسین(عليه السلام) تشوّقاً اليه كتبه الله من الامنین یوم القيامة، واعطی کتابه بیمینه،  
وكان تحت لواء الحسین(عليه السلام) حتّی یدخل الجنة، فیسكنه فی درجه ان الله  
سمیع علیم»<sup>۴۴</sup>.

زید شحام می گوید: از امام صادق(عليه السلام) شنیدم که فرمود: هرکس به  
زيارت قبر امام حسین(عليه السلام) برود، خداوند متعال او را جزء آمنین در روز  
قيامت قرار داده و نامه اعمالش را به دست راستش خواهد داد و زیر لواء امام  
حسین(عليه السلام) خواهد بود تا داخل بهشت شود و او را در جوار امام  
حسین(عليه السلام) جای دهد».

احادیث مؤثر در فضیلت و ثواب زیارت سیدالشہدا امام حسین(عليه السلام)،  
شامل زیارت شریفه عاشورا می باشد که به حول و قوه الهی در نظر است در این  
جزوه سند زیارت عاشورا مورد بررسی قرار گیرد ان شاء الله تعالیٰ.

---

۴۴-کامل الزیارات، ص 270، ح 418؛ وسائل الشیعه، ج 10، ص 388، ح 4.

## حديث زیارت عاشورا

شیخ طوسی(رحمه الله) در مصباح المتهجد در بخش زیارت امام حسین(علیه السلام) در روز عاشورا می فرماید:

«روی محمد بن اسماعیل بن بزیع، عن صالح بن عقبة، عن أبيه، عن أبي جعفر(علیه السلام) قال: من زار الحسين بن على(علیهما السلام) فی يوم عاشوراء [من المحرم]<sup>۴۵</sup> حتى يظل عنده باکیا، لقى الله عز وجل يوم <sup>۴۶</sup> يلقاء بثواب ألفی <sup>۴۷</sup> حجۃ وألفی عمرة وألفی غزوة، ثواب كل غزوة وحجۃ وعمرة كثواب من حج واعتبر وغزی مع رسول الله(صلی الله علیه وآلہ) ومع الائمه الراشدین».

محمد بن اسماعیل بن بزیع از صالح بن عقبة از پدرش (عقبة بن قیس) از حضرت ابی جعفر الباقر(علیه السلام)، روایت کرده که آن حضرت فرمودند: کسی که در روز عاشورا (روز دهم محرم الحرام) حضرت امام حسین(علیه السلام) را زیارت کند و روز را تا شب با حالتی گریان نزد آن حضرت بماند، روز قیامت خدا را ملاقات کند، در حالی که خداوند متعال ثواب دو هزار عمره و دو هزار مرتبه جهاد را به وی بدهد، ثواب هر حج و عمره و جهادی، همچون ثواب کسی است که حج و عمره و جهاد را در معیت رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ) و ائمه معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین) بجا آورده باشد».

۴۵- مطالب داخل گیومه متعلق به کامل الزیارات است.

۴۶- یوم القيمة .

۴۷- در کامل الزیارات «الفی الف حجۃ والفی الف عمرة و...» دارد.

«قال: قلت: جعلت فداك فما لمن كان في بعيد البلاد وأقاديه ولم يمكنه المصير إليه في ذلك اليوم؟ قال: إذا كان كذلك برب إلى الصحراء أو صعد سطحاً مرتفعاً في داره، وأواماً إليه بالسلام، واجتهد في الدعاء على قاتله وصلى بعده ركعتين، ول يكن ذلك في صدر النهار قبل أن تزول الشمس، ثم ليندب الحسين(عليه السلام) ويبيكه ويأمر من في داره ممن لا يتقيه بالبكاء عليه ويقيم في داره المصيبة بإظهار الجزع عليه، وليعز بعضهم بعضاً بمصابهم بالحسين(عليه السلام) وأنا الضامن لهم إذا فعلوا ذلك على الله تعالى جميع ذلك، قلت: جعلت فداك أنت الضامن ذلك لهم والزعيم؟ قال: أنا الضامن وأنا الزعيم لمن فعل ذلك».

علقمه می گوید: محضر مبارک امام پنجم(عليه السلام) عرضه داشتم: فدایت شوم، چه اجر و ثوابی است برای کسی که در شهرهای دوردست و بلاد غریب و بعيد بوده به طوری که برایش امکان ندارد در چنین روزی (روز عاشورا) به زیارت حضرت بشتابد؟

امام(عليه السلام) فرمودند: وی در چنین روزی به صحراء رفته یا به پشت بام بلندی در خانه اش بر آید و با سلام به حضرت اشاره کرده، سپس در نفرین بر قاتلان آن حضرت سعی و کوشش نموده و پس از آن دو رکعت نماز بخواند.

البته توجه داشته باشد که این زیارت (زيارة عاشورا) را قبل از ظهر آن روز انجام دهد، سپس برای امام حسین(عليه السلام) ندبه و گریه نموده و به کسانی که در خانه می باشند نیز امر نماید که برای آن حضرت بگریند و با اظهار جزع و

فرع بر آن جناب در خانه اش اقامه مصیبت نماید و لازم است برخی از آنها بعضی دیگر را نسبت به مصیبت حضرت ابا عبدالله الحسین(علیه السلام) تسلیت دهند و در صورتی که به این دستورهایی که داده شد عمل کنند، من ضامن می شوم که حق تعالی تمام ثواب هائی که ذکر شد را به ایشان اعطاء فرماید.

حضرت مبارکش عرض کرد: فدایت شوم شما برای ایشان ضامن این ثوابها می شوید؟

حضرت فرمودند: در صورتی که به دستورهای داده شده عمل کنند البته من ضامن آن می باشد».

«قلت: فكيف يعزى بعضاً؟ قال: تقولون: أعظم الله أجورنا بمصابينا بالحسين(عليه السلام) وجعلنا وإياكم من الطالبين بشاره مع وليه الإمام المهدي من آل محمد(عليهم السلام). وإن استطعت أن لا تنتشر يومك في حاجة فافعل فإنه يوم نحس لا تقضي فيه حاجة مؤمن، فإن قضيت لم يبارك له فيها ولم ير فيها رشدا، ولا يدخلن أحدكم لمنزله فيه شيئاً، فمن ادخر في ذلك اليوم شيئاً لم يبارك له فيما ادخره ولم يبارك له في أهله. فإذا فعلوا ذلك كتب الله تعالى لهم ثواب ألف حجة وألف عمرة وألف غزوة كلها مع رسول الله(صلى الله عليه وآلـه)، وكان له أجر وثواب مصيبة كل نبي ورسول ووصى وصديق وشهيد مات أو قتل منذ خلق الله الدنيا إلى أن تقوم الساعة»<sup>٤٨</sup>.

---

٤٨- المصباح المتهجد، ص 536، چاپ بیروت.

علقمه می گوید: محضر مبارک امام(علیه السلام) عرض کردم: اگر بعضی خواهند برخی دیگر را تسلیت بدهند چگونه و چه بگویند؟  
حضرت فرمودند: بگویند: اعظم الله اجورنا بمصابنا بالحسين(علیه السلام)، وجعلنا واياكم من الطالبين بشاره مع ولیه الامام المهدی من آل محمد صلوات الله عليهم<sup>۴۹</sup>.  
(خداؤند متعال اجرها و ثواب های عزادر بودن ما را برای امام حسین(علیه السلام) زیاد گردانده و ما و شما را در رکاب ظفر قرین، حضرت امام مهدی قائم آل محمد صلوات الله عليهم اجمعین از طلب کنندگان خون آن جناب قرار دهد).  
و اگر قدرت و توانائی این را داشتی که آن روز (روز عاشورا) را بدنبال نیازمندی هایت نروی البته مرو، چه آنکه این روز، روز نحسی بوده و حاجت در آن روا نمی گردد و اگر هم حاجت بر آورده شود مبارک نبوده و خیری نخواهد داشت.

توجه داشته باش در آن روز در منزلت آذوقه ای را ذخیره نکنی، چه آنکه اگر کسی در آن روز در منزلش چیزی را ذخیره کند برایش میمون و مبارک نبوده و برای اهلش نیز برکت نخواهد داشت.

بنابر این کسی که به این دستورها عمل کند ثواب هزار حج و هزار عمره و هزار جهاد که تمامی را در رکاب رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ انعام) داده باشد برایش نوشته می شود و همچنین خداوند متعال ثواب هر مصیبتی که به انبیاء و

رسل و صدیقین و شهدائی که فوت کرده یا کشته شده اند، رسیده است را از بدو خلقت دنیا تا انقراض عالم و قیام قیامت به او اعطاء می فرماید».

«قال صالح بن عقبة وسيف بن عمیرة: قال علقة بن محمد الحضرمی قلت لأبی جعفر(علیه السلام): علمتی دعاء ادعوه به فی ذلک الیوم إذا انا زرتہ من قرب، وداعء أدعوه به إذا لم ازره من قرب، وأو مات من بعد البلاد ومن دارى بالسلام اليه، قال: فقال لى: يا علقة إذا أنت صليت الركعتين بعد أن تومني اليه بالسلام فقل بعد الإيماء اليه ومن بعد التكبیر هذا القول، فانك اذا قلت ذلك فقد دعوت بما يدعوه من زواره من الملائكة، وكتب الله لك الف الف درجة، وكنت كمن استشهد مع الحسین (علیه السلام) حتى تشارکهم فی درجاتهم، ولا تعرف إلاّ فی الشهداء الذين استشهدوا معه، وكتب لك ثواب زیارة كل نبی وكل رسول وزيارة كل من زار الحسین (علیه السلام) منذ يوم قتل علیه السلام و على أهل بيته;<sup>٥</sup>

صالح بن عقبه و سیف بن عمیره می گویند: علقة بن محمد حضرمی می گوید:

محضر مبارک ابی جعفر(علیه السلام) عرض کرد: دعائی به من تعلیم فرماید، که در آن روز (روز عاشورا) وقتی از نزدیک به زیارت آن حضرت رفت، آن را

---

۵- مصباح المتهجد، ص 536؛ و همچنین این روایت در کتاب کامل الزیارات با اندکی اختلاف نقل شده است.

خوانده و دعائی یادم دهید که هر گاه از نزدیک به زیارت آن جناب نرفته بلکه از شهرهای دور و پشت بام به آن حضرت، با اشاره سلام دادم، آن را بخوان. حضرت فرمودند: ای علقمه، بعد از آنکه با اشاره به آن حضرت سلام دادی و پس از آن، دو رکعت نماز خواندی، اگر این دعاء (زیارت عاشورا) و زیارت را که شرحش را برایت می‌گوییم خواندی، پس به آنچه فرشتگان زائر آن حضرت دعاء کرده اند تو نیز دعاء نموده ای و خداوند متعال برای تو هزار هزار درجه نوشته و تو را از کسانی قرار می‌دهد، که با حضرت حسین بن علی(علیه السلام) شهید شده اند و بدین ترتیب در درجه ایشان قرار خواهی گرفت و شناخته نمی‌شوی مگر در زمرة شهدائی که با آن حضرت شهید شده اند و ثواب زیارت تمام انبیاء و رسولان و کسانی که امام حسین(علیه السلام) را از زمان شهادتش تا به الان زیارت نموده اند را برایت می‌نویسد».

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِّيْفَيْنَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللهِ وَابْنَ ثَارَهِ وَالوَتْرَ الْمَوْتُورَ...». تا پایان زیارت

## متن زیارت عاشورا<sup>۱</sup>

السلامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِّلَيْنَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا شَارِرِ الْأَرْضِ وَابْنَ شَارِرِ الْأَرْضِ<sup>۵۱</sup> وَالوَتْرَ الْمَوْتُورَ، السَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ، عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعًا سَلامُ اللهِ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَتَّهِ اللَّيلُ وَالنَّهَارُ، يَا آبَا عَبْدِ اللهِ لَقَدْ عَظُمَ الرَّزِيْةُ وَجَلَّتْ وَعَظُمَتِ الْمُصِيْبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ، وَجَلَّتْ وَعَظُمَتْ مُصِيْبَتُكَ فِي السَّمَاوَاتِ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ، فَلَعْنَ اللهِ أُمَّةً أَسَسَتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجُورِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ، وَلَعْنَ اللهِ أُمَّةً دَفَعْتُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ وَأَزَّالْتُكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمُ الَّتِي رَتَبْتُكُمُ اللهُ فِيهَا، وَلَعْنَ اللهِ أُمَّةً قَتَلْتُكُمْ، وَلَعْنَ اللهِ الْمُمَهَّدِينَ لَهُمْ بِالْتَّمْكِينِ مِنْ قِتَالِكُمْ، بَرَئْتُ إِلَى اللهِ وَإِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَمِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَأَتْبَاعِهِمْ وَأَوْلِيَّهِمْ، يَا آبَا عَبْدِ اللهِ إِنِّي سِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ<sup>۵۲</sup> إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَلَعْنَ اللهِ آلَ زِيَادِ وآلَ مَرْوَانَ، وَلَعْنَ اللهِ بْنِي أُمَّةَ قَاطِيْةَ، وَلَعْنَ اللهِ ابْنَ مَرْجَانَةَ، وَلَعْنَ اللهِ عُمَرَ بْنَ سَعْدَ، وَلَعْنَ اللهِ شِمْرَاً، وَلَعْنَ اللهِ أُمَّةَ أَسْرَاجَتْ<sup>۵۳</sup> وَالْجَمَتْ وَتَنَقَّبَتْ لِقِتَالِكَ، بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي<sup>۵۴</sup> لَقَدْ عَظُمَ مُصَابِيَّ بِكَ، فَأَسْأَلُ اللهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ وَأَكْرَمَنِي

۵۱- در کامل الزیارات «خیره الله وابن خیرته» به جای این فقره از دعا دارد.

۵۲- اضافه در نسخه دیگر: «وَلَى لِمَنْ وَالْأَكْمَ وَعَدُو لِمَنْ عَادَكُمْ» دارد.

۵۳- در کامل الزیارات و مزار ابن مشهدی کلمه «تهیات» دارد.

۵۴- اضافه در نسخه دیگر: «یا آبا عبدالله» دارد.

بِكَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ إِمامٍ مَّنْصُورٍ مِّنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ<sup>٥٥</sup>، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا بِالْحُسْنَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ<sup>٥٦</sup>.  
 يَا أَبا عَبْدِ اللَّهِ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ وَإِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَإِلَى فاطِمَةَ  
 وَإِلَى الْحَسَنِ وَإِلَيْكَ بِمُوَالَاتِكَ<sup>٥٧</sup> وَبِالْبَرَائَةِ مِنْ قاتَلَكَ وَتَصَبَّ لَكَ الْحَرْبَ  
 وَبِالْبَرَاءَةِ [مِنْ أَسَسِ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ وَعَلَى أَشْيَاعِكُمْ وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى  
 رَسُولِهِ بِالْبَرَاءَةِ] مِنْ أَسَسِ أَسَاسِ ذَلِكَ وَبَنِي عَلَيْهِ بُنْيَانُهُ وَجَرَى فِي ظُلْمِهِ وَجَوْرِهِ  
 عَلَيْكُمْ وَعَلَى أَشْيَاعِكُمْ، بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكُمْ مِّنْهُمْ، وَأَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ إِلَيْكُمْ  
 بِمُوَالَاتِكُمْ وَمُوَالَةِ وَلِيَّكُمْ وَبِالْبَرَائَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَالنَّاصِيَّينَ لَكُمُ الْحَرْبُ، وَبِالْبَرَائَةِ مِنْ  
 أَشْيَاعِهِمْ وَأَتَبَاعِهِمْ، إِنِّي سَلِيمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ وَوَلِيٌّ لِمَنْ وَالاَكُمْ  
 وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَكُمْ، فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ وَمَعْرِفَةِ أُولَيَائِكُمْ وَرَزَقَنِي  
 الْبَرَائَةَ مِنْ أَعْدَائِكُمْ أَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ، وَأَنْ يُبَشِّرَنِي عِنْدَكُمْ قَدَمَ  
 صِدقَ فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ، وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُبَعَّنَى الْمَقَامُ الْمَحْمُودُ [الَّذِي] لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ، وَأَنْ  
 يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكٍ<sup>٥٩</sup> مَعَ إِمامٍ<sup>٤٠</sup> هُدِيًّا ظَاهِرٌ نَاطِقٌ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ، وَأَسْأَلُ اللَّهَ بِحَقِّكُمْ

٥٥— کلمه «سَلَّم» در نسخه اصلی وجود ندارد.

٥٦— اضافه در نسخه دیگر: «وَ مِنَ الْمُقْرَبِينَ» دارد.

٥٧— اضافه در نسخه دیگر: «وَمُوَالَةُ أُولَيَائِكَ» دارد.

٥٨— اضافه در نسخه دیگر: «يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ» دارد.

٥٩— در نسخه مصباح شیخ طوسی (رحمه الله) و مزار ابن مشهدی (رحمه الله) «ثَارِكَم» دارد.

٤٠— در کامل الزیارات «مع امام مهدی» دارد.

وَبِالشَّانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدُهُ أَنْ يُعْطِينِي بِمُصَابِيِّي بِكُمْ أَفْضَلَ مَا يُعْطِي مُصَابًاً بِمُصَبِّيَتِهِ<sup>٦١</sup>، [يَا لَهَا مِنْ]<sup>٦٢</sup> مُصَبِّيَةَ مَا أَعْظَمَهَا وَأَعْظَمَ رَزِيَّتَهَا فِي الإِسْلَامِ وَفِي جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي مَقَامِي هَذَا مِنْ مَنْ تَنَاهَى مِنْكَ صَلَواتُ وَرَحْمَةُ وَمَغْفِرَةُ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَا مُحَمَّدَ وَآلِ مُحَمَّدَ وَمَمَاتِي مَمَاتَ مُحَمَّدَ وَآلِ مُحَمَّدَ، اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا يَوْمًا تَبَرَّكَتْ بِهِ بَنُو أُمَّيَّةَ وَابْنُ آكِلَةِ الْأَكْبَادِ اللَّعِينِ ابْنُ اللَّعِينِ عَلَى لِسَانِكَ وَلِسَانِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فِي كُلِّ مَوْطِنٍ وَمَوْقِفٍ وَقَفَ فِيهِ نَبِيِّكَ [صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ]<sup>٦٣</sup>، اللَّهُمَّ اعْنُ أَبَا سَفِيَّانَ وَمَعَاوِيَةَ وَيَزِيدَ بْنَ مُعاوِيَةَ عَلَيْهِمْ مِنْكَ الْلَّغْةُ أَبَدَ الْأَبْدِينَ، وَهَذَا يَوْمٌ فَرَحَتْ بِهِ آلُ زِيَادٍ وَآلُ مَرْوَانَ بِقَتْلِهِمُ الْحُسَيْنَ صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْهِ، اللَّهُمَّ فَضَاعِفْ عَلَيْهِمُ الْلَّغْنَ مِنْكَ وَالْعِذَابَ الْأَلِيمَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقْرَبُ إِلَيْكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي مَوْقِفِي هَذَا وَأَيَّامِ حَيَاتِي بِالْبَرَائَةِ مِنْهُمْ وَالْلَّغْنَةِ عَلَيْهِمْ وَبِالْمُوَالَةِ لِنَبِيِّكَ وَآلِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ .

سپس می گویی: اللَّهُمَّ اعْنُ أَوَّلَ ظَالِمٍ حَقَّ مُحَمَّدَ وَآلِ مُحَمَّدَ وَآخِرَ تَابِعَ لَهُ عَلَى ذَلِكَ، اللَّهُمَّ اعْنِ الْعِصَابَةِ الَّتِي جَاهَدَتِ الْحُسَيْنَ [وَشَايَعَتْ]<sup>٦٤</sup> وَتَابَعَتْ وَبَأَيَّعَتْ عَلَى قَتْلِهِ، اللَّهُمَّ اعْنُهُمْ جَمِيعًا . آن را يکصد مرتبه تکرار می کنی .

٦١۔ در نسخه دیگر: «بِمُصَبِّيَة» دارد.

٦٢۔ مصباح المتهدج. اضافه دارد.

٦٣۔ مصباح ندارد.

٦٤۔ مصباح ندارد.

آن گاه می گویی: السلام علیک يا آبا عبد الله وعلی الأرواح التي حلتْ  
بِفِنَائِكَ،<sup>٤٥</sup> عَلَيْكَ مِنِّي سلامُ اللهِ أَبْدًا مَا بَقِيتُ وَبَقِيَ اللَّيلُ وَالنَّهَارُ وَلَا جَعَلَهُ اللهُ أَخْرَى  
الْعَهْدِ مِنِّي [لزيارتكم]<sup>٤٦</sup> ، السَّلامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلَى عَلَى بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَوْلَادِ  
الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ . آن را هم یکصد مرتبه می گویی .

بعد از آن می گویی: اللَّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أُولَئِكُمْ بِاللَّعْنِ مِنِّي وَأَبْدَأْ بِهِ أُولَئِكُمْ  
الْعَنِ الثَّانِيِّ وَالثَّالِثِ وَالرَّابِعِ، اللَّهُمَّ الْعَنْ يَزِيدَ خَامِسًا، وَالْعَنْ عَبْيَدَ اللهِ بْنَ زِيَادَ وَابْنَ  
مَرْجَانَةَ وَعَمْرَ بْنَ سَعْدَ وَشَمْرَاً وَآلَ أَبِي سُفْيَانَ وَآلَ زِيَادَ وَآلَ مَرْوَانَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ .

بعد به سجده می روی و می گویی: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدُ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَى  
مُصَابِّهِمْ، الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عَظِيمِ رَزْيَتِي، اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ  
الْوُرُودِ وَتَبَّتْ لِي قَدَمٌ صِدْقٌ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَأَصْحَابِ الْحُسَيْنِ الَّذِينَ بَذَلُوا  
مُهَاجِهِمْ<sup>٤٨٥</sup> دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ . (پایان زیارت)

قال علقمة: قال ابو جعفر الباقر (عليه السلام): «ان استطعت أن تزوره في كل يوم بهذه  
الزيارة من دارك فافعل، ولكن ثواب جميع ذلك».<sup>٤٩</sup>

٤٥۔ اضافه در نسخه ديگر: «وَأَنَّا خَتَّ بِرَحْلَكَ» دارد.

٤٦۔ مصباح «لزيارتک» دارد.

٤٧۔ در نسخه ديگر: «الْأَوْلَ» دارد.

٤٨۔ اضافه در نسخه ديگر: «مُهَاجِتَهُمْ» دارد.

٤٩۔ مصباح المتہجد، ص 536؛ کامل الزیارات، ص 332.

## ترجمه زیارت عاشورا

حضرت امام باقر (علیه السلام) درباره روش خواندن زیارت عاشورا به علقمه فرمودند، می خوانی:

سلام بر تو ای ابا عبدالله، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، [سلام بر تو ای برگزیده خدا و فرزند برگزیده اش]، سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان و فرزند سرور جانشینان، سلام بر تو ای پسر فاطمه، سرور بانوان عالم، سلام بر تو ای خون خدا (یعنی خدا صاحب خون تو و طلب کننده آن است) و فرزند خون خدا و تنها مانده ای که خونخواهی نشده است، سلام بر تو و بر روح های مطهری که کنار تو قرار گرفته اند! از طرف من تا ابد و تا وقتی که هستم و شب و روز باقی هستند، سلام خداوند بر شما باد. ای ابا عبدالله! عزای شما بزرگ بوده و مصیبت شما بر ما و تمام اهل آسمان ها و زمین سنگین می باشد، پس خداوند متعال گروهی را که اساس و پایه های ظلم و ستم بر شما اهل بیت پیغمبر (صلی الله علیه وآلہ) را بنا نهاده اند، لعنت کند و از رحمتش دور سازد و گروهی که شما را از مقام و منزلتتان بازداشتند، لعنت فرماید و خدا لعنت کند کسانی را که شما را از جایگاه و مقامتان که خدا برای شما مقرر فرموده، برکنار نمودند و لعنت نماید گروهی را که شما را کشتن، و لعنت نماید کسانی را که برای قاتلان شما زمینه سازی کرده و ایشان را بر کشتن شما یاری نمودند. بیزاری جویم به سوی خدا و به سوی شما از این گروه و از پیروان و تابعین آنها.

ای ابا عبدالله ! من با کسی که با شما در صلح بوده، در صلح هستم و با آن کس که با شما در جنگ می باشد، تا روز قیامت در جنگ خواهم بود . پس خدا لعنت کند دودمان زیاد و دودمان مروان را و لعنت کند تمام بنی امیه را و لعنت کند جماعتی را که اسب ها را زین کرده، لجام زده و برای کشتن تو آماده شدند .

ای ابا عبدالله ! پدر و مادرم به فدایت، مصیبت شما بر من گران و بزرگ است، پس من از خدایی که مقام تو را گرامی داشته درخواست می کنم، که به واسطه شما مرا نیز مورد کرامتش قرار دهد و بر من منت نهاد که همراه امام یاری شده از آل محمد(علیهم السلام)، خون تو را طلب نمایم. بار خدایا ! مرا به واسطه حسین (علیه السلام) نزد خودت در دنیا و آخرت آبرومند قرار بده. ای آقای من ! ای ابا عبدالله ! من به خدای تعالی، به رسولش (صلی الله علیه وآلہ)، به امیر المؤمنین (علیه السلام)، به فاطمه (علیها السلام) و به حسن (علیه السلام) به سوی تو تقرب می جویم، به واسطه محبتم به تو و بیزاری جستن از دشمنانت و از کسانی که تو را کشتند و جنگ با تو را به پا کردند و نیز بیزاری از کسانی که ظلم و ستم را پایه گذاری کرده و ساختمان ظلم را بر آن بنا نهادند و به دنبالش بر شما و شیعیان شما ظلم و جور نمودند . از ایشان به سوی خدا و تو تبری و بیزاری می جویم و به سوی خدا و سپس به سوی شما تقرب می جویم، با دوست داشتن شما و دوستان شما، و با بیزاری از دشمنان شما و کسانی که جنگ با شما را به پا نمودند و نیز بیزاری از پیروانشان و دنباله روهای آنان .

من با کسانی که با شما در صلح هستند، در صلح بوده و با آنان که با شما  
حرب و جنگ می کنند، جنگ می نمایم . کسی که شما را دوست دارد دوست  
دارم و با کسی که با شما دشمنی دارد، دشمن می باشم . پس از خدایی که به  
واسطه شناخت شما و شناخت دوستان شما، مرا مورد کرامت قرار داد و بیزاری  
از دشمنانتان را روزی من قرار داد، درخواست می کنم که در دنیا و آخرت مرا  
همراه شما قرار داده، و در دو عالم به مقام صدق و صفاتی با شما مرا ثابت بدارد.  
و از او می خواهم که مرا به مقام پستنیده ای که شما نزد حضرتش دارید،  
برساند و نیز روزی من کند، که در رکاب امام هدایت شده ناطق، خون شما را  
مطلوبه کنم و به حقانیت شما و به شأن و مرتبه ای که نزد او دارید، از خداوند  
درخواست می کنم که به واسطه عزاداری من برای شما، بالاترین اجری را که به  
مصلیبت دیدگان می دهد، به من عطا فرماید .

بارخدايا ! مرا در این مقام و مرتبه ای که دارم، از کسانی قرار بده که درودها،  
رحمت و آمرزشی از تو به ایشان می رسد .

خداوندا ! حیات مرا همچون حیات محمد و آل محمد (صلی الله علیه وآلہ) و  
موتیم را مانند موت محمد و آل محمد (صلی الله علیه وآلہ) قرار بده . بارخدايا ! به  
درستی که امروز، روزی است که لعنت بر دودمان زیاد، امیه و پسر خورنده  
جگرها؛ یعنی ملعون، فرزند ملعون بر زبان تو و زبان پیامبرت فرود آمده؛ در هر  
سرزمین و مکانی که پیامبرت (صلی الله علیه وآلہ) در آن وقوف و درنگ داشته  
باشد .

خداوند! ابوسفیان، معاویه و یزید، پسر معاویه را برای همیشه مورد لعنت قرار بده . خداوند! لعنت جاودانی خود را بر ایشان، به خاطر کشتن حسین (علیه السلام) چند برابر گردان .

بارخدايا ! من در اين روز و در اين مكان و در طول مدت زندگاني ام به تو تقرب مى جوييم؛ به واسطه بيزارى از ايشان، درخواست لعنت بر ايشان، به واسطه دوست داشتن پيامبرت - محمد (صلی الله علیه وآلہ) - و دوست داشتن اهل بيت (عليهم السلام)پيامبرت(صلی الله علیه وآلہ) که درود خدا بر همه آنان باد .

سپس صد مرتبه مى گوibi:

بارخدايا ! لعنت کن اولين ستمگري را که با غصب کردن حق محمد(صلی الله علیه وآلہ) و آل محمد(عليهم السلام)، به ايشان ستم نمود و آخرین کسی که از اين ستمگران در غصب کردن حق ايشان، پیروی کرد . خداوند! لعنت کن گروهي را که با حسین (عليه السلام) به جنگ برخاستند و از دشمنان او پیروی نموده، با آنان بیعت کرده و بر قتل آن حضرت و کشتن يارانش، با ايشان هم قسم شدند . خداوند! همگي آنان را لعنت نما و از رحمت دور ساز .

سپس صد مرتبه مى گوibi:

سلام بر تو اي ابا عبدالله و بر ارواح طيبة اي که اطرافت را گرفته و در مأوى و مكان تو فرود آمده و اقامتك نموده اند . از جانب من، سلام، تحييت و رحمة خدا همیشه بر شما باد تا وقتی که من باقی، و شب و روز باقی می باشند و این

زيارت را آخرين زيارت من قرار مده . سلام بر حسین و بر علی بن الحسين و  
بر ياران حسین، صلوات و رحمت خدا بر همه ايشان باد .

سپس يك مرتبه مى گويند:

بارخديا ! لعن خود را مخصوص گردن به اولين کسی که به اهل بيت  
پيغمبرت ستم کرده، سپس لعن کن دشمنان آل محمد را از اولين و آخرين.  
خدايها ! يزيد و پدرش را لعن فرما و عبيده الله بن زياد و دودمان مروان و همه بنی  
اميه را تا روز قيامت لعن کن .

سپس به سجده مى روی و در آن مى گويند:

بارخديا ! تو را ستايش مى کنيم؛ ستايش سپاسگزاران بر مصيبيتی که بر آنان  
وارد مى شود، حمد و ستايش خدا بر سنگيني مصيبيت و عزاداري من . خدایا !  
شفاعت امام حسین (عليه السلام) را در روز ورود به جهان آخرت نصييم فرما و  
قدم صدقی را نزد خودت، همراه امام حسین (عليه السلام) و اصحابش برای من  
ثبت بگردن، آن اصحابی که جانشان را در برابر امام حسین (عليه السلام) ايشان  
نمودند، صلوات و رحمت خدا بر همه آنان باد .

(پایان ترجمه زيارت عاشورا)

علقمه مى گويد: حضرت ابو جعفر امام باقر(عليه السلام) فرمودند: اى علقمه اگر  
بتواني هر روز با اين زيارت (زيارت عاشورا) امام حسین(عليه السلام) را زيارت  
کني، البته اين کار را انجام بد، که ان شاء الله تمام ثواب هايي که ذكر شده برایت  
منظور مى گردد».

## دعای بعد از زیارت عاشورا (حدیث صفوان) <sup>٧٠</sup>

«وروی محمد بن خالد الطیالسی عن سیف بن عمیره قال: خرجت مع صفوان بن مهران الجمال وعندنا جماعة من أصحابنا إلى الغری بعدما خرج ابوعبدالله(عليه السلام)، فسرنا من الحيرة إلى المدينة، فلما فرغنا من الزيارة [زيارة أمير المؤمنین(عليه السلام)] صرف صفوان وجهه إلى ناحية أبي عبدالله الحسین(عليه السلام) فقال لنا: تزورون الحسین(عليه السلام) من هذا المکان عند رأس أمیر المؤمنین(عليه السلام) من هیهنا أو ما إليه ابوعبدالله الصادق(عليه السلام) وأنا معه. قال: فدعوا صفوان بالزيارة التي روتها علقة بن محمد الحضرمی عن ابی جعفر(عليه السلام) فی يوم عاشوراء ثم صلی رکعتین عند رأس أمیر المؤمنین(عليه السلام) ووَدَعَ فی دبرها أمیر المؤمنین(عليه السلام) وأو ما إلى الحسین بالسلام، منصرفًا بوجهه نحوه ووَدَعَ و كان فيما دعا فی دبرها؛

يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، يَا كَاشِفَ كَرْبَ الْمَكْرُوبِينَ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيْثِينَ، يَا صَرِيخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ، وَيَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَىَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ، وَيَا

---

۷۰- اکثر ناشرین که کتاب مفاتیح الجنان را چاپ کرده اند، این فقره از دعا را به نام «دعای علقمه» ذکر کرده اند، حال آنکه علقمه این دعا را نقل نکرده، بلکه این دعا متعلق به صفوان می باشد، صفوان می گوید: امام(عليه السلام) بعد از آنکه دو رکعت به جای آورد این دعا (دعای بعد از زیارت عاشورا) را خواند، آنگاه سیف بن عمیره خطاب به صفوان می گوید: علقمه بن محمد این دعا را بر ما نخواند، پس نشان می دهد که این دعا نقل علقمه نیست بلکه نقل صفوان است و اشتباهاً به دعای علقمه معروف شده است.

من يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ، وَيَا مَنْ هُوَ بِالنَّظَرِ الْأَعْلَى وَبِالْأُفْقِ الْمُبْيِنِ، وَيَا مَنْ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى، وَيَا مَنْ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ،  
وَيَا مَنْ لَا تَخْفِي عَلَيْهِ خَافِيَّةُ، يَا مَنْ لَا تَسْتَبِهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ، وَيَا مَنْ لَا تُغَلِّطُهُ  
الْحَاجَاتُ، وَيَا مَنْ لَا يُبْرِمُهُ إِلْحَاحُ الْمُلْحِينِ، يَا مُذْرِكَ كُلَّ فَوْتٍ، وَيَا جَامِعَ كُلَّ شَمْلٍ،  
وَيَا بَارِيَّ النُّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ، يَا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَانٍ، يَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ، يَا  
مُنَفِّسَ الْكُرْبَابَاتِ، يَا مُعْطِيَ السُّؤُلَاتِ، يَا وَلِيَّ الرَّغَبَاتِ، يَا كَافِيَ الْمُهَمَّاتِ، يَا مَنْ يَكْفِي  
مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ  
النَّبِيِّينَ وَعَلَىٰ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَبِحَقِّ فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ، وَبِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ فَإِنِّي  
بِهِمْ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا وَبِهِمْ أَتَوَسَّلُ وَبِهِمْ أَتَشْفَعُ إِلَيْكَ، وَبِهِمْ أَسْأَلُكَ  
وَأُقْسِمُ وَأَعْزِمُ عَلَيْكَ، وَبِالشَّانِ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ وَبِالْقَدْرِ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ، وَبِالَّذِي  
فَضَلَّتْهُمْ عَلَى الْعَالَمَيْنِ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي جَعَلَتْهُ عِنْدَهُمْ وَبِهِ خَصَّصَتْهُمْ دُونَ الْعَالَمَيْنِ،  
وَبِهِ أَبْتَهُمْ وَأَبْنَتَ فَضْلَهُمْ مِنْ فَضْلِ الْعَالَمَيْنِ، حَتَّىٰ فاقَ فَضْلُهُمْ فَضْلُ الْعَالَمَيْنِ جَمِيعًا،  
أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَكْشِفَ عَنِّي غَمِّي وَهَمِّي وَكَرْبِي،  
وَتَكْفِنِي الْمُهِمَّ مِنْ أُمُورِي، وَتَنْصِيَ عَنِّي دَيْنِي وَتُجِيرَنِي مِنَ الْفَاقَةِ  
وَتُغْنِنِي عَنِ الْمَسَالَةِ إِلَى الْمَخْلُوقَيْنِ، وَتَكْفِنِي هَمَّ مَنْ أَخَافُ هَمَّهُ، وَجَوْرَ مَنْ أَخَافُ  
جَوْرَهُ، وَعُسْرَ مَنْ أَخَافُ عُسْرَهُ، وَحَزُونَةَ مَنْ أَخَافُ حُزُونَتَهُ، وَشَرَّ مَنْ أَخَافُ شَرَّهُ،  
وَمَكْرَ مَنْ أَخَافُ مَكْرَهُ، وَبَعْنَى مَنْ أَخَافُ بَعْنَيْهُ، وَسُلْطَانَ مَنْ أَخَافُ سُلْطَانَهُ، وَكَيْدَ مَنْ

أَخافُ كَيْدَهُ، وَمَقْدِرَةٌ مِنْ أَخافُ مَقْدِرَتَهُ عَلَىَّ، وَتَرُدَّ عَنِّي كَيْدَ الْكَيْدَةِ وَمَكْرَ الْمَكَرَةِ  
اللَّهُمَّ مَنْ أَرَادَنِي فَأَرَدْهُ، وَمَنْ كَادَنِي فَكَيْدْهُ، وَاصْرَفْ عَنِّي كَيْدَهُ وَمَكْرَهُ وَبَاسَهُ وَأَمَانَيَهُ،  
وَامْنَعْهُ عَنِّي كَيْفَ شِئْتَ وَأَنَّى شِئْتَ، اللَّهُمَّ اشْغُلْهُ عَنِّي بِقَرْ لَا تَجْبُرُهُ، وَبِلَاء لَا تَسْتُرُهُ،  
وَبَفَاقَة لَا تَسْدُهَا، وَبِسُقْمٍ لَا تُعَافِيهِ، وَذُلٌّ لَا تُعَزِّهُ، وَبِمَسْكَنَة لَا تَجْبُرُهَا، اللَّهُمَّ اضْرِبْ  
بِالذُّلِّ نَصْبَ عَيْنِيَهُ، وَأَدْخِلْ عَلَيْهِ الْفَقْرَ فِي مَنْزِلِهِ وَالْعِلَّةَ وَالسُّقْمَ فِي بَدَاهِهِ، حَتَّى تَشْغَلَهُ  
عَنِّي بِشُغْلِ شَاغِلٍ لَا فَرَاغَ لَهُ، وَأَنْسِهِ ذِكْرِي كَمَا أَنْسَيْتَهُ ذِكْرَكَ، وَخُذْ عَنِّي بِسَمْعِهِ  
وَبَصَرِهِ وَلِسَانِهِ وَيَدِهِ وَرِجْلِهِ وَفَلَبِيهِ وَجَمِيعِ جَوَارِحِهِ، وَأَدْخِلْ عَلَيْهِ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ  
السُّقْمَ وَلَا تَشْفِهِ حَتَّى تَجْعَلَ ذَلِكَ لَهُ شُغْلًا شَاغِلًا بِهِ عَنِّي وَعَنْ ذِكْرِي، وَأَكْفِنِي يَا  
كَافِيَ ما لَا يَكْفِي سِواكَ، فَإِنَّكَ الْكَافِي لَا كَافِيَ سِواكَ، وَمُفْرَجُ لَا مُفْرَجَ سِواكَ،  
وَمُعِيشُ لَا مُعِيشَ سِواكَ، وَجَارٌ لَا جَارَ سِواكَ، خَابَ مَنْ كَانَ جَارًّا سِواكَ، وَمُعِيشُ  
سِواكَ، وَمَفْزَعُهُ إِلَى سِواكَ، وَمَهْرَبُهُ إِلَى سِواكَ، وَمَلْجَاهُ إِلَى غَيْرِكَ سِواكَ، وَمَنْجَاهُ  
مِنْ مَخْلُوقِ غَيْرِكَ، فَأَنْتَ ثِقَتِي وَرَجَائِي وَمَفْزَعِي وَمَهْرَبِي وَمَلْجَائِي وَمَنْجَائِي، فَبِكَ  
أَسْتَفْتِحُ وَبِكَ أَسْتَنْجِحُ، وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، أَتَوَاجَهُ إِلَيْكَ وَأَتَوَسَّلُ وَأَتَشَفَّعُ، فَأَسْأَلُكَ  
يَا اللَّهُ  
فَأَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ  
وَأَنْ تَكْشِفَ عَنِّي غَمِّي وَهَمِّي وَكَرْبِي فِي مَقَامِي هَذَا كَمَا كَشَفْتَ عَنْ نَبِيِّكَ هَمَّهُ  
وَغَمَّهُ وَكَرْبُهُ وَكَفَيْتَهُ هَوْلَ عَدُوِّهِ، فَاكْشِفْ عَنِّي كَمَا كَشَفْتَ عَنْهُ وَفَرَّجْ عَنِّي كَمَا فَرَّجْتَ

عَنْهُ وَأَكْفِنِي كَمَا كَفَيْتَهُ، وَاصْرَفْ عَنِّي هَوْلَ مَا أَخَافُ هَوْلَهُ، وَمَؤْنَةً مَا أَخَافُ مَؤْنَتَهُ،  
وَهَمَّ مَا أَخَافُ هَمَّهُ بِلَا مَؤْنَةٍ عَلَى نَفْسِي مِنْ ذَلِكَ، وَاصْرُنِي بِقَضَاءٍ حَوَّاً بِجِي، وَكَفَايَةٍ  
مَا أَهَمَّنِي هَمَّهُ مِنْ أَمْرٍ آخِرَتِي وَدُنْيَايَ.

يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَيَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيلُ  
وَالنَّهَارُ وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِكُمَا، وَلَا فَرَقَ اللَّهُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمَا، اللَّهُمَّ أَحِينِي  
حَيَاةً مُحَمَّدًا وَذُرِّيَّهِ وَأَمِنْتِي مَمَاتَهُمْ وَسَوْفَنِي عَلَى مِلَّهِمْ، وَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهِمْ وَلَا  
تُفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ .

يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَيَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، أَتَيْتُكُمَا زَائِرًا وَمُتَوَسِّلًا إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمَا،  
وَمُتَوَجِّهًا إِلَيْهِ بِكُمَا وَمُسْتَشْفِعًا بِكُمَا إِلَى اللَّهِ فِي حاجَتِي هَذِهِ فَاسْفَعَا لِي فَإِنَّ لَكُمَا عِنْدَ  
اللَّهِ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ وَالْجَاهَ الْوَاجِيَّةَ، وَالْمَنْزِلَ الرَّفِيعَ وَالْوَسِيَّلَةَ، إِنِّي أَنْقَلَبُ مِنْكُمَا مُنْتَظَرًا  
لِتَنْجُوزُ الْحَاجَةَ وَقَصَائِهَا وَتَجَاهِهَا مِنَ اللَّهِ بِشَفَاعَتِكُمَا لِي إِلَى اللَّهِ فِي ذَلِكَ، فَلَا أُخِيبُ  
وَلَا يَكُونُ مُنْقَلِبِي مُنْقَلِبًا خَابِرًا، بَلْ يَكُونُ مُنْقَلِبِي مُنْقَلِبًا رَاجِحًا مُفْلِحًا مُنْجِحًا  
مُسْتَجَابًا بِقَضَاءِ جَمِيعِ حَوَّايجِي وَتَشَفَّعًا لِي إِلَى اللَّهِ، أَنْقَلَبْتُ عَلَى مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَا حَوْلَ  
وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، مُغَوِّضًا أَمْرِي إِلَى اللَّهِ مُلْجَأً ظَهْرِي إِلَى اللَّهِ، مُتَوَكِّلًا عَلَى اللَّهِ وَأَقُولُ  
حَسْبِيَ اللَّهُ وَكَفِي، سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ دَعَا، لَيْسَ لِي وَرَاءَ اللَّهِ وَوَرَاءَكُمْ يَا سادَتِي مُنْتَهِي، مَا  
شَاءَ رَبِّي كَانَ وَمَا لَمْ يَشَاءَ لَمْ يَكُنْ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، أَسْتَوْدِعُكُمَا اللَّهُ وَلَا  
جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي إِلَيْكُمَا، إِنْصَرَفْتُ يَا سَيِّدِي يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَمَوْلَايَ وَأَنْتَ

يا أبا عبد الله يا سيدى وسلامي عليكما متصل ما اتصل الليل والنهار واصل ذلك  
إليكم غير محجوب عنكم سلامي إن شاء الله، وأسأل الله بحقكم ما أن يشاء ذلك ويفعل  
فإنه حميد مجید، إنقلبت يا سيدى عنكم تائياً حامداً الله شاكراً، راجياً للإجابة غير  
آيس ولا قانط، آبياً عائداً راجعاً إلى زيارتكم، غير راغب عنكم ولا عن زيارتكم  
بل راجع عائد إن شاء الله ولا حول ولا قوّة إلا بالله العلي العظيم، يا سادتي رغبت  
إليكم وإلى زيارتكم بعد أن زهد فيكم وفي زيارتكم أهل الدنيا، فلا يخيبني الله ما  
رجوت وما أملت في زيارتكم إن قريب مجيب. (بيان دعى بعد از زیارت عاشورا [حدیث

صفوان])

«قال سيف بن عميرة: سألت صفوان، فقلت له: إن علقة بن محمد الحضرمي، لم  
يأتنا بهذا عن أبي جعفر (عليه السلام)، إنما أتنا بدعاء الزيارة، فقال صفوان: وردت مع  
سيدى أبي عبدالله (عليه السلام) إلى هذا المكان، فعل مثل الذى فعلناه فى زيارتنا،  
ودعا بهذا الدعاء عند الوداع بعد أن صلى كما صلينا، وودع كما ودعنا، ثم قال لى  
صفوان: قال لى أبوعبد الله (عليه السلام): تعاهد هذه الزيارة وادع بهذا الدعاء وزر به،  
فانت ضامن على الله تعالى لكل من زار بهذه الزيارة ودعا بهذا الدعاء من قرب أو  
بعد، أن زيارته مقبولة وسعيه مشكور وسلامه واصل غير محجوب وحاجته مقضية  
من الله بالغاً ما بلغت ولا يخيّبه. يا صفوان وجدت هذه الزيارة مضمونة بهذا الضمان  
عن أبي وأبي عن أبيه على بن الحسين (عليه السلام)، مضموناً بهذا الضمان عن

الحسين، والحسين عن أخيه الحسن مضموناً بهذا الضمان، والحسن عن أبيه أمير المؤمنين مضموناً بهذا الضمان، وأمير المؤمنين عن رسول الله (صلى الله عليه وآله) مضموناً بهذا الضمان، ورسول الله (صلى الله عليه وآله) عن جبرئيل (عليه السلام) مضموناً بهذا الضمان، وجبرئيل عن الله عزّ وجلّ مضموناً بهذا الضمان، قد آلى الله على نفسه عزّ وجلّ أن من زار الحسين (عليه السلام) بهذه الزيارة من قرب أو بعد ودعا بهذا الدعاء، قبلت منه زيارته وشفعته في مسألته بالغًا ما بلغ وأعطيته سؤله، ثم لا ينقلب عنّي خائباً وأقلبه مسروراً قريراً عينه بقضاء حاجته والفوز بالجنة والعتق من النار، وشفعته في كل من شفع خلا ناصب لنا أهل البيت آلى الله تعالى بذلك على نفسه وأشهدنا بما شهدت به ملائكة ملوكه على ذلك، ثم قال جبرئيل: يا رسول الله أرسلني إليك سروراً وبشري لك، وسروراً وبشري لعلى (عليه السلام) وفاطمة والحسن والحسين (عليهما السلام) وإلى الأئمة من ولدك إلى يوم القيمة، فدام يا محمد سرورك وسرور على وفاطمة والحسن والحسين والأئمة (عليهم السلام) وشيعتكم إلى يوم البعث، ثم قال صفوان: قال لي أبو عبد الله (عليه السلام): يا صفوان إذا حدث لك إلى الله حاجة، فزر بهذه الزيارة من حيث كنت، وادع بها هذا الدعاء وسل ربك حاجتك تأتك من الله، والله غير مخلف وعده ورسوله (صلى الله عليه وآله) (بمنه والحمد لله) <sup>٧١</sup>.



## ترجمه‌ی دعای بعد از زیارت عاشورا (حدیث صفوان)<sup>۷۲</sup>

محمد بن خالد طیالسی به نقل از سیف بن عمیره می‌گوید: من و صفوان بن مهران و جمعی دیگر از اصحاب خودمان به سوی نجف حرکت کردیم. بعد از خروج امام صادق(علیه السلام) از حیره به جانب مدینه، آنگاه که ما از زیارت فارغ شده و با مولای متقيان وداع نمودیم، صفوان گفت: برماست که از این مکان (اشاره به بالاسر مضجع شریف امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب(علیه السلام)) امام حسین(علیه السلام) را زیارت کنیم، زیرا در خدمت امام صادق(علیه السلام) بودم و ایشان از همین مکان حضرت سیدالشهدا(علیه السلام) را زیارت کردند، آنگاه صفوان بعد از خواندن زیارت عاشورا و دو رکعت نماز آن، از همان بالاسر مضجع توجه به مشهد سیدالشهدا(علیه السلام) نموده و در ضمن اشاره این دعا را خواند:<sup>۷۳</sup>

ای خدا، ای خدا، ای خد! ای مستجاب کننده دعا بیچارگان و ای برطرف کننده غم و اندوه پریشان خاطران. ای دادرس دادخواهان و ای فریادرس فریادخواهان و ای آنکه از شاهرگ من به من نزدیک تری.  
ای آنکه بین شخص و قلب او حاصل می‌شوی! ای آنکه ذات در منظر بلند وجودت در افق، روشن است.

---

۷۲- در اکثر کتب چاپ شده مفاتیح الجنان این دعا به نام علقمہ معرفی شده است حال آنکه این دعای علقمہ نیست بلکه حدیث صفوان بن مهران است.

۷۳- مصباح المتھجد، ص 777؛ مزار کبیر، باب 71، ص 325 و 328.

ای آنکه او منحصراً بخشاینده و مهربان و بر عرش مستقر است، ای آنکه نظر  
چشم آنان که به خیانت نگرند و آنچه در دل ها پنهان دارند، همه را می دانی؛ ای  
آنکه هیچ امر مستور و سر مخفی بر تو پنهان نیست. ای آنکه اصوات بر تو مشتبه  
نخواهد شد و حاجات، تو را به اشتباه نیفکند و ای کسی که الحاج و التماس، تو  
را رنج و ملال ندهد.

ای مُدرک هرچه فوت شود و ای جمع آرنده هرچه در جهان متفرق و پریشان  
شود، ای برانگیزندۀ جان ها پس از موت.

ای آنکه تو را در هر روز شأن خاصی است؛ ای برآورندۀ حاجات؛ ای  
برطرف کننده غم و رنج ها؛ ای عطا بخش سؤالات.

ای مالک رغبت و اشتیاقات، ای کفایت کننده مهمات خلائق.

ای کسی که تو به تنهايی کفایت از همه می کنی و هیچ چیز در آسمان و  
زمین از تو کفایت نمی کند.

از تو درخواست می کنم، به حق محمد(صلی الله علیه وآلہ)، خاتم پیغمبران و به  
حق علی، امیر اهل ایمان و به حق فاطمه، دخت پیغمبرت و به حق حسن و  
حسین(علیه السلام) که من به وسیله آن بزرگواران به درگاه حضرت روی آورده ام  
در این مقام و به آنها توسّل جسته و آنان را به درگاه شفیع می آورم و به حق  
آن پاکان از تو مسئلت می کنم و سوگند می خورم و سوگند می دهم تو را و به  
شأن و مقامی که آن بزرگواران را نزد توست، و به قدر و منزلتشان نزد تو، و به  
آن سر حقیقتی که موجب افضیلت آنها بر عالمیان گردید و به آن اسم خاصی که

تو نزد آنها قرار دادی از همه خلق به آنها اختصاص دادی تا آنکه فضل و کمال آنان برتر از تمام عالمیان گردید.

(به این امور تو را قسم می دهم و) از تو درخواست می کنم که درود فرستی بر محمد و آل محمد(صلی الله علیه وآلہ)، و هم و غم و رنج مرا برطرف سازی. و مهمات امورم را کفایت فرمایی و دینم را ادا سازی و از فقر و مسکتم نجات دهی و مرا از سؤال از خلق، به لطف و کرمت بی نیاز گردانی و مرا کفایت کنی از هر هم و غمی که از آن می ترسم و از مشکل و دشواری هر که را که از او خائ Fem و از شر هر اشراری که ترسانم و از مکر و ظلم و جور کسانی که ترسناکم و از تسلط، خدude، کید و اقتدار کسانی که از آنها خائ Fem بر خود؛ از همه مرا حفظ و کفایت فرمایی و کید و خدude حیلت گران و مکاران را از من بگردانی.

پروردگار!! هرکس با من اراده شری دارد، شرش را به خود او برگردان و هر که با من قصد خدude و فریب دارد آرزو، فریب و آسیب او را از من برطرف ساز و به هر طریق و به هرگاه که می خواهی، آزارش را از من منع فرما.

خداؤند!! سرگرمش کن او را از من، به چنان فقر و بیچارگی که جبرانش نکنی و به بلایی که مستورش نکنی و به نیازمندی و تهی دستی که سامانش ندهی و به دردی که درمانش نکنی و به خواری و ذلتی که عزتش ندهی و به چنان بیچارگی که جبرانش نکنی.

خداوند!! ذلت نفس را نصب العین او گردان و فقر و احتیاج را به منزل او  
داخل ساز، و درد و مرض را به بدن او جای ده تا او را از من، همیشه مشغول  
درد و الم و فقر خودش گردانی و مرا از یاد او ببر چنان که یاد خود را از  
خاطرش بردی و آن دشمن مرا تو به کرمت، گوش، چشم، زیان، دست، پا، قلب  
و جمیع اعضایش را از آزار و اذیت به من منع فرما و دردی به تمام این اعضا و  
جوارحش مسلط فرما که ابدآ شفا بخشی تا از من مشغول شود و یاد من از  
خاطرش برود و مهمات مرا کفایت فرما، ای کافی! مهماتی که غیر تو احدی آن  
مهمات را کفایت نتواند کرد که همانا تویی کفایت کننده در عالم و جز تو کفایت  
کننده ای نیست و فرج و گشایش امور منحصر به توست و غیر تو نیست، و  
فریاد رس خلق تویی و غیر تو نیست و پناه بیچارگان تویی و غیر تو نیست.

هرکس به جوار غیر تو پناه برد و فریادرسی جز تو طلبید و زاری به درگاه  
غیر تو کرد و ملجاً و پناهی غیر تو جست و نجات بخشی ماسوای تو، از مخلوق  
طلب کرد، محروم و نامید گشت.

پس تویی ای خدا، اعتماد و امید من و محل زاری، پناه، ملجاً و نجات بخش  
من که به لطف تو گشایش و فیروزی می طلبم و به وسیله محمد و آل  
محمد(صلی الله علیه وآلہ) به درگاه تو روی می آورم و توسل و شفاعت می جویم.  
پس از تو درخواست می کنم ای خدا، ای خدا، ای خدا!! و تو را شکر و  
ستایش می کنم و به درگاه تو به شکوه، ناله و زاری می آیم و از تو یار و یاور  
می طلبم.

باز تنها از تو مسئلت می کنم، ای خدا، ای خدا! به حق محمد و آل محمد(صلی الله علیه وآلہ) که درود فرستی بر محمد و آل اطهارش و از من هم و غم و رنج و پریشانیم را بطرف سازی در همین جا که اقامت دارم.

چنان که هم و غم و رنج پیغمبرت را نیز تو بطرف فرمودی و از هول و هراس دشمنش کفایت کردی؛ پس از من بطرف ساز چنان که از آن حضرت بطرف ساختی و به من فرج و گشایش بخشن، چنان که به او بخشدی، و امورم را کفایت فرما چنان که از او کفایت فرمودی، و هرچه از آن هراسانم تو بطرف گردان و از من آنچه که از مشقت و زحمتش ترسانم و آنچه از او اندوهناک و پریشان خاطرم بدون رنج و زحمت برخودم، تو از من کفایت فرما و مرا حاجت برآورده، از اینجا بازگردان و مهمات امور دنيا و آخرتم را کفایت فرما.

ای اميرالمؤمنین و ای ابا عبدالله الحسين! سلام و تحیت خدا از من بر شما باد، همیشه تا من باقیم و تا شب و روز باقی است و خداوند این زیارت مرا آخرین عهد من در زیارت شما قرار ندهد و خدا هرگز میان من و شما جدای نیفکند.

خداؤندا! مرا به طریق حیات محمد و آل محمد(صلی الله علیه وآلہ) زنده بدار و به طریق آنان بمیران و بر ملت و شریعتشان قبض روحمن فرما و در زمرة آن بزرگواران محشورم گردان و طرفه العینی تا ابد در دنيا و آخرت میان من و آنها جدایی میفکن.

ای امیرالمؤمنین و ای ابا عبدالله! من آدمد به زیارت شما و برای توسل به سوی خدا، پروردگار من و شما و برای توجه به درگاه او به وسیله شما و به شفاعت شما و به شفاعت شما به سوی خدا، برای برآمدن حاجتم؛ پس برای من به درگاه خدا شفاعت کنید که شما را نزد خدا مقام بلند محمود، آبرومندی رتبه و منزلت رفیع است و وسیله خدایید.

حال که من از زیارت شما باز می‌گردم، منتظر برآمدن قطعی حاجت و روا شدن آن از لطف خدا هستم به واسطه شفاعتی که شما به درگاه حق در این باره برایم می‌فرمایید.

پس ای خد!! نامید نشوم و از این سفر زیارت به زیان و حرمان باز نگردم؛ بلکه از آن درگاه کرم، با فضیلت، رستگاری، فیروزی، اجابت دعاها و برآورده شدن تمام حاجاتم باز گردم و با شفاعت به درگاه حق برگردم بر آنچه مشیت خدا قرار گرفته و هیچ جنبش و نیرویی جز به خواست خدا نیست، کارم را به خدا واگذار می‌کنم و پشت و پناهم را خدا قرار می‌دهم و بر خدا توکل می‌کنم.

پیوسته می‌گوییم که خدا مرا بس و کافی است، که خدا هر که او را به دعا بخواند می‌شنود و مرا جز درگاه شما بزرگوارانم که اولیای خدایید، دری دیگر نیست.

آنچه پروردگارم خواسته، وجود یابد و آنچه نخواسته وجود نخواهد یافت و هیچ جنبش و نیرویی جز به خواست خدا وجود ندارد.

من شما دو بزرگوار را اینک وداع می گویم و خدا این زیارت را آخرین  
عهدم به زیارت شما قرار ندهد.

من بازگشتم، ای آقای من، ای امیرالمؤمنین! و ای آقای من، ای ابا عبدالله! و  
سلام و تحیت من، مادام که شب و روز پیوسته به یکدیگرند بر شما باد و همیشه  
این سلام من به شما واصل شود و هیچ گاه از شما پوشیده و محجوب نباشد، ان  
شاء الله و از خدا به حق شما دو بزرگوار مسئلت می کنم که این، همیشه با  
مشیت خدا و عنایت الهی انجام یابد که او البته خدای بزرگوار ستوده صفات  
است.

ای آقای من! بازگشتم از زیارت شما در حالی که از هر گناه توبه کرده و به  
حمد، شکر و سپاس حق مشغولم و امیدوار اجابت دعاها یم هستم و ابداً از لطف  
خدا مأیوس نیستم که باز مکرر، رجوع به درگاه شما و بازگشت به زیارت قبور  
مطهر شما کنم و از شما و زیارت قبور مطهرتان هیچ سیر نشوم؛ بلکه مکرر باز  
بیایم ان شاء الله و البته هیچ جنبش و نیرویی جز به خواست خدا نخواهد بود.

ای بزرگان! من به زیارت شما مستاق و مایل بودم، بعد از آنکه اهل دنیا را  
دیدم که به شما و زیارت شما بی میل و رغبت بودند؛ پس خدا مرا از امید و  
آرزویی که دارم محروم نگرداند و از زیارت شما نیز محروم نسازد که او به ما  
نژدیک است و بسیار اجابت کننده دعا است. (پایان ترجمه زیارت بعد از زیارت عاشورا

(حدیث صفوان))

سیف بن عمیره گوید به صفوان گفت: علقمہ بن محمد این دعا را برای ما از حضرت باقر(علیه السلام) روایت نکرد بلکه همان زیارت را حدیث کرد؟ صفوان گفت: وارد شدم با سید خودم حضرت صادق(علیه السلام) به این مکان، پس به جا آورد مثل آنچه را که ما به جا آوردیم در زیارت و دعا کرد به این دعا هنگام وداع، بعد از اینکه دو رکعت نماز گذاشت چنانچه ما نماز گذاشتم و وداع کرد چنانکه ما وداع کردیم، پس صفوان گفت: حضرت صادق(علیه السلام) به من فرمود: مواطن باش این زیارت را و بخوان این دعا و زیارت کن به آن پس به درستی هر که زیارت کند به این زیارت و دعا کند به این دعا از نزدیک یا دور من ضامن بر خدا که زیارت شد مقبول شود و سعیش مشکور و سلامش به آن حضرت بر سر و محجوب نماند و حاجت او قضا شود از جانب خدای تعالی به هر مرتبه که خواهد بر سر و او را نومید بر نگرداند، ای صفوان یافتم این زیارت را به این ضامن از پدرم و پدرم از پدرش علی بن الحسین(علیه السلام) به همین ضامن و از حسین(علیه السلام) به همین ضامن و حسین(علیه السلام) از برادرش حسن(علیه السلام) به همین ضامن و حسن(علیه السلام) از پدرش امیر المؤمنین(علیه السلام) با همین ضامن و امیر المؤمنین(علیه السلام) از رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ) با همان ضامن و رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ) از جبرئیل با همین ضامن و جبرئیل از خدای تعالی با همین ضامن، و به تحقیق که خداوند عزوجل قسم خورده به ذات مقدس خود، که هر که زیارت کند حسین(علیه السلام) را با این زیارت از نزدیک یا دور و دعا کند به این دعا، قبول می کنم از او زیارت او را، و می پذیرم از او

خواهش او را به هر قدر که باشد و میدهم خواسته اش را، پس باز نگردد از نزد من با نامیدی و خسار و بازش گردانم با چشم روشن به برآوردن حاجت و فوز به جنت و آزادی از دوزخ و قبول کنم شفاعت او را در حق هر کس که شفاعت کند، حضرت فرماید: جز دشمن ما اهل بیت که در حق او قبول نشود، قسم خورده حق تعالی به این امر بر ذات اقدسش و گواه گرفته ما را بر آنچه که گواهی دادند با آن ملائکه ملکوت او، پس جبرئیل گفت: یا رسول الله خدا فرستاده مرا به سوی تو به جهت سرور و بشارت تو و شادی و بشارت علی(علیه السلام) و فاطمه و حسن و حسین و امامان از اولاد تو(علیهم السلام) تا روز قیامت پس مستمر و پاینده باد مسرت تو و مسرت علی(علیه السلام) و فاطمه(علیها السلام) و حسن(علیه السلام) و حسین(علیه السلام) و امامان(علیهم السلام) و شیعه شما تا روز رستخیز. پس صفوان گفت: حضرت صادق(علیه السلام) به من فرمود: ای صفوان هرگاه روی داد از برای تو به سوی خدای عزوجل حاجتی، پس زیارت کن به این زیارت از هر مکانی که بوده باشی و بخوان این دعا را، بخواه از پروردگار خود حاجت را که برآورده شود از خدا و خدا خلاف نخواهد فرمود و وعده خود را بر رسول خود به جود و امتنان خویش والحمد لله.

## **زیارت عاشورا در کتب روائی**

زیارت عاشورا یکی از زیارات مشهوره می باشد، که در کتب بزرگان شیعه در طول قرون و اعصار ذکر شده است، که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره نمود:

1. کامل الزیارات، ابن قولویه قمی (رحمه الله)، قرن چهارم
2. مصباح المتهجد، شیخ طوسی (رحمه الله)، قرن پنجم
3. مزار کبیر، محمد بن جعفر المشهدی (رحمه الله)، قرن ششم
4. مصباح الزائر، سید علی بن موسی بن طاووس (رحمه الله)، قرن هفتم
5. فرحة الغری، سید عبدالکریم بن احمد بن طاووس (رحمه الله)، قرن هفتم
6. منهاج الصلاح، علامه حلی (رحمه الله)، قرن هشتم
7. کتاب مزار، شهید اول، سید محمد بن مکی (رحمه الله)، قرن نهم
8. البلد الامین، علامه تقی الدین ابراهیم کفعی (رحمه الله)، قرن دهم
9. بحار الانوار و تحفه الزائر و زاد المعاد، علامه مجلسی (رحمه الله)، قرن یازدهم و .... .

## **عدم نیاز به بررسی سند زیارت عاشورا**

استاد الفقهاء میرزا جواد تبریزی (قدس سره) معتقد بودند، زیاراتی مانند زیارت عاشورا (جامعه کبیره، توسل، کسایع، ناحیه مقامه و ...) احتیاج به بررسی سند ندارد، و این گونه زیارات مشهور و شعار شیعه شده است و مضامین آن در

روایات صحیح وجود دارد و علماء بزرگ بدان عمل کرده و جزء معتقدات شیعه شده است، چه شعاری بالاتر از بیان ظلم هایی که بر خاندان اهل بیت(علیهم السلام)وارد شده است. زیارت عاشورا بیان ظلم، و لعن بر ظالمین اهل بیت(علیهم السلام) و سیدالشہدا(علیه السلام) و احیاء واقعه طف است و باید بر آن محافظت کرد، زیرا زنده نگاه داشتن واقعه کربلا، زنده نگاه داشتن مذهب بر حق تشیع است. اگر کسی به مظلومیت اهل بیت(علیهم السلام) به خصوص هجوم به خانه وصی رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ) و دخت رسول گرامی اسلام(صلی الله علیه وآلہ)، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب(علیه السلام) و حضرت صدیقه شهیده فاطمه زهراء(علیها السلام) و سیدالشہدا امام حسین(علیه السلام)(که از مسلمات نزد شیعه است) آگاهی پیدا کند، حقیقت را خواهد یافت. همانگونه که بسیاری از افراد به واسطه آگاهی بر این ظلم ها حقانیت مذهب تشیع و اهل بیت(علیهم السلام) بر آنها روشن گردیده و بدان روی آورده اند. همانگونه که شهادت بر مولانا امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب(علیه السلام)(شهادت ثالثه) در اذان شعار شیعه شده است و ترک آن جایز نمی باشد و کوتاهی در مثل این موارد گناهی نابخودنی به دنبال دارد<sup>74</sup>، زیرا که شعار مذهب و بانگ حقانیت اهل بیت(علیهم السلام) است.

---

74- کلیه فرازها از کتاب زیارت عاشورا فراتر از شبکه و مجموعه استفتائات فقیه مقدس میرزا جواد تبریزی(قدس سرہ) اخذ شده است.

## شهرت زیارت عاشورا

یکی از زیارات مشهوره که علماء بزرگ به آن توجه خاص داشته اند و در کتب خود، متن کامل زیارت، همراه با فضائل آن زیارت شریفه را، نقل نموده اند، زیارت مبارکه عاشورا می باشد. بزرگانی چون: شیخ طوسی(رحمه الله) در مصباح المتهجد، ابن قولویه قمی(قدس سره) در کتاب کامل الزیارات، مرحوم کفعمی در کتاب بلد الامین، مرحوم ابن طاووس(رحمه الله)در مصباح الزائر و شهید اول در مزار و... تمام فرازهای زیارت و فضائل آن را ذکر کرده اند. زیارت عاشورا جزء زیارات مشهور و مجرّب است که علماء بزرگ در فرون متمادیه بر آن تأکید کرده اند.

## کفایت شهرت در ثبوت بعضی از موضوعات خارجی

یادگیری احکام شرعی و فraigیری مسائل فقهی از برترین کارهای است، شما می دانید که در رابطه با ثبوت موضوعات خارجی حدودی وجود دارد، و در همه و یا در بیشتر آنها باید بینه اقامه گردد، ولی در پاره ای از امور، مجرد شهرت در ثبوت (موضوعات خارجی) کافی است، و نیازی به اقامه بینه و یا چیز دیگری ندارد، مثل آنکه، کسی زمینی را بخرد و پس از آن به وی گفته شود که این زمین وقف بوده است، از امام(علیه السلام) در مورد حکم این مسئله سؤال شد. حضرت(علیه السلام) فرمود: اگر بین مردم مشهور باشد که این زمین وقف است خرید آن جایز نیست، و آن را پس بدهد، و از این قبیل است حدود منی و

مشعر، (که حدود منی و عرفات با شهرت ثابت می شود)، و همچنین مقابر، ممکن است کسی دویست سال پیش در جایی دفن شده باشد، والآن کسی نباشد که دیده باشد فلان شخص در این مکان دفن شده، ولی بین مردم مشهور است که این مکان، محل دفن فلان شخص است، این شهرت کافی است.

و از این روست مقام و مزار حضرت رقیه بنت الحسین(علیهم السلام)، که از اول مشهور بود، گویا حضرت امام حسین(علیه السلام) نشانی را از خود در شام به یادگاری سپرده است، تا فردا کسانی پیدا نشوند که به انکار اسارت خاندان طهارت(علیهم السلام) و حوادث آن پردازنند، این دختر خردسال گواه بزرگی است بر اینکه در ضمن اسیران حتی دختران خردسال نیز بوده اند، ما ملتزم به این هستیم که بر دفن حضرت رقیه(علیها السلام) در این مکان شهرت قائم است، حضرت(علیها السلام) در این مکان جان سپرده و دفن شده است. ما به زیارت شناختیم، و باید احترام او را پاس داشت، (نگویید خردسال است) علی اصغر(علیه السلام) که کودک شیرخواری بود، دارای آن مقامی است که روبروی حضرت سیدالشہدا(علیه السلام) در کربلا دفن گردید، گفته اند که دفن وی در این مکان نشان از آن دارد که در روز حشر حضرت(علیه السلام) این کودک (علی اصغر(علیه السلام)) خردسال را به دست خواهد گرفت و نشان خواهد داد. دفن این طفل خردسال (حضرت رقیه(علیها السلام)) در شام گواه بزرگ و نشان قوی از اسارت خاندان طهارت، و ستم روا داشته بر ایشان دارد، آن ستمی که تمام پیامبران از آدم تا خاتم بر آن گریستند، تا آنجا که خدا عزای امام حسین(علیه السلام) را بر آدم

خواند، از این رو احترام این مکان لازم است، به سخنان فاسد گوش فرا ندهید، و به سخنان باطلی که می گویند: رقیه(علیها السلام) طفلی خردسال بیش نبود، گوش فرا ندهید، مگر علی اصغر(علیها السلام) کودک خردسال نیست که در روز قیامت شاهدی خواهد بود، و موجب آمرزش گنهکاران شیعه خواهد شد ان شاء الله تعالى.

بنابراین بر همه واجب است احترام این مکان ( محل دفن حضرت رقیه(علیها السلام)) را داشته باشند، و به سخنان فاسد و بیهوده ای که از گمراهی شیاطین است، گوش فرا ندهند و اعتنایی نکنند. ما با زیارت دختر امام حسین(علیه السلام)(رقیه(علیها السلام)) به خداوند متعال تقرب می جوییم، آن دختری که خود مظلوم بود، و خاندان وی همه مظلوم بودند<sup>۷۵</sup>.

نتیجه کلام: مرحوم میرزا(قدس سرہ) می فرمایند: مجرد شهرت در ثبوت پاره ای از موضوعات خارجی کافی است و لذا می توان این استفاده را از کلام ایشان کرد که برای اثبات زیارت عاشورا، نیازی به اقامه بینه وجود ندارد بلکه صرف شهرت در اثبات اعتبار آن کافی می باشد.

### چرا زیارت عاشورا در مجتمع حدیثی شیعی ذکر نشده است

---

۷۵- درس های برگرفته از فقیه مقدس میرزا جواد تبریزی(قدس سرہ)، ص 159

مجموع حدیثی شیعه به عنوان منابع مورد مراجعه کلیه افراد حتی عامه بوده است و مبنای محدثان بزرگ اجتناب از ذکر احادیثی بوده که با تقیه سازگاری ندارد (با توجه به اینکه شیعه همواره در فشار حکام جور بوده است)، از این رو مشاهده می شود که این زیارت شریفه در منابع حدیثی ذکر نشده است و به ذکر زیارت عاشورا در کتب ادعیه، که فقط مورد مراجعه شیعه بوده، اکتفا نموده اند، پس عدم ذکر زیارت عاشورا در منابع اولیه شیعه، حاکی از آن نیست که این زیارت قبلاً نبوده و بعد پدید گشته است، بلکه دستگاه ظلم که بعد از رحلت رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ) با تکیه بر اریکه قدرت، قرن ها نگذاشت شیعه به راحتی رأی و معتقدات خود را منتشر کنند و بارها کتابخانه های شیعی به واسطه مخالفین مورد هجوم قرار گرفته، و به آتش کشیده شد. به همین جهت علماء بزرگ با تلاش بی وقفه و تحمل مشقات آن زمان (که همواره در دوران متعدد، تقیه را پیشه کار خود قرار داده بودند) توانستند اثری را جهت حفظ مبانی حدیثی شیعه تدوین نمایند. که اولین آنها 400 اثری بود که به اصول اربعائی معروف گردید. این مجموعه توسط اصحاب ائمه(علیهم السلام) تدوین شد، که حاوی کلمات ائمه(علیهم السلام) در موضوعات مختلف بوده است که به مرور زمان، و هجوم به منابع غنی شیعی، اکثر آنها از بین رفته است، و آنچه که امروزه از اصول اربعائی باقی مانده است بیش از 16 اصل نمی باشد، که مرحوم محدث نوری(رحمه الله) در خاتمه کتاب مستدرک الوسائل ذکر نموده اند. سپس با تلاش

بزرگان، کتب اربعه تدوین شد که هم اکنون این کتب «الكافی، تهدیب، استبصر، من لا يحضره الفقيه» منبع مراجعه علماء بزرگ می باشد.

از زمان غضب خلافت و تخلف از فرامین رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ) و هجوم به خانه حضرت فاطمه زهرا(علیها السلام) و خانه نشین کردن امام شیعیان علی بن ابی طالب(علیه السلام) و تبعید یاران راستین اسلام، فشار بر شیعیان و مخلصین درگاه اهل بیت(علیهم السلام) به واسطه مخالفین روز به روز بیشتر شد و عرصه را بر شیعیان تنگ تر کردند، در شام که دورترین نقطه خلافت اسلامی بود، بنی امیه - لعنة الله عليهم - ریشه دواند و قدرت گرفت و جانشین رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ) را بر روی منابر مورد لعن قرار داده و با به شهادت رساندن دخت رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ) فاطمه زهرا(علیها السلام) و علی بن ابی طالب(علیه السلام) وصی بر حق رسول اکرم(صلی الله علیه وآلہ)، هر آنچه که توانستند بر سر اسلام آوردن. به طوری که دو ریحانه رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ)، امام حسن و امام حسین(علیهما السلام) را با بدترین آزارها به شهادت رساندند.

امام باقر(علیه السلام) فرمود:

ذلت و خواری شیعه و بلای مهم و کشتار، پس از شهادت امام حسن(علیه السلام) و در زمان معاویه بود. در هر شهری شیعیان ما را می کشتند و دست و پای افراد را، حتی به گمان شیعه بودن آنان، قطع می کردند. هر کسی به ما اظهار محبت می نمود، به زندان می رفت. اموالش را غارت، و خانه اش را خراب

می کردند و این بلا و مصیبت ادامه داشت، تا آن که زمان ابن زیاد و قاتل امام حسین(علیه السلام) فرا رسید».<sup>۷۶</sup>

پس از بنی امية، بنی عباس - لعنة الله عليهم - با شعار دروغین، با افکار پلید و منحرف خود، هر آنچه توانستند به سر شیعیان آوردند، زیرا از حقانیت و قدرت گرفتن شیعیان هراس داشتند و ائمه اطهار(علیهم السلام) را با بھانه های پوچ و بی اساس یا مسموم و یا شهید نمودند و اصحاب راستین آنان را زندانی، تبعید و یا به شهادت رساندند، این روش خصمانه در قرون متمادی ادامه داشت و حکام جور هر چه از آثار شیعی به دستشان می رسید از بین می برند. لکن این مذهب با فدایکاری علماء بزرگ و حامیان دین، توانست پا بر جا بماند، ولو با اندک مبانی که علی رغم تقیه و فشار تدوین شده است و همواره علماء طائفه سعی کرده اند، طوری حرکت کنند که به دست مخالفین بھانه ندهند و عدم ذکر مثل زیارت عاشورا/ که با تقیه سازگاری ندارد، از همین رو است، به همین خاطر زیارت عاشورا/ را فقط در کتبی که مورد مراجعه شیعه بوده، ثبت و ضبط نموده اند. این زیارت شریفه عمدتاً در کتب ادعیه ای، که به کتب مزار علماء معروف است، ذکر شده است.

---

. ۷۶- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۱۵

## اعتبار زیارت عاشورا

- 1- اگر خبری شهرت پیدا کرد؛ یعنی از منابع حدیثی مختلف و به سندهای گوناگون، همراه با راویان متعدد، نقل شد، و به حد شهرت رسید، موجب وثوق و اطمینان به صدور آن خبر از معصوم (علیهم السلام) خواهد شد.
- 2- گاهی منشأ عقلائی، موجب ثبوت و اطمینان به صدور روایت از معصوم می‌گردد، و آن به دلیل تنوع و تعدد منابع و مصادر خبر می‌باشد، که در نهایت موجب حصول اطمینان به صدور روایت از معصوم می‌شود، کما اینکه علمای بزرگ به بعضی از نصوص - با اینکه از جهت سند تمام نمی‌باشد - اعتماد کرده اند، به خصوص در مستحبات و مکروهات.
- 3- عالی بودن الفاظ و مضامین زیارت عاشورا، صدور آن را از اهل بیت (علیهم السلام) تأیید می‌نماید. [و این امر را به وضوح در کتاب «نهج البلاغه» مولانا امیر المؤمنین علی، بن ابی طالب (علیه السلام) مشاهده می‌کنیم، که مضامین عالی و انسجام الفاظ موجب اطمینان به صدور آن از مولانا امیر المؤمنین، علی بن ابی طالب (علیه السلام) است].
- 4- توافق مضامین زیارت با ملاکات و ادلہ عامه مذکوره در کتاب و سنت قطعیه، خود دلیل دیگری بر اعتبار زیارت عاشورا است.
- 5- هماهنگی بخشی از مضامین و جملات وارد در زیارت عاشورا، از قبیل اظهار درد، اندوه، سلام و لعن، در برخی از روایات صحیح آمده است.

6- بعضی از فرازهای زیارت عاشورا، مدح، ستایش و سلام بر خاندان عصمت و طهارت(علیهم السلام) می باشد، و فرازهای دیگر آن، لعن، نفرین و بیزاری از غاصبان و ظالمین اهل بیت(علیهم السلام) است، که این زیارت شریفه، جامع این دو امر (لعن و سلام) می باشد، و هر یک از این دو؛ یعنی سلام بر خاندان اهل بیت(علیهم السلام) و لعن بر دشمنانشان - بر طبق روایات واردہ از معصوم(علیهم السلام) - مورد تأکید امامان بوده، و برای آن اجر و پاداش فراوانی قرار داده شده است.

7- این زیارت، احیاء نام اهل بیت(علیهم السلام) است، چرا که یادآور ظلم هایی است که دشمنان اهل بیت(علیهم السلام) در حق آنان(علیهم السلام) روا داشتند، و برپایی هرگونه مجالس اهل بیت(علیهم السلام) که یادآوری مصائب و مظلومیت آنان(علیهم السلام)، به خصوص سیدالشهدا(علیه السلام) باشد، احیای امر آنها(علیهم السلام) است که ثواب فراوان دارد.

و در این زمینه روایات متعددی وارد شده است، که به بعضی از آنها اشاره می شود:

1- «قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام): الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ فِي النَّاسِ مَنْ يَقِدُّ إِلَيْنَا وَيَمْدُحُنَا وَيَرْثِي لَنَا»<sup>۷۷</sup>

---

77- کامل الزیارات، ص 539، ح 829؛ وسائل الشیعه، ج 14، ص 599.

امام صادق(عليه السلام) فرمود: خدا را سپاس که در میان مردم، کسانی را قرار داد که به سوی ما می آیند، و ما را مدح و مرثیه می گویند».

۲- «قالَ الصَّادِقُ (عليه السلام): تَزَاوِرُوا وَتَلَاقِوْا وَتَذَاكِرُوا وَأَحْيِوْا أَمْرَنَا؛<sup>۷۸</sup>

امام صادق(عليه السلام) فرمود: به زیارت و دیدار یکدیگر بروید، با هم به سخن و مذاکره بنشینید، و امر ما را (کنایه از امامت) زنده کنید».

۳- «قالَ الصَّادِقُ (عليه السلام) لِلْفَضْلِ: تَجْلِسُونَ وَتُحَدِّثُونَ؟ فَقَالَ: نَعَمْ؛ قَالَ: إِنَّ تِلْكَ الْمَجَالِسَ أَحِبُّهَا فَأَحِبُّوا أَمْرَنَا، فَرَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَحْبَى أَمْرَنَا؛<sup>۷۹</sup>

امام صادق(عليه السلام) از فضیل پرسید: آیا (دور هم) می نشینید و حدیث و سخن می گویید؟ گفت: آری؟ فرمود: این گونه مجالس را دوست دارم، پس امر (امامت) ما را زنده بدارید. خدای رحمت کند کسی را که امر و راه ما را احیا کنند».

۴- «قالَ الرِّضا (عليه السلام): مَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا يُحِبِّي فِيهِ أَمْرُنَا لَمْ يَمُتْ قَبْلَهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ؛<sup>۸۰</sup>

امام رضا(عليه السلام) فرمود: هرکس در مجلسی بنشیند که در آن، امر (ولایت و امامت) ما احیا می شود، دلش در روزی که دل ها می میرند، نمی میرد».

---

.352- بحار الانوار، ج 71، ص 78

.392- وسائل الشیعه، ج 10، ص 79

.278- بحار الانوار، ج 44، ص 80

خواندن زیارت شریفه عاشورا، خود به تنها بی یکی از راه های حفظ شعائر است؛ زیرا دارای الفاظ و مضامینی است، که موجب زنده نگاه داشتن واقعه کربلا می شود، و حماسه کربلا ارتباط مستقیم با دین دارد، و از جهت دیگر، حفظ دین بر همگان واجب است، و باید در برگزاری هر آنچه که دین را زنده نگاه می دارد - از جمله احیاء امر اهل بیت(علیهم السلام) - تلاش کرد.

8- زیارت عاشورا، صرف نظر از سند آن، تحت ادله عمومی استحباب زیارت سیدالشہدا(علیه السلام) قرار گرفته است، و مشمول «خبر من بلغ» نیز می شود. بر فرض خدشه در سند زیارت عاشورا، می توان ثواب قرائت این زیارت شریفه را، به واسطه فضل خداوند نسبت به بندگانش، که اخبار من بلغ بیانگر آن است، ثابت کرد.

خبر من بلغ، مجموعه ای از روایاتی است که با عنوان اخبار من بلغ، از ائمه(علیهم السلام) نقل شده است، از جمله آنها: امام صادق(علیه السلام) فرمود: «من<sup>۸۱</sup> بَلَغَهُ عَنِ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) شَيْءٌ مِّنَ الثَّوَابِ فَعَمِلَهُ كَانَ أَجْرُ ذِكْرِ لَهُ وَإِنْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) يَقُولُهُ»;

کسی که از پیامبر خبری به او برسد که مشتمل بر ثواب باشد و آن شخص این کار را انجام دهد، آن ثواب برای او خواهد بود، اگرچه رسول خدا آن را نفرموده باشد).

---

.۸۱- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۸۰، باب ۱۸

ظاهر این روایات، از فضل خداوند نسبت به بندگانش خبر می دهد، که بدون در نظر گرفتن حکم واقعی عمل، هر عملی را که مؤمن به اعتماد فضل او انجام دهد، بی ثواب نخواهد گذارد برای نمونه می توان به مسجد کوفه اشاره کرد که فضیلت مسجد کوفه بر طبق روایات صحیحه از مسلمات است، و در فضیلت<sup>۸۲</sup> این مسجد همین کافی است، که محل عبادت بسیاری از انبیاء و امامان

---

#### ۸۲- فضیلت مسجد کوفه و نماز در آن:

- ۱- امیرمؤمنان علی بن ابی طالب(علیه السلام) فرمود: «هزار پیامبر و هزار وصی پیامبر در این مسجد نماز خوانده اند». (کامل الزیارات، ص ۲۸، ح ۵)
- ۲- در روایتی از امام صادق(علیه السلام) آمده است: «اگر من در نزدیکی مسجد کوفه بودم امید آن داشتم که حتی یک نماز در آن هم از من فوت نشود»، سپس خطاب به راوی می فرماید: «آیا از فضل آن آگاهی؟» عرض کرد: نه، فرمود: «هیچ عبد صالحی و هیچ پیامبری نبود مگر اینکه در مسجد کوفه نماز خواند، حتی زمانی که رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ) به معراج رفت، جبرئیل به آن حضرت گفت: آیا می دانی در این لحظه در کجا هستی یا محمد؟ فرمود: نه؛ عرض کرد: تو در مقابل مسجد کوفه هستی. رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ) فرمود: بنابراین، از پروردگارت اجازه بگیر که فرود آیم و در آن نماز بخوانم، جبرئیل اجازه گرفت، خداوند نیز اجازه داد و پیامبر(صلی الله علیه وآلہ) هبوط کرد و دو رکعت نماز خواند. آن گاه امام صادق(علیه السلام) فرمود: «نماز واجب در آن معادل هزار نماز، و نماز نافله در آن معادل پانصد نماز است. در هر جهت از چهار جهت او، باغی از باغ های بهشت قرار دارد. نشستن در آن بدون نماز و ذکر نیز، عبادت است». (کامل الزیارات، ب ۸، ص ۲۷، ح ۶)
- ۳- امام صادق(علیه السلام) می فرماید: «امیرمؤمنان علی(علیه السلام) به کسی که برای درک فضیلت مسجدالاقدسی بار خود را بسته بود و برای خدا حافظی خدمت آن حضرت در مسجد کوفه رسید، فرمود: زاد و راحله ات را بفروش و بیبا در این مسجد نماز بگذار که نماز واجب در آن، معادل یک حج مقبول و نماز نافله در آن، معادل یک عمره مقبوله است... هیچ غمزده و دردمندی حاجتی از حوائجش را در این مسجد طلب نمی کند مگر اینکه خداوند به او پاسخ می دهد و مشکلش را برطرف می سازد». (کامل الزیارات، ب ۸، ص ۲۷، ح ۱۸) و...

معصوم (علیهم السلام) بوده است، لکن در خصوص اینکه هر رکعت نماز در آن مسجد شریف چقدر ثواب دارد، روایات مختلفی وارد شده است، اینگونه موارد را اخبار من بلغ شامل می‌شود، و ثوابی که در روایات بابت هر رکعت نماز در مسجد کوفه وارد شده است، خداوند متعال به فضل خود نسبت به بندگانش، آن ثواب را می‌دهد، و همین گونه است زیارت سیدالشهدا (علیه السلام)، چرا که بر طبق روایات صحیح، زیارت سیدالشهدا (علیه السلام) از افضل اعمال است، اما با توجه به احتمال ناصحیح بودن سند زیارت عاشورا (بر فرض قبول اشکال در سند زیارت)، اخبار من بلغ شامل این زیارت شریفه می‌شود، و ثواب موعود در زیارت شریفه عاشورا، به فضل خداوند به بندگان داده می‌شود.  
نهایتاً این نتیجه حاصل می‌شود، که قرائت زیارت عاشورا رجاءً ثواب موعود را به دنبال دارد.

۹- در مکافاتی<sup>۸۳</sup> که برای برخی بزرگان شیعه رخ داده حکایت از اعتبار و عظمت این زیارت دارد.

محمد نوری در کتاب نجم الثاقب از سید احمد فرزند سید هاشم رشتی (رحمه الله)، تاجر ساکن رشت، نقل می‌کند که گفت: «در سال هزار و دویست و هشتاد، برای ادائی حج و زیارت خانه خدا از رشت به تبریز آمدم، آنجا در خانه یکی از

---

۸۳- مکافه به معنی آشکار شدن اسرار و امور غیبی است. (آنچه در کشف و شهود به عنوان رکن اصلی نمود دارد داشتن چشم حقیقت بین است تا از مهم ترین حقیقت غیبی یعنی حقایق الهیه و اسماء پنهان در این گنجینه پرده بردارد).

تجار معروف، به نام حاج صفر علی منزل نمودم. چون کاروانی نبود متغیر بودم که چگونه سفر را ادامه دهم، تا آنکه حاج جبار نامی که جلوه دار کاروان و از شهر سده اصفهان بود، مال التجاره ای برداشت، و من به همراه کاروان او حرکت کردم.

در یکی از منازل ما بین راه (در ترکیه) حاجی جبار جلوه دار، نزد ما آمد، که این منزلی که در پیش داریم محفوظ است، قدری زودتر بار کنید که به همراه قافله باشید، چون در سایر منازل ما اغلب از قافله عقب بودیم، ما هم تقریباً دو ساعت و نیم یا سه ساعت به صبح مانده حرکت کردیم. به اندازه نیم یا سه ربع فرسخ از منزل دور شده بودیم، که هوا تاریک شد و برف باریدن گرفت، به طوری که هر یک از رفقا سر خود را پوشانده و تندراندند. هرچه کردم به آنها برسم ممکن نشد، تا آنکه آنها رفتند و من تنها ماندم، پس از اسب خود پیاده شده و در کنار راه نشستم. از آنجا که مبلغ ششصد تومان با خود داشتم مضطرب گشته، و تصمیم گرفتم که در همین مکان بمانم تا آفتاب طلوع کند، و سپس به منزل قبلی مراجعت کرده تا دلیلی بیابم و به کاروان ملحق شوم.

ناگاه در مقابل خود باغی دیدم، که در آن، با غبانی بیل به دست گرفته بر درختان می زد تا برف آنها بریزد. مرد پیش من آمد و در فاصله کمی ایستاد، فرمود: تو کیستی؟ عرض کردم: رفقای من رفته اند و تنها در این بیابان مانده ام و راه را هم نمی دانم. به زبان فارسی فرمود: نماز شب بخوان تا راه را پیدا کنی.

من مشغول خواندن نماز شب شدم. بعد از فراغ از تهجد، باز آمد و فرمود: نرفتی؟ گفتم: به خدا قسم راه را نمی دانم. فرمود: زیارت جامعه بخوان! من زیارت جامعه را از حفظ نمی دانستم - و الان هم از حفظ ندارم - اما ایستادم و زیارت جامعه را از حفظ خواندم. باز فرمود: نرفتی؟ بی اختیار گریه ام گرفت، و گفتم: راه را نمی دانم! فرمود: زیارت عاشورا بخوان! من عاشورا را از حفظ نمی دانستم - و تا کنون هم حفظ نیستم - اما در آنجا با لعن و سلام و دعای علقمه از حفظ خواندم.

باز آمد و فرمود: نرفتی؟ گفتم: نرفتی. تا صبح شد، فرمود: من حالا تو را به کاروان می رسانم، رفت و بر الاغی سوار شد، بیل خود را به دوش گرفت، و فرمود: پشت سر من بر الاغ سوار شو! سوار شدم، عنان اسب خود را کشیدم، تمکین نکرد و حرکت ننمود. فرمود: جلوی اسب را به من بده! دادم، بیل را به دوش چپ و عنان اسب را به دست راست گرفت و به راه افتاد و اسب در نهایت تمکین، متابعت کرد. پس دست خود را بر زانوی من گذاشت و فرمود: شما چرا نماز شب نمی خوانید؟ و سه مرتبه فرمود: نافله، نافله، نافله.

باز فرمود: چرا عاشورا نمی خوانید؟ عاشورا، عاشورا، عاشورا.

بعد فرمود: چرا جامعه نمی خوانید؟ سه مرتبه فرمود: جامعه، جامعه، جامعه. در همان حال به من فرمود: اینها رفقای تو هستند که لب نهر آب فرود آمده و برای نماز صبح مشغول وضو گرفتن هستند!!

من از الاغ پیاده شدم که سوار اسب خود شوم نتوانستم، او پیاده شد و بیل را در برف فرو برد، مرا سوار کرد و به سوی رفقا برگردانید.

در آن هنگام به فکر فرو رفته و از خود سؤال کردم که این شخص چه کسی بود که به زبان فارسی حرف می زد، در صورتی که زبانی جز ترکی، و مذهبی غالباً جز عیسوی در آن حدود یافت نمی شد، چگونه مرا با این سرعت به رفقایم رسانید؟ پس پشت سر خود نگاه کردم، احدی را ندیده، و اثربی از او نیافتم و آن گاه به رفقای خود ملحق شدم.<sup>۸۴</sup>

۱۰- این زیارت شریفه در طول تاریخ مورد توجه علمای بزرگ بوده است. به طوری که بر آثار و برکت خواندن آن اتفاق نظر داشته، و حتی بر خواندن روزانه آن اصرار نموده اند.<sup>۸۵</sup> بی شک چنین زیارتی بی نیاز از بررسی سندي است.

---

۸۴- نجم الثاقب، ص 601 - 602. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی(رحمه الله)، بعد از زیارت جامعه کبیره حکایت سید رشتی.

۸۵- توجه و مداومت بزرگانی چون آیت الله شیخ محمد حسین اصفهانی (معروف به کمپانی)، آیت الله شیخ صدرای بادکوبه ای(رحمه الله)، آیت الله شیخ مرتضی انصاری(رحمه الله)، علامه مجلسی(رحمه الله)، آیت الله شیخ عبدالکریم حائری(رحمه الله) مؤسس حوزه علمیه قم و (خود فقیه مقدس آیت الله میرزا جواد تبریزی(قدس سره) که مدافع سر سخت زیارت عاشورا بودند و همواره بر خواندن آن برای قضای حواج تأکید می کردند).

فرزند علامه امینی نقل می کند که: پدرم(رحمه الله) با کثرت مطالعات و تحقیقاتی که داشت، بر خواندن زیارت عاشورا مداومت می کرد، و من حدود چهار سال بعد از فوتشان، ایشان را که خواب دیدم و از محضرشان پرسیدم که چه عملی باعث نجات است، به من گفتند: زیارت عاشورا را به هیچ عنوان و عذری ترک مکن.

۱۱<sup>۸۶</sup>- نقل زیارت عاشورا در منابع و کتاب های بزرگان و حامیان دین، از ده قرن قبل تاکنون، خود دلیل دیگری بر معتبر بودن این زیارت شریف می باشد.

از جمله می توان به کتاب ها و منابع معتبر زیر اشاره کرد:

۱. کامل الزیارات، ابن قولویه قمی (رحمه الله)، قرن چهارم

۲. مصباح المتهجد، شیخ طوسی (رحمه الله)، قرن پنجم

---

مرحوم شیخ مشکور(رحمه الله) که از علمای بسیار مهذب نجف و از شاگردان مرحوم میرزای شیرازی(رحمه الله) است خواب می بیند که آیت الله محلاتی - که ساکن شیراز بود - از دنیا رفت، و به او مقام شایسته ای داده شده است. شیخ(رحمه الله) از مرحوم محلاتی(رحمه الله) می پرسد: این مقام را از کجا به دست آورده ای؟ مرحوم محلاتی(رحمه الله) می گویند: از زیارت عاشورا. شیخ مشکور، خواب خود را برای میرزای شیرازی نقل کرده، و مرحوم میرزا دستور مهیا شدن برای عزاداری می دهدند. با این وجود طلاق گفتند: خواب حجت نیست و هنوز خبر فوت ایشان به ما نرسیده است، مرحوم آیت الله میرزای شیرازی(رحمه الله) می گوید: این خواب هرگز نیست، خواب شیخ مشکور(رحمه الله) است. بعد از سه روز، خبر فوت مرحوم آیت الله محلاتی(رحمه الله) به نجف می رسد. مرحوم محلاتی(رحمه الله) مدت سی سال هر روز زیارت عاشورا را خواند و هرگز آن را ترک نکرد و اگر مریض می شد، نایب می گرفت.

از شیخ محمد حسن انصاری(رحمه الله) برادر زاده و داماد مرحوم شیخ انصاری نقل شده که فرزند سوم شیخ - معروف به آقا شیخ بزرگ(رحمه الله) که از اجله اهل فضل نجف اشرف بود - را در عالم رؤیا دیدم و از او پرسیدم که آنجا چه عملی برای ما بیشتر سود دارد؟ آقا بزرگ، سه بار تکرار کردند: زیارت عاشورا. شیخ جعفر تبریزی فرقیه مقدس راحل میرزا جواد تبریزی(قدس سره) نقل می کند: مرحوم میرزا(قدس سره) اهمیت خاصی به زیارت عاشورا می دادند و می فرمودند: این زیارت حلآل مشکلات است. ما زمانی که نجف مشغول درس بودیم اگر مشکلی داشتیم در کنار قبر مطهر سیدالشهدا(علیه السلام) زیارت عاشورا می خواندیم و نتیجه می گرفتیم. مرحوم میرزا جواد تبریزی(قدس سره) خود، جهت قرائت زیارت عاشورا به بالای پشت بام می رفتد و زیارت عاشورا را زمزمه می کردند و به دیگران برای قضای حواej خود می گفتند: زیارت عاشورا بخوانید).

3. مزار کبیر، محمد بن جعفر المشهدی (رحمه الله)، قرن ششم
4. مصباح الزائر، سید علی بن موسی بن طاووس (رحمه الله)، قرن هفتم
5. فرحة الغری، سید عبدالکریم بن احمد بن طاووس (رحمه الله)، قرن هفتم
6. منهاج الصلاح، علامه حلبی (رحمه الله)، قرن هشتم
7. کتاب مزار، شهید اول، محمد بن مکی (رحمه الله)، قرن نهم
8. البلد الامین، علامه تقی الدین ابراهیم کفعومی (رحمه الله)، قرن دهم
9. بحار الانوار و تحفه الزائر، علامه مجلسی (رحمه الله)، قرن یازدهم
- 12- مجرب بودن زیارت عاشورا، در رفع مشکلات و قضای حاجات، و آثار شگفت آور آن، موجب شده است که این زیارت در میان علماء و بزرگان دین و مردم مؤمن عظمت خاصی داشته باشد، و این خود دلیل محکمی بر حقانیت و صحت آن است.

برای بیان آثار پر عظمت این زیارت شریفه، می توان به حکایتی که آقای حاج سید احمد زنجانی (رحمه الله) در کتاب الكلام یجر الكلام از مرحوم آیت الله آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی (رحمه الله) نقل نموده است اشاره کرد که فرمود: من و آقای آقا میرزا علی آقا (رحمه الله) – آقا زاده میرزا شیرازی (رحمه الله) – و آقا سید محمود سنگلچی (رحمه الله) در سامرا شبی روی بام در خدمت مرحوم آقای میرزا محمد تقی شیرازی (رحمه الله) درس می خواندیم. در اثنای درس، استاد

بزرگ ما، مرحوم آقای سید محمد فشارکی (رحمه الله) تشریف آوردن، در حالی که آثار گرفتگی و انقباض در بشره اش پیدا بود، معلوم شد شنیدن خبر بروز و با در عراق (سامرا) ایشان را این گونه منقلب کرده است. فرمود: شما مرا مجتهد

---

۸۷- آیت الله سید محمد بن قاسم فشارکی (رحمه الله) اصفهانی؛ در سال ۱۲۵۳ قمری (۱۲۱۴ شمسی) در منطقه فشارک (اصفهان) به دنیا آمد، در سن ۱۱ سالگی به عراق رفت، و کفالت او را برادر بزرگش ابراهیم ملقب به «کبیر» بر عهده گرفت. و برخی دروس را نزد برادر و ما بقی را نزد علمای دیگر مانند آیت الله فاضل اردکانی (رحمه الله) و حاجی آقا حسن بن سید مجاهد (رحمه الله) گذراند. در سال ۱۲۸۶ قمری، به نجف رفت و در محضر آیت الله حاج میرزا محمد حسن شیرازی (رحمه الله) تلمذ کرد و در سال ۱۲۹۱ به همراه آیت الله شیرازی (رحمه الله) به سامرا رفت. پس از وفات آیت الله شیرازی (رحمه الله) مجدداً در سال ۱۳۱۲ هجری قمری به نجف بازگشت. آن طور که آقا بزرگ تهرانی در کتاب خود می فرماید: در مسجد هندی در نجف، کرسی تدریس داشت، که حدود ۳۰۰ شاگرد در درس او حاضر می شدند. شیخ عباس قمی (رحمه الله) در «فواید الرضویه» می فرماید: زمانی که آیت الله شیرازی (رحمه الله) در شعبان ۱۳۱۲ وفات کرد بزرگان به او رجوع کردند؛ زیرا اعتقاد داشتند که او اعلم پس از میرزا است، و از او خواستند که تصدی امور شرع و مرجعیت را بر عهده بگیرد، اما ایشان فرمود: من خود می دانم که شایسته این کار نیستم؛ زیرا ریاست امور شرعی نیاز به امور دیگری غیر از علم دارد، و من در این امور وسواس خاصی دارم، و من به غیر از تدریس به کاری نباید مشغول شوم. ایشان اشاره کرد که به سراغ مرحوم میرزا محمد تقی شیرازی (رحمه الله) برونده که این یکی از دلایل بلندی همت، پاکی نفس و اخلاص قلب این بزرگوار بوده است. حاج میرزا محمد حسین نائینی (رحمه الله)، حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی (رحمه الله)، آقا شیخ محمد رضا نجفی (رحمه الله)، حاج شیخ محمد حسین طبسی (رحمه الله) و آقا میرزا سید علی مدرس یزدی (رحمه الله) از شاگردان وی بودند. او در نجف درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد. از آثار وی، اصلاح البرائة، الاغسال، الفروع المحمدية، مجموعه رسالاتی در فقه و غیره، شرح اوائل رساله البرائه شیخ انصاری، رساله ای در خلل نماز می باشد. وفات وی را در ۱۳۱۶ قمری (۱۲۷۷ شمسی) دانسته اند. محل دفن وی یکی از حجرات صحن مقدس علوی است.

می دانید؟ عرض کردیم: بلی، فرمود: عادل می دانید؟ عرض کردیم: بلی! فرمود: من به تمام زن و مرد شیعه سامرا حکم می کنم که هر یک از ایشان یک مرتبه زیارت عاشورا را به نیابت از طرف نرجس خاتون، والده ماجده امام زمان(علیه السلام) بخوانند، و آن مخدره را نزد فرزند بزرگوارش، شفیع قرار دهند تا آن حضرت از خداوند عالم بخواهد که خدا شیعیان مقیم سامرا را از این بلا نجات دهد. به محض اینکه حکم صادر گردید، تمام شیعیان مقیم سامرا، حکم را اطاعت کرده و زیارت عاشورا، را طبق همان دستور خوانندند، در نتیجه بعد از خواندن زیارت عاشورا، یک نفر شیعه سامرا تلف نشد، در صورتی که هر روز حدود پانزده نفر از غیر شیعه تلف می شدند.<sup>۸۸</sup> لازم به تذکر است که از آن به بعد تمامی تلفات متوجه عامه بود که باعث شد عده ای از آنان متنبه شده و به مذهب حق روی آورند.<sup>۸۹</sup>

---

۸۸. الکلام یجر الکلام، ج ۱، ص ۵۴ - ۵۵

۸۹. فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی(قدس سرہ) می فرمودند: هر هفتہ عده ای از طلاب حوزه نجف اشرف شب های جمعه برای زیارت سالار شهیدان(علیه السلام) از نجف به کربلا می رفتند و من هم توفیق داشتم که یکی از آنان باشم، و هر هفتہ به ساحت مقدس آن بزرگوار عرض ادب می کردم، و موفق می شدم که در کنار قبر مطهر و رویه روی ضریح آن امام مظلوم(علیه السلام) زیارت عاشورا بخوانم، و به واسطه این توسل، از سیدالشهداء، امام حسین (علیه السلام) مدد می جستم. در این جهت مولی(علیه السلام) عنایت فراوانی به من کرد، و بسیاری از مشکلاتم به واسطه این توسل حل می شد. زیارت عاشورا مجرّب است، بر آن مداومت کنید و بدانید که بسیاری از علمایی که به درجات رفیع رسیدند، به واسطه توصلات بوده که از جمله آنها مداومت بر خواندن زیارت عاشورا است. در مورد زیارت

---

عاشورا سهل انگاری نکنید، خداوند به واسطه این توسولات به شما مقامی خواهد داد که دنیا و آخرت  
شما را تضمین خواهد کرد، ان شاء الله تعالى.

## اهمیت زیارت عاشورا

زیارت عاشورا در دو کتاب مهم «کامل الزیارات»، تأليف شیخ ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه(رحمه الله) و «مصابح المتهجد» نوشته ابو جعفر محمد بن الحسن الطوسی(رحمه الله)، آمده است. مرحوم شیخ طوسی(رحمه الله)، کتاب مصابح المتهجد را مختصر نمود و نام آن را مختصرالمصابح<sup>۹۰</sup> نهاد. قابل ذکر است، گرچه بنای شیخ(رحمه الله) در کتاب مختصرالمصابح، بر اختصار بوده اما از آنجا که زیارت عاشورا از اهمیت خاصی برخوردار بوده است، آن را در دو کتاب نقل کرده است. و در اهمیت این زیارت شریفه همین کافی است که بزرگان طائفه طی قرون مختلفه از جمله ابن قولویه قمی(رحمه الله)، شیخ طوسی(رحمه الله)، بن مشهدی(رحمه الله)، بن طاووس(رحمه الله)، علامه حلی(رحمه الله)، شهید اول(رحمه الله)، مرحوم کفعمی(رحمه الله)، علامه مجلسی(رحمه الله) و... آن را نقل کرده اند.

---

۹۰- این کتاب را که «مصابح صغیر» نیز بدان گفته اند، خود شیخ طوسی(رحمه الله) از «مصابح المتهجد» تلخیص کرده و در فهرست، نام آن را جزء تألیفات خود ذکر می کند، و نسخ خطی آن در نجف، قم، مشهد مقدس و جاهای دیگر موجود است، از آن جمله، نسخه خطی ابن العلقمی(رحمه الله) و نسخه خطی طبیسی مشهدی(رحمه الله) و نسخه خطی بن زنبور(رحمه الله) که این سه نسخه در مرکز دار الصدیقة الشهیده(علیها السلام) - در شهر مقدس قم موجود است و نسخه خطی کتابخانه آیت الله گلپایگانی(رحمه الله) در قم و نسخه خطی کتابخانه شیخ هادی کاشف الغطاء(رحمه الله)، در نجف اشرف، و دو نسخه خطی کتابخانه مدرسه فاضل خان در مشهد مقدس می توان اشاره کرد.

## كتاب كامل الزيارات

### ناقل زيارة عاشورا

شيخ ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولويه<sup>91</sup>(رحمه الله)

موضوع كتاب كامل الزيارات، مجموعه احاديث و روایات اهل بیت(علیهم السلام) درباره شیوه زیارت حضرت رسول(صلی الله علیه وآلہ) و دیگر امامان و امامزادگان(علیهم السلام) و ثواب و فضیلت آن می باشد.  
ابن قولویه در آغاز کتاب، تمام راویان کتاب خود را توثیق کرده است<sup>۹۲</sup>. «لکن ما وقع لنا من جهة الثقات من اصحابنا...».

۹۱- محدث نوری(رحمه الله) داستان جالبی از ابن قولویه(رحمه الله) به نقل از کتاب «خرایج» قطب

الدین راوندی(رحمه الله) آورده است که همان را علامه مجلسی(رحمه الله) در جلد 13 بحار الانوار باب 23 (باب کسانی که امام زمان(علیه السلام) را دیده اند) نقل کرده است. علامه مجلسی(رحمه الله) می نویسد: در «خرایج» راوندی(رحمه الله) است که از ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه(رحمه الله) روایت شده که گفت: وقتی در سنه 307 (یعنی سال 337 هجری) به عزم حج بیت الله وارد بغداد شدم، و آن سالی بود که قرامطه «حجر الاسود» را به جای خود برگردانیده بودند بیشترین سعی من این بود که خود را به مکه برسانم و ببینم چه کسی حجر الاسود را در جای خود نصب می کند.

زیرا در خلال بعضی از کتاب ها دیده بودم که نوشه بود: «حجر الاسود را می ریابند و بار دیگر امام آن عصر(علیه السلام)، آن را در جای خود نصب می کند، چنان که در زمان حاجاج بن یوسف، امام زین العابدین(علیه السلام) آن را در جای خود نهاد و به همان حال ماند.

۹۲- در خصوص توثیق تمام راویان کتاب كامل الزيارات اختلاف وجود دارد. مرحوم استاد الفقهاء سید خویی(رحمه الله) نهایتاً با توجه به توثیق ابن قولویه در مقدمه کتاب قائل شدند که تمام مشايخ ابن قولویه ثقة می باشند. لکن رجالی خبیر مرحوم میرزا جواد تبریزی(قدس سره) می فرمودند: سلسله روات در کتاب ابن قولویه باید مورد بررسی قرار گیرد تا وثاقت یا ضعف خبر معلوم شود و توثیق ابن

کتاب کامل الزیارات، شامل 843 حدیث می باشد که در 108 باب تنظیم شده است.

مؤلف این کتاب، انگیزه نگارش آن را این گونه بیان می فرماید:

«انگیزه من در نگارش این کتاب، تقرب به درگاه الهی، پیامبر، علی، فاطمه و ائمه(علیهم السلام) بوده و تلاش کرده ام با نشر معارف اهل بیت(علیهم السلام) و نقل ثواب زیارت آن بزرگواران، به جمیع اهل ایمان هدیه ای تقدیم کرده باشم».

این یادگار ماندگار شیعه، بیش از هزار سال است که مورد توجه محدثین و فقهای عظیم الشان عالم اسلام بوده است.<sup>۹۳</sup>

---

قولویه ناظر به اعتبار کتب یا افرادی است که از آن کتب روایات را نقل کرده است و ناظر به موثق بودن راویان روایات کامل الزیارات نمی باشد.

ولی در بغداد دچار بیماری سختی شدم، به طوری که جان خود را در معرض خطر دیدم و نتوانستم شخصاً به حج بروم. ناچار شخصی به نام «ابن هشام(رحمه الله)» را نائب گرفتم که از جانب من به حج برود و نامه سریسته ای به وی دادم که در آن به حضرت امام زمان(علیه السلام)نوشته بودم و از مدت عمر خود و اینکه در این مرض می میرم یا نه، سؤال کرده بودم. به ابن هشام(رحمه الله)، نائب خود گفتمن: تمام مقصودم این است که این نامه را به دست کسی برسانی که حجر الاسود را در جای خود می گذارد، و جواب آن را گرفته و بیاوری. وقتی ابن هشام(رحمه الله)از سفر حج برگشت نقل کرد که چون وارد مکه شدم و مردم در صدد برآمدند حجر الاسود را در جای خود نصب کنند، من مبلغی پول به عده ای از خدام حرم دادم تا راه را باز کنند و من بتوانم آن کس که حجر الاسود را در جای خود می گذارد، ببینم. چند نفر از خدام را با خود نگاه داشتم که از دحام جمعیت را به یک سوزنند (وبدين گونه به نزدیک محل رسیدم).

هر کس حجر الاسود را برداشت که در جای خود نصب کند، قرار نگرفت. تا اینکه جوانی گندمگون و زیبا روی آمد و آن را برداشت و در جای خود گذارد، به طوری که گویی اصلاً کنده نشده بود. در این موقع صدای شادی حاجیان از هر سو برخاست. سپس جوان مزبور از یکی از درهای مسجد الحرام خارج شد.

نویسنده کتاب در مقدمه آن - پس از ذکر غرض خود از تألیف آن - می نویسد: «در هر موضوع هرگاه دیدم احادیث منقول از اهل بیت(علیهم السلام) کافی است، احادیث منقول از غیر طریق آنان (اهل سنت) را ذکر نکرده ام. از طرفی روشن است که ما به تمام احادیث معصومین در این موضوع و غیر آن احاطه نداریم، ولیکن آنچه که در نزد ماست، همگی از طریق راویان مورد وثوق شیعه است؛ و از راویاتی که احادیث شاذ و نادر نقل می کنند، و در نقل روایات معروف، و در فقه و علم، مشهور نیستند، حتی یک حدیث، نقل نکرده ام و نام این کتاب را کامل الزیارات و فضل ها و ثواب آن گذاشت.

---

من هم برخاستم و از هر طرف مردم را متفرق ساختم و به دنبال وی شتافتم. مردم هم به من راه می دادند، و مرا دیوانه می پنداشتند، اما من در آن گیر و دار چشم از او بر نمی گرفتم تا اینکه از میان جمعیت بیرون آمدم.

من با سرعت پشت سر او می دویدم، و او آهسته راه می رفت، با این وجود به او نمی رسیدم. وقتی به جایی رسیدم که جز من کسی او را نمی دید ایستاد و به من نگریست و گفت: آنچه با خود داری بیاور! من هم نامه را به او دادم، بدون اینکه به آن نگاه کند گفت: بگو (خطاب به بن قولویه(رحمه الله)) از این بیماری وحشت مدار که بعد از سی سال دیگر خواهی مُرد! در این وقت گریه ام گرفت و چندان گریستم که قدرت هرگونه حرکتی از من سلب شد. در همین حال مرا گذاشت و رفت. ابن قولویه(رحمه الله) گفت: این داستان را ابن هشام(رحمه الله) نائب من بعد از مراجعت از سفر حج برای من نقل کرد. چون سال 367 رسید، ابن قولویه بیمار شد و به امور خود پرداخت و تهیه لوازم قبر می دید. وصیت خود را نوشت و در این باره سعی بليغ مبذول می داشت. به او می گفتند اين همه ترس برای چيست؟ اميد است خداوند سلامتی بدهد، ترس ندارد. اما ابن قولویه(رحمه الله) می گفت: اين همان سالي است که قبلًا وعده مرگ مرا داده اند و سرانجام در همان بیماری رحلت کرد و محل قبر شریف این بزرگوار، قم می باشد.

و این کتاب دارای ابواب زیر است:

- 1- ثواب زیارت حضرت رسول (صلی الله علیه وآلہ)
- 2- آداب و ثواب زیارت امیر المؤمنین، علی (علیه السلام)
- 3- آداب و ثواب زیارت امام حسن (علیه السلام)
- 4- ثواب گریه و اقامه عزا بر امام حسین (علیه السلام) و چگونگی نماز و زیارت در حرم آن حضرت (که بخش اعظم کتاب را در بر گرفته است).
- 5- شیوه زیارت حضرت امام موسی کاظم و امام جواد (علیهم السلام).
- 6- شیوه زیارت سایر ائمه (علیهم السلام)
- 7- زیارت مؤمنین
- 8- زیارت امامزادگان

جعفر بن قولویه قمی (رحمه الله) نویسنده کامل الزیارات، از برجسته ترین چهره های راویان شیعه و فقیهان امامیه، در قرن چهارم هجری است که در شهر مقدس قم به دنیا آمد و از اساتید بزرگی همچون، احمد بن ادریس اشعری قمی (رحمه الله)، پدرش محمد بن قولویه (رحمه الله)، محمد بن یعقوب کلینی (رحمه الله)، محمد بن حسن صفار (رحمه الله) و علی بن بابویه (رحمه الله) (پدر شیخ صدوق) بهره برده است.

شیخ مفید (رحمه الله) از ممتازترین شاگردان ابن قولویه (رحمه الله) است که از او ستایش فراوان کرده است. یکی از عبارات شیخ مفید (رحمه الله) این گونه است:

«خداؤند، شیخ مورد اعتماد ما، ابوالقاسم، جعفر بن محمد بن قولویه را تأیید فرماید».

ابن قولویه(رحمه الله) به عنوان یکی از محدثان سرشناس و مورد اطمینان بزرگان امامیه، در سلسله سند 507 روایت قرار گرفته است و با محافظت از این گنجینه علمی، افزون بر زنده نگه داشتن یاد و نام ائمه(علیهم السلام)، خدمات شایانی نیز به جهان تشیع و تثبیت باورهای آن کرده است.

## اسناد زیارت عاشورا

### در کتاب کامل الزیارات

اسناد مرحوم شیخ ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه(رحمه الله)

ابن قولویه(رحمه الله) ابتدا روایت فضیلت زیارت سیدالشہدا را در روز عاشورا

ذکر می کند و می فرماید:

«حدَّثَنِي حَكِيمُ بْنُ دَاوُدَ بْنَ حَكِيمٍ وَغَيْرُهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى الْهَمْدَانِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ  
بْنِ خَالِدِ الطَّيَالِسِيِّ، عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ وَصَالِحِ بْنِ عَقْبَةَ جَمِيعًا، عَنْ عَلْقَمَةَ بْنِ مُحَمَّدِ  
الْحَضْرَمِيِّ وَمُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ صَالِحِ بْنِ عَقْبَةَ، عَنْ مَالِكِ الْجَهْنَمِيِّ.  
«عَنْ أَبِي جَعْفَرِ الْبَاقِرِ (عليه السلام) قَالَ مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ (عليه السلام) يَوْمَ عَاشُورَاءِ مِنَ  
الْمُحْرَمِ حَتَّى يَظَلَّ عِنْدَهُ بَاكِيًّا لَقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِثَوَابِ أَلْفِ أَلْفِ حِجَّةٍ  
وَأَلْفِ أَلْفِ عُمْرَةَ وَأَلْفِ أَلْفِ غَزْوَةٍ وَثَوَابُ كُلِّ حِجَّةٍ وَعُمْرَةٍ وَغَزْوَةٍ كَثَوَابٌ مِنْ حَجَّ  
وَاعْتَمَرَ وَغَرَّاً مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه وآلہ وسلم) وَمَعَ الائِمَّةِ الرَّاشِدِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ  
أَجْمَعِينَ...»<sup>۹۴</sup> ...تا آخر حدیث

حکیم بن داود بن حکیم و غیرش، از محمد بن موسی همدانی، از محمد بن خالد طیالسی، از سیف بن عمیره و صالح بن عقبه جملگی، از علقمه بن محمد حضرمی و محمد بن اسماعیل، از صالح بن عقبه، از مالک جهنه، از حضرت ابی جعفر الباقر(عليه السلام)، نقل می کنند که حضرت فرمودند: کسی که در روز

۹۴- کامل الزیارات، ص 326؛ مصباح المتهجد، ص 536، چاپ بیروت.

عاشوراً؛ يعني روز دهم محرم الحرام، حضرت امام حسین(عليه السلام) را زیارت کند و روز را تا شب با حالتی گریان نزد آن حضرت بماند، روز قیامت خدا را ملاقات کند در حالی که خداوند متعال ثواب دو میلیون حج، دو میلیون عمره و دو میلیون مرتبه جهاد را به وی بدهد».

شایان توجه است که ثواب چنین حج، عمره و جهادی، همچون ثواب کسی است که حج، عمره و جهاد را در معیت رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ واصحیح) و ائمه راشدین(عليهم السلام) به جا آورده باشد.

«قال: قلت: جعلت فدک فما لمن کان فی بعد البلاد وأقاصيها ولم يمكنه المصیر إلیه فی ذلك اليوم؟ قال: اذا كان ذلك اليوم برز إلی الصحراء أو صعد سطحاً مرتفعاً فی داره، و أوما إلیه بالسلام، واجتهد علی قاتله بالدعاء، و صلی بعده رکعتين يفعل ذلك فی صدر النهار قبل الزوال، ثم ليندب الحسین(عليه السلام) ويیکیه ویامر من فی داره بالبكاء علیه، و یقيم فی داره مصیبته باظهار الجزع علیه، ویتلاقون بالبُكاء بعضهم بعضاً فی البيوت، ولیعزّ بعضهم بعضًا بمصاب الحُسین(عليه السلام)، فأننا ضامن لهم إذا فعلوا ذلك على الله عزوجل جميع هذا الثواب، فقلت: جعلت فدک و أنت الضامن لهم إذا فعلوا ذلك والزعيم به؟ قال: أنا الضامن لهم ذلك والزعيم لمن فعل ذلك؛

علقمة می گوید، محضر مبارک امام پنجم(عليه السلام) عرضه داشتم:

فدایت شوم! اجر و ثواب کسی که در شهرهای دور دست و بلاد غریب و  
بعید بوده، به طوری که برایش امکان ندارد در چنین روزی (روز عاشورا) به  
زیارت حضرت بشتابد، چگونه است؟

امام(علیه السلام) فرمود: وی در چنین روزی به صحراء رفت، یا به پشت بام  
بلندی در خانه اش برآید و با سلام به حضرت اشاره کرده، سپس در نفرین بر  
قاتلان آن حضرت سعی و کوشش نموده و پس از آن دو رکعت نماز بخواند.  
البته توجه داشته باشد که این زیارت را در روز قبل از ظهر انجام دهد، سپس  
برای امام حسین(علیه السلام) ندبه و گریه نموده و به کسانی که در خانه می باشند  
نیز امر نماید که برای آن حضرت بگریند و با اظهار جزع و فرع بر آن جناب، در  
خانه اش اقامه مصیبت نماید، و مواظب باشند هرگاه اهل خانه یکدیگر را  
ملاقات کردند، با گریه باشند و لازم است برخی از آنها بعضی دیگر را نسبت به  
 المصیبت حضرت ابا عبدالله الحسین(علیه السلام) تسلیت دهند و در صورتی که به  
این دستورهایی که داده شد، عمل کنند من ضامن می شوم که حق تعالیٰ تمام  
ثواب هایی که ذکر شد را به ایشان اعطا فرماید.

حضرت مبارکش عرض کردم: فدایت شوم! شما برای ایشان ضامن این  
ثواب ها می شوید؟

حضرت فرمودند: در صورتی که به دستورهای داده شده، عمل کنند البته که  
من ضامن آن می باشم.

«قال: قلت: فكيف يعزّى بعضهم بعضاً؟ قال: يقولون: عظُمَ الله اجورنا بمصابينا بالحسين(عليه السلام)، وجعلنا و اياكم من الطالبين بشاره مع وليه الامام المهدى من آل محمد؛ فان استطعت أن لا تنتشر يومك فى حاجة فافعل، فانه يوم نحس لا تقضى فيه حاجة، وان قضيت لم يبارك له فيها ولم ير رشدًا، ولا تدخلن منزلك شيئاً، فانه من ادخر لمنزله شيئاً في ذلك اليوم لم يبارك له فيما يدّخره ولا يبارك له في أهله، فمن فعل ذلك كتب له ثواب ألف ألف حجة و ألف ألف عمرة، و ألف ألف غزوة كلها مع رسول الله(صلى الله عليه وآلـهـ وـسـلـامـ) و كان له ثواب مصيبة كل نبيّ و رسول و صديق و شهيد مات أو قتل منذ خلق الله الدنيا الى أن تقوم الساعة».

علقمة می گوید، محضر مبارک امام(عليه السلام) عرض کرد: اگر بعضی بخواهند برخی دیگر را تسلیت بدھند چگونه و چه بگویند:  
حضرت فرمودند:

بگویند: عظُمَ الله اجورنا بمصابينا بالحسين(عليه السلام)، و جعلنا و اياكم من الطالبين بشاره مع وليه الامام المهدى من آل محمد(صلى الله عليه وآلـهـ وـسـلـامـ) (خداؤند متعال اجرها و ثواب های عزادار بودن ما را برای امام حسین(عليه السلام) زیاد گردانده و ما و شما را در رکاب قرین ولی آن حضرت، حضرت امام مهدی، قائم آل محمد(صلى الله عليه وآلـهـ وـسـلـامـ) از طلب کنندگان خون آن جناب قرار دهد).

و اگر قدرت و توانایی این را داشتی که آن روز (روز عاشورا) را به دنبال نیازمندی هایت نروی، البته مرو چه آنکه این روز، روز نحسی بوده و حاجت در

آن روا نمی گردد و اگر هم حاجت برآورده شود، برای شخص حاجتمند مبارک نبوده، و وی خیر نخواهد دید.

توجه داشته باشید در آن روز در منزل خویش آذوقه ای را ذخیره نکنی، چه آنکه اگر کسی در آن روز در منزلش چیزی را ذخیره کند، برایش میمون و مبارک نبوده و برای اهلش نیز برکت نخواهد داشت.

بنابر این کسی که به این دستورها عمل کند، ثواب هزار هزار حج، هزار هزار عمره و هزار هزار جهاد، که تمامی را در رکاب رسول خدا(صلی الله علیه و آله) انجام داده باشد، برایش نوشته می شود و همچنین خداوند متعال ثواب هر مصیبی که به انبیا، رسولان، صدیقین و شهدایی که در راه حق کشته شده اند رسیده است را، از بدو خلق دنیا تا انقراض عالم و قیام قیامت به او اعطا می فرماید.

و بعد از آنکه ابن قولویه (رحمه الله) مطلب بالا را ذکر کرد، در ادامه می نویسد:

«قَالَ صَالِحٌ بْنُ عَقْبَةَ الْجُهَنْيِّ وَسَيِّفُ بْنُ عَمِيرَةَ قَالَ عَلْقَمَةُ بْنُ مُحَمَّدَ الْحَضْرَمِيُّ:

فَقُلْتُ لَابِي جَعْفَرَ (عليه السلام): عَلَّمْتِنِي دُعَاءً أَدْعُو بِهِ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ إِذَا أَنَا زُرْتُهُ مِنْ قَرِيبٍ وَدُعَاءً أَدْعُو بِهِ إِذَا لَمْ أَزُرْهُ مِنْ قَرِيبٍ وَأَوْ مَاتُ إِلَيْهِ مِنْ بَعْدِ الْبِلَادِ وَمَنْ سَطَحَ دَارِي بِالسَّلَامَ قَالَ: يَا عَلْقَمَةً إِذَا أَنْتَ صَلَيْتَ رَكْعَتَيْنِ بَعْدَ أَنْ تُومِئَ إِلَيْهِ بِالسَّلَامِ وَقُلْتَ عِنْدَ الْأَيْمَاءِ إِلَيْهِ وَبَعْدِ الرَّكْعَتَيْنِ هَذَا الْقَوْلُ فَإِنَّكَ إِذَا قُلْتَ ذَلِكَ فَقَدْ دَعَوْتَ بِمَا يَدْعُو بِهِ مَنْ زَارَهُ مِنَ الْمُلَائِكَةِ وَكَتَبَ اللَّهُ لَكَ بِهَا أَلْفَ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَمَحَا عَنْكَ أَلْفَ أَلْفَ سَيِّئَةٍ وَرَفَعَ لَكَ مِائَةَ أَلْفَ [أَلْفَ] دَرَجَةٍ وَكُنْتَ كَمَنِ اسْتُشْهِدَ مَعَ الْحُسَيْنِ بْنِ

عَلَيْهِ حَتَّى تُشَارِكُهُمْ فِي دَرَجَاتِهِمْ وَلَا تُعْرَفُ إِلَّا فِي الشَّهَادَاءِ الَّذِينَ اسْتُشْهِدُوا مَعَهُ  
وَكَتَبَ لَكَ ثَوَابَ كُلِّ نَبِيٍّ وَرَسُولٍ وَزِيَارَةً مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلَيٍّ (عليه السلام) مُنْذُ  
يَوْمَ قُتْلَهِ<sup>٩٥</sup>؛

علقمه بن محمد حضرمی می گوید: محضر مبارک ابی جعفر(عليه السلام) عرض کرد: دعا یی به من تعليم فرمایید که در آن روز وقتی از نزدیک به زیارت آن حضرت رفتم آن را خوانده و دعا یی به من یاد دهید که هرگاه از نزدیک به زیارت آن جناب نرفته؛ بلکه از شهرهای دور و پشت بام به آن حضرت(عليه السلام) با اشاره سلام دادم، آن را بخوانم.

حضرت(عليه السلام) فرمودند: ای علقمه! اگر بعد از سلام و خواندن دو رکعت نماز، این دعا و زیارت را، که شرحش را برایت می گوییم خواندی پس، به آنچه فرشتگان زائر آن حضرت، دعا کرده اند تو نیز دعا نموده ای و خداوند متعال برای تو هزار هزار حسنہ نوشته و هزار هزار گناه محو می فرماید و صد هزار هزار درجه، مقام و مرتبه تو را بالا برده و تو را از کسانی قرار می دهد که با حضرت حسین بن علی(عليه السلام) شهید شده اند و بدین ترتیب در درجه ایشان قرارت می دهد، و شناخته نمی شوی مگر در زمرة شهدا یی که با آن حضرت شهید شده اند و ثواب تمام انبیا، رسولان و کسانی که امام حسین(عليه السلام) را از زمان شهادتش تا به الان زیارت نموده اند را برایت می نویسد.

حضرت(علیه السلام) به علقمه فرمودند: در زیارت ابا عبدالله الحسین در روز  
عاشورا بگو:

«السلامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حِبَرَةَ  
اللَّهِ وَابْنَ حِبَرَتِهِ، الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيْنَ، الْسَّلَامُ عَلَيْكَ  
يَابْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ النِّسَاءِ الْعَالَمِينَ، الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالوَتَرَ الْمَوْتُورَ،  
الْسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ، عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعًا سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا  
ما بَقِيَتْ وَبَقَى اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيْةُ وَجَلَّتْ وَعَظُمَتِ الْمُصِيْبَةُ

بِكَ...»<sup>۹۶</sup>

سلام بر تو ای ابا عبدالله، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای  
برگزیده خدا و فرزند برگزیده اش، سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان و فرزند  
سرور جانشینان، سلام بر تو ای پسر فاطمه، که سرور بانوان عالم می باشد...».<sup>۹۷</sup>

---

۹۶-کامل الزیارات، ص 325 - 328

۹۷-کامل الزیارات، ص 325 - 328

## مصابح المتهجد و سلاح المتعبد

شیخ طائفه، محمد بن حسن طوسی(رحمه الله)<sup>۹۸</sup>

شیخ طوسی(رحمه الله) کتاب مصابح المتهجد و سلاح المتعبد را به درخواست جمعی از شاگردان خود نوشته و یکی از بهترین کتاب هایی است که در موضوع

---

۹۸- شیخ الطائفه، محمد بن حسن طوسی(رحمه الله)، معروف به «شیخ طوسی» در ماه رمضان سال ۳۸۵ هجری دیده به دنیا گشود. محمد بن حسن طوسی، مقدمات متداول علمی را فرا گرفت و در بهار جوانی از فضیلت علمی خوبی برخوردار بود. در آن اوقات منطقه طوس، شهرهای نیشابور، ری و قم مناطقی بوده است که طوسی می توانسته از محاضر دانشمندان آنجا استفاده کند. شیخ طوسی(رحمه الله)، طوس را برای ترقیات شایان و سیر کمالات خود تنگ می دید، به منظور استفاده بیشتر و درک محضر شیخ مفید(رحمه الله) و دیگران، به سال ۴۰۸ هجری، که بیست و سه ساله بود، رهسپار بغداد گردید.

هنگامی که شیخ طوسی(رحمه الله) وارد بغداد شد، به حوزه درس مفید، استاد بزرگ و سالخورده درآمد، جالب است که محصل که جوانی بیست و سه ساله بود در حوزه درس مفید، که جایگاه رادمردان بود حضور به هم می رسانید و در اندک زمانی مورد توجه خاص استاد عالی مقام واقع شد و به مرور ایام نیز بر همگان تفوق یافت! دانشمند جوان که تا آن موقع ادبیات عرب، فقه، اصول و حدیث را خوب آموخته بود، با استفاده از فرصت مناسبی که در اختیار داشت، شب و روز با شور و شوق و پشت کار زاید الوصفی به کسب دانش از محضر پر فیض مفید اهتمام ورزید و در سایه فکر موج، نبوغ سرشار و استعداد خدادادش، نظر استاد بزرگ را به خود جلب کرد. شیخ طوسی مدت پنج سال؛ یعنی تا پایان زندگانی شیخ مفید، علی الدوام از محضر او بهره مند بود و لحظه ای را به غفلت نمی گذرانید. او به علاوه از محضر مشایخ دیگر شیعه و استادان فن هم استفاده نمود که از جمله ابو الحسن علی بن احمد بن ابی جید، احمد بن محمد بن موسی، معروف به ابو صلت اهوازی، حسین بن عبیدالله غضائی و احمد بن عبدالواحد، معروف به ابن عبدون بودند و اسامی آنها را به عنوان مشایخ حدیث در کتب خود آورده است. ۲

مزار تألیف شده است. شیخ طوسی(رحمه الله) در مقدمه کتاب غرض از تألیف را

این گونه می فرمایند:

«... شما که خدایتان تأیید کند از من خواستید تا عبادت های سال، چه آنها که

مکرر می شود و چه غیر از آنها را، برایتان در کتابی جمع آوری<sup>۹۹</sup> کنم و دعاها

---

⑥ شیخ طوسی(رحمه الله) در اواخر عمر استادش شیخ مفید(رحمه الله) با اشتیاق فراوان و پشتکار زیاد از حضور وی مستفید بود، تا اینکه استاد بزرگ از این جهان زودگذر، چهره فرو تافته و به ملکوت اعلا شتافت. بعد از رحلت وی، چون ریاست علمی و دینی شیعه به بزرگ ترین شاگرد او، سید مرتضی(رحمه الله) رسید و شیخ طوسی(رحمه الله) نیز هنوز راه های ترقی و تکامل را می پیمود و خود را بی نیاز از درک محاضر استادی و خوشه چینی از خرمن دانش آنها نمی دید، بیست و سه سال نیز از حوزه درس سید مرتضی، به خصوص از علم کلام، فقه و اصول وی استفاده کرد. علامه متبع، مرحوم حاج میرزا حسین نوری(رحمه الله) در خاتمه «المستدرک الوسائل» ج ۳، ص ۵۰۹، ۳۷ تن را به عنوان استادان شیخ طوسی(رحمه الله) ذکر نموده است. شیخ(رحمه الله)، خود در «فهرست»، «تهذیب»، «استبصر» و غیره بیشتر از پنج دانشمند؛ یعنی شیخ مفید(رحمه الله)، عضائی(رحمه الله)، ابن عبدون(رحمه الله)، ابن ابی جید(رحمه الله) و ابن صلت(رحمه الله) را روایت می کند، اما در کتب کلامی، فقهی، اصولی و تفسیر اغلب به گفتار استاد عالیقدرش، سید مرتضی(رحمه الله) استناد می جوید، و از نظریات وی در ادبیات عرب شاهد می آورد. چنان که در «تبیان»، «مبسط»، «عدة الاصول»، «غیبت» و «تلخیص الشافی» می بینیم. باری! شیخ طوسی که دانشمندی ایرانی بود و در دیار غربت و میان ملت عرب و اهل تسنن به سر می برد و خود یکی از نوابغ و افراد مستعد بود، همان مقام و موقعیت زمان شیخ مفید(رحمه الله) را نزد سید مرتضی(رحمه الله) پیدا کرد؛ بلکه باید گفت مقامی بیشتر و امتیازاتی افرون تر یافت تا آنجا که سرآمد شاگردان سید(رحمه الله) به شمار آمد. سید مرتضی(رحمه الله) به سال ۴۳۶، بعد از ۸۰ سال عمر گران بها و ۲۳ سال ریاست مطلق بر دنیا شیعه و به جای گذاشتن تألیفات ارزنده و پرورش شاگردان برازنده، رخت به سرای باقی کشید. با اینکه دانشمندان بزرگی از شاگردان مفید(رحمه الله) و هم عصران سید مرتضی(رحمه الله) مانند: ابو یعلی جعفری(رحمه الله)، نجاشی(رحمه الله) و کراجکی(رحمه الله) در قید حیات بودند و هر کدام از مفاخر

منتخبه هر عبادتی را نیز به طور اختصار بر آن بیفزایم. و برخی از مسائل فقهیه را، که از ذکر آن ناگزیرم، بدان ضمیمه سازم، و در این باره بسط کلام ندهم؛ زیرا مسائل فقهیه، به طور مشروح در کتاب های فقهی مانند: مبسوط، نهایه، الجمل والعقود، مسائل الخلاف و غیره ذکر شده است و مقصود از تألیف این کتاب، تنها برای عمل کردن و ذکر دعاهاستی است که در کتاب های فقهیه خود ذکر نکرده ایم<sup>۱۰۰</sup>؛ زیرا بسیاری از اصحاب ما هستند که اهل عمل اند و حالی برای

---

دانشمندان شیعه محسوب می گشتند و نزد عموم با احترام می زیستند، اما هیچ کدام مقام،

⑥ موقعیت و شخصیت شیخ طوسی(رحمه الله) را نیافتند. اینک شیخ طوسی(رحمه الله) پنجاه و یکساله است. می توان گفت بیش از چهل سال است که در محضر بیش از چهل تن از دانشمندان ایران و عراق، علوم متداول عصر اعم از عقول و منقول مانند ادبیات عرب، حدیث، تفسیر، رجال، فقه، اصول، کلام و غیره را هر کدام نزد اساتید مبرز آن رشته، آموخته و بیست و هشت سال است که شب و روز به مطالعه، تحقیق، تألیف و تصنیف پرداخته و کتاب های ذی قیمتی در آن رشته ها نوشته و منتشر ساخته است.

شهرت علمی، شخصیت اجتماعی و احاطه وسیع وی بر عقاید و مذاهب موجب گردید که از طرف خلیفه وقت، القائم بامر الله عباسی، کرسی علم کلام، که به سرآمد دانشمندان عصر تعلق می گرفت، در اختیار وی گذاشته شود. شیخ الطائفه(رحمه الله) روی این کرسی می نشست و علم کلام؛ یعنی بحث در پیرامون عقاید و مذاهب را که رایج ترین علوم آن روز بود، درس می گفت.

شیخ طوسی(رحمه الله) تا سال 448 در بغداد بود و ناگزیر شد در همین سال بغداد را ترک کند، حوادث شومی برای شیعیان « محله کرخ » روی داد که تأثیر عمیقی در اوضاع شیعه و سرنوشت شیخ الطائفه(رحمه الله) داشت. این حوادث بیشتر در ایام محرم و صفر، که شیعیان مشغول عزاداری شهدای کربلا و تجلیل از مقام جانبازی سالار شهیدان، حضرت امام حسین(علیه السلام) بودند، به وقوع می پیوست. و حوادث خونینی روی داد که طی آن گروه بسیاری به قتل رسیدند و بیش از آن مجروح

تفقه ندارند، و برخی به عکس، در صدد تفقه اند، و برخی هم در این میان بین هر دو کار را جمع کرده اند و ما برای هر یک از این سه دسته، کتاب هایی نوشته تا هر کدام بدان مراجعه کرده و خواسته خود را از آن برگیرند.» تا آخر کلام شیخ

طوسی(رحمه الله)<sup>101</sup>

---

شدن و خانه ها، دکان ها و اموال بسیاری از شیعیان به تاراج رفت! خلاصه ماجرا بدین قرار بود که وجود سلاطین شعیی آل بویه و تسلط آنها بر دستگاه خلافت بنی عباس، که نزدیک یک قرن ادامه داشت باعث گردید که خلیفه القائم با مر الله پنهانی طغل بیک، حکمران سلجوقی را که سنتی متعصبی بود تشویق به اشغال بغداد و منقرض ساختن قدرت آل بویه نمود. ارسلان ترکی معروف به «بساسیری» که مردم را دعوت به خلفای فاطمی مصر می نمود در آن اوقات قدرت زیادی به دست آورده بود و خلافت آل عباس سخت در مخاطره قرار داشت. طغل بیک در سال 447 وارد بغداد شد و خلیفه را نجات داد، بساسیری فرار کرد و سلسه آل بویه در بغداد به کلی منقرض گشت. از آن روز، سختگیری نسبت به شیعیان رو به فزونی نهاد؛ زیرا دولت و ملت، خود را از قید تسلط دودمان آل بویه آزاد دیدند و موقعیت را برای خالی کردن عقده های خود نسبت به شیعه و نفوذ علماء و دانشمندان آنها در نیم قرن گذشته، غنیمت شمردند.

با ورود طغل سلجوقی، شیعیان « محله کرخ » از گفتن « حی على خير العمل » در اذان ممنوع شدند، و مأمور گشتنند که به جای آن به شیوه اهل تسنن « الصلاة خير من النوم » بگویند! به علاوه تمام شعارها و کتیبه هایی که شیعیان بر دیوارها و دروازه های کرخ نوشته بودند؛ مانند محمد و علی خیر البشر را محظوظ کردند. سپس مداھان اهل تسنن، وارد کرخ شدند و با صدای بلند اشعاری در مدح خلفاً قرائت نمودند. به امر ابن سلمه، رئیس الرؤسا، ابو عبدالله جلاب (گلاب) رئیس برازهای کرخ را به جرم غلو در تشیع به قتل رساندند و بر در مغازه اش به دار آویختند. شیخ طوسی(رحمه الله) نیز پنهان شد و خانه اش غارت گردید. در ماه صفر سال 449 چند بار کتاب های شیخ الطائفه(رحمه الله) را جلوی مسجد نصر آوردند و در ملا عام آتش زدند و شیخ نیز چند نوبت پنهان گردید. چگونگی سوزاندن کتب شیخ(رحمه الله) و فرار وی و غارت خانه اش بدین قرار بوده است که در حمله به محله کرخ، خانه شیخ(رحمه الله) نیز که رئیس شیعیان بود، مورد حمله قرار گرفت. شیخ پنهان گردید. چون دسترسی

کتاب مصباح یک بار در سال 1338 در تهران به صورت سنگی به چاپ رسیده که قطع آن وزیری و در 600 صفحه است و مخارج چاپ آن را حاج عباسقلی خان سهم الملک عراقی پرداخته است.

---

به وی پیدا نکردند کلیه موجودی خانه اش را غارت نمودند، سپس کتاب ها و کرسی تدریس او را به محله کرخ آورده و سه پرچم سفید را که در قدیم شیعیان هنگام زیارت مولای متقیان، علی بن ابی طالب(علیه السلام) با خود حمل می کردند، روی آنها نهاده و همه را طعمه حریق ساختند.

سال بعد که بساسیری قدرت بیشتری یافت، شیعیان نیز فرصت یافتند و انتقام خود را از مخالفان در حمله به کرخ، آتش زدن و غارت خانه ها و مقاوه های خود گرفتند. اما دیری نپائید که طغول سلوجویی مجدداً به بغداد بازگشت و بساسیری فرار کرد و بعد کشته شد و بغداد به تصرف طرفداران خلافت عباسی درآمد. حمله عمومی به محله کرخ، از سر گرفته شد. بسیاری از خانه ها و اماکن به تاراج رفت و دود آتش از هر سوی کرخ برخاست. کتابخانه شاهپور ابن اردشیر، وزیر بهاء الدوله، پسر عضد الدوله دیلمی، که مردی داشمند و داشت دوست بود، و در تشیع، قدمی داشت طعمه حریق گردید.

شاپور بن اردشیر، این کتابخانه را در سال 381 هجری در محله کرخ به منظور استفاده داشمندان و افراد با سواد شیعه تأسیس کرد و از نفیس ترین کتابخانه های آن روز بود. این کتابخانه دارای ده هزار و چهار صد جلد کتاب بود. شیخ طائفه(رحمه الله) مجبور شد بغداد را به قصد نجف ترک کند. نجف در آن موقع شهر نبود، حتی عنوان قریه هم نداشت، فقط تنی چند از زوار و مردم پرشور شیعه در جوار بارگاه امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) می زیستند. در زمان سلاطین دیلمی، از جمله معز الدوله، عضد الدوله، بهاء الدوله و وزراء و شخصیت های شیعی این خاندان، نجف، رونق گرفت. تغییرات زیادی پیدا کرد و اشیاء نفیسی، وقف بارگاه آن حضرت(علیه السلام) نمودند. سلاطین مجبور خود نیز به زیارت مرقد منور مولای متقیان(علیه السلام) می آمدند و طبق وصیت آنها بعد از مرگ نیز در سرداد صحن نجف، کنار آن تربت پاک به خاک رفتند. اما در آن موقع که شیخ(رحمه الله) به نجف آمد، دیگر نجف رونق زمان آل بویه را نداشت و از آن آمد و رفت ها خبری نبود، تعصب های جاهلانه سایه شوم خود را در همه جا افکنده و حالت رعب و وحشت همه جا فرا گرفته بود.

در حاشیه این چاپ، ترجمه مصباح، به قلم محدث بزرگوار،<sup>۱۰۲</sup> مرحوم حاج شیخ عباس قمی(رحمه الله)<sup>۱۰۳</sup> نیز چاپ شده و فراغت از ترجمه، در سال ۱۳۳۱ هـ. ق بوده است، و متصلی چاپ در مقدمه آن ذکر کرده که این نسخه با پنج نسخه مقابله شده است، و سپس خصوصیات نسخ مزبور را ذکر می کند.  
کتاب مصباح را علامه حلی(رحمه الله)<sup>۱۰۴</sup> تلخیص کرده که شرح آن در ذیل ذکر شده است:

منهاج الصلاح فی مختصر المصباح، این کتاب را علامه حلی(رحمه الله) به درخواست وزیر محمد بن محمد قوهدهی از روی مصباح مختصر کرده و آن را به ده باب مرتب ساخته و در پایان، باب دیگری از مسائل اصول دین که برای مکلفین دانستن آنها لازم بوده، بدان اضافه نموده و عنوانش را چنین قرار داده:

---

شیخ الطائفه(رحمه الله) دوازده سال آخر عمر گرانبهای خویش را در نجف گذرانید. تردیدی نیست که اقامت دوازده ساله شیخ الطائفه(رحمه الله)، گروهی از شاگردان وی و اهل فضل را به منظور استفاده از محضر پر فیض شیخ(رحمه الله) به نجف کشانده است. به همین نسبت نیز به مرور ایام، عده ای از شیعیان به آن مکان مقدس کوچیده و توطن اختیار کرده اند؛ زیرا در اواخر عمر شیخ(رحمه الله) و بعد از رحلت او که پرسش شیخ ابو علی طوسی(رحمه الله) و نوه او در نجف مرجعیت داشته اند، نجف دارای حوزه علمی و محل آمد و رفت علماء و دانشمندان بود و همین موضوع نیز به خوبی ثابت می کند که ورود شیخ رونقی به آن مکان مقدس داد.  
پایه گذار حوزه نهضت ساله نجف اشرف، شیخ الطائفه، محمد بن حسن طوسی(رحمه الله) عطر الله مرقده است، و اقامت آن دانشمند عالیقدر در آن مکان مقدس، نجف را به صورت شهر و مرکز دنیای شیعه درآورد.

۱۰۳- حاج شیخ عباس قمی، متوفای سال ۱۳۵۹ هـ. ق.

۱۰۴- علامه حلی، متوفای سال ۷۲۶ هـ. ق.

«الباب الحادى عشر فيما يجب على عامة المكلفين من معرفة اصول الدين» و چون این باب به خصوص جامع مسائل اصول عقاید بوده و احتیاج مردم بدان بیش از سایر ابواب بوده، آن را جداگانه استنساخ و تدوین کرده اند و بارها به چاپ رسیده و به «باب حادى عشر» معروف شده، محل انتظار محققین قرار گرفته و شروح و تعلیقات بسیاری بر آن نوشته اند که مؤلف الذريعة، نام بیست و دو شرح آن را<sup>۱۰۵</sup> ذکر می کند و بسیاری از دانشمندان نیز آن را ترجمه کرده اند که در الذريعة<sup>۱۰۶</sup> مذکور است.

در اینجا بد نیست جریانی را که در مورد کتاب مصباح برای شیخ طوسی(رحمه الله) اتفاق افتاده و قاضی نور الله در مجالس المؤمنین نقل کرده عیناً نقل کنیم که سید بحر العلوم به نقل از وی در کتاب «فوائد الرجالية» می نویسد:

بعضی از مخالفان به عرض خلیفه عباسی، که معاصر شیخ طوسی(رحمه الله) بود رسانیدند که او و اصحاب او از شیعه امامیه، سب صحابه می کنند و کتاب مصباح که دستور اعمال و ادعیه سنن متهجدان است، گواه بر این امر است؛ زیرا که در دعای عاشورا دارد: «اللهم خص انت اول ظالم باللعنة مني وابدا به اولا ثم الثاني ثم الثالث ثم الرابع اللهم العن يزيد خامساً» که لعن بر خلفا می باشد؛ پس خلیفه در پی شیخ و کتاب مصباح فرستاد، چون با کتاب حاضر شد، شیخ

---

.7 - الذريعة، ج 3، ص 5 .105

.6 - ج 3، ص 7 و ج 4، ص 136 و ج 13، ص 117 - 123 و غير آن.

طوسی(رحمه الله) منکر سب شد و وقتی کتاب را گشودند و دعای مذکور را به او نشان دادند و گفتند: این را چه عذر خواهید گفت؟ شیخ(رحمه الله) فوراً گفتند: یا... مراد از آن عبارت نه آن است که غمازان گمان برده اند؛ بلکه مراد به اول ظالم؛ قابیل، قاتل هابیل است که بنیاد قتل در دنیا نهاد، و ابواب لعن بر روی خود گشود و مراد به ثانی عاقر (پی کننده)، ناقه صالح است و اسم او قیدار بن سالف بود، و مراد به ثالث قاتل، یحیی بن زکریا است که به سبب زن زناکاری از زنان زناکار بنی اسرائیل، اقدام بر قتل آن معصوم کرد، و مراد به رابع، عبدالرحمن بن ملجم است که اقدام بر قتل علی بن ابی طالب(علیه السلام) نمود.

خلیفه چون آن تأویل را شنید تصدیق او نموده، انعام فرمود و از ساعی و غماز انتقام کشید.<sup>۱۰۷</sup>

و کتاب مصباح از کتب جامع و بسیار معتبر و مهم ادعیه می باشد که ناقل زیارت شریفه عاشورا به سند می باشد که این کتاب شریف، چه مصباح صغیر و چه کبیر مکرراً چاپ شده است و به دلیل مراعات تقيه، فقره «اللهم خص انت اول ظالم باللعنة مني و ابدا به اولاً ثم الثنائي والثالث ثم الرابع...» حذف شده یا بعضی از نسخ که این فقره را ندارند از نسخه هایی کپی گرفته شده اند که آن فقره، به دلیل تقيه حذف شده بود.

---

۱۰۷- نور الله(رحمه الله) در مجلس پنجم کتاب (مجالس المؤمنین)، ج ۱، ص 481؛ فوائد الرجالیه علامه بحر العلوم، ج ۳، ص 238 (چاپ سنگی تهران، سال 1219).

## نقل روایت زیارت عاشورا

### از کتاب مصباح المتهدج و سلاح المتعبد

شیخ طوسی (رحمه الله) در کتاب مصباح المتهدج و سلاح المتعبد، می گوید:  
محمد فرزند اسماعیل، پسر بزیع، از صالح - فرزند عقبه - از پدرش روایت کرده  
است از امام محمد باقر (علیه السلام) که فرمود:

«روی محمد بن إسماعيل بن بزيع عن صالح بن عقبة عن أبيه عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: من زار الحسين بن علي (عليهما السلام) في يوم عاشوراء من المحرم حتى يظل عنده باكيًا لقى الله عز وجل يوم يلاقاه بثواب ألفي حجة وألفي عمرة وألفي غزوة، ثواب كل غزوة وحجة وعمرة كثواب من حج واعتمر وغزى مع رسول الله (صلى الله عليه وآله) ومع الائمة الراشدين. قال: قلت: جعلت فداك بما لمن كان في بعيد البلاد وأقصايه ولم يمكنه المصير إليه في ذلك اليوم؟ قال: إذا كان كذلك برب إلى الصحراء أو صعد سطحاً مرتفعاً في داره وأواماً إليه بالسلام واجتهد في الدعاء على قاتله وصلى من بعد ركعتين، ول يكن ذلك في صدر النهار قبل أن تزول الشمس، ثم ليندب الحسين (عليه السلام) ويبكيه ويأمر من في داره ممن لا يتقيه بالبكاء عليه ويقيم في داره المصيبة بإظهار الجزع عليه وليعز بعضهم بعضاً بمصابهم بالحسين (عليه السلام) وأنا الضامن لهم إذا فعلوا ذلك على الله تعالى جميع ذلك، قلت: جعلت فداك أنت الضامن ذلك لهم والزعيم؟ قال: أنا الضامن وأنا الزعيم لمن فعل ذلك. قلت: فكيف يعزى بعضاً؟ قال: تقولون: أعظم الله أجورنا بمصابينا

بالحسين(عليه السلام) وجعلنا وإياكم من الطالبين بشاره مع وليه الإمام المهدى من آل محمد(صلى الله عليه وآلها). وإن استطعت أن لا تنشر يومك في حاجة فافعل فإنه يوم نحس لا تقضي فيه حاجة مؤمن، فإن قضيت لم يبارك ولم ير فيها رشدا، ولا يدخلن أحدكم لمنزله فيه شيئاً، فمن ادخر في ذلك اليوم شيئاً لم يبارك له فيما ادخره ولم يبارك له في أهله. فإذا فعلوا ذلك كتب الله تعالى لهم ثواب ألف حجة وألف عمرة وألف غزوة كلها مع رسول الله(صلى الله عليه وآلها)، وكان له أجر وثواب مصيبة كلنبي ورسول ووصي وصديق وشهيد مات أو قتل منذ خلق الله الدنيا إلى أن تقوم الساعة. قال صالح بن عقبة وسيف بن عميرة: قال علقة بن محمد الحضرمي قلت لأبي جعفر (عليه السلام): علمتني دعاء أدعوه به ذلك اليوم إذا أنا زرته من قرب وداعه أدعوه به إذا لم أزره من قرب وأوامات من بعد البلاد ومن دارى بالسلام إليه. قال: فقال لي: يا علقة! إذا أنت صليت الركعتين بعد أن تؤمni إليه بالسلام فقل بعد الآيماء إليه من بعد التكبير هذا القول فإنك إذا قلت ذلك فقد دعوت بما يدعوه به زواره من الملائكة، وكتب الله لك مائة ألف درجة، وكنت كمن استشهد مع الحسين (عليه السلام) حتى تشاركونهم في درجاتهم ولا تعرف إلا في الشهداء الذين استشهدوا معه، وكتب لك ثواب زيارة كلنبي وكل رسول وزيارة كل من زار الحسين (عليه السلام)منذ يوم قتل (عليه السلام) وعلى أهل بيته<sup>١٠٨</sup>؛

---

١٠٨- مصباح المتهدج، شيخ طوسى(رحمه الله)، ص 536 - 537، چاپ بيروت.

امام باقر(عليه السلام) فرمود: هر که زیارت کند حسین بن علی(عليهم السلام) را در روز دهم محرم تا آنکه نزد قبر آن حضرت گریان شود، ملاقات کند خدا را در روز قیامت با ثواب دو هزار حج، دو هزار عمره و دو هزار جهاد، که ثواب آنها مثل ثواب کسی باشد که حج، عمره و جهاد کند در خدمت رسول خدا(صلی الله عليه وآلہ و ائمہ طاهرين(عليهم السلام). راوی گفت، عرض کردم: فدایت شوم! چه ثواب است از برای کسی که در شهرهای دور از کربلا باشد و او را رفتن به سوی قبر آن حضرت، در مثل این روز ممکن نباشد؟ فرمود: هرگاه چنین باشد، بیرون رود به سوی صحرای بالا رود بر بام بلندی در خانه خود و اشاره کند به سوی آن حضرت به سلام، و جهد کند در نفرین کردن بر قاتلین آن حضرت و بعد از آن دو رکعت نماز در اوایل روز، پیش از زوال آفتاب، بخواند پس ندبه کند بر حسین(عليه السلام) و بگرید بر او و امر کند کسانی را که در خانه اش هستند - هرگاه از ایشان تقیه نمی کند - به گریستان بر آن حضرت، و بر پا دارد در خانه خود مصیبی به اظهار کردن جزع بر سیدالشهدا(عليه السلام)، و به یکدیگر تسلیت بگویند. سپس امام(عليه السلام) فرمود: من ضامن می شوم در نزد خداوند که اگر کسی این عمل را انجام داد، تمام ثواب هایی که ذکر کردم، برای او اعطا شود. گفتم: فدای تو شوم! ضامن می شوی این ثواب ها را برای ایشان و کفیل می شوی این ثواب ها را؟ فرمود: بله! من ضامن و کفیل از برای کسی که این عمل را به جا آورد. گفتم: چگونه یکدیگر را تعزیت بگویند؟ فرمود که می گویند: «أَعْظَمَ اللَّهُ أُجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ (عليه السلام) وَجَعَلَنَا وَإِيَّاكُمْ مِنْ

**الظَّالِّيْنَ بِشَارِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ** (صلی الله علیه وآلہ)؛ یعنی بزرگ فرماید خداوند اجرهای ما را به مصیبت امام حسین(علیه السلام) و قرار دهد ما و شما را از طلب کنندگان خون او، با ولی او، امام مهدی از آل محمد(علیهم السلام). و آن گاه امام(علیه السلام) فرمود: اگر بتوانی که بیرون نروی آن روز را در پی حاجتی، چنان کن؛ زیرا آن روز، روز نحسی است، که برآورده نمی شود در آن حاجت مؤمن و اگر برآورده شود مبارک نخواهد بود از برای او، و در آن خیر و رشدی نخواهد دید. ذخیره نکند از شما برای منزلش در آن روز چیزی را؛ پس هر که ذخیره کند در آن روز چیزی را، برکت نخواهد دید، در آن چیزی که ذخیره نموده، و مبارک نخواهد بود بر اهلش. پس هرگاه به جای آوردن این عمل را، بنویسد حق تعالی برای ایشان ثواب هزار حج، هزار عمره و هزار جهاد، که همه را با رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ) انجام داده باشد و از برای او است مزد و ثواب مصیبت هر پیغمبر، رسول، وصی، صدیق و شهیدی که مرده باشد یا کشته شده باشد، از زمانی که خلق فرموده حق تعالی دنیا را، تا زمانی که به قیامت پای شود.

صالح بن عقبه و سیف بن عمیره نقل می کنند که، علقمہ بن محمد حضرمی گفت، به حضرت باقر(علیه السلام) عرض کرد: تعلیم فرما مرا دعایی که بخوانم آن را در این روز، هرگاه زیارت کنم آن جناب را از نزدیک، و دعایی که بخوانم آن را هرگاه زیارت نکنم او را از نزدیک، و بخواهم اشاره کنم به سلام به سوی او از شهرهای دور و از خانه ام. به من فرمود: ای علقمه! هرگاه تو به جای

آوردی آن دو رکعت نماز را بعد از آنکه اشاره کردی به سوی آن حضرت به سلام، پس در وقت اشاره به آن حضرت، بعد از گفتن تکییر، این قول – زیارت عاشورا - را بگو؛ پس به درستی که تو هرگاه گفتی این قول را، به تحقیق که دعا کرده ای به آن چیزی که دعا می کند کسی که شهید شده باشد با امام حسین(علیه السلام)، تا مشارکت کنی ایشان را در درجات ایشان و شناخته نشوی، مگر در جمله شهیدانی که شهید شده اند با آن حضرت و نوشته شود برای تو، ثواب زیارت هر پیغمبر و رسولی و ثواب زیارت هر کس که زیارت کرده حسین(علیه السلام) را، از روزی که شهید شده است و سلام خدا بر آن حضرت و بر اهل بیتش باد».

سپس شیخ طوسی(رحمه الله) زیارت عاشورا به شکل مشهور ذکر می کند:  
«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ وَأَبْنَ خَيْرَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَأَبْنَ سَيِّدِ الْوَصِّيْفِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ...»... تا آخر دعا

شیخ طوسی(رحمه الله) بعد از ذکر زیارت عاشورا، روایت علقمه<sup>۱۰۹</sup> را می فرمایند، که امام باقر(علیه السلام) فرمود: ای علقمه! اگر بتوانی هر روز با این زیارت (زیارت عاشورا) امام حسین(علیه السلام) را زیارت کنی، البته این کار را انجام بده که ان شاء الله تمام ثواب هایی که ذکر شده است، برایت منظور گردد.

---

۱۰۹- مصباح متهدج، شیخ طوسی، ص 538 و 539 (الاعلمی).

همچنین شیخ طوسی روایت محمد بن خالد طیالسی از سیف بن عمیره<sup>۱۱۰</sup> را ذکر می کند و می گوید:

من به همراه صفوان بن مهران جمال و چند نفر از دوستانمان، پس از خروج امام صادق (علیه السلام) از حیره به جانب مدینه برای زیارت امیر المؤمنین (علیه السلام) روانه نجف اشرف شدیم. پس از راه حیره<sup>۱۱۱</sup> وارد شهر شدیم و پس از آنکه امیر المؤمنین (علیه السلام) را زیارت نمودیم، صفوان روی خود را به سمت قبر ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) برگردانید و به ما گفت: امام حسین (علیه السلام) را از این مکان از بالای سر مقدس امیر المؤمنین (علیه السلام) زیارت کنید، که حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) - در وقتی که در خدمت آن بزرگوار به این مکان مقدس آمده بودم - از همینجا به سوی او اشاره کرد و این زیارت را خواند (زیارت عاشورا) و سپس دو رکعت در بالا سر امیر المؤمنین (علیه السلام) خواند و سپس امیر المؤمنین (علیه السلام) را وداع کرد و سلام کرد، با سر خود با امام وداع کرد.

و جمله دعاها یی که امام بعد از زیارت عاشورا خواندند، این بود:

«يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، يَا كَاشِفَ كُربَ الْمَكْرُوبِينَ، يَا غِياثَ الْمُسْتَغْيَبِينَ، يَا صَرِيخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ، وَيَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَىٰ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ، وَيَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ، وَيَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَىٰ وَبِالْأَفْقَ الْمُبِينِ، وَيَا مَنْ هُوَ

۱۱۰- مصباح متهجد، شیخ طوسی (رحمه الله)، ص 539 و 540 (الاعلمی).

۱۱۱- شهری است در یک فرسنگی کوفه.

الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى، وَيَا مَنْ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ،  
وَيَا مَنْ لَا تَخْفِي عَلَيْهِ خَافِيَّةُ، يَا مَنْ لَا تَشْتَبِهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ...».

سیف بن عمیره گفت، سؤال کردم از صفوان و به او گفتم: علقمه بن محمد حضرمی برای ما از امام باقر(علیه السلام) زیارت را به این شکلی که تو می گویی نقل نکرد؛ همانا او فقط دعا و زیارت را برای ما نقل نمود. صفوان گفت: با آقایم، امام صادق(علیه السلام) وارد این مکان شدیم، و حضرت مثل همین عملی که در این زیارت انجام دادیم، انجام داد و دعا فرمود در هنگام وداع، به همین دعا بعد از آنکه نماز خواند به همان شکلی که ما نماز خواندیم، و وداع کرد به همین شکلی که ما وداع کردیم. سپس صفوان گفت، امام صادق(علیه السلام) به من فرمود: این زیارت را انجام بده و دعا کن به این دعا و زیارت کن به این زیارت و همانا من در نزد خداوند متعال ضمانت می کنم بر هر کسی که این زیارت را انجام دهد و این دعا را بخواند چه از راه دور و چه نزدیک، که زیارت ش مقبول گردد، تلاش و سعی او مرضی خداوند شود، سلام او به سیدالشهدا(علیه السلام) برسد و حاجت او برآورده گردد از طرف خداوند، هر حاجتی که باشد.

ای صفوان! این زیارت - زیارت عاشورا - را دیدم با همین ضمانتی که نقل کردم از پدرم و پدرم از پدرش، علی بن الحسین و او هم از حسین(علیه السلام) نقل کرد و حسین هم از برادرش، حسن و او هم از امیرالمؤمنین و حضرت هم از رسول خدا و ایشان هم به همین ضمانت از جبرئیل، و جبرئیل هم به همین ضمان از خداوند عالم نقل فرمود: همانا خداوند عالم بر خود لازم کرده که هر کس زیارت

کند حسین(علیه السلام) را به این زیارت چه از راه دور و چه نزدیک و دعا کند به این دعا، همانا من قبول می کنم زیارت او را و شفاعت می کنم و می پذیرم حاجت او را هر چه باشد. و از درگاه من برنمی گردد نا امید، و بر می گردانم او را خوشحال، در حالی که چشمانش روشن باشد به رسیدن به حاجاتش، رسیدنش به بهشت و آزادیش از جهنم. و می پذیرم دعای او را در حق هر کس که بر او دعا کند (مگر ناصب و دشمن خانواده ما را). همانا خداوند بر خود فرض و لازم فرموده آنچه که گفتم و ما را شاهد قرار داده به آنچه که بر ملائکه ملکوت در اجر و ثواب این زیارت، نشان داده است.

سپس جبرئیل عرض کرد: ای رسول خدا! خداوند مرا به سوی تو فرستاد تا به تو بشارت دهم و تو را خوشحال کنم و علی، فاطمه، حسن، حسین و ائمه از فرزندان تو را(علیهم السلام) خوشحال کنم تا روز قیامت. پس ای رسول خدا! خوشحالی شما، علی، فاطمه، حسن، حسین و ائمه(علیهم السلام) همیشگی باد تا روز قیامت. ای صفوان! هر وقت حاجتی داشتی پس دعا کن به این زیارت در هر کجا که بودی، که خداوند برآورده می کند.<sup>۱۱۲</sup>

---

۱۱۲- مصباح المتهدج شیخ طوسی، ص ۵۴۰ - ۵۴۱ (الاعلمی).

اسناد زیارت عاشورا  
در مصباح المتهدج و سلاح المتعبد  
شیخ طوسی (رحمه الله)

سنداً اول:

«روى محمد بن إسماعيل بن بزيع عن صالح بن عقبة عن أبيه عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: من زار الحسين بن علي (عليهما السلام) في يوم عاشوراء من المحرم حتى يظل عنده باكيًا لقى الله عز وجل يوم يلاقاه بثواب ألفي حجة وألفي عمرة وألفي غزوة، ثواب كل غزوة وحجة وعمرة كثواب من حج واعتمر وغزى مع رسول الله (صلى الله عليه وآلـهـ وسـلـامـ) ومع الأئمة الراشدين. قال: قلت: جعلت فداك بما لمن كان في بعيد البلاد وأقاديه ولم يمكنه المصير إليه في ذلك اليوم؟ قال: إذا كان كذلك برب إلى الصحراء أو صعد سطحاً مرتفعاً في داره وأواماً إليه بالسلام واجتهد في الدعاء على قاتله وصلى من بعد ركعتين، ول يكن ذلك في صدر النهار قبل أن تزول الشمس، ثم ليندب الحسين (عليه السلام) ويبيكيه ويأمر من في داره ممن لا يتقيه بالبكاء عليه ويقيم في داره المصيبة بإظهار الجزع عليه وليعز بعضهم بعضاً بمصابهم بالحسين (عليه السلام) وأننا الضامن لهم إذا فعلوا ذلك على الله تعالى جميع ذلك، قلت: جعلت فداك أنت الضامن ذلك لهم والزعيم؟ قال: أنا الضامن وأننا الزعيم لمن فعل ذلك. قلت: فكيف يعزى بعضاً؟ قال: تقولون: أعظم الله أجورنا بمصابينا بالحسين (عليه السلام) وجعلنا وإياكم من الطالبين بشاره مع ولية الإمام المهدى من آل

محمد(صلى الله عليه وآلـه). وإن استطعت أن لا تنشر يومك في حاجة فافعل فإنه يوم نحس لا تقضي فيه حاجة مؤمن، فإن قضيت لم يبارك ولم ير فيها رشدا، ولا يدخلن أحدكم لمنزله فيه شيئاً، فمن ادخر في ذلك اليوم شيئاً لم يبارك له فيما ادخره ولم يبارك له في أهله. فإذا فعلوا ذلك كتب الله تعالى لهم ثواب ألف حجة وألف عمرة وألف غزوة كلها مع رسول الله(صلى الله عليه وآلـه)، وكان له أجر وثواب مصيبة كلنبي ورسول ووصى وصديق وشهيد مات أو قتل منذ خلق الله الدنيا إلى أن تقوم الساعة. قال صالح بن عقبة وسيف بن عميرة: قال علقة بن محمد الحضرمي قلت لأبي جعفر (عليه السلام): علمتني دعاء أدعوه به ذلك اليوم إذا أنا زرته من قرب وداعه أدعوه به إذا لم ازره من قرب وأوامأته من بعد البلاد ومن دارى بالسلام إليه. قال: فقال لي: يا علقة! إذا أنت صليت الركعتين بعد أن تؤمّي إليه بالسلام فقل بعد الایماء إليه من بعد التكبير هذا القول فإنك إذا قلت ذلك فقد دعوت بما يدعوه به زواره من الملائكة، وكتب الله لك مائة ألف ألف درجة، و كنت كمن استشهد مع الحسين (عليه السلام) حتى تشاركتهم في درجاتهم ولا تعرف إلا في الشهداء الذين استشهدوا معه، وكتب لك ثواب زيارة كلنبي وكل رسول وزيارة كلمن زار الحسين (عليه السلام)منذ يوم قتل (عليه السلام) وعلى أهل بيته;<sup>١١٣</sup>

---

١١٣- مصباح المتهدج، شيخ طوسى(رحمه الله)، ص 536 - 537، چاپ بيروت.

محمد فرزند اسماعیل، پسر بزیع، از صالح - فرزند عقبه - از پدرش، از امام باقر(علیه السلام) که فرمود:

امام باقر(علیه السلام) فرمود: هر که زیارت کند حسین بن علی(علیهم السلام) را در روز دهم محرم تا آنکه نزد قبر آن حضرت گریان شود، ملاقات کند خدا را در روز قیامت با ثواب دو هزار حج، دو هزار عمره و دو هزار جهاد، که ثواب آنها مثل ثواب کسی باشد که حج، عمره و جهاد کند در خدمت رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ و ائمہ طاهرين(علیهم السلام). راوی گفت، عرض کردم: فدایت شوم! چه ثواب است از برای کسی که در شهرهای دور از کربلا باشد و او را رفتن به سوی قبر آن حضرت، در مثل این روز ممکن نباشد؟ فرمود: هرگاه چنین باشد، بیرون رود به سوی صحرای بالا رود بر بام بلندی در خانه خود و اشاره کند به سوی آن حضرت به سلام، و جهد کند در نفرین کردن بر قاتلین آن حضرت و بعد از آن دو رکعت نماز در اوایل روز، پیش از زوال آفتاب، بخواند پس ندبه کند بر حسین(علیه السلام) و بگرید بر او و امر کند کسانی را که در خانه اش هستند - هرگاه از ایشان تقیه نمی کند - به گریستان بر آن حضرت، و بر پا دارد در خانه خود مصیبیتی به اظهار کردن جزء بر سیدالشهدا(علیه السلام)، و به یکدیگر تسلیت بگویند. سپس امام(علیه السلام) فرمود: من ضامن می شوم در نزد خداوند که اگر کسی این عمل را انجام داد، تمام ثواب هایی که ذکر کردم، برای او اعطای شود. گفتم: فدای تو شوم! ضامن می شوی این ثواب ها را برای ایشان و کفیل می شوی این ثواب ها را؟ فرمود: بله! من ضامن و کفیل از برای کسی که این

عمل را به جا آورد. گفتم: چگونه یکدیگر را تعزیت بگویند؟ فرمود که می گویند: «أَعْظَمَ اللَّهُ أُجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسْنَيْنِ (علیه السلام) وَجَعَلَنَا وَإِيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِشَارِهِ مَعَ وَلِيِّ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه وآلہ وسَلَّمَ)؛ یعنی بزرگ فرماید خداوند اجرهای ما را به مصیبت امام حسین(علیه السلام) و قرار دهد ما و شما را از طلب کنندگان خون او، با ولی او، امام مهدی از آل محمد(علیهم السلام). و آن گاه امام(علیه السلام) فرمود: اگر بتوانی که بیرون نروی آن روز را در پی حاجتی، چنان کن؛ زیرا آن روز، روز نحسی است، که برآورده نمی شود در آن حاجت مؤمن و اگر برآورده شود مبارک نخواهد بود از برای او، و در آن خیر و رشدی نخواهد دید. ذخیره نکند از شما برای منزلش در آن روز چیزی را؛ پس هر که ذخیره کند در آن روز چیزی را، برکت نخواهد دید، در آن چیزی که ذخیره نموده، و مبارک نخواهد بود بر اهلش. پس هرگاه به جای آوردن این عمل را، بنویسد حق تعالی برای ایشان ثواب هزار حج، هزار عمره و هزار جهاد، که همه را با رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ وسَلَّمَ) انجام داده باشد و از برای او است مزد و ثواب مصیبت هر پیغمبر، رسول، وصی، صدیق و شهیدی که مرده باشد یا کشته شده باشد، از زمانی که خلق فرموده حق تعالی دنیا را، تا زمانی که به قیامت پای شود.

سند دوم: «صالح بن عقبة و سيف بن عميرة عن علامة بن محمد الحضرمي عن الإمام الباقر(علیه السلام)».

در روایت دارد: «قال صالح بن عقبة وسيف بن عمیرة قال علقة بن محمد الحضرمی»؛ یعنی دو نفر ناقل زیارت از علقمه بن محمد الحضرمی هستند، یکی صالح بن عقبه و دیگری سیف بن عمیره.

ابوجعفر، محمد بن حسن بن علی طوسی، معروف به شیخ طوسی اصل سند زیارت عاشورا را این گونه نقل می فرماید:

«قال صالح بن عقبة وسيف بن عمیرة: قال علقة بن محمد الحضرمی قلت لأبی جعفر(علیه السلام): علمتني دعاء أدعوه به ذلك اليوم إذا أنا زرته من قرب وداعه أدعوه به إذا لم أزره من قرب وأو مات من بعد البلاد ومن دارى بالسلام اليه. قال: فقال لي: يا علقة! اذا انت صليت الركعتين بعد أن تؤمى اليه بالسلام فقل بعد الایماء اليه من بعد التكبير هذا القول: فانك اذا قلت ذلك فقد دعوت بما يدعوك به زواره من الملائكة... السلام عليك يا ابا عبدالله! السلام عليك يا ابا عبدالله! السلام عليك يا ابن امير المؤمنین و ابن سید الوصیین! السلام عليك يا ابن فاطمة سيدة نساء العالمین! السلام عليك يا ثار الله وابن ثاره والوتر الموتر...»<sup>۱۱۴</sup>

علقمه می گوید، به امام باقر(علیه السلام) عرض کرد: دعایی به من آموژش بدھ که اگر در آن روز امام حسین(علیه السلام) را از نزدیک زیارت کردم، آن را بخوانم و اگر نتوانستم از نزدیک زیارت کنم، از شهرهای دور و از خانه ام به سوی او بسلام اشاره کرده و آن دعا را بخوانم. امام فرمود: هرگاه که دو رکعت نماز زیارت

---

۱۱۴- مصباح المتہجد، شیخ طوسی، ص ۵۳۶، چاپ بیروت.

را به جا آوردی و بعد از آن با سلام به سوی آن حضرت اشاره کردی، در حال اشاره، تکبیر بگویی و بخوانی این زیارت را (زیارت عاشورا)، همان دعایی را خوانده ای که ملاٹکه در هنگام زیارت آن حضرت می خوانند. خداوند صد هزار هزار درجه برای تو می نویسد و مانند کسی هستی که با امام حسین(علیه السلام) شهید شده و در درجات آنها شرکت کرده باشد و برای تو ثواب زیارت هر پیغمبر، رسول و هر زائری که امام حسین(علیه السلام) را زیارت کرده، نوشته شود. بعد از نقل زیارت، علقمه می گوید، امام باقر(علیه السلام) به من فرمودند: «اگر بتوانی هر روز در خانه خود این زیارت را بخوانی، تمام این ثواب ها برای تو خواهد بود».

سند سوم: «محمد بن خالد الطیالسی عن سیف بن عمیرة عن صفوان بن مهران». شیخ طوسی(رحمه الله)، زیارت عاشورا با سند دیگر به این صورت نقل می فرماید: «و روی محمد بن خالد الطیالسی عن سیف بن عمیرة قال: خرجت مع صفوان بن مهران الجمال و عندنا جماعة من أصحابنا إلى الغربى بعد ما خرج أبو عبدالله(علیه السلام) فسرنا من الحيرة إلى المدينة فلما فرغنا من الزيارة صرف صفوان وجهه إلى ناحية أبي عبدالله الحسين(علیه السلام) فقال لنا: تذورون الحسين(علیه السلام) من هذا المكان من عند رأس أمير المؤمنين(علیه السلام) من هنا أوما إليه أبو عبدالله

**الصادق(عليه السلام) وأنا معه قال: فدعا صفوان بالزيارة التي رواها علقة بن محمد**

**الحضرمي عن أبي جعفر(عليه السلام) في يوم عاشورا ...<sup>١١٥</sup>**

شیخ در مصباح از محمد بن خالد طیالسی و او از سیف بن عمیره نقل می کند که گفت: پس از آنکه امام صادق(عليه السلام) از حیره به مدینه تشریف بردن، با صفوان بن مهران و جمعی دیگر از اصحاب به نجف اشرف رفتیم. پس از آنکه از زیارت امیرالمؤمنین(عليه السلام) فارغ شدیم، صفوان روی خود را به سوی قبر حضرت سیدالشهدا نمود و به ما گفت که از این مکان آن حضرت را زیارت کنید زیرا زمانی که من در خدمت امام صادق(عليه السلام) بودم ایشان از این مکان آن حضرت را زیارت نمود.

آن گاه شروع به خواندن زیارت عاشورا کرد و بعد از تمام شدن زیارت، «دعای علقمه» را که پس از آن زیارت عاشورا می خوانند، خواند.

سیف بن عمیره می گوید، به صفوان گفت: وقتی علقمه بن محمد زیارت عاشورا را برای ما نقل کرد این دعا را نگفت.

صفوان گفت: در خدمت امام صادق(عليه السلام) به این مکان آمدیم چون آن حضرت زیارت عاشورا خواندند، پس از خواندن دو رکعت نماز، این دعا را نیز خواندند. آن گاه حضرت به من فرمودند: ای صفوان! مواظب این زیارت و دعا باش و اینها را بخوان، که من ضامن می شوم هر کس این زیارت و دعا را، چه از

دور و چه از نزدیک بخواند، زیارتش مقبول شود، سعیش مشکور گردد، سلامش به آن حضرت برسد، حاجت او از سوی خداوند برآورده شود و به هر مرتبه ای که بخواهد برسد و او را نومید برنگردانند. ای صفوان! من این زیارت را با این ضمان از پدرم یافتم و پدرم از پدرش، علی بن الحسین(علیه السلام) با همین ضمان و او از امام حسین(علیه السلام)با همین ضمان از برادرش امام حسن(علیه السلام) با همین ضمان و امام حسن(علیه السلام)از پدرش امیرالمؤمنین(علیه السلام) با همین ضمان و امیرالمؤمنین از رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ) با همین ضمان و رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ)از جبرئیل با همین ضمان و جبرئیل این زیارت را با همین ضمان از خدای عز وجل یافت و خدای عز وجل به ذات خود قسم خورده است که هر کس حسین(علیه السلام)را با این زیارت، از دور یا از نزدیک، زیارت کرده و با این دعا، دعا کند، زیارت او را قبول می کنم و خواهش او را هر قدر که باشد می پذیرم و سؤالش را عطا می کنم، پس نا امید از طرف من بر نمی گردد؛ بلکه مسرور و خوشحال با حاجت روا شده، فوز بهشت و آزادی از آتش بر می گردد و شفاعت او را درباره هر کس، غیر از دشمن اهل بیت، قبول می کنم.

حق تعالی به ذات خود قسم خورده و ما را گواه بر آن گرفته چنان که ملائکه ملکوتش بر آن گواهند، و جبرئیل گفت: یا رسول الله! خداوند مرا به سوی تو فرستاد، سرور و بشارت بر تو و سرور و بشارت بر علی، فاطمه، حسن، حسین و ائمه خاندان تو(علیهم السلام) باد تا روز قیامت. پس ای محمد! سرور تو و سرور

علی، فاطمه، حسن، حسین(علیهم السلام)، امت و شیعه تو تا روز قیامت پاینده باد!  
آن گاه صفوان گفت که حضرت صادق(علیه السلام) به من فرمودند: هر وقت حاجتی برایت پیش آمد در هر مکانی که هستی، این زیارت و دعا را بخوان و حاجت خود را از خداوند بخواه که برآورده می شود و خداوند و رسول او خلف وعده نمی کنند.

## زيارة عاشوراً در کتاب

### مزار کبیر

الشيخ ابو محمد عبدالله محمد بن جعفر المشهدی (رحمه الله)

زيارة ابی عبدالله الحسین (علیه السلام) فی يوم عاشورا

شیخ ابو عبدالله محمد بن جعفر مشهدی (رحمه الله)<sup>۱۱۶</sup> در ابتداء کتاب خود می فرماید: «فانی قد جمعت فی کتابی هذا من فنون الزیارات للمشاهد المشرفات، و ماورد فی الترغیب فی المساجد المبارکات والادعیه المختارات وما یدعی به

---

۱۱۶- شیخ سعید ابو عبدالله، محمد بن جعفر بن علی المشهدی الحائری؛ معروف به محمد بن مشهدی و بن مشهدی از اجلاء علمای سلف می باشد و اصحاب به کتب او اعتماد کرده اند و عمله ادعیه و زیارات، از کتب ایشان اخذ شده است ولیکن به دلیل آنکه کتب ایشان (رحمه الله) کم منتشر گردیده از این رو اسمشان مجھول مانده است. و علمای بزرگ از جمله محدث حر عاملی می گوید: شیخ محمد بن جعفر المشهدی (رحمه الله) فاضل محدث و صدوق و برای ایشان کتب متعددی است و شیخ شهید محمد بن مکی (رحمه الله) در اجازه اش به شمس الدین شیخ سعید ابی عبدالله محمد بن جعفر المشهدی (رحمه الله) می نویسد که روایت کرده از بن مشهدی (رحمه الله) به واسطه تمام کتب و روایاتش و این خود دال بر آن است که بن مشهدی مرتبه والابی داشته است.

علامه مجلسی (رحمه الله) در کتاب شریف «بحار الانوار» از کتاب کبیر «فی الزیارات» بن مشهدی (رحمه الله) نقل می کند و سید بن طاووس (رحمه الله) در کتاب شریف «مصباح الزائر» خود از بن مشهدی (رحمه الله) نقل می کند و شیخ منتجب الدین (رحمه الله) در کتاب فهرست خود می گوید، سید ابو البرکات محمد بن اسماعیل مشهدی (رحمه الله) فقیه محدث است.

کتاب مزار بن مشهدی (رحمه الله) از کتبی است که علمای بزرگ از جمله سید رضی الدین علی بن موسی (رحمه الله) در «مصباح الزائر» و سید عبدالکریم ابن طاووس (رحمه الله) در «فرحة الغری» و علامه مجلسی اعتماد نموده اند.

عقب الصلوات وما يناجى به القديم تعالى من لذىذ الدعوات فى الخلوات وما يلتجأ  
إليه من الادعية عند المهمات مما اتصلت به من ثقات الرواة الى السادات;<sup>١١٧</sup>  
مرحوم بن مشهدى (رحمه الله) در خصوص كتاب مزار خود می گويد: آنچه در اين  
كتاب گردآورى کردم از زياراتى که در مساجد مختلف قرائت می شود و ادعى  
اختيار شده و هرآنچه بعد از نماز به صورت تعقيبات ذكر می شود و ادعى اى که  
در خلوت با خدا با آن راز و نياز می کند و دعاهايی که در هنگام طلب حاجت  
ذکر می شود و آنچه که ذکر کردم به واسطه ثقات به ائمه (عليهم السلام) می رسد».  
مرحوم بن مشهدى در بخش زيارت سيدالشهداء(عليه السلام)، ابتدا روایت  
عبدالله بن سنان را در خصوص چگونگی زيارت سيدالشهداء(عليه السلام) در روز  
عاشورا نقل می کند:

«أخبرنا الشیخ الفقیہ العالم عmad الدین محمد بن ابی القاسم الطبری قراءة علیه  
وانا اسمع فی شهر سنة ثلاثة و خمسين و خمسماة بمشهد مولانا  
امیرالمؤمنین(عليه السلام)، عن الشیخ المفید ابی علی الحسن بن محمد، عن والده  
الشیخ ابی جعفر رضی الله عنه، عن الشیخ المفید ابی عبدالله محمد بن محمد بن  
النعمان، عن ابن قولويه و ابی جعفر بن بابويه، عن محمد بن یعقوب الكلینی، عن  
علی بن ابراهیم، عن ابی عمیر، عن عبدالله بن سنان، قال:

---

١١٧- المزار، محمد بن المشهدى، ص 27؛ خاتمه مستدرک الوسائل، ج ١، ص 360

دخلت على سيدى ابى عبد الله جعفر بن محمد(عليهم السلام) فى يوم عاشوراء،  
فألفيته كاسف اللون، ظاهر الحزن، و دموعه تنحدر من عينيه كاللؤلؤ المتساقط،  
فقلت: يا ابن رسول الله مم بكاؤك؟ لا أبكى الله عينيك، فقال لي: أو فى غفلة انت؟  
أما علمت ان الحسين بن علي(عليه السلام) قتل فى مثل هذا اليوم»<sup>١١٨</sup>

عبدالله بن سنان از امام صادق(عليه السلام) روایت می کند: روز عاشورا به  
محضر آن حضرت مشرف شدم و آن حضرت را با رنگی تیره و گرفته و محزون  
و در حالی که اشکشان مانند دانه های لؤلؤ از چشمان مبارک جاری می شد  
مشاهده نمودم، عرض کردم: ای پسر رسول خدا! خداوند چشمانتان را نگریاند،  
گریه شما به خاطر چیست؟ حضرت فرمود: آیا غافلی و نمی دانی که حسین(عليه  
السلام) در مثل چنین روزی به مصائب مبتلا شده است؟ عرض کردم: ای سید و  
آقای من! نظرتان درباره روزه گرفتن در این روز چیست؟ حضرت فرمودند: این  
روز را روزه بدار؛ اما بدون اینکه آن را به پایان برسانی، افطار کن و بدون آنکه از  
پروردگار انتظار رحمت داشته باشی و آن را صوم کامل قرار نده و بعد از گذشت  
ساعتی از نماز عصر با جرعه آبی افطار کن.

عبدالله بن سنان می گوید: پس امام صادق(عليه السلام) گریه کرد به طوری که  
محاسنیان از اشک خیس شد و فرمودند: خداوند متعال، نور را در روز جمعه،  
صادف با اول رمضان (بنابر تقدیر خود) خلق کرد و ظلمت را در روز چهارشنبه

---

. ١١٨- مزار بن المشهدی، ص 473، باب 18؛ مصباح المتھجّد، ص 782؛ بحار الانوار، ج 45، ص 63.

مطابق با روز عاشورا (بنابر تقدیر خود) خلق کرد و برای هر یک از امت‌ها آئین و راهی معین نمود. برترین عمل در این روز لباس پاکیزه به تن کردن و به حالت تسرب خارج شدن است.

عبدالله بن سنان می‌گوید: سؤال کردم تسرب یعنی چه؟

امام فرمود: یعنی جلوی پیراهن را باز کنی و دست‌ها را تا آرنج نمایان کنی.

امام (علیه السلام) ادامه دادند: در آن حال بعد از طلوع آفتاب خارج می‌شوی به بیابان (کویر) یا به جایی می‌روی که کسی تو را نبیند یا در منزلی می‌مانی که کسی آنجا نباشد و یا در یک جای خلوت می‌مانی.

«فصلی اربع رکعات تحسن رکوعهن و سجودهن، و تسلّم بین کل رکعتین، تقرأ

فی الرکعة الاولى سورة الحمد، و «قل يا ايها الكافرون»، و فی الثانية الحمد، و «قل

هو الله احد»، ثم تصلّی رکعتین اخريین، تقرأ فی الاولى الحمد و سورة الاحزاب، و

فی الثانية الحمد و «إذا جاءك المنافقون»، أو ما تيسّر من القرآن<sup>۱۱۹</sup>؛

چهار رکعت نماز می‌خوانی و رکوع و سجود خود را نیکو به جا می‌آوری،

و بین هر دو رکعت سلام می‌دهی و در رکعت اول بعد از سوره حمد، «قل يا

ايها الكافرون» را می‌خوانی و در رکعت دوم بعد از حمد، «قل هو الله احد»

می‌خوانی و سپس دو رکعت نماز دیگر می‌خوانی و در رکعت اول حمد

---

۱۱۹- المزار، محمد بن مشهدی، ص 474؛ مصباح المتہجد، ص 783.

می خوانی و سپس سوره احزاب و در رکعت دوم حمد می خوانی و سوره «اذا جاءك المنافقون» یا هر آنچه که بر تو خواندنش از قرآن میسر شد».

بعد از سلام نماز، صورت خود را طرف قبر امام حسین(علیه السلام) متوجه می سازی در حالی که حماسه امام(علیه السلام) و یارانش را در ذهن تصور کرده، لعن بر قاتلین بفرست و تبری جوی از افعال دشمنان امام(علیه السلام)، اگر این کار را در روز عاشورا انجام دادی خداوند درجه تو را در بهشت بالا خواهد برد و گاهان تو را خواهد بخشید، سعی کن در مکانی که هستی چه صحراء فضا و... بگویی:

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، رَضِيَّاً بِقَضَائِهِ وَتَسْلِيْمًا لِمَرِهِ».

در حالی که محزون هستی، تسبیح خدا کن، «انا الله و انا اليه راجعون» بگو و اگر از این کارها فارغ شدی، در همان جایی که نماز خواندی بایست و بخوان:  
«اللَّهُمَّ عَذِّبُ الْفَجَرَةَ الَّذِينَ شَاقُوا رَسُولَكَ، وَ حَارَبُوا أُولَئِكَ، وَعَبَدُوا غَيْرَكَ،  
وَاسْتَحْلَلُوا مَحَارِمَكَ، وَالْعَنِ الْقَادَةَ وَالْاتِّبَاعَ، وَمَنْ كَانَ مِنْهُمْ مُّحِبًّا، وَمَنْ أَوْضَعَ مَعْهُمْ أَوْ  
رَضِيَّ بِفِعْلِهِمْ لَعْنًا كَثِيرًا»

اللَّهُمَّ وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ صَلَواتَكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ، وَاسْتَنْقَذْهُمْ مِنْ أَيْدِي  
الْمُنَافِقِينَ الْمُضَلِّلِينَ الْكَفَرَةِ الْجَاهِدِينَ، وَافْتَحْ لَهُمْ فَتْحًا يَسِيرًا، وَأَتْحَ لَهُمْ رَوْحًا وَفَرَجاً  
قَرِيبًا، وَاجْعَلْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا»<sup>۱۲۰</sup>

سپس امام (علیه السلام) فرمود: ابن سنان! این فعل تو افضل است از فلاں مقدار  
حج و فلاں مقدار عمره که مستحبی انجام می دهی، مال بر آن صرف می کنی،  
بدنت را بر آن خسته می کنی، و از اهل و فرزندانت دور می شوی.  
و خداوند متعال عنایت می کند به واسطه نماز در روز عاشورا و دعای با  
اخلاص و این عمل، ده خصلت و از جمله آن خصال، در امان ماندن از مرگ بد،  
در امان ماندن از مکروه و فقر، و دشمن او در دنیا نمی ماند و او در امان می ماند از  
مرض جنون و برص، هم خودش و هم چهار پشت بعد از خودش. خداوند از  
متعال نمی گذارد که شیطان بر او مسلط شود و تا چهار پشت او را خداوند از  
سلط شیطان جلوگیری می کند.

«قال ابن سنان: فانصرفت و أنا أقول:

الحمد لله الذي من على بمعرفتكم و حبكم، وأسأل الله المعونة على المفترض علىَّ  
من طاعتكم بمنة ورحمة»<sup>۱۲۱</sup>.

ابن سنان می گوید: من از نزد امام (علیه السلام) خارج شدم در حالی که  
می گفتم: خدا را شاکریم که بر ما منت نهاد و شما را بر ما معرفی کرد و حب  
شما را در دل ما قرار داد، و از خداوند متعال در خصوص آنان که طاعت‌شان را  
بر من فرض کرد تمیک و یاری خواستم (که بتوانم به وظیفه خود و مقابل آنان  
عمل کنم). زیارت عاشورا را ذکر می کند.

---

۱۲۱- مصباح المتهجد، ص 787؛ اقبال الاعمال، ص 568؛ ابن مشهدی در مزارش، ص 480؛ مجلسی در بحار الانوار، ج 101، ص 309؛ مستدرک الوسائل، ج 6، ص 280.

## زيارة أخرى له في يوم عاشوراء

من قريب أو بعيد، تقول:

«السلامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيْفَيْنَ، الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ النِّسَاءِ الْعَالَمِيْنَ، الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَاللَّهِ وَابْنَ ثَارَهِ وَالوَتَرَ الْمَوْتُورَ، الْسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ، وَانَّا خَاتُ بِرَحْلِكَ، عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعًا سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيَ وَبَقَى اللَّيلُ وَالنَّهَارُ»...<sup>١٢٢</sup>

و بعد ذكر زيارة عاشوراء مى گويد: «زيارة الشهداء رضوان الله عليهم فى يوم عاشوراء» زيارة شهداءى كربلا در روز عاشوراء را ذكر مى نماید... الى آخر.

## زیارت عاشورا منقول در

### مصابح الزائر

علی بن موسی (ابن طاووس) (رحمه الله)

جمال العارفین، سید رضی الدین سید علی بن موسی بن جعفر بن طاووس (رحمه الله)<sup>۱۳۳</sup>، زیارت عاشورا را در فصل دهم از کتاب مصابح الزائر نقل نموده است:

۱۲۳- سید رضی الدین، علی بن موسی بن جعفر بن طاووس (رحمه الله)، از نوادگان امام حسن مجتبی و امام سجاد (علیهم السلام) می باشد و در روز ۱۵ محرم سال ۵۸۹ هجری در شهر «حله» به دنیا آمد. جد هفتم ایشان مرحوم محمد بن اسحاق (رحمه الله)، که به دلیل زیبایی و ملاحتش به «طاووس» مشهور شده بود، از سادات بزرگوار مدینه محسوب می شد. پدر او، مرحوم موسی بن جعفر (رحمه الله) نیز، از رواتات بزرگ حدیث است که روایات خود را در اوراقی نوشته بود و بعد از او، فرزندش آنها را جمع آوری نموده و با نام «فرقہ الناظر و بهجه الخاطر مما رواه والدی موسی بن جعفر» آن را منتشر نمودند.

مادر او نیز دختر مرحوم ورام بن ابی فراس (رحمه الله)، از بزرگان علمای امامیه بود. او مدت دو سال و نیم به تحصیل فقه پرداخت و پس از آن خود را از استادی نیاز دید و بقیه کتب فقیهی عصر خویش را به تنهایی مطالعه نمود. ابن طاووس (رحمه الله) که از محضر اساتید حله استفاده کافی و لازم را برده بود، برای استفاده از علمای دیگر شهرها عزم سفر نمود. او ابتدا به کاظمین رفت. پس از مدتی ازدواج نمود و ساکن بغداد شد. مدت ۱۵ سال در شهر بغداد به تربیت شاگردان و تدریس علوم مختلف پرداخت. ورود سید (رحمه الله) به بغداد سال ۶۲۵ هجری بوده است. سید (رحمه الله) که برای پذیرش پست های حکومتی تحت فشار دولت عباسی قرار گرفته بود از بغداد به حله، زادگاه خودش، مراجعت کرد. سید (رحمه الله) مدت سه سال نیز در جوار امام هشتم (علیه السلام) به سر برد. سپس به نجف و کربلا هجرت کرده و در هر کدام حدود ۳ سال مقیم شد. در این زمان علاوه بر تربیت شاگردان و تدریس علوم مختلف، همت اصلی خویش را بر سیر و سلوک و کسب معنویات قرار داد.

مادر پدرش نیز نوه شیخ طوسی (رحمه الله) می باشد و به همین دلیل سید گاهی می گوید: «جدی ورام بن ابی فراس (رحمه الله)» و گاهی می گوید: «جدی الشیخ الطوسی (رحمه الله)» برادرها و برادر

## ذكر زيارة عاشوراء و فضلها و كيفيتها و عمل ذلك اليوم على التقرير

عن الصادق(عليه السلام) قال: «من زار الحسين بن علي(عليهما السلام) يوم عاشوراء  
عارفاً بحقه، كان كمن زار الله في عرشه». <sup>١٢٤١٢٥</sup>

کسی که امام حسین(عليه السلام) را در روز عاشوراء، در حالی که عارف به حقش باشد زیارت کند، مانند کسی است که خدا را در عرش زیارت کرده باشد.

---

زاده ها و فرزندان او نیز از علمای بزرگوار شیعه بوده اند. ابتدای تحصیلات سید ابن طاووس(رحمه الله) در شهر حله بود، که از محضر پدر و جد خود، ورام بن ابی فراس علوم مقدماتی را آموخت. سید(رحمه الله) با درکی قوی و هوشی سرشار، قدم در راه علم نهاد و در اندک زمانی از تمام همشاغردی های خود سبقت گرفت. وی در «کشف المحتجه» می گوید: «وقتی من وارد کلاس شدم

آنچه را دیگران در طول چند سال آموخته بودند، در یک سال آموختم و از آنان پیشی گرفتم». آخرین سفر ابن طاووس(رحمه الله) در سال 652 هجری به بغداد بود. وی در بغداد منصب نقاوت را پذیرفت و تا پایان عمر خویش در همان جا سکنی گزید. زمانی که مغول ها به بغداد حمله کرده و آن را اشغال نمودند، سید(رحمه الله) نیز در بغداد بود. ابن طاووس(رحمه الله) حدود 50 تألیف دارد که بسیاری از آنها در موضوعات ادعیه و زیارات است. ده جلد کتاب «المهمات والثتمات» که هر یک با عنوان مستقل چاپ شده است از جمله: فلاح السائل، زهرة الربيع، جمال الاسبوع، اقبال الاعمال ... . سید(رحمه الله) این کتب را به عنوان تتمه مصباح المتهجد، شیخ طوسی نوشته است. کشف المحتجه لشمرة المهجحة، کتابی اخلاقی است و شامل وصیت های سید(رحمه الله) به فرزندانش می باشد و مراحل مختلف زندگی خویش را هم در آن ذکر کرده است. سید علی بن طاووس در سال 664 هجری در سن 75 سالگی و در شهر بغداد وفات نمود. بدنبال شریفتش را به نجف اشرف منتقل نموده و در حرم امیر المؤمنین(عليه السلام) به خاک سپرده شد.

و يروى في حديث مرفوع اختصرناه عن عبدالله بن سنان قال: دخلت على سيدى أبي عبدالله جعفر بن محمد الصادق(عليه السلام) يوم عاشوراء فألقيته كاسف اللون، ظاهر الحزن، و دموعه تنحدر من عينيه كاللؤلؤ المتساقط، فقلت: يا ابن رسول الله، مِمْ بکاؤک، لا أبکی الله عینیک؟

فقال لي: «أو في غفلة أنت، أما علمت أن الحسين بن علي اصيب في مثل هذا

<sup>١٢٦</sup>اليوم؟»

در حديث دیگر دارد: «وجبت له الجنة».

فرمود: بهشت بر او واجب می شود.

و عن الصادق(عليه السلام): «من زار الحسين(عليه السلام) في يوم عاشوراء وبات

<sup>١٢٧</sup>عنه كان كمن استشهد بين يديه;

کسی که زیارت کند سیدالشہدا(عليه السلام) را در روز عاشورا و بماند آن شب را در نزد سیدالشہدا(عليه السلام) مانند کسی است که در میان دو دست حضرت(عليه السلام)، شهید شده باشد».

عبدالله بن سنان از امام صادق(عليه السلام) روایت می کند: روز عاشورا به محضر آن حضرت مشرف شدم و آن حضرت را با رنگی تیره و گرفته و حزني که در چهره، ظاهر بود و اشکی که همچون دانه های لؤلؤ از چشمان مبارک

---

. ١٢٦- مصباح الزائر، الفصل العاشر، ص 262

. ١٢٧- مصباح المتهدج، ص 772؛ كامل الزيارات، ص 323؛ وسائل الشيعة، ج 10، ص 372

جاری بود مشاهده نمودم، عرض کردم: ای پسر رسول خدا! خداوند چشمانتان را نگریاند، گریه شما به سبب چیست؟ حضرت فرمود: آیا غافلی و نمی دانی که حسین(علیه السلام) در مثل چنین روزی به مصائب مبتلا شده است؟ عرض کردم: ای سید و آقا! من! نظرتان درباره روزه گرفتن در این روز چیست؟ حضرت فرمودند: این روز را روزه بدار؛ اما بدون اینکه آن را به پایان برسانی، افطار کن و بدون آنکه از آن انتظار رحمت داشته باشی و آن روز را صوم کامل قرار نده. ساعتی از نماز عصر گذشته، با جرعه ای آب آن را افطار کن.

عبدالله بن سنان می گوید: پس امام صادق(علیه السلام) گریه کرد به طوری که محاسنستان از اشک خیس شد و فرمودند: خداوند متعال، نور را در روز جمعه، مصادف با اول رمضان خلق کرد و ظلمت را در روز چهارشنبه، مطابق با روز عاشورا خلق کرد و برای هر یک از امت ها آئین و راهی معین کرد. برترین عمل در این روز، لباس پاکیزه به تن کردن و به حالت تسلب خارج شدن است.

عبدالله بن سنان سؤال کرد: تسلب یعنی چه؟

امام(علیه السلام) فرمود: یعنی جلوی پیراهن را باز و دست ها را تا آرنج نمایان کنی.

امام(علیه السلام) ادامه دادند: در آن حال بعد از طلوع آفتاب خارج می شوی به بیابان (کویر) یا به جایی می روی که کسی تو را نبیند یا در منزلی می مانی که کسی آنجا نباشد و یا در یک جای خلوت می مانی.

چهار رکعت نماز می خوانی و در رکوع و سجود نماز، تأمل می کنی و بین هر دو رکعت سلام می دهی و در رکعت اول بعد از حمد، سوره «قل يا ایها الکافرون» را می خوانی و در رکعت دوم بعد از حمد، سوره «قل هو الله احد» را می خوانی و در نماز دوم بعد از حمد، سوره «احزاب» را می خوانی و در رکعت دوم بعد از حمد، «اذا جاءك المنافقون» یا هرچه از قرآن که توانایی داشتی می خوانی.

بعد از سلام نماز، صورت خود را طرف قبر امام حسین(علیه السلام) متوجه می سازی در حالی که حماسه امام(علیه السلام) و یارانش را در ذهن تصور می کنی، لعن بر قاتلین بفرست و تبری جوی از افعال دشمنان امام(علیه السلام)، اگر این کار را در روز عاشورا انجام دادی، خداوند درجه تو را در بهشت بالا خواهد برد و گناهان تو را خواهد بخشد، سعی کن در آن مکانی که هستی چه صحراء و فضا و... بگویی:

«إِنَّا لِهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعونَ، رِضَاً بِقَضَائِهِ وَتَسْلِيمًا لِمَرِهِ».

در حالی که محزون هستی، تسبیح خدا کن، «انا الله و انا اليه راجعون» بگو و اگر از این کارها فارغ شدی در همان جایی که نماز خواندی، بایست و بخوان:  
«اللَّهُمَّ عَذِّبِ الْفَجْرَةَ الَّذِينَ شَاقُوا رَسُولَكَ، وَ حَارَبُوا أُولَيَاءِكَ، وَ عَبَدُوا غَيْرَكَ،  
وَ اسْتَحْلَلُوا مَحَارِمَكَ، وَ الْعَنِ الْقَادَةَ وَ الْاتِّبَاعَ، وَ مَنْ كَانَ لَهُمْ مُحِبَّاً، وَ مَنْ أَوْضَعَ مَعَهُمْ أَوْ  
رَضِيَ بِغَلِيلِهِمْ لَعْنَا كَثِيرًا»

اللَّهُمَّ وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ صَلَواتَكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ، وَاسْتَنْقذْهُم مِّنْ أَيْدِي  
الْمُنَافِقِينَ الْمُضَلِّلِينَ الْكَفَّرِ الْجَاهِدِينَ، وَافْتَحْ لَهُمْ فَتْحًا يَسِيرًا، وَأَتْحَ لَهُمْ رَوْحًا وَفَرَجًا  
قَرِيبًا، وَاجْعَلْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ عَلَى عَدُوكَ وَعَدُوهُمْ سُلْطَانًا نَصِيرًا»<sup>۱۲۸</sup>

سپس امام (علیه السلام) فرمود: ای ابن سنان! این فعل تو افضل است از فلان  
مقدار حج و فلان مقدار عمره مستحبی که انجام می دهی، مال بر آن صرف  
می کنی، بدنت را بر آن خسته می کنی و از اهل و فرزندانت دور می شوی.  
و خداوند متعال عنایت می کند به واسطه نماز در روز عاشورا و دعای با  
اخلاص و این عمل، ده خصلت و از جمله آن خصال، در امان ماندن از مرگ بد،  
در امان ماندن از مکر و فقر است، و دشمنی بر او ظاهر نمی شود تا اینکه بمیرد  
و در امان می ماند از مرض جنون و برص هم خودش و هم چهار پشت بعد از  
خودش. خداوند متعال نمی گذارد که شیطان بر او مسلط شود و تا چهار پشت  
او را خداوند از تسلط شیطان جلوگیری می کند.<sup>۱۲۹</sup>

سپس مرحوم ابن طاووس(رحمه الله) بعضی از اعمال شب عاشورا را به نقل از  
مصطفیٰ کبیر<sup>۱۳۰</sup>، و اقبال الاعمال<sup>۱۳۱</sup>، نقل می کند.

. ۱۲۸- مصباح الزائر، الفصل العاشر، ص 263.

. ۱۲۹- مصباح المتهجد، ص 537 ; اقبال الاعمال، ص 568 ; ابن مشهدی در مزارش، ص 687 ;  
مجلسی در بحار الانوار، ج 101، ص 309

. ۱۳۰- مصباح المتهجد، ص 537

. ۱۳۱- اقبال الاعمال، ص 555

سپس زیارت عاشورا را بر طبق روایت صالح بن عقبه نقل می کند و می فرماید: این بهترین زیارت (زیارت عاشورا) است که در روز عاشورا از نزدیک یا دور خوانده می شود.

«... وأما فضل الزيارة و عمل ذلك اليوم (روز عاشوراء) فقد روى زيارة أخرى

يُزار بها الحسين(عليه السلام) في يوم عاشوراء من القرب والبعد:<sup>۱۲۲</sup>

اما بهترین زیارت و عمل در روز عاشورا، به درستی که زیارت دیگری بر روز عاشورا بر امام حسین(عليه السلام) ذکر شده که از نزدیک و دور خوانده می شود: صالح بن عقبه، عن أبي جعفر(عليه السلام) قال: «مَنْ زَارَ الْحَسِينَ بْنَ عَلَى (عليهما السلام) فِي يَوْمِ عَاشُورَاءِ مِنَ الْمُحْرَمِ حَتَّى يَظْلِمَ عَنْهُ بَأْكِيًّا، لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَ يَوْمَ يَلْقَاهُ بِثَوَابِ أَلْفِيِّ حِجَّةٍ، وَأَلْفِيِّ عُمْرَةٍ، وَأَلْفِيِّ غَزْوَةٍ، ثَوَابُ كُلِّ حِجَّةٍ وَعُمْرَةٍ وَغَزْوَةٍ كَثُوبَ مَنْ حَجَّ وَاعْتَمَرَ وَغَزَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَعَهُ الائمة الراشدين»<sup>۱۲۳</sup>

محمد بن اسماعیل بن بزیع از صالح بن عقبه، از پدرش، از حضرت امام باقر(عليه السلام) که فرمود: هر که زیارت کند حسین بن علی(عليهما السلام) را در روز دهم محرم تا آنکه نزد قبر آن حضرت گریان شود، ملاقات کند خدا را در روز قیامت با ثواب دو هزار حج، دو هزار عمره و دو هزار جهاد که ثواب آنها

---

. ۱۲۲- مصباح الزائر، ص 267

۱۲۳- وسائل الشیعه، ج 10، ص 372

مثل ثواب کسی باشد که حج، عمره و جهاد کند در خدمت رسول خدا(صلی الله عليه وآلہ) و ائمه طاهرين(عليهم السلام). راوی گفت، گفتم: فدایت شوم! چه ثواب است از برای کسی که در شهرهای دور از کربلا بوده و او را رفتن به سوی قبر آن حضرت در مثل این روز ممکن نباشد؟ فرمود: هرگاه چنین باشد، بیرون رود به سوی صحراء یا بالا رود بر بام بلندی در خانه خود، و اشاره کند به سوی آن حضرت به سلام و جهد کند در نفرین کردن بر قاتلین آن حضرت و بعد از آن، دو رکعت نماز کند و انجام دهد این کار را در اوایل روز، پیش از زوال آفتاب؛ پس ندبه کند بر حسین(عليه السلام) و بگرید بر او و امر کند کسانی را که در خانه اش هستند - هرگاه از ایشان تقبیه نمی کند - به گریستان بر آن حضرت و بر پا دارد در خانه خود مصیبته به اظهار کردن جزع بر آن حضرت و تعزیت بگویند یکدیگر را به مصیبت ایشان به حسین(عليه السلام). و من ضامن می شوم در نزد خداوند که اگر کسی این عمل را انجام داد، تمام ثواب هایی که ذکر کردم، برای او باشد. گفتم: فدای تو شوم! ضامن می شوی این ثواب ها را برای ایشان و کفیل می شوی این ثواب ها را؟ فرمود: بلی! من ضامن و کفیل از برای کسی که این عمل را به جا آورد. گفتم که چگونه یکدیگر را تعزیت بگویند؟ فرمود که می گویند: «أَعْظَمَ اللَّهُ أَجْوَرَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسْنَيْنِ» (عليه السلام) وَجَعَلَنَا وَإِيَّا كُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِشَارِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (صلی الله عليه وآلہ)؛ یعنی بزرگ فرماید خداوند اجر و ثواب عزاداری ما را بر امام حسین(عليه السلام) قرار دهد ما و شما را از خواهندگان خون او، با ولی او، امام مهدی از آل محمد(عليهم

السلام) و اگر بتوانی که بیرون نروی آن روز را در پی حاجتی، چنان کن؛ زیرا آن روز، روز نحسی است که برآورده نمی شود در آن حاجت مؤمن، و اگر برآورده شود مبارک نخواهد بود از برای او، و در آن خیر و رشدی نخواهد دید. البته هیچ یک از شما برای منزلش در آن روز چیزی را ذخیره نکند؛ پس هر که ذخیره کند در آن روز چیزی را، برکت نخواهد دید در آن چیزی که ذخیره نموده و مبارک نخواهد بود از برای اهلهش. پس هرگاه این عمل را به جای آوردن، بنویسد حق تعالی برای ایشان ثواب هزار حج، هزار عمره و هزار جهاد که همه را با رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ) انجام داده باشد و از برای او است مزد و ثواب مصیبت هر پیغمبر، رسول، وصی، صدیق و شهیدی که مرده باشد یا کشته شده باشد، از زمانی که خلق فرموده حق تعالی دنیا را، تا زمانی که قیامت به پای شود.

صالح بن عقبه و سيف بن عميرة نقل کرده اند از علقمه بن محمد حضرمی که گفت، به حضرت باقر(علیه السلام) عرض کردم: که تعلیم فرما مرا دعایی که بخوانم آن را در این روز، هرگاه زیارت کنم آن جناب را از نزدیک و دعایی که بخوانم آن را هرگاه زیارت نکنم او را از نزدیک و بخواهم اشاره کنم به سلام به سوی او از شهرهای دور و از خانه ام. امام(علیه السلام) فرمود: ای علقمه! هرگاه تو به جای آوردنی آن دو رکعت نماز را (نماز زیارت)، بعد از آنکه اشاره کنی به سوی آن حضرت به سلام، پس بگو در وقت اشاره به آن حضرت بعد از گفتن تکبیر، این قول؛ یعنی زیارت آتیه را، پس به درستی که تو هرگاه گفتی این قول را به تحقیق که دعا کرده ای به آن چیزی که دعا می کند کسی که شهید شده

باشد با امام حسین(علیه السلام)، تا مشارکت کنی ایشان را در درجات ایشان و شناخته نشوی مگر در جمله شهیدانی که شهید شده اند با آن حضرت، و نوشه شود برای تو ثواب زیارت هر پیغمبر و رسولی و ثواب زیارت هر کس که زیارت کرده حسین(علیه السلام) را، از روزی که شهید شده است، سلام خدا بر آن حضرت(علیه السلام) و بر اهل بیت‌ش(علیهم السلام) باد.

«قال صالح بن عقبة و سيف بن عمیرة: قال علقة بن محمد الحضرمي: قلت لابی جعفر(علیه السلام): علمتني دعاء أدعوه به فی ذلك اليوم اذا أنا زرته من قرب، و دعاء أدعوه به اذا أنا لم أزره من قرب وأومنأت من بعد البلاد ومن داری بالتسليم إلیه;<sup>۱۳۴</sup> صالح بن عقبة و سيف بن عمیرة نقل می کنند که علقمه بن محمد الحضرمي گفت، به امام باقر(علیه السلام) عرض کرد: دعایی به من تعليم فرمایید که اگر از نزدیک زیارت کردم، بخوانم و دعایی که اگر از دور اشاره به سلام کردم، بخوانم. حضرت فرمودند: ای علقمه! هرگاه تو اشاره به سلام نمودی و دو رکعت نماز را خواندی، هنگام اشاره به آن حضرت بعد از تکبیر، این قول - زیارت عاشورا - را بگو؛ پس اگر تو این زیارت را خواندی دعا کرده ای به آنچه که ملائکه زائر حسین دعا می کنند و خداوند صد هزار هزار درجه برای تو می نویسد و مانند کسی هستی که با امام حسین(علیه السلام) شهید شده و در درجات آنها شرکت کرده باشد، و شناخته نمی شوی مگر جزء شهدايی که با سیدالشہدا(علیه السلام)

شهید شدند و خداوند منظور می گرداند برای تو ثواب زیارت هر نبی، رسول و هر زائری که امام حسین(علیه السلام) را زیارت کرده از زمانی که به شهادت رسید».

سپس مرحوم بن طاوس(رحمه الله) زیارت عاشورا را نقل می کند:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَيْرَةَ اللَّهِ وَابْنَ حَيْرَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِّلَيْنَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ النِّسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَةَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالوَتْرَ الْمَوْتُورَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ، عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعًا سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقَى اللَّيلُ وَالنَّهَارُ»... تا آخر دعا

بعد از نقل زیارت عاشورا، علقمه می گوید، امام باقر(علیه السلام) فرمودند: اگر بتوانی هر روز در خانه خود این زیارت (زیارت عاشورا) را بخوانی ان شاء الله تمام ثواب هایی که ذکر شده است، برایت منظور می گردد.<sup>۱۳۵</sup>

سپس مرحوم بن طاوس(رحمه الله) روایت محمد بن خالد طیالسی از سیف بن عمیره را متذکر می شود که گفت:

من به همراه صفوان بن مهران جمال و چند نفر از دوستانمان پس از خروج امام صادق (علیه السلام) از حیره به جانب مدینه برای زیارت امیر المؤمنین (علیه

---

۱۳۵- مصباح المتهجد، ص 539؛ «قال علقمة: قال أبو جعفر(عليه السلام): إن استطعت ان تزوره في كل يوم بهذه الزيارة من دارك فافعل ولك ثواب جميع ذلك».

السلام) روانه نجف اشرف شدیم . پس از راه حیره<sup>۱۳۶</sup> وارد شهر شدیم و پس از آنکه مضجع شریف امیر المؤمنین (علیه السلام) را زیارت نمودیم، صفوان روی خود را به سمت قبر ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) برگردانید و به ما گفت: امام حسین (علیه السلام) را از این مکان، از بالای سر مقدس امیر المؤمنین (علیه السلام) زیارت کنید و زیارت عاشورا را خواند. (همین مقدار از روایت را فقط ذکر می کند)

بعد از آنکه صفوان زیارت عاشورا را تمام کرد، نزد سر امیر المؤمنین (علیه السلام) دو رکعت نماز به جای آورد؛ سپس امیر المؤمنین (علیه السلام) را وداع گفت و رو به جانب مرقد امام حسین (علیه السلام) کرد و به آن سو اشاره نمود و با آن حضرت نیز وداع نمود . از جمله دعاهایی که پس از آن دو رکعت نماز خواند، این دعا بود:

«يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، يَا كَاشِفَ كُربَ الْمَكْرُوبِينَ، يَا غِياثَ الْمُسْتَبِّدِينَ، يَا صَرِيخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ، وَيَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَىٰ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ، وَيَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ، وَيَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَىٰ وَبِالْأَفْقِ الْمُبِينِ، وَيَا مَنْ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى، وَيَا مَنْ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ»...

تا آخر دعا<sup>۱۳۷</sup>

۱۳۶- شهری است در یک فرسنگی کوفه .

۱۳۷- کتاب مصباح الزائر ابن طاووس، زیارت عاشورا .

## زيارة عاشوراً منقول در کتاب فرحة الغری

سید عبدالکریم بن احمد بن طاووس (رحمه الله)

سید عبدالکریم بن احمد بن طاووس (رحمه الله)<sup>۱۳۸</sup> در کتاب فرحة الغری، روایت صفوان را ذکر می کند: که روایت شده از صفوان جمال که گفت: با حضرت امام جعفر صادق(علیه السلام) از مدینه مشرفه بیرون رفتم و اراده کوفه داشتیم و چون

۱۳۸ - غیاث الدین، ابو المظفر، عبدالکریم بن احمد (693 - 648 ق)، فقیه، ادیب و نسب شناس. وی در کربلا، زاده شد و در حله، رشد و کمال یافت و در بغداد، درس خواند. ادبیات را نزد حسین بدر ادیب، از عالمان عامه آموخت (نامه دانشوران، ج ۱، ص ۱۸۳) استادان او در سطوح عالی عبارت بودند از: پدر، عمویش، رضی الدین علی بن موسی، خواجه نصیر الدین طوسی و محقق حلی (جعفر بن حسن، 602 - 676 ق). وی از آنان اجازه روایت یافت. شاگردان بسیاری نیز در حوزه درس او شرکت می کردند که برخی از آنان به مراتب بلند علمی و فقهی دست یافتند، از آن میان می توان از ابوالبرکات شیخ عبدالرحمن بن احمد حربی حنبیلی و عبد الصمد بن احمد بن ابی الجیش، دو تن از عالمان اهل سنت، نام برد که از او به کسب اجازه روایت نیز نایل آمدند. گفته اند که او در ۱۱ سالگی حافظ قرآن بود. وی در ادب دستی توانا داشت و به استواری شعر می سرود و به شیوه ای می نوشت. چنان که از کتاب «فرحة الغری» او بر می آید، در 680 ق به قصد زیارت علی بن موسی الرضا(علیه السلام) به خراسان سفر کرده است. او در روزگار خود مقام نقابت علویان را نیز یافت. از سید عبدالکریم آثاری بر جای مانده است که مشهورترین آنها «فرحة الغری بصرحة الغریه» است که در تعیین محل دفن امام المؤمنین، علی بن ابی طالب(علیه السلام) است و در 1311 ق در تهران و 1368 ق در نجف چاپ شده است. نسخه هایی خطی از آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و آستان قدس موجود است. وی حاشیه ای نیز بر دعای سمات نوشت که نسخه خطی آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. سید عبدالکریم در کاظمین درگذشت، اما محل دفن او معلوم نیست. فرزند او، رضی الدین ابوالقاسم علی (د 741 ق) نیز از محدثان به شمار آمده است. وی از پدر خود و از خواجه نصیر الدین طوسی روایت کرده است. شهید اول (محمد بن مکی، 734 - 786 ق) با یک واسطه از او روایت کرده است.

از حیره گذشتیم، فرمود: یا صفوان! گفتم: لبیک ای پسر رسول خدا! فرمود: شتران را رو به «قایم» ببر - و قایم، میلی یا عمارتی بوده است - و به طرف «غربی» برو. و چون به «قایم» رسیدند، آن حضرت ریسمان باریکی بیرون آوردند و آن ریسمان را در منطقه قایم گره زدند و در حالی که ریسمان را در دست داشتند به طرف مغرب چند گام رفتند و ادامه ریسمان را با دست خود می برdenد تا آنجا که ریسمان پایان یافت، ایستادند و کفی از خاک برداشتن و مدتی مدید بو کردند و چند قدم آمدند تا موضعی که اکنون موضع قبر آن حضرت است و به دست مبارک، قبضه ای از خاک برداشتن، بوئیدند، نعره ای زدند و از هوش رفتند. من گمان کردم که از دنیا مفارقت فرمودند، و چون به هوش آمدند فرمودند: والله! که این محل، قبر حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) است. بعد از آن خطی بر دور قبر کشیدند، من عرض کردم: ای پسر رسول خدا! چه چیزی معصومان این اهل بیت را از اظهار قبر آن حضرت منع می کرد؟ فرمودند که از خوف بنی مروان و خوارج علیهم اللعنة اظهار نکرده و مخفی کردند. صفوان گفت، از آن حضرت سؤال کردم: به چه نحو امام را زیارت بکنیم؟ فرمود: وقتی که می خواهی زیارت کنی، غسل کن و دو جامه پاکیزه شسته یا نوپوش و بوی خوش استعمال کن، و اگر بوی خوش به دست نیاید باکی نیست، و چون از خانه بیرون آیی، این دعا را بخوان.<sup>۱۳۹</sup>

---

.139- کتاب فرحة الغری، ترجمه علامه محمد باقر مجلسی، ص 111 و 112.

بعد از ذکر موارد فوق، مرحوم سید عبدالکریم بن طاوس(رحمه الله) می گوید:  
دعا و زیارت (زیارت عاشورا) را ذکر نکردم؛ زیرا که به طول  
می انجامد.

## منهاج الصلاح

### ناقل زیارت عاشورا

#### علامه حلی (رحمه الله)

علامه حسن بن علی بن مطهر حلی<sup>۱۴۰</sup> در کتاب منهاج الصلاح، زیارت عاشورا را در باب فيما يتعلق بشهر المحرم وهو آخر الاشهر الحرم الاربعة وقتل فى العاشر منه مولانا السبط الشهید الامام ابو عبدالله الحسین (عليه السلام)... .

علامه حلی (رحمه الله) در فصل پنجم کتاب با عنوان آنچه که به ماه محرم تعلق دارد می گوید: محرم، از ماه های حرام است و مولای ما، امام حسین (عليه السلام) در دهم این ماه به شهادت رسید و مستحب است روزه گرفتن در روز دهم این ماه، در حالی که حزین باشد و افطار کند بعد از ظهر به مقدار کمی از تربت امام حسین (عليه السلام).<sup>۱۴۱</sup>

---

۱۴۰ - جمال الدین حسن، فقیه بزرگ شیعه و از مفاخر علماء در اصول، کلام، حدیث، تفسیر، منطق، فلسفه، ادبیات عرب، ریاضی، رجال و در تمام این علوم صاحب تأییفات است. در حدود یکصد کتاب از آثار او شناسایی شده که بعضی مانند «تذكرة الفقهاء» کافی است که نبوغ او را نشان دهد. علامه، کتاب زیادی دارد که غالب آنها در زمان های بعد، از طرف فقهاء شرح داده شده است.

پدرش، سید الدین یوسف ابن مطهر حلی (رحمه الله)، از دانشمندان و فقهای بزرگ و بسیار شجاع و با تدبیر، مادرش زنی فاضله و بلند مرتبه از خاندان بنی سعید، برادرش رضی الدین (رحمه الله) صاحب «العدد القويه لدفع المخاوف اليومه» که سیزده سال از علامه، بزرگ تر بود. خواهرش همسر مجده الدین ابو الفوارس که دو فرزند او از شاگردان علامه بودند. لقب او آیت الله، و جمال الدین فاضل بود و کنیه اش «ابو منصور» و «ابن مطهر» در سخنان بزرگان از او با لقب «علامه» و «علامه دهر» نام برده شده است. علامه حلی در 29 رمضان سال 648 هـ.ق، در شهر حله به دنیا آمد. از همان کودکی در

و امام صادق(علیه السلام) فرمود: هر کس زیارت کند قبر امام حسین(علیه السلام) را در روز عاشورا در حالی که عارف به حق آن حضرت باشد، مانند کسی است که خداوند را در عرش زیارت کرده است.

فاطمه زهرا(علیها السلام) طعامی از خرما، نان و روغن فراهم کرد و حضرت محمد(صلی الله علیه وآلہ) همراه با علی، فاطمه، حسن و حسین(علیهم السلام) طعام را میل فرمودند. بعد از اتمام طعام، پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآلہ) سجده طولانی نمود، سپس گریه کرده، پس از آن خندیدند و سپس نشستند.<sup>۱۴۲</sup>

---

محضر پدر، علوم تفسیر، حدیث و صرف و نحو را یاد گرفت. آن گاه در خدمت دایی خود «نجم الدین حلبی(رحمه الله)» معروف به محقق حلبی(رحمه الله) به تحصیل علم پرداخت. او با آن هوش و استعداد سرشار، علاقه زیادی به تعلیم علوم مختلف نزد اساتید بزرگ از خود نشان داد که خیلی زود تمام مدارج علمی را طی کرد و آن طور که نقل کرده اند: هنوز به سن بلوغ نرسیده بود که به درجه اجتهاد رسید و در جوانی به تألیفات پرداخت. در سن 26 سالگی به نگارش فقه و اصول مشغول شد به طوری که آثارش امروزه جزء مهم ترین کتب شیعه و مورد استفاده دانشمندان است. علامه حلبی(رحمه الله) یکی از پرکارترین و موفق ترین فقهای نامدار شیعه، از نظر تألیف به شمار می آید. طبق شمارشی که از تألیفات او به عمل آورده اند با تقسیم به روزهای عمر او، به هزار سطر در هر روز عمر او رسیده است. آنچه که باعث شهرت بیشتر علامه شد، فتوایی بود که در جهت حل مشکل طلاق الجایتو داد. ماجرا این است که (الجایتو - محمد خدابنده) روزی از همسرش عصبانی می شود و او در یک مجلس، سه طلاقه کرد و بعد از آن پشیمان شد و درباره حلال شدن همسرش سوال می کرد بنابر، مذهب اهل تسنن فقهای اهل سنت گفتند: هیچ راهی نیست.

بالاخره بعضی او را از وجود فقیهی از حله با خبر کردند که او این گونه طلاق را اصلاً باطل می داند. سلطان با اینکه با اعتراض درباریان مواجه شد اما به دنبال علامه حلبی(رحمه الله) فرستاد. علامه(رحمه الله) برای او گفت که در مذهب ما (شیعه) سه طلاقه کردن در یک مجلس مردود است و این طلاق باطل است و دلایل حکم خود و حقانیت مذهب شیعه را اثبات کرد. الجایتو (سلطان محمد خدا بنده) در

امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب(علیه السلام) فرمود: ای رسول خد! امروز از شما چیزی را دیدیم که قبلًا مشاهده نکرده بودیم؛ سجده کردید و گریه کردید و سپس خندیدید، سبب این کارها چه بود؟

رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ) فرمود: هنگامی که با شما غذا خوردم به سلامت و اجتماع شما مسرور شدم. سجده کردم برای خدا تا او را شکر گویم در آن هنگام در حالی که در سجده بودم جبرئیل نازل شد و گفت: خداوند متعال به شما سلام می رسانند و می گوید شما سجده کردید، و سجده<sup>۱۴۳</sup> شکر به دلیل

---

این موقع بود که به مذهب شیعه گروید و دستور داد که به نام امامان دوازده گانه، خطبه خوانند و سکه زندن. علامه(رحمه الله) و پسرش مدتی در مراغه اقامت داشتند و در سلطانیه که مرکز حکومت (الجایتو) پادشاه مغول ایران بود، به بحث های کلامی با سایر علماء پرداخت. او آن قدر حاضر جواب و مستدل حرف می زد که بر تمام رقبیان پیروز می شد.

حافظ آبروی شافعی می گوید: ایشان به هیچ وجه در مباحث، تعصّب نداشت. «ابن حجر» او را به رهبر و مصنف شیعی تعبیر می کند و می گوید: آیتی از آیات الهی در هوش و ذکارت اوست. «صفدی» علامه را دانشمندی شیعی می داند که در حال پیاده و سوار، تصنیف می کرد. «سید بحر العلوم»، در وصف او می نویسد: که علامه(رحمه الله) از بنی آدم است که خداوند از هر خرمنی، بهره ای به او عطا کرده است. «جلال الدین محمد بلخی بهائی» می گوید که: او آیت خداوند، در میان عالمیان بوده است.

علامه حلی(رحمه الله)، بعد از عمری تلاش پیوسته علمی و مذهبی، در شب شنبه 21 محرم سال 726 هـ.ق در سن 78 سالگی در شهر «حله»، از دنیا رحلت کرد. پیکر مطهرش را به نجف اشرف منتقل کرده و در حجره سمت راست حرم امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) در ایوان طلا، مدفون است.  
اساتید: ۱- پدر بزرگوارش، سید الدین یوسف (در علم تفسیر، حدیث، صرف و نحو). ۲- خواجه نصیر الدین طوسی (در علم حکمت و فلسفه). ۳- برهان الدین نسفی (در علم جدل). ۴- دایی خود محقق حلی، نجم الدین حلی. ۵- شمس الدین محمد کیشی (سبب آشنایی علامه، با افکار ابن عربی شد). ۶- عز الدین ابوالعباس واسطی (سبب آشنایی او با کتب سهوروی (شیخ اشراق) شد. ۷- سید علی بن

اینکه با اهل بیت بودی، سپس جبرئیل فرمود: خبر دهم به تو آن چیزی که بعد از شما بر آنها اتفاق می افتد؟ پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآلہ وسلم) فرمود: بلی، ای برادر من جبرئیل!<sup>۱۴۴</sup>

جبرئیل فرمود: اما دختر تو (فاطمه زهراء (علیها السلام)) اول کسی است که به تو ملحق خواهد شد، بعد از آنکه به او ظلم خواهند کرد، حقش را می گیرند، از ارث منعش می کنند، به شوهرش ظلم می کنند و پهلویش را می شکنند. اما پسر

---

طاووس. 8- تقی الدین صباغ کوفی (تفسیر زمخشری را به او آموخت). 9- ابن میثم بحرانی (شارح نهج البلاغه). 10- سید احمد بن موسی طاووس. 11- جمال الدین ایاز نحوی (در علم صرف و نحو). گفتنی است که علامه حلی نزد بسیاری از دانشمندان مذاهب مختلف، تحصیل علم کرده است. شاگردان نامدار او، از مفاخر تاریخ اسلام و معارف شیعه هستند. از مهم ترین آنها:  
1- فرزندش، ابو طالب محمد (ملقب به فخر المحققین). 2- جمال الدین ابو الفتوح بن علی آوی. 3- سراج الدین حسن بن بهاء الدین سرابشتوی. 4- سید محمد بن قاسم معیه. 5- عمید الدین و ضیاء الدین اعرجی حسینی، خواهر زاده های علامه.

تألیفات و آثار:

ایشان، در حوزه های متعدد علوم و فنون عقلی و نقلی، صاحب آثار گوناگون هستند که بعضی از آنها در چندین مجلد و بعضی شامل چند صفحه است. تألیفات ایشان، همیشه مورد توجه زیاد فقهاء، متكلمين، محدثان و مفسران است. خود ایشان، تألیفاتش را 64 عنوان ذکر کرده اما بعضی ها 120 عنوان، 109 عنوان و 70 عنوان گفته اند که مهم ترین آنها:

- 1- منتهی المطلب فی تحقیق المذهب (اولین و جامع ترین اثر در فقه استدلالی).
- 2- تبصرة المتعلمين فی احکام الدین.
- 3- تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الامامیه.
- 4- قواعد الاحکام فی معرفة الحال والحرام.
- 5- کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد (در کلام و عقاید).
- 6- منهاج الكرامه فی معرفة الامامه.
- 7- نهج الحق و کشف الصدق.
- 8- الباب الحادی عشر.
- 9- النکت البديعه فی تحریر الذریعه (در اصول فقه).
- 10- تهذیب طریق الوصول الی علم الاصول (اصول).
- 11- ایضاح المقاصد (در شرح کاتبی قزوینی).
- 12- الاسرار الخفیه فی العلوم العقلیه (در فلسفه و منطق).

عموی تو (علی بن ابی طالب(علیه السلام)) پس به او ظلم می کنند، از حقش منع می کنند و به شهادتش می رسانند. اما امام حسن(علیه السلام) به او ظلم می کنند، از حقش منعش می کنند و به واسطه سم به شهادت می رسد و امام حسین(علیه السلام)، به او ظلم می کنند، از حقش منع می کنند و در حالی که غریب است او را شهید می کنند، اسب ها بر بدنش می تازند، هستی اش به تاراج می رود و بانوان و ذریه اش به اسیری برده می شوند و در حالی که غریب، و بدنش غوطهور در خون است دفن می شود. پیامبر(صلی الله علیه وآلہ) فرمود: پس گریه کردم و سؤال کردم از جبرئیل که آیا کسی امام حسین(علیه السلام) را زیارت می کند؟ جبرئیل جواب داد: زیارت می کنند او را غرباء (آنها که راه دور هستند). سپس سؤال کردم از جبرئیل که کسی که زیارت کند حسین(علیه السلام) را، چه ثوابی به او داده می شود؟ جبرئیل جواب داد: نوشته می شود بر زائر امام حسین(علیه السلام)، هزار حج، هزار عمره و هزار غزوه که در رکاب تو (پیامبر) باشد. پیامبر(صلی الله علیه وآلہ) می فرماید: پس خندیدم.

سپس علامه حلی می فرماید: مستحب است زائر، در روز عاشورا، از قریب و بعيد به این زیارت (زیارت عاشورا)، زیارت کند امام حسین(علیه السلام) را. سپس زیارت عاشورا را با تمام فقرات ذکر می کند.

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِبْرَاهِيمَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ وَأَبْنَ خَيْرَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِبْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَأَبْنَ سَيِّدِ الْوَصِّيْفِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِبْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَأَبْنَ ثَارِهِ وَالوَتَرَ الْمَوْتُورَ،

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ، عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعاً سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا  
مَا بَقِيَتْ وَبَقَى اللَّيلُ وَالنَّهَارُ...».

بعد از اتمام نقل زیارت عاشورا، علامه حلی(رحمه الله) می فرماید: مستحب است در روز عاشورا اظهار جزع و بکاء به خاطر شهادت امام حسین(علیه السلام). و امام باقر(علیه السلام) فرمود که امام علی بن الحسین(علیه السلام) می فرمود: هر مؤمنی چشمانش به خاطر شهادت امام حسین(علیه السلام) بگرید، به گونه ای که قطرات اشک بر صورتش جاری شود، خداوند متعال به واسطه این اشک، اتاق هایی را در بهشت برای او مهیا می کند که مدت های طولانی و جاودان در آن سکنی می گزیند، و هر مؤمنی چشم هایش گریان شد، به طوری که اشک ها بر گونه اش جاری گردید، خداوند متعال بر او جایگاه جاویدانی در بهشت در نظر می گیرد. و هر مؤمنی به خاطر ما مورد اذیت قرار گیرد، خداوند متعال اذیت و سختی را، از او بر می دارد و او را در روز قیامت از آتش جهنم و غضبیش ایمن می کند.

و پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآلہ)، امام حسین(علیه السلام) را بر روی ران راست و فرزندش، ابراهیم را بر روی ران چپ قرار می داد؛ گاهی امام حسین(علیه السلام) و گاهی ابراهیم را می بوسید، پس روزی جبرئیل بر او نازل شد و گفت: خداوند متعال می گوید، بر تو نیست آن دو را جمع کنی! یکی را انتخاب کن تا آنکه یکی را بگیرم؟ پس پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآلہ) قدری تأمل کرد و فرمود: بر خداوند متعال سلام برسان! من حسین(علیه السلام) را انتخاب کردم؛ زیرا اگر

ابراهیم بمیرد، من گریه می کنم ولیکن اگر امام حسین(علیه السلام) بمیرد من،  
فاطمه و علی گریه خواهیم کرد. پس ابراهیم را بعد از سه روز قبض روح کن،  
همچنین وقتی امام حسین(علیه السلام) رو به روی پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآلہ) قرار  
می گرفت، پیامبر(صلی الله علیه وآلہ) می فرمود: مرحبا به کسی که فرزندم ابراهیم را  
بر او فدا کردم! و همچنین روایت است، هنگامی که روح هارون قبض شد،  
موسى(علیه السلام) گریه کرد و با خداوند متعال مناجات کرد و گفت: ای خدا! از  
تو می خواهم که به واسطه هارون مرا مورد لطف قرار دهی، پس وحی کرد  
خداوند متعال، و فرمود: ای موسی! تو تنها نیستی و من در کنار تو هستم و انس  
و جلیس تو می باشم. قسم به عزت و جلال، اگر واسطه شدی برای شفاعت  
جن و انس، شفاعت تو را قبول می کنم الا قاتل سیدالشهدا، امام حسین بن  
علی(علیه السلام) و به درستی که قاتل امام حسین(علیه السلام) نصف عذاب اهل دنیا  
را تحمل خواهد کرد.

## كتاب مزار شهيد اول

### ناقل زيارت عاشورا

محمد بن مکی شهید اول(رحمه الله)

شهید اول، محمد بن مکی(رحمه الله)<sup>۱۴۵</sup> در کتاب مزار قبل از ذکر زیارت عاشورا عنوان باب را این گونه می آورد: «ذکر زیارات ابی عبدالله(علیه السلام)المخصوصة بالایام والشهرور وما يتعلق منها من قول او عمل مبرور» و بعد می فرماید: «منها زیارة اول...».

---

۱۴۵- جبل عاملي، منطقه اي است کوهستانی در جنوب لبنان و نامی است آشنا که در تاریخ شیعه، سوابق درخشانی دارد. فقهای نامدار و گرانقدری همچون محقق ثانی(رحمه الله)، شیخ بهایی(رحمه الله)، شهید ثانی(رحمه الله)، علامه سید محسن امین(رحمه الله) و سید عبدالحسین شرف الدین عاملي(رحمه الله)، همگی از آن دیار عالم پرورند. شهید اول(رحمه الله) نیز از همین خطه دانش گستر برخاسته است. در یکی از روزهای سال ۷۳۴ ق، لطف الهی پسری زیبا به خاندان ابو محمد مکی(رحمه الله)، ملقب به جمال الدین عطا کرد که او را «محمد» نامیدند. محمد در دامان مادری مهربان که بانوی از آل معیه - خاندانی علوی از عراق - بود، و همچنین تحت تربیت پدری صالح، مراحل رشد و ترقی را در زادگاهش جبل عامل، پیمود. شهید اول از فقهای سرشناسی است که پدر و اجدادش، همه از دانشمندان معروف بودند. وی در خاندانی زندگی کرد و رشد نمود که همگی اهل دین، دانش، فضیلت و تقوا بودند و همت بلندی در نشر معارف اسلامی داشتند و دوستداران و مدافعان واقعی پیامبر و اهل بیت به شمار می آمدند. تبارنامه شهید اول به چهار قبیله همدان، اوس، خزرج و مطلب می رسد که از بزرگ ترین و گرامی ترین قبائل عرب در صدر اسلام بودند.

مرحوم، شهید اول(رحمه الله) در کتاب المزار خود بعد از ذکر بعضی از زیارت مخصوصه روزها و ماه ها می فرماید:<sup>۱۴۶</sup>

«ومنها زيارة يوم عاشوراء قبل أن تزول الشمس من قرب أو بعد».

و می فرماید: اگر اراده کردی زیارت سیدالشہدا(علیه السلام) را، به طرف مرقد مطهر سیدالشہدا، در حالی که سلام می کنی متوجه شو، آنچه که از دعا بر علیه قاتلین سیدالشہدا(علیه السلام) به ذهنست آمد، بگو و هنگامی که متوجه آن حضرت شدی بگو:<sup>۱۴۷</sup>

---

مدرسه و حوزه علمیه حله در قرن هشتم هجری از رونق بسزایی برخوردار بود و اندیشمندان بزرگ شیعه در آنجا حضور داشتند، به طوری که تشیگان دانش و فقاہت از هر سو به آن سرچشمه دانش و فضیلت روی می آوردند. در این زمان حوزه درس فخر المحققین، فرزند نابغه علامه حلی(رحمه الله)، اهمیت فوق العاده ای داشت. از این رو شهید، آهنگ این شهر شیعه نشین و فقیه پرور را کرد و در سال 750 ق، در حالی که گنجینه دانش دانشمندان بزرگ و فقهای نامی، به عراق هجرت کرد و وارد شهر تاریخی «حله» شد. نقل شده است که شهید(رحمه الله)، اولین شخصی بود که از جبل عامل برای تحصیل علم به عراق مهاجرت کرد. شهید(رحمه الله) پنج سال در «حله» ماند و در آنجا از محضر فقهای شیعی نظیر فخر المحققین، سید فخار موسوی(رحمه الله)، سید عمید الدین حسینی(رحمه الله) و برادرش، سید ضیاء الدین حسینی(رحمه الله) (خواهر زادگان علامه حلی(رحمه الله))، تاج الدین بن معیه حسنی(رحمه الله)، نجم الدین جعفر بن نما(رحمه الله) و دیگران که همه از دانشوران و فقهای سترگ این دیار بودند، استفاده کرد و به زینت دانش، تهذیب اخلاق و تزکیه نفس، بیش از پیش آراسته گردید.

وی با نبوغ و پشتکار در تحصیل علوم، در سال 751 ق در هفده سالگی، از دست فخر المحققین به دریافت گواهی اجتهاد و نقل حدیث موفق شد و نیز دومین و سومین اجازه را در سال 756 ق از او دریافت کرد و نیز از دست تاج الدین ابن معیه حسنی(رحمه الله)، به اخذ گواهی اجتهاد و نقل حدیث، مفتخر گشت.

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِبْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِّرَةَ  
اللَّهِ وَابْنَ حَبِّرَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِبْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَاصِبَيْنَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

---

مدتی را در دمشق اقامت گزید و بیشترین زمان تحصیل، تدریس، تألیف آثار و اجازاتی که به شاگردانش داده است، در آنجا بود. شاید بیشترین اقامت وی نسبت به مناطق دیگر، شهر «دمشق» باشد که شهید ثانی(رحمه الله) در این باره می نویسد: چهار فرزند شهید اول(رحمه الله)، در شام متولد شدند. ولادت فرزندانش در شام، دلیلی است که مدت زیادی در آجا اقامت داشته، در عین اینکه به زادگاهش، شهرها و کشورهای اسلامی نیز سوارفت کرده است.

آوازه دانش، فضل و تقوای شهید، از دمشق به سراسر جهان اسلام رسید و به مثابه یگانه مرجع دین و بزرگ ترین فقیه شیعی مشهور گشت و پیوسته دانشمندان، شیعیان و حاکمان شیعه با او در ارتباط بودند و ابراز علاقه و محبت می کردند. سلطان علی بن موسی(رحمه الله)، آخرین زمامدار سربداران، که در سال 766 ق حکومت سربداران در خراسان را به عهده گرفت از جمله زمامداران شیعه است که با فرستادن نامه و هدایایی نظیر نسخه ای از قرآن مجید و کتاب صحیفه سجادیه، دوستی و اخلاص خویش را نسبت به این مرجع و عالم دین اظهار می کرد. تا اینکه به طور رسمی از شهید(رحمه الله) دعوت کرد با تشریف فرمایی خویش به خراسان (مرکز حکومت سربداران) در دیار بارگاه ملکوتی امام هشتم، علی بن موسی الرضا(علیه السلام) منصب «مرجعیت و زعامت» را عهده دار شود تا مردم و شیعیان این منطقه، که تشهه حق و عدالت اند از وجود پر فیض فقیه و دانشمندان عصرشان استفاده کنند. حсадتی که در دل بعضی از دانشمندان و قاضیان وابسته به حکومت، به ویژه در «ابن جماعه، قاضی القضاة دمشق» بود، شهید(رحمه الله) را به زندان انداخت و حوادث تلخ بعدی را به وجود آورد. مرد تقاو و دانش در گوش زندان از خویش دفاع کرد و در ضمن اشعاری که برای شاه فرستاد چنین نوشته: به جانم قسم! هیچ گاه جنایتی را مرتکب نشده ام و کسی که ظلم و جنایتی را مرتکب نشده است، چرا عذر خواهی کند. شما نباید به گفتار سخن چینان که از دروغ و دشمنی گفته شده است، گوش دهید. خدا را، خدا را گواه می گیرم که من از این اتهامات به دور هستم. عقیده خالص من، دوستی و محبت پیامبر(صلی الله علیه و آله) و عشق ورزیدن به کسانی است که پیامبر را دوست دارند و ما دوستدار صحابه همارا پیامبر می باشیم. فقه، نحو، تفسیر، اصول، فقه، اصول دین، قرآن و حدیث مرا می شناسید. سپس آزادی خویش را درخواست می کند که مورد موافقت قرار نمی گیرد.

يَأَيُّهَا فاطِمَةَ سَيِّدَةِ النِّسَاءِ الْعَالَمِينَ، إِسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهُ وَأَيْنَ ثَارَهُ وَالْوَتْرُ الْمَوْتُورَ،  
إِسْلَامٌ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ<sup>١٤٨</sup> بِفِنَائِكَ، عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعاً سَلَامٌ اللَّهُ أَبَدَا  
مَا بَقِيَتُ وَبَقِيَ اللَّيلُ وَالنَّهَارُ»... تا آخر دعا

و بالا سر حضرت اميرالمؤمنین دو رکعت نماز بخوان سپس با اميرالمؤمنین وداع کن و به طرف مرقد مطهر سیدالشہدا(عليه السلام) متوجه شو و در حالی که صورت خود را به سمت آن مرقد شریف کردی، بگو:

«يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، يَا كَاشِفَ كُرَبَ الْمَكْرُوبِينَ...».

شهید اول(رحمه الله) می فرماید: تا آخر دعای مذکور در آخر زیارت امیرالمؤمنین (مراد زیارت امیرالمؤمنین مذکور در خود کتاب مزار شهید است که حدیث صفوان ذکر شده است) می باشد.

---

عاقبت، مجلس محکمه ایمان، تقو و فقاهمت شیعی با حضور شاه و ابن جماعه، قاضی القضاة دمشق و دیگر قضات درباری آراسته گردید و سخنان شهید در جلسه محکمه هم اثری نبخشید و حکم از پیش تعیین شده قاضی چنین اعلام شد: من ریختن خون او را واجب می دانم! پس از محکمه و فتوای قتل اعلم فقهای شیعی، حکم اجرا شد.

روز پنج شنبه 9 جمادی الاولی 786 ق (در 52 سالگی) در قلعه دمشق، شهر شام، مرکز طوفداران بنی امیه، شهری که در طول تاریخ برای خاندان رسالت و نبوت و پیروان دلباخته آنان خاطرات تلخ داشته است، شهید اول را به شهادت رساندند. بعد از شهادت، بدن مقدسش را به دار زند و سپس سنگسار کردند! و آن گاه جسم پاکش را سوزانند! به طوری که آثاری از او باقی نماند. اما بسی کور اندیشی! گرچه از بدن مقدس شهید اول اثری نیست و آرامگاهی ندارد که از تربت پاکش تبرک جویند، روحش و فقهه دانشش در قلب شیعیان و شاگردانش در طول تاریخ جای دارد.

## زیارت عاشورا در کتاب

### البلد الامین

معروف به مصباح کفعمی(رحمه الله)

علامه شیخ ابراهیم کفعمی(رحمه الله)<sup>۱۴۹</sup> در مقدمه کتاب شریف مصباح فی  
الادعیه والصلوات والزیارات والاحراز والعودات می فرماید:<sup>۱۵۰</sup>

۱۴۹ - علامه مامقانی در تنتیح، ج ۴، ص ۱۹۸ در مورد کفعمی می گوید: «ابراهیم بن علی بن الحسن بن محمد بن صالح الکفعمی، کان ثقة فاضلاً، ادبیاً، شاعراً... هو من مشاهير الفضلاء والمحدثين، والصلحاء المتصورين، وكان بين زمانى الشهيدين و...» او از دانشمندان بزرگ شیعه در قرن نهم و دهم هجری است. او عالمی وارسته، محدثی مورد اطمینان، ادبی توانا و شاعری زبردست... بود کفعمی در نیمه اول قرن نهم هجری در روستای «کفعم» یا «کفرعیما» از نواحی جبل عام در یک خانواده علمی، مذهبی دیده به جهان گشود. این روستا نزدیک منطقه جبشتیت بود امروزه تنها آثار ویرانه های این روستا به چشم می خورد. دودمان کفعمی مانند سائر خاندان های علمی جبل عامل، اهل دانش و تقوا بودند. شیخ زین الدین علی کفعمی (متوفی ۸۶۱ هـ.ق) از دانشمندان و محدثان بزرگ جبل عامل و پدر و استاد کفعمی است و از مشایخ اجازه او به شمار می رود. این محدث نام آور شیعه، تلاش فراوانی در گردآوری حدیث نمود. او به کتابهای مختلف در این مورد رجوع می کرد و در هر کجا حدیثی را می یافت که بزرگان و دانشمندان دیگر آن را در کتابهای خود تیاورده بودند، وی آن را ثبت و برای طالبان معارف زلال اهل بیت(علیهم السلام) نقل می نمود.

اگر امروزه به کتابهای بزرگ و معتبر شیعه، همچون: وسائل الشیعه، مستدرک الوسائل و بحار الانوار رجوع کنیم، در می یابیم که محدث کفعمی چقدر در نشر و گسترش احادیث و روایات ائمه(علیهم السلام) نقش داشته است. شیخ حر عاملی(رحمه الله) در وسائل الشیعه، محدث نوری(رحمه الله) در مستدرک الوسائل و علامه مجلسی(رحمه الله) در بحار الانوار ده ها روایت در موضوعات مختلف علوم اسلامی، از محدث کفعمی نقل کرده اند که بخشی از موضوعات آن روایات عبارتند از: آداب نماز، دعا، وصیت، طهارت، آداب دفن و کفن میت مسلمان، اخلاق اجتماعی، معماری اسلامی، آداب زندگی و معاشرت، خواص سوره های قرآن، آثار تربیت امام حسین(علیه السلام)، آداب زیارت و توسل، حقوق

«وقد جمعته من كتب معتمد على صحتها مأمور بالتمسك بوثقى عروتها  
لا يغیرها کر العصرین ولا مر الملوین... وسمیة جنّة الامان الواقعیة، فی جنة الایمان  
الباقية وهو اسم وافق المسمی والفظ طابق المعنی...»([المصباح الكفعی، ص 4] يعني:  
کتابی را که گردآوری کردم به وثاقت روایت آن ایمان دارم و چیزی از کتاب به  
مرور زمان تغییر نخواهد کرد... و اسم آن را... گذاشت که نام با مسمایی است...).  
«اما زیارت عاشورا من قرب او بعد فمن اراد ذلك و كان بعيداً عنه(عليه  
السلام) الى الصحراء او يصعد سطحاً مرتفعاً في داره و يومي اليه(عليه السلام)...).  
اما زیارت عاشورا از قریب یا بعید؛ اگر کسی اراده کند زیارت سیدالشہدا(عليه  
السلام) را در روز عاشورا و بعید بود از مرقد مطهر امام حسین(عليه السلام).<sup>۱۵۱</sup>

---

اجتماعی مسلمانان، بهداشت و مسائل فردی، تاریخ شهادت و ولادت ائمه([علیهم السلام)، مهدویت،  
مسایل حج و سایر موضوعات گوناگون فقهی، اخلاقی، عبادی و اجتماعی که زینت بخش صفحات منابع  
گرانسنگ شیعه است و کفعمی در نشر و گسترش آنها سهم عظیمی را به خود اختصاص داده است.  
آثار:

این دانشمند گرانمایه در طول زندگی پربار خویش، نتیجه سالها تلاش علمی و فرهنگی خود را در قالب  
کتابها و رساله های ارزشمند به جهان دانش عرضه کرده است. او تأییفات فراوانی را در موضوعات  
مخالف علوم اسلامی به رشته تحریر کشیده و نقش به سزاوی در تدوین و تکمیل آثار مذهبی به ویژه  
آثار شیعی در قرن نهم هجری داشته است تا آن جا که علامه مامقانی وجود این شخصیت پژوهشگر  
اسلامی را حلقة اتصال بین دو دانشمند نخبه شیعی، یعنی شهید اول و شهید ثانی می داند.  
تنوع موضوعات در آثار کفعمی، نشانگر تسلط سرشار آن بزرگوار بر علوم مختلف و رایج عصر خویش  
می باشد. تاکنون نزدیک به 50 اثر از تأییفات و تصنیفات این بزرگمرد شناخته شده است که می توان  
آنها را در 12 موضوع طبقه بندی کرد که عبارتند از:

امام(علیه السلام) فرمود: وی در چنین روزی به صحراء رفته یا به پشت بام بلندی در خانه اش برآید و با سلام به حضرت اشاره کرده، سپس در نفرین بر قاتلان آن حضرت، سعی و کوشش نموده و پس از آن دو رکعت نماز بخواند.  
البته توجه داشته باشد که این زیارت را در روز، قبل از ظهر انجام<sup>۱۵۲</sup> دهد، سپس برای امام حسین(علیه السلام) ندبه و گریه نموده و به کسانی که در خانه

---

عرفان و سیر و سلوک: 1. محاسبة النفس اللوامة و تنبیه الروح التوame که به شرح فارسی ترجمه شده است. 2. المقام الاسنى فى شرح الاسماء الحسنی. 3. صفوۃ الصفات فى شرح دعاء السمات، که در سال 875 هـ نوشته شده است و در کتابخانه شیخ ضیاء الدین نوری در تهران، نسخه ای از آن دیده شده است.

قرائت: 1. اللفظ الوجيز في قرائة الكتاب العزيز.

تفسیر: 1. قراضة النضير؛ تلخیص تفسیر «مجمع البیان» طبرسی می باشد. 2. الرسالة الواضحة في شرح سورة الفاتحة. 3. تلخیص «غريب القرآن» نوشته محمد سجستانی. 4. تلخیص «تفسیر علی بن ابراهیم». 5. تلخیص «جواجم الجامع» طبرسی.

ادبیات: 1. فرج الكرب و فرج القلب؛ درباره اقسام علم ادبیات تألیف شده و نزدیک به 20000 بیت است (هر بیت، سطر 50 حرکی را می گویند). 2. نهاية الارب فی امثال العرب؛ در دو جلد نگارش یافته است، که در نوع خود بی نظیر است. 3. لمع البرق فی معرفة الفرق. 4. زهرا الربيع فی شواهد البديع. 5. تلخیص «نزهه الالباء فی طبقات الادباء» اثر کمال الدین عبدالرحمن بن محمد انباری. 6. فروق اللغة. 7. مقالید الکنوز فی افقال اللّغوز. 8. تلخیص «مغرب اللغة» مطرزی. 9. رسالة فی علم البديع. 10. تلخیص «المجازات النبویة» اثر سید رضی (رحمه الله).

شعر و قصیده: 1. قصيدة فی البديع فی مدح النبي(صلی الله علیه وآلہ و سلم) و شرح آن. 2. نور حديقة البديع؛ در شرح تعدادی از قصیده های معروف عرب. 3. قصيدة غذیریه و سایر اشعار اخلاقی و ادبی. 4. البديعیه؛ که قصیده ای است میمیه و حاوی تمامی محسنات و زیبایی های ادبی و آرایش های کلامی در علم بديع می باشد.

می باشند نیز امر نماید که برای آن حضرت بگریند و با اظهار جزع و فزع بر آن جناب، در خانه اش اقامه مصیبت نماید و مواطن باشند هرگاه اهل خانه یکدیگر را ملاقات کردند، با گریه باشند و لازم است برخی از آنها بعضی دیگر را نسبت به مصیبت حضرت ابا عبدالله الحسین(علیه السلام) تسليت دهند و بگویند: «أَعْظَمَ اللَّهُ أُجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ (علیه السلام) وَجَعَلَنَا وَإِيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِشارِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه وآلہ)» و بعد<sup>۱۵۳</sup> از خواندن دو رکعت

---

تاریخ: 1. ارجوزه الفیه فی مقتل الحسین (علیه السلام) و اصحابه: درباره نام‌ها، اشعار و زجرهای اصحاب امام حسین(علیه السلام). وی در این مقتل از منابع متعددی بهره گرفته و شیوه نو در این زمینه به کار برد است. 2. تاریخ وفیات العلماء.

حدیث: 1. مشکاة الانوار: این کتاب غیر از «مشکاة الانوار» طبرسی و مجلسی می باشد و به این نام کتابهای متعدد در موضوعات مختلف تألیف شده است. 2. تلخیص «علل الشرایع» اثر صدوق(رحمه الله).

اخلاق: 1. مجموع الغرائب و موضوع الرغائب: این کتاب در سال 1412 هق به چاپ رسیده است. محقق کفعمی در مقدمه آن می گوید: من این کتاب را از کتاب کبیر و بی نظیر خودم گرد آورده ام و آن را بعد از مطالعه و رجوع به 1000 تألیف و تصنیف نوشته ام. 2. حیاۃ الارواح الطائف و الاخبار و الاقار: نگارش این کتاب در سال 843 هـ. ق به اتمام رسیده است. کفعمی این اثر را در 78 باب تنظیم کرده است.

عقاید: 1. تعلیقات بر «کشف الغمة» علی بن عیسی اربی: این تعلیقات مورد توجه پژوهشگران مسلمان قرار گرفته است.

فقه: 1. التلخیص فی مسائل العویض من الفقه. 2. تلخیص «قواعد» شهید(رحمه الله) . 3. تلخیص «الحدود و الحقائق فی تفسیر الالفاظ المتدالله فی الشرع و تصریفهای»؛ اصل این کتاب تألیف سید مرتضی علم الهدی(رحمه الله) است. 4. منظومه ای درباره ایام شریفه ای که روزه آنها مستحب است.

نماز، که ذکر کردیم پس صد بار تکبیر بگو و سپس به سیدالشہدا(علیہ السلام)

اشاره کرده و بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ<sup>١٥٤</sup> يَا

خَيْرَةَ اللَّهِ وَابْنَ خَيْرَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِّيلَيْنَ، السَّلَامُ

---

این سروده قصیده ای از نوع رجز می باشد که در 130 بیت ترتیب یافته است. وی این منظومه فقهی را

به درخواست علامه بابلی به رشتۀ نظم کشیده است. آیات آغازین آن چنین است:

الحمد لله الذي هداني الى طريق الرشد والايمان \*\*\* ثم صلاة الله ذي الجلال على النبي المصطفى و  
الآل

العالم البحر الفتى العلامه البابلی صاحب الكرامه \*\*\* اشار ان انظم ما قد ندبا من الصيام دون ما قدو  
جبا

دعا و زیارات:

1. البلد الامین: کفعمی در این کتاب، دعاهای، ذکرها، زیارت ها و اعمال سال را آورده است. او این کتاب را قبل از مصبح تألیف نموده است. آداب نمازهای یومیه، تعقیبات، دعاهای مختصه و زیارات متعددی برای پیامبر(صلی الله علیه وآل‌ه) و ائمه معصومین(علیهم السلام) در این کتاب ذکر شده و در پایان، مناجات ائمه و دعاهای وارد در مناسیتهای گوناگون بیان شده است.

2. شرح صحیفة سجادیه که آن را به نام «الفوائد الطریفه فی شرح الصحیفه» نامگذاری کرده است. وی در آخر این کتاب می گوید: من دعاهای این کتاب صحیفه را از منابع معتبر استخراج کرده و نقل نموده ام.

3. جنة الامان الواقعه و جنة الايمان الباقيه: این کتاب معروف ترین اثر کفعمی است که به مصبح کفعمی شهرت دارد. چون این کتاب به شیوه «مصبح المتهجد» شیخ طوسی نگارش یافته است و شباهت زیادی به «مصبح» شیخ دارد. مصبح نام گرفته است و برای تمایز از «مصبح» شیخ طوسی به «مصبح کفعمی» چنین آمده است.

در مورد منزلت والای این کتاب، معروف است که «مصبح کبیر» شیخ طوسی قبل از «مصبح کفعمی» از مقبولیت بسیار بالایی برخوردار بود و در بیشتر خانه های شیعیان نسخه ای از آن موجود بود، اما بعد

عَلَيْكَ يَا إِنَّ فاطِمَةَ سَيِّدَةِ النِّسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَارِ اللَّهِ وَأَبْنَ ثَارِهِ وَالوَتْرَ  
الْمَوْتُورَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الرَّوْحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ، عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعًا سَلَامُ اللَّهِ  
آبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، يَا آبَا عَبْدِ اللَّهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيْةُ وَجَلَّتْ وَعَظُمَتِ  
الْمُصِيْبَةُ بِكَ...»... تا آخر دعا<sup>١٥٥</sup>

---

از تألیف «مصابح کفعمی» در سال 895 هـ ق «مصاح المتهجد» شیخ طوسی جای خود را به «مصاح» کفعمی داد.

این کتاب بین کتابهایی که درباره «ادعیه و زیارات» نوشته شده، بی نظیر است. علامه شیخ کفعمی در مورد ارزش و اعتبار این کتاب می‌گوید:

«من این اثر را از کتابهای مورد اعتماد جمع آوری کرده ام که باید به رسیمان محکم آنها چنگ زده شود و آن را به گونه‌ای تنظیم نموده ام که خواننده را به بالاترین درجات وصول به حضرت حق برساند».

او در آخر کتاب، فهرست منابع را یادآور شده، که تعداد آنها به 239 عنوان بالغ می‌شود. کتاب مصاح دارای 50 فصل است که از احکام وصیت شروع می‌شود و با طهارت و مقدمات نماز ادامه می‌یابد و با ذکر نمازهای واجب و مستحب و تعقیبات نماز، وارد بحث ادعیه می‌شود. اعمال شب و روز و دعاهای مختلف، هر یک در فصل‌های جداگانه ای ذکر شده است. از فصل 41 بحث زیارات شروع شده و پس از آن، مناسبت‌های ایام سال همراه ذکر ولادتها و شهادت‌های ائمه(علیهم السلام) بیان شده است و در پایان کتاب، آداب دعا که شامل عوامل استجابت دعا، شرایط دعا کننده، کیفیت دعا و مقدمات و شرایط آن است بیان شده است. این کتاب دارای ترجمه‌های متعدد و تلخیص می‌باشد.

کفعمی در این کتاب شریف به مناسبت‌هایی به نکات تاریخی و ادبی، اشاره کرده است؛ از جمله قطعه‌هایی از واقعه کربلا، حماسه آفرینی‌های امام علی(علیه السلام) در صحنه‌های مختلف، شعرهای مناسب و خطبه‌های بلیغ و جذاب برای روزهای عید فطر و قربان و خطبه مونقة علی(علیه السلام) را که آن حضرت بدون حرف الف ایراد فرمود، در آخر کتاب آورده است.

همچنین مستحب است در روز عاشورا چهار رکعت (غیر از دو رکعتی که بعد از زیارت عاشورا خوانده است) نماز بخواند و قبلًاً کیفیت خواندن آن در فصل صلوات بیان شد.<sup>۱۵۶</sup>

4. مختصر مصباح، که بعد از تأليف کتاب مصباح، آن را نوشته است. نام دیگر این کتاب الجنۃ الواقیة می باشد.

5. المنتقى في العود والرقى.

موضوعات متفرقه: 1. العین المبصره. 2. الكواكب الدّریّة. 3. حديقة انوار الجنان الفاخرة. 4. اختصار لسان الحاضر و القديم. 5. مجموعه کبیره، که نویسنده ریاض العلماء آن را در شهر ایروان دیده است. 6. ملحقات الدروع الواقیة. 7. رساله خطی شبیه کشکول. 8. حجلة العروس. 9. الحديقة الناضرة. 10. الروضة و النحله. 11. تلخیص «الغریبین» نوشته هروی. 12. التخبیه.

شعر و خطابه:

کفعی علاوه بر حَقِّ آثار متعدد و تأییفات متنوع در رشته های گوناگون علوم اسلامی، در عرصه ادبیات و شعر و خطابه هم چون ستاره ای درخشید. خطابه های نفر و کم نظیر وی و اشعار بدیع و ابتکاری او در نهایت فصاحت و بلاغت می باشد. او در یکی از خطبه های زیبای خویش که در شرح بدیعیه خود گفته است، تمامی سوره های قرآن را مندرج و موجب شگفتی اهل فضل و ادب گردیده است.

دیدگاه صاحب نظران

1. علامه مجلسی علاوه بر نقل روایات کفعی، بارها در کتاب بحار الانوار از نکات علمی، تفسیری و ادبی محدث کفعی سود جسته و در معانی لغات مشکل و شرح بعضی جملات و عبارات سنگین، از نظرات این دانشمند فرزانه بهره گرفته است.

وی در مورد فضل و عظمت و کمالات کفعی می گوید:

«كتابها و آثار او ما را از سخن گفتن در مورد شخصیت وی باز می دارد و شکوه و جلالت این عالم جلیل القدر را، نوشته ها و آثار جاویدان وی بر همگان آشکار می سازد».

2. شیخ حرّ عاملی، نویسنده وسائل الشیعه:

«او شخصیتی مورد اطمینان، فاضل، ادیب، شاعر، عابد و پارسا بود. او کتاب بزرگ و پربار مصباح را به نام الجنۃ الواقیة در سال 895 هـ تأليف کرده است و هم چنین گزیده مصباح و البلد الامین و شرح

سپس دو رکعت نماز بخوان، هرگونه که خواندی و بعد از آن بگو: «اللهم إنى لک صلیت ولک رکعت ولک سجدت وحدک لا شریک لک لأنه لا تجوز الصلاة والركوع والسجود إلا لک لأنک أنت الله لا إلیه إلا أنت،<sup>۱۵۷</sup> اللهم صل علی محمد

---

صحیفه از آثار اوست. وی اشعار بسیار سروده و رساله های متعددی نیز تألیف کرده است. (امل الامل، ج ۱، ص ۲۸، رقم ۵)

۳. علامه امینی، نویسنده الغدیر:

«شیخ تقی الدین ابراهیم بن شیخ زین الدین علی بن شیخ بدر الدین حسن بن شیخ محمد بن شیخ صالح بن شیخ اسماعیل حارثی همدانی خارفی عاملی کفعمی لویزی جبعی، یکی از چهره های درخشنان قرن نهم هجری قمری می باشد که جامع علم و ادب بود».

۴. خیر الدین زرکلی، از شخصیت نگاران اهل سنت:

«ابراهیم بن علی بن الحسن الحارثی عاملی کفعمی ملقب به تقی الدین، مردی ادیب و از فضلای امامیه می باشد. او در روستای «کفرعیما» از توابع جبل عامل متولد شد و در همانجا وفات یافت. وی مدتی در شهر کربلا مسافرت کرد و در آن جا اقامت گزید. آثار وی در قالب نظم و نثر به ۴۹ کتاب و رساله می رسد».

سپس زرکلی تعدادی از آثار کفعمی را نام می برد.

۵. الشیخ ابراهیم بن علی بن الحسن بن صالح بن اسماعیل العالی کفعمی مولداً اللویزی متحداً الجبعی ابا الحارثی نسباً التقی لقباً الامامی مذهباً. (تكلمه امل الامل، ص ۷۵)

۶. ابراهیم بن علی بن الحسن بن محمد قال الشیخ الحر فی امل الامل - الشیخ تقی الدین ابراهیم بن علی... کان ثقة، فاضلاً، ادیباً، شاعراً، عابداً، زهداء، ورعاً (معجم رجال الحديث، ج ۱، ص 237) وفات:

شیخ ابراهیم کفعمی، در اواخر عمر خویش، در کربلا زندگی می کرد و محلی هم برای دفن خودش در آن جامعین کرده و وصیت نموده بود که در آن جا دفن شود و سروده ای هم در این زمینه دارد که نهایت علاقه وی را به آستان مقدس امام حسین (علیه السلام) می رساند:

وآلہ محمد وآلہم أَفْضَلُ السَّلَامِ وَالتَّحْمِيَةِ وَارْدَدْ عَلَى مِنْهُمُ السَّلَامَ، اللَّهُمَّ وَهَاتَانِ  
الرَّكْعَتَانِ هَدِيَةٌ مِنِّي إِلَى سَيِّدِي مَوْلَايٰ<sup>١٥٨</sup> الْحُسَينِ بْنِ عَلَى (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ)، اللَّهُمَّ صَلِّ

---

سألكم بالله ان تدفعوني اذمت في قبر بارض عقير: فأنى به جار الشهيد بكربلاء سليل رسول الله خير مجير امنت به في حضرتى غير خائف: بلا مرية من منكر ونكير: امنت به من موقفى وقيامتى إذا الناس خافوا من لظى و سعير فكيف بسبط المصطفى ان يردة من بحائره ثاو بغیر نصیر. (محاسبة النفس، كفعمى، ص 21)

من از شما (خانواده ام) می خواهم برای خدا، مرا بعد از مرگم در سرزمین عقیر (کربلا) دفن کنید.  
بدین وسیله من با شهید کربلا همسایه خواهم شد؛ شخصیتی که از سلاله پاک رسول الله (صلی الله عليه وآلہ)بوده و بهترین پناه دهنده است. من به خاطر محبت آن بزرگوار، بدون تردید از منکر و نکیر هیچ گونه واهمه ای نخواهم داشت. من با توصل به سید الشهداء (علیه السلام) در قبر و در روز قیامت از عذاب الهی در امان خواهم بود و این در حالی است که مردم از جهنم و شعله های آتش در بیم و هراس خواهند بود. من اقوام عرب را دیده ام که از مهمان خویش حمایت می کنند و از رسیدن آسیب به او جلوگیری می نمایند. چطور ممکن است فرزند مصطفی (صلی الله عليه وآلہ) رد کند کسی را که غریب و تنها در کوی او آرمیده باشد.

#### كشف آرامگاه کفعمى

کفعمى با همه علاقه ای که به کربلا داشت، موفق نشد تا آخر عمر در آن جا بماند و مهمان حضرت ابی عبدالله (علیه السلام) بشود. وی در اواخر عمر خویش، سفری به زادگاهش نمود که در همان جا در سال 900 هجری قمری وفات یافت و به خاک سپرده شد. آن منطقه به مرور زمان خراب شده و قبر شریف کفعمى در زیر خاک ماند و از منظر مردم پنهان گردید. کسی آن جا را نمی شناخت و از اثر قبر او اطلاعی نداشت، تا این که بعد از قرن یازدهم هجری قمری، کشاورزی هنگام شخم زدن زمین، گاو آهن وی به سنگی برخورد و آن را از محل خودش تکان داد، از زیر آن سنگ جسدی با کفن تر و تازه برخاست و با حیرت تمام به راست و چپ نگاه کرد و گفت: «هل قامت القيمة؟ آیا قیامت به پا شده است؟!» آن گاه افتاد و دوباره به خواب ابدی فرو رفت. کشاورز از مشاهده این واقعه شگفت انگیز بیهوش می شود و بعد از مدتی که به حال طبیعی بر می گردد، اهالی روستا را مطلع می کند. آنان نوشتۀ سنگ

علی محمد وآلہ وقبلہما منی وأجرنی علیهما أفضل أملی ورجائی فیک وفی ولیک

یا ولی المؤمنین».<sup>۱۵۹</sup>

---

قبیر را مشاهده می کنند که روی آن چنین حک شده بود: هذا قبر الشیخ ابراهیم بن علی الكفعی (رحمه الله).

بعد از این واقعه، مردم قبر شریف او را بازسازی و تعمیر نمودند. هم اکنون نیز مرقد او زیارتگاه عاشقان اهل بیت(علیهم السلام) و شیعیان جهان می باشد. بدین ترتیب، کفعی بعد از عمری تلاش و جهاد در راه احیای فرهنگ اهل بیت(علیهم السلام) در سال 905 هـ در آستانه سلطنت شاه اسماعیل صفوی، در زادگاه خویش جهان را وداع گفت و به لقای دوست شافت.

علامه مامقانی در تنقیح المقال، ج 4، ص 202 در ضمن شرح حال کفعی، حکایت اخیر را ذکر کرده و می گوید: «انی لا اعول علی مثل هذه الدعاوى فانها لا تستند الی الحس، بل هی مما تحصل فی حال الاغماء، ومجرد هذا ابراهیم بن علی الكفعی، لا يثبت المدعى، لاحتمال ان يكون غير المترجم من اهل کفعی». اولاً: این حکایت ادعایی بیش نیست و مستندش حدس است نه حس. دوماً: مجرد یافتن قبری به نام ابراهیم بن علی دلالت بر این نمی کند که این قبر شیخ کفعی است و علامه در ادامه می گوید: «علی کل حال فانی ارجح النقل الآخر الذى ذكره فی الروضات وغيره ... فدفنه فی كربلاء قطعی عندي كما اختاره فی روضات الجنات». و به نظر علامه مامقانی شیخ کفعی در كربلاء در جوار ملکوتی حضرت ابا عبدالله الحسین(علیه السلام) برای همیشه آرمیده است.

.354- ۱۵۹- مصباح الكفعی، ص 485؛ بحار الانوار، ج 98، ص 354

## بخار الانوار

### ناقل زیارت عاشورا

علامه محمد باقر مجلسی(رحمه الله)

علامه محمد باقر مجلسی(رحمه الله)<sup>۱۶۰</sup> در کتاب مزار بخار الانوار [ج ۹۸، باب ۲۴، ص ۲۹۰]، زیارت عاشورا را ذکر نموده است. ایشان ابتدا با عنوان کیفیت زیارت امام حسین(علیه السلام) در روز عاشورا، بعضی از روایات دال بر فضیلت زیارت امام حسین(علیه السلام) در روز عاشورا را متذکر و سپس ضمن ذکر روایت علقمة بن محمد حضرمی از امام باقر(علیه السلام)، زیارت عاشورا را با تمام فرازهای آن بیان می کند.

### کیفیة زیارتہ صلوات اللہ علیہ یوم عاشورا

حکیم بن داود و غیره، عن محمد بن موسی الهمدانی، عن محمد بن خالد الطیالسی، عن سیف بن عمیرة و صالح بن عقبة معا، عن علقمة بن محمد الحضرمی

---

۱۶۰ - بی گمان علامه محمد باقر مجلسی(رحمه الله) تداعی گر بزرگ ترین و پر اهمیت ترین رساله های شیعی و حدیثی است. ملا محمد باقر مجلسی(رحمه الله) معروف به «علامه مجلسی(رحمه الله)» از مشهورترین عالمان شیعی ایرانی تبار است که در دوران حاکمیت سلسله صفویه بر مسند فقاهت و زعامت دینی قرار گرفت. بخار الانوار از عمدۀ ترین و گسترده‌ترین دائرة المعارف های بزرگ حدیث شیعه است که روایات کتب حدیث را با باب بندی و نظم، ذکر کرده است. ایشان در تفسیر و شرح روایات از منابع مختلف لغت، فقه، تفسیر، کلام، تاریخ، اخلاق و... استفاده کرده است. علامه در مقدمه «بخار الانوار» چنین می نگارد:

و محمد بن اسماعيل، عن صالح بن عقبة، عن مالك الجهنى، عن أبي جعفر الباقر(عليه السلام) قال: من زار الحسين(عليه السلام) يوم عاشورا حتى يظل عنده باكيًّا لقى الله عز وجل يوم القيمة بثواب ألف حجّة، وألفي ألف عمرة، وألفي ألف غزوة و ثواب كل حجّة و عمرة و غزوة كثواب من<sup>١٦٢</sup> حجّ واعتمر و غرامع رسول

---

«در آغاز کار، به مطالعه کتاب های معروف و متداول پرداختم و بعد از آن به کتاب های دیگری که در طی اعصار گذشته به علل مختلف متروک و مهجور مانده بود روی آوردم. هر جا که حدیث یا نسخه حدیثی بود سراغ گرفتم و به هر قیمتی که ممکن شد بهره برداری می کردم. شرق و غرب را جویا گشتم تا نسخه های بسیار گردآوری نمودم. در این مهم دینی، جماعتی از برادران مذهبی مرا یاری نمودند و به شهرها، قصبه ها و بلاد دور سر کشیدند تا به فضل الهی مصادر لازم را به دست آورند... بعد از تصحیح و تنقیح کتاب ها، بر محتوای آنها واقف شدم، نظم و ترتیب کتاب ها را نامناسب دیدم و دسته بندی احادیث را در فصل ها و ابوباب متنوع راهگشای محققان و پژوهشگران نیافتنم، از این رو به ترتیب فهرستی همت گماشتم که از هر جهت جالب و مفید باشد. در سال 1070 هجری این فهرست را ناتمام رها کرده و از فهرست بندی سایر کتاب ها دست کشیدم؛ زیرا اقبال عمومی را مطلوب ندیده و سران جامعه را فاسد و نامطبوع دیدم...».

ترسیدم که در روزگاری بعد از من باز هم نسخه های تکثیر شده من در طلاق نسیان، متروک و مهجور شود و یا مصیبیتی از ستم غارتگران، زحمات مرا در تهیه نسخه ها بر باد دهد، از این رو راه خود را عوض کردم - از خدا یاری طلبیدم - و به کتاب بحار الانوار پرداختم. در این کتاب پریار قریب به 3000 باب طی 48 کتاب علمی خواهید یافت که... شامل هزاران حدیث است. شما در این کتاب برای اولین بار با نام برخی از کتاب ها آشنا می شوید که سابقه علمی ندارد و طرح آن کاملاً تازه است». فرصت کم و مشاغل زیاد علامه مجلسی(رحمه الله) مانع از آن شد که به تصحیح روایات پردازد. به همین علت در مقدمه، علامه مجلسی(رحمه الله) چنین نگاشت:

«در نظر دارم که اگر مرگ مهلت دهد و فضل الهی مساعدت نماید، شرح کاملی متضمن بر بسیاری از مقاصدی که در مصنفات سایر علماء باشد بر آن (بحار الانوار) بنویسم و برای استفاده خردمندان، قلم را به قدر کافی پیرامون آن به گردش درآورم.»

الله(صلی الله علیه وآلہ) و مع الائمه الراشدین صلوات الله علیهم، قال: قلت: جعلت فدائی  
فما لمن کان فی بعد البلا و أقصیها ولم يمكنه المصیر إلیه فی ذلك  
الیوم؟...»<sup>۱۶۳</sup> حدیث

هر که زیارت کند امام حسین(علیه السلام) را در کربلا در روز عاشورا و آن روز  
گریان بماند، در روز قیامت خداوند را در حالی ملاقات می کند که به ثواب هزار  
هزار حج، هزار هزار عمره و هزار هزار غزوه رسیده است و ثواب هر حج، هر  
عمره و هر غزوه مثل ثواب کسی است که حج کند، عمره کند و جنگ کند در  
رکاب رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ) و ائمه معصومین(علیهم السلام).

مالک جهنى می گوید، به امام باقر(علیه السلام) عرض کردم: فدایتان شوم! اگر  
کسی از کربلا دور بود و ممکن نبود در روز عاشورا خود را به کربلا برساند، چه  
عملی انجام دهد؟

امام(علیه السلام) فرمود: روز عاشورا به بیابان برو یا بر بلندی خانه ات قرار گیر  
و به سوی سیدالشہدا(علیه السلام) اشاره کن و آنچه که به نظرت می رسد از دعا  
(مراد، دعا علیه قاتلان حضرت) بر قاتلان حضرت امام حسین(علیه السلام) بخوان و  
بعد از آن دو رکعت نماز نزدیک ظهر، قبل از زوال به جای آور و سپس ندبه و

---

علامه بزرگوار، سرانجام در 27 رمضان 1110 هجری قمری، در زمان شاه سلطان حسین صفوی و در  
سن هفتاد و سه سالگی در اصفهان درگذشت و در «جامع عتیق» اصفهان، در جوار مرقد پدر بزرگوارش،  
جایی که امروزه «بقعه مجلسی» خوانده می شود، به خاک سپرده شد.  
۱۶۳- بحار الانوار، ج 98، ص 290

گریه کن و دیگران را به گریه امر نما. در حالی که اظهار جزع کنند و یکدیگر را در حال گریه ملاقات بنمایند، و در منزلش مجلس عزابر پا دارد. و سپس امام باقر(علیه السلام) فرمود اگر این کار را انجام دهنند من ضامن می شوم که تمام ثواب هایی که ذکر شد، به آنها برسد.

جهنی می گوید: به امام(علیه السلام) گفت: جان من به فدای شما! شما ضامن هستید که اگر آن گونه عمل کردند، ثواب به آنان برسد؟  
امام(علیه السلام) فرمود: من ضامن هستم. جهنی می گوید، خطاب به امام(علیه السلام) عرض کرد: چگونه مردم به یکدیگر تسلیت بگویند؟  
امام فرمود، بگوید: عظم الله اجورنا و(اجورکم) بمصابنا بالحسین(علیه السلام) و خدا ما و شما را از طالبین خون سیدالشہداء، همراه با امام مهدی(علیه السلام) از آل محمد(صلی الله علیه وآلہ) قرار دهد.

و آن گاه امام(علیه السلام) فرمود: اگر برایت ممکن شد روز عاشورا، خود را مشغول حوائج مگردن و این روز، روز نحسی است و حاجتی برآورده نمی شود و اگر مشغول حوائج شدی، خداوند آن را مبارک نمی گرداند و پیشرفتی در آن کار نخواهد بود.

و در آن روز برای خانه خود چیزی را ذخیره مکن و اگر کسی ذخیره کند، خداوند آن را بر شخص و خانواده اش مبارک نمی گرداند. اگر کسی این دستورات را انجام داد خداوند متعال برایش هزار هزار حج، هزار هزار عمره و هزار هزار غزوه که همه آنها در رکاب رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ) است منظور

خواهد کرد. و همچنین ثوابِ عزاداری هر پیامبر و رسولی، و هر صدیق و هر شهیدی که وفات کرده یا به قتل رسیده، از زمان خلقت دنیا تا آخرین ساعت حیات، را کسب خواهد کرد.

### سند اول زیارت عاشورا

منقول در بحار الانوار

علامه مجلسی (رحمه الله)

سپس صاحب بحار الانوار روایت علقمة بن محمد حضرمی از امام باقر(عليه السلام) را نقل می کند:

«قال صالح بن عقبة الجهنی و سیف بن عمیرة: قال علقمة بن محمد الحضرمی:  
فقلت لابی جعفر(عليه السلام) علمتی دعاءً أدعو به فی ذلک الیوم إذا أنا زرتہ من  
قريب، و دعاءً أدعو به إذا لم أزره من قريب وأوّمات إلیه من بعد البلاد و من  
داری...». <sup>۱۶۴</sup>

علقمة بن محمد حضرمی از امام باقر(عليه السلام) در خواست نمود که مرا دعایی تعلیم بفرما که هرگاه خواستم امام حسین(عليه السلام) را زیارت کنم از راه نزدیک یا دور و از خانه ام در این روز (روز عاشورا) بخوانم.

امام فرمود: ای علقمه! دو رکعت نماز بخوان، بعد از آن این زیارت (عاشورا) را بخوان. پس اگر تو این زیارت را بخوانی، دعا کرده ای به آنچه که، ملائکه

برای زائر حسین(علیه السلام) دعا می کنند و هزار هزار حسنی بر تو ثبت خواهد شد، هزار هزار گناه از تو محو می شود و خداوند صد هزار هزار درجه برای تو بنویسد و مثل کسی هستی که با حسین(علیه السلام)شهید شده باشد تا مشارکت کنی ایشان را در درجات ایشان و شناخته نشوی مگر در زمرة شهیدانی که شهید شده اند با آن حضرت، و نوشته شود برای تو ثواب زیارت هر پیغمبر و رسولی و ثواب زیارت هر کس که زیارت کرده حسین(علیه السلام)را، از روزی که شهید شده است.

سپس علامه مجلسی(رحمه الله) زیارت عاشورا را کامل و با تمام فقرات ذکر می نماید:

«تقول: اللَّامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، اللَّامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، اللَّامُ عَلَيْكَ يَا حِبْرَةَ اللَّهِ وَابْنَ حِبْرَتِهِ، اللَّامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِّيْفِينَ، اللَّامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، اللَّامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالْوَتَرَ الْمَوْتُورَ، اللَّامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ، عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعًا سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقَى اللَّيلُ وَالنَّهَارُ...»<sup>۱۶۵</sup>

بعد از نقل زیارت عاشورا می فرماید:

«قال: يا علقة إن استطعت أن تزوره، فـى كـلّ يوم بهذه الـزيارة من دـهـرـك فـافـعلـ،  
فلـكـ ثـوابـ جـمـيعـ ذـلـكـ اـنـشـاءـ اللهـ تـعـالـىـ». <sup>١٦٦</sup>

امـامـ فـرمـودـ: يا عـلـقـمـهـ! اـگـرـ توـانـسـتـیـ هـرـ رـوـزـ زـيـارـتـ کـنـیـ اـمـامـ حـسـینـ(عليـهـ  
الـسلامـ)راـ باـ اـيـنـ زـيـارـتـ (زـيـارـتـ عـاشـورـاـ)، اـنـجـامـ بـدـهـ کـهـ تـمـامـ ثـوابـ هـایـ مـذـکـورـ رـاـ  
کـسـبـ خـواـهـیـ کـرـدـ.

## سند دوم زیارت عاشورا

منقول در بحار الانوار

علامه مجلسی (رحمه الله)

«قال الشیخ الطووسی (رحمه الله) فی المصباح: روی محمد بن اسماعیل بن بزیع عن صالح بن عقبة، عن أبيه، عن أبي جعفر (علیه السلام) قال: من زار الحسین بن علی (علیهم السلام) فی يوم عاشورا من المحرم... و ساق الحديث نحواً ممّا مرّ إلى قوله تقول».»

آنگاه صاحب بحار الانوار کل زیارت عاشورا با تمام فرازهایش ذکر می کند:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خِيرَةَ اللَّهِ وَابْنَ خِيرَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيْفَيْنَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَ نِسَاءِ الْعَالَمَيْنَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارَهِ وَالوَتْرَ الْمَوْتُورَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ، عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعاً سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقَى اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ»...<sup>۱۶۷</sup>

بعد از آن روایت علقمه را ذکر می کند:

«قال علقمة: قال أبو جعفر (علیه السلام): إن استطعت أن تزوره، في كل يوم بهذه الزيارة فافعل ولكن ثواب جميع ذلك».<sup>۱۶۸</sup>

۱۶۷- بحار الانوار، ج 98، باب 24، ص 293 و 294.

۱۶۸- بحار الانوار، ج 98، باب 24، ص 296.

سپس علقمه گفت، امام باقر(عليه السلام) فرمود: اگر توانستی هر روز، امام حسین(عليه السلام) را با این زیارت (زیارت عاشورا) زیارت کنی، انجام بده که برایت تمام ثواب ها در نظر گرفته می شود.

## سند سوم زیارت عاشورا

منقول در بحار الانوار

علامه مجلسی (رحمه الله)

سپس علامه مجلسی (رحمه الله)، روایت طیالسی از سیف بن عمیره را نقل می کند:

«و روی محمد بن خالد الطیالسی عن سیف بن عمیرة قال: خرجت مع صفوان بن مهران الجمال و جماعة من أصحابنا الى الغری بعد ما خرج أبو عبدالله (عليه السلام) فسرنا من الحيرة إلى المدينة.

فلما فرغنا من الزيارة صرف صفوان وجهه إلى ناحية أبي عبدالله (عليه السلام) فقال لنا: تزورون الحسين (عليه السلام) من هذا المكان من عند رأس أمير المؤمنين صلوات الله عليه من هننا وأومي إليه أبو عبدالله (عليه السلام) وأنا معه»<sup>۱۶۹</sup>

محمد بن خالد طیالسی از سیف بن عمیره روایت کرده که گفت: با صفوان بن مهران و جمعی دیگر از اصحاب خودمان به سوی نجف حرکت کردیم - بعد از خروج حضرت صادق (عليه السلام) از حیره به جانب مدینه - پس زمانی که ما از زیارت؛ یعنی زیارت امیرالمؤمنین (عليه السلام) فارغ شدیم، صفوان صورت خود را به جانب مشهد ابو عبدالله (عليه السلام) گردانید و به ما گفت: حسین (عليه السلام) را از این مکان از نزد سر مقدس امیرالمؤمنین (عليه السلام) زیارت

کنید که جناب صادق(علیه السلام) از اینجا به سلام بر آن حضرت ایما و اشاره کرد و من در خدمتش بودم. سیف گفت: پس صفوان همان زیارتی (زيارة عاشورا) که علقمہ بن محمد حضرمی از حضرت باقر(علیه السلام) در روز عاشورا روایت کرده بود را خواند، آن گاه دو رکعت نماز کرد نزد سر امیرالمؤمنین(علیه السلام) و بعد از آن نماز، امیرالمؤمنین(علیه السلام) را وداع گفت و به سلام به جانب قبر حسین(علیه السلام) اشاره کرد در حالتی که روی خود را به جانب او گردانیده بود و بعد از زیارت او را وداع کرد و از دعاها یکی که بعد از نماز خواند این بود:

«يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، يَا كَاشِفَ كُربَ الْمَكْرُوبِينَ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغْيَثِينَ، يَا صَرِيخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ، وَيَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَىَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ، وَيَا مَنْ يَحْوُلُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ، وَيَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى وَبِالْأَفْقِ الْمُبِينِ، وَيَا مَنْ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى، وَيَا مَنْ يَعْلَمُ خَاتَمَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ»<sup>۱۷۰</sup>

بعد از پایان نقل دعای معروف به «دعای علقمہ»، صاحب بحارالانوار می فرماید:

«قال سیف: فسألت صفوان فقلت له: إن علقة بن محمد لم يأتنا بهذا عن أبي جعفر(علیه السلام): انما أتانا بدعا الزیارة فقال صفوان: وردت مع سیدی أبي

عبدالله(عليه السلام) الى هذا المكان ففعل مثل الذى فعلناه فى زيارتنا، ودعا بهذا الدعاء عند الوداع بعد أن صلى كما صلينا، ووَدَعَ كَمَا وَدَعْنَا»...<sup>۱۷۱</sup> تا آخر حديث

سیف بن عمیره گوید: از صفوان سؤال کردم: علقمه بن محمد این دعا را برای ما از حضرت باقر(عليه السلام) روایت نکرد؛ بلکه همان زیارت را حدیث کرد. صفوان گفت: من با سید خودم، حضرت صادق(عليه السلام) به این مکان وارد شدم پس در زیارت به جا آورد، مثل آنچه را که ما به جا آوردیم و دعا کرد به این دعا هنگام وداع بعد از اینکه دو رکعت نماز گذاشت، چنانچه ما نماز گذاشتم و وداع کرد چنانچه ما وداع کردیم. پس صفوان گفت، حضرت صادق(عليه السلام) به من فرمود: مواظب باش این زیارت را و بخوان این دعا را و زیارت کن به آن؛ پس به درستی که من ضامنم بر خدا برای هر کس که زیارت کند به این زیارت و دعا کند به این دعا، از نزدیک یا دور، اینکه زیارتش مقبول شود، سعیش مشکور گردد، سلامش به آن حضرت برسد، محجوب نماند، حاجت او قضا شود از جانب خدای تعالی، به هر مرتبه که خواهد برسد و او را نومید برنگرداند. ای صفوان! یافتم این زیارت را به این ضممان از پدرم، و پدرم از پدرش، علی بن الحسین(عليه السلام) به همین ضممان و حسین از پدرش، امیرالمؤمنین(عليه السلام) با همین ضممان و امیرالمؤمنین(عليه السلام) از رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ)، با همین ضممان و رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ) از جبرئیل،

با همین ضمان و جبرئیل از خدای تعالی، با همین ضمان، و به تحقیق که خداوند عز وجل به ذات مقدس خود قسم خورده که هر کس زیارت کند حسین(علیه السلام) را به این زیارت، از نزدیک یا دور و دعا کند به این دعا، قبول می کنم از او زیارت او را می پذیرم از او خواهش او را به هر قدر که باشد و می دهم مستلتش را، پس باز نگردد از حضرت من با نامیدی و خسار و بازش گردانم با چشم روشن به برآوردن حاجت، فوز به جنت و آزادی از دوزخ و قبول کنم شفاعت او را در حق هر کس که شفاعت کند، جز شفاعت دشمن ما اهل بیت که در حق او قبول نشود. قسم خورده حق تعالی به این بر ذات اقدسش و گواه گرفته ما را بر آنچه که گواهی دادند به آن، ملائکه ملکوت او، پس جبرئیل گفت: يا رسول الله! خدا مرا فرستاده به سوی تو به جهت سرور و بشارت تو و شادی و بشارت علی، فاطمه، حسن، حسین و امامان از اولاد تو(علیهم السلام) و شیعه شما تا روز رستاخیز.

پس صفوان گفت: حضرت صادق(علیه السلام) به من فرمود: ای صفوان! هرگاه روی داد از برای تو به سوی خدای عز وجل حاجتی، پس زیارت کن به این زیارت، در هر مکانی که هستی و بخوان این دعا را و بخواه از پروردگار خود حاجت را که برآورده شود از خدا، و خدا خلاف نخواهد فرمود و عده خود را بر رسول خود به جود و امتنان خویش والحمد لله.<sup>۱۷۲</sup>

---

- ۱۷۲- بحارالانتوار، ج 98، باب 24، ص 299، کتاب المزار؛ مصباح الطوسی(رحمه الله)، ص 542 - 546، چاپ بیروت.

## ذکر زیارت عاشورا در کتاب

### تحفه الزائر

علامه مجلسی (رحمه الله)

در فضیلت و کیفیت زیارت شب و روز عاشورا و اعمال آن است

علامه مجلسی در این بخش از کتاب تحفه الزائر، بعد از ذکر چند حدیث در خصوص فضیلت زیارت امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا، زیارت اول را با عنوان زیارت عاشورا ذکر می کند.

#### [زیارت] اول:

به سند معتبر، منقول است از سیف بن عمیره و صالح بن عقبه، هر دو از محمد بن اسماعیل و علقمہ بن محمد حضرمی، و هر دو از مالک جهنى، که حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) فرمود: هر کس زیارت کند حضرت امام حسین (علیه السلام) را در روز دهم محرم تا نزد قبر آن حضرت گریان شود، ملاقات کند خدا را در روز قیامت با ثواب دو هزار هزار حج، دو هزار هزار عمره، و دو هزار هزار جهاد، که هر یک را با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و ائمه طاهرین (علیهم السلام) انجام داده باشد.

مالک گفت: فدای تو شوم! چه ثواب است برای کسی که در شهرهای دور باشد، و او را رفتن به سوی قبر آن حضرت ممکن نباشد؟

فرمود که: چون روز عاشورا درآید، بیرون رود به سوی صحراء، یا بالا رود بر  
بام بلندی در خانه خود، و اشاره کند به سوی آن حضرت به سلام، و جهد کند  
در نفرین کردن بر قاتل آن حضرت، و بعد از آن، دو رکعت نماز به جا آورد؛ و  
انجام دهد این کار را در اول روز، پیش از ظهر، پس ندبه، نوحه و گریه کند بر  
حسین، و امر کند هر که را در خانه او است و - اگر از او تقیه نکند - به گریه  
کردن بر آن حضرت، و در خانه خود مصیبتی بر پا دارد به اظهار جزع بر آن  
حضرت، و ملاقات کند بعضی از ایشان بعضی را، در خانه های خود به گریه  
کردن، و تعزیه گویند بعضی از ایشان بعضی را، به مصیبت آن حضرت؛ پس من  
ضامنم بر خدا، که هرگاه این کارها را انجام دهنده، جمیع آن ثواب ها را به ایشان  
عطای فرماید.

مالک گفت: تو ضامن و کفیلی از برای ایشان به این ثواب؟ فرمود: بلى!

پرسید: چگونه یکدیگر را تعزیه بگویند؟

فرمود، مى گويند:

«عَظِّمَ اللَّهُ أُجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ (عليه السلام)، وَجَعَلَنَا وَإِيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِشَارِهِ  
مَعَ وَلِيِّ الْأَمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (عليهم السلام)».<sup>۱۷۳</sup>

و اگر توانی در آن روز از برای هیچ کاری از خانه بیرون مرو، که آن روز، روز نحسی است و حاجت هیچ مؤمنی در آن روز برآورده نمی شود؛ و اگر برآورده شود، از برای او مبارک نیست، و در آن خیر و رشدی نخواهد دید.

و از برای منزل خود چیزی ذخیره مکن، که در این روز هر که از برای منزل خود چیزی ذخیره کند، از برای او مبارک نیست آنچه ذخیره کرده است؛ و از برای اهله نیز مبارک نخواهند بود.

پس کسی که چنین کند، از برای او نوشته شود ثواب هزار هزار حج، هزار هزار عمره، هزار هزار جهاد، که همه را با رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ) انجام داده باشد. و از برای او خواهد بود ثواب مصیبت هر پیغمبر، رسول، صدیق و شهیدی که مرده باشد یا کشته شده باشد، از زمانی که خدا دنیا را خلق کرده است تا روز قیامت.

علقمه بن محمد گفت، به حضرت امام محمد باقر(علیه السلام) عرض کرد که تعلیم نما به من دعایی که بخوانم در این روز، هرگاه که خواهم آن حضرت را زیارت کنم از نزدیک، و دعایی که هرگاه در شهرهای دور بودم و خواستم به سلام به او اشاره کرده آن حضرت را زیارت کنم، بخوانم.

فرمود: ای علقمه! هرگاه دو رکعت نماز زیارت را خواندی بعد از آنکه اشاره کرده باشی به جانب آن حضرت به سلام، و گفته باشی بعد از اشاره و نماز، آن قول را که مذکور خواهد شد، پس دعا کرده ای به دعایی که ملائکه می خوانند، در زمانی که آن حضرت را زیارت می کنند، و می نویسد خدا برای تو به واسطه

آن زیارت، هزار هزار حسن، و محو می کند از برای تو هزار هزار گناه، و بلند می کند از برای تو در بهشت، هزار هزار درجه، و از آنهایی خواهی بود که شهید شده باشند با حسین بن علی(علیه السلام)تا آنکه شریک شوی با ایشان در درجات ایشان، و نشناستد تو را مگر از آنهایی که با آن حضرت شهید شده اند، و نوشته شود برای تو ثواب هر پیغمبر و رسول، و ثواب زیارت هر کس که آن حضرت را زیارت کرده است، از روزی که شهید شده است.

می گویی:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا  
خِيرَةَ اللَّهِ وَابْنَ خِيرَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِّيْفِينَ، السَّلَامُ  
عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ النِّسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالوِتْرَ  
الْمَوْتُورَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ، عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعًا سَلَامُ اللَّهِ  
أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيلُ وَالنَّهَارُ»<sup>۱۷۴</sup>

---

۱۷۴ - مصباح المتهجد، ص 537 - 539، چاپ بیروت؛ کامل الزیارات، ص 174، باب 71، ح 8 ;  
بحار الانوار، ج 101، ص 290، ح 1 و ص 293 ; موسوعة زیارات المعصومین(علیهم السلام)، ج 3، ص .384  
.1178، ش

علقمه گفت، امام محمد باقر(عليه السلام) فرمود: اگر توانی هر روز، آن حضرت را به این کیفیت زیارت کنی، بکن که جمیع این ثواب ها از برای تو خواهد بود.<sup>۱۷۵</sup>

و محمد بن خالد الطیالسی از سیف بن عمیره روایت کرد که گفت: من با صفوان ابن مهران جمال و جماعتی از اصحاب خودمان به سوی نجف رفتیم - بعد از آنکه حضرت صادق(عليه السلام) پیش از ما از حیره به مدینه بیرون رفته بودند - پس چون از زیارت حضرت امیرالمؤمنین(عليه السلام) فارغ شدیم، صفوان روی خود را به سوی قبر حضرت امام حسین(عليه السلام) گردانید و گفت: حضرت امام حسین(عليه السلام) را از این مکان، از بالای سر امیرالمؤمنین(عليه السلام) زیارت کنید، که حضرت امام جعفر صادق(عليه السلام) چنین کرد در زمانی که من در خدمت آن حضرت به این مکان شریف آمده بودم.

پس صفوان آن زیارت، که علقمه از حضرت امام محمد باقر(عليه السلام) برای روز عاشورا روایت کرده است را خواند.

پس نزد سر امیرالمؤمنین(عليه السلام) دو رکعت نماز کرد، و بعد از نماز امیرالمؤمنین(عليه السلام) را وداع کرد و رو به جانب قبر امام حسین(عليه السلام) کرده و آن حضرت را نیز وداع کرد.

و از جمله دعاها یی که بعد از آن دو رکعت نماز خواند، این دعا بود:

---

۱۷۵- قال علقمة: قال ابو جعفر(عليه السلام): ان استطعت ان تزوره في كل يوم بهذه الزيارة من دارك فافعل ولك ثواب جميع ذلك. مصباح المتهجد، ص 539، چاپ بیروت.

«يا الله يا الله يا الله، يا مجيب دعوة المضطرين، يا كاشف كرب المكروريين، يا غياث المستغيثين، يا صريح المستصرخين، ويا من هو أقرب إلى من حبل الوريد، ويا من يحول بين المرء وقلبه، ويا من هو بالمنظر الأعلى وبالافق المبين، ويا من هو الرحمن الرحيم على العرش اسٹوی، ويا من يعلم خائنة الأغئین وما تخفي الصدور، ويا من لا تخفي عليه خافية، يا من لا تشتبه عليه الأصوات، ويا من لا تغلط الحاجات، ويا من لا يبرمه إلحاح الملحين، يا مدرك كل فوت، ويا جامع كل شمل، ويا باري النفوس بعد الموت، يا من هو كل يوم في شأن، يا قاضي الحاجات، يا منفس الكربات، يا معطي السؤلات، يا ولی الرغبات، يا كافی المهمات، يا من يکفی مِنْ كُلّ شَيْءٍ وَلَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»<sup>۱۷۶</sup>

سیف بن عمیره گفت، من به صفوان گفتم: علقمه که این زیارت را از امام محمد باقر (علیه السلام) برای ما روایت کرد، این دعا را نقل نکرد!

صفوان گفت: من با سید خودم، امام جعفر (علیه السلام) به این مکان وارد شدم، پس در زیارت، همان کاری را کرد که ما کردیم و این دعا را خواند در هنگام وداع، بعد از آنکه آن دو رکعت نماز را خواند، و آن وداع را به جا آورد.

بعد از آن صفوان گفت، حضرت صادق (علیه السلام) به من فرمود: مداومت کن این زیارت را، و بخوان این دعا را، و به این نحو زیارت بکن، که من ضامن بر خدا، که هر کس این زیارت را بکند و این دعا را بخواند از نزدیک یا دور؛ اینکه

---

۱۷۶- مصباح المتهدج، ص 540 - 542، چاپ بیروت.

زیارت‌ش مقبول باشد، سعیش مزد داده شود، سلامش به آن حضرت برسد، محجوب نگردد، و هر حاجت که از خدا بطلبید برآورده شود، هرچند که حاجتش بزرگ باشد.

ای صفوان! این زیارت را با همین ضمان از پدرم شنیدم، و پدرم از علی بن الحسین(علیه السلام) با همین ضمان، و از امام حسین(علیه السلام) و او از امام حسن(علیه السلام) با همین ضمان، و او از پدرش، امیرالمؤمنین(علیه السلام) با همین ضمان، و امیرالمؤمنین از رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ) با همین ضمان، و رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ) از جبرئیل(علیه السلام) با همین ضمان، و جبرئیل از خداوند عالمیان با همین ضمان.

و به تحقیق که حق تعالیٰ به ذات مقدس خود قسم خورده است که، هر کس حضرت امام حسین(علیه السلام) را به این روش زیارت کند از نزدیک یا دور، و این دعا را بخواند، زیارت او را قبول کنم، و از درگاه من نالمید برنگردد، و او را بر گردانم شاد و خوشحال به برآمدن حاجت، فائز شدن به بهشت، آزاد شدن از جهنم، و از برای هر که شفاعت کند، شفاعتش را قبول کنم، مگر شفاعت در حق کسی که دشمن ما اهل بیت باشد و گواه گرفت خدای بلند مرتبه ما را بر آنچه گواه گرفته بود بر آن، ملائکه ملکوت خود را.

پس جبرئیل گفت: ای رسول خدا! حق تعالیٰ مرا به سوی تو فرستاده است برای بشارت، سرور و خوشحالی تو، و بشارت و شادی علی بن ابی طالب، فاطمه، حسن، حسین و امامان از فرزندان تو تا روز قیامت.

پس حضرت صادق(عليه السلام) فرمود: ای صفوان! هرگاه تو را حاجتی به سوی خدا به هم رسد، این زیارت را بکن هرجا که باشی، و این دعا را بخوان، و از پروردگار خود حاجت خویش را بطلب، که البته برآورده می شود و حق تعالی خلف و عده خود نمی فرماید.<sup>۱۷۷</sup>.

---

۱۷۷- مصباح المتهجد، ص 543، چاپ بیروت؛ قال صفوان: قال لى ابوعبدالله(عليه السلام)، يا صفوان اذا حدث لك إلى الله حاجه فرز بهذه الزيارة من حيث كنت، وادع بهذا الدعاء وسل ربك حاجتك تاتك من الله، والله غير مخلف وعده رسوله(صلى الله عليه وآلـهـ) بمنه والحمد لله.

## ذکر زیارت عاشورا در کتاب

### زاد المعاد

علامه مجلسی (رحمه الله)

هر کس زیارت کند و بماند نزد قبر شریف سیدالشہدا(علیہ السلام) شب عاشورا، خداوند متعال در روز قیامت او را، در حالی که به خون خود غلتان است، به شکل کسانی که در کربلای معلی به زمین افتاده اند با آنان محشور خواهد کرد و اگر زیارت کند شب و روز عاشورا، سیدالشہدا(علیہ السلام) را، خداوند متعال او را مانند کسی که در رکاب آن حضرت به شهادت رسیده است، محشور خواهد کرد. سپس روایت «من زار الحسین(علیہ السلام) یوم عاشورا وجبت له الجنة»<sup>۱۷۸</sup>؛ کسی که زیارت کند امام حسین(علیہ السلام) را در روز عاشورا واجب می شود بر او بهشت را ذکر می کند. و در ادامه زیارت عاشورا را، همراه با روایات منقول در فضیلت آن، بیان می کند.

محمد بن اسماعیل بن بزیع از صالح بن عقبه از پدرش، از حضرت امام باقر(علیہ السلام) نقل می کند که فرمود: هر که زیارت کند حسین بن علی(علیهم السلام) را در روز دهم محرم، تا آنکه نزد قبر آن حضرت گریان شود، ملاقات کند خدا را در روز قیامت با ثواب دو هزار حج، دو هزار عمره و دو هزار جهاد که ثواب آنها مثل ثواب کسی باشد که حج، عمره و جهاد کند در خدمت رسول

---

۱۷۸- زاد المعاد، ص : کامل الزیارات، ص 142؛ المزار الشیخ المفید، ص 52؛ المزار ابن مشهدی، ص

خدا(صلی الله علیه وآلہ) و ائمه طاهرین(علیهم السلام). راوی گفت، عرض کرد: فدایت شوم! چه ثواب است از برای کسی که در شهرهای دور از کربلا است و او را رفتن به سوی قبر آن حضرت در مثل این روز ممکن نباشد؟ فرمود: هرگاه چنین باشد، بیرون رود به سوی صحرای بالا رود، بر بام بلندی در خانه خود و اشاره کند به سوی آن حضرت به سلام، و جهد کند در نفرین کردن بر قاتلین آن حضرت و بعد از آن دو رکعت نماز کند و این کار را در اوایل روز، پیش از زوال آفتاب انجام دهد پس ندبه کند بر حسین(علیه السلام) و بگرید بر او و امر کند کسانی را که در خانه اش هستند - هرگاه از ایشان تقیه نمی کند - به گریستن بر آن حضرت، و بر پا دارد در خانه خود مصیبیتی به اظهار کردن جزع بر آن حضرت، و تعزیت بگویند یکدیگر را به مصیبیت ایشان به حسین(علیه السلام) و من ضامنم برای ایشان بر خدا که هرگاه بیاورند این عمل را، جمیع آن ثواب ها را بهره مند گردند. گفتم: فدای تو شوم! ضامن می شوی این ثواب ها را برای ایشان و کفیل می شوی این ثواب ها را؟ فرمود: بلی! من ضامن و کفیل از برای کسی که این عمل را به جا آورد. گفتم: چگونه یکدیگر را تعزیت بگویند؟ فرمود که می گویند: «أَعْظَمَ اللَّهُ أُجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسْنَيْنِ (علیه السلام) وَجَعَلَنَا وَإِيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِثَارِهِ مَعَ وَلَيْهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه وآلہ)؛ یعنی بزرگ فرماید خداوند اجرهای ما را به مصیبیت ما به حسین(علیه السلام) و قرار دهد ما و شما را از خواهندگان خون او با ولی او، امام مهدی از آل محمد(علیهم السلام).

و اگر بتوانی که بیرون نروی آن روز را در پی حاجتی، چنان کن؛ زیرا آن روز، روز نحسی است که برآورده نمی شود در آن، حاجت مؤمن و اگر برآورده شود، مبارک نخواهد بود از برای او و در آن خیر و رشدی نخواهد بود. البته هیچ یک از شما برای منزلش در آن روز چیزی را ذخیره نکند پس هر که ذخیره کند در آن روز چیزی را برکت نخواهد دید در آن چیزی که ذخیره نموده، و مبارک نخواهد بود از برای او در اهلش، که ذخیره برای آنها نهاده؛ پس هرگاه به جای آوردن این عمل را، حق تعالی برای ایشان ثواب هزار حج، هزار عمره و هزار جهاد که همه را با رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ) انجام داده باشد بنویسد و از برای او است مزد و ثواب مصیبت هر پیغمبر، رسول، وصی، صدیق و شهیدی که مرده باشد یا کشته شده باشد از زمانی که حق تعالی دنیا را خلق فرموده تا زمانی که قیامت به پای شود.

صالح بن عقبه و سیف بن عمیره از علقمه بن محمد حضرمی نقل می کنند که به حضرت باقر(علیه السلام) عرض کردم: تعلیم فرما مرا دعایی که بخوانم آن را در این روز، هرگاه زیارت کنم آن جناب را از نزدیک و دعایی که بخوانم آن را هرگاه زیارت نکنم او را از نزدیک و بخواهم اشاره کنم به سلام به سوی او از شهرهای دور و از خانه ام پس ایشان به من فرمود: ای علقمه! هرگاه تو به جا آوردي آن دو رکعت نماز را، بعد از آنکه اشاره کنی به سوی آن حضرت به سلام، پس بگو در وقت اشاره به آن حضرت، بعد از گفتن تکبیر، این قول؛ یعنی زیارت آتیه را، پس هرگاه گفتی این قول را، به درستی که همان دعایی را

خوانده ای که شهیدان در رکاب امام حسین(علیه السلام) خوانده اند. تا مشارکت کنی ایشان را در درجات ایشان و شناخته نشوی مگر در زمره شهیدانی که شهید شده اند با آن حضرت و نوشه شود برای تو ثواب زیارت هر پیغمبر و رسولی و ثواب زیارت هر کس که زیارت کرده حسین(علیه السلام) را از روزی که شهید شده است و سلام خدا بر آن حضرت(علیه السلام) و بر اهل بیت‌ش(علیهم السلام) باد و می‌گویی:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ وَأَبْنَ خَيْرَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَأَبْنَ سَيِّدِ الْوَصِيْفَيْنَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ النِّسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَأَبْنَ ثَارِهِ وَالوَتَرَ الْمَوْتُورَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ، عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعًا سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيَ وَبَقِيَ اللَّيلُ وَالنَّهَارُ، يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَقَدْ عَظُمَ الرَّزِّيَّةُ وَجَلَّتْ وَعَظُمَتِ الْمُصِيبَةُ بَكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ...».

امام فرمود: یا علقمه! اگر توانستی هر روز زیارت کنی امام حسین(علیه السلام) را با این زیارت (زیارت عاشورا)، انجام بده که تمام ثواب های مذکور را کسب خواهی کرد.

محمد بن خالد طیالسی از سیف بن عمیره نقل می کند که گفت: با صفوان بن مهران و جمعی دیگر از اصحاب خودمان به سوی نجف حرکت کردیم - بعد از خروج حضرت صادق(علیه السلام) از حیره به جانب مدینه - پس زمانی که ما از

زيارت؛ يعني زيارة اميرالمؤمنين (عليه السلام) فارغ شدیم صفوان صورت خود را به جانب مشهد ابو عبدالله (عليه السلام) گردانید و به ما گفت که حسین (عليه السلام) را از این مکان، از نزد سر مقدس اميرالمؤمنين (عليه السلام) زيارت کنید که جناب صادق (عليه السلام) از اينجا ايما و اشاره کرد به سلام بر آن حضرت و من در خدمتش بودم. سيف گفت، پس صفوان، همان زيارتی را (زيارة عاشورا) که علقمہ بن محمد حضرمی از حضرت باقر (عليه السلام) در روز عاشورا روایت کرده بود را خواند آن گاه نزد سر اميرالمؤمنين (عليه السلام) دو رکعت نماز کرد و بعد از آن نماز، اميرالمؤمنين (عليه السلام) را وداع گفت و اشاره کرد به جانب قبر حسین (عليه السلام) به سلام در حالتی که گردانیده بود روی خود را به جانب او، و بعد از زيارة او را وداع کرد و از دعاهايی که بعد از نماز خواند اين بود:

«يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، يَا كَاشِفَ كُربَ الْمَكْرُوبِينَ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغْيَثِينَ، يَا صَرِيخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ، وَيَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَىٰ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ، وَيَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ النَّارِ وَقَلْبِهِ، وَيَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الأَعْلَىٰ وَبِالْأَفْقَ المُبِينِ، وَيَا مَنْ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى، وَيَا مَنْ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ»...

تا آخر دعا

سيف بن عمیره گوید: که از صفوان سؤال کردم و گفتم: علقمہ بن محمد اين دعا (دعای بعد از زيارة عاشورا) را برای ما، از حضرت باقر (عليه السلام) روایت نکرد؛ بلکه همان زيارت را حدیث کرد. صفوان گفت: من با سید خودم، حضرت

صادق(علیه السلام) به این مکان وارد شدم پس به جا آورد مثل آنچه را که ما به جا آوردهیم در زیارت و دعا کرد به این دعا هنگام وداع، بعد از اینکه دو رکعت نماز گذاشت، چنانچه ما نماز گذاشتیم و وداع کرد چنانچه ما وداع کردیم. آن گاه صفوان گفت: حضرت صادق(علیه السلام) به من فرمود: مداومت کن و بخوان این دعا را و زیارت کن به آن، پس به درستی که من ضامنم بر خدا، برای هر کس که زیارت کند به این زیارت (زیارت عاشورا) و دعا کند به این دعا (دعای بعد از زیارت عاشورا) از نزدیک یا دور، اینکه زیارتش مقبول، سعیش مشکور باشد و سلامش به آن حضرت برسد، محجوب نماند، حاجت او قضا شود از جانب خدای تعالی، به هر مرتبه که خواهد برسد و او را نومید برنگرداند. ای صفوان! یافتم این زیارت را به این ضمان از پدرم، و پدرم از پدرش، علی بن الحسین(علیه السلام) به همین ضمان و حسن از پدرش، امیرالمؤمنین(علیه السلام) با همین ضمان و امیرالمؤمنین(علیه السلام) از رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ) با همین ضمان و رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ) از جبرئیل با همین ضمان و جبرئیل از خدای تعالی با همین ضمان و به تحقیق که خداوند عز وجل به ذات مقدس خود قسم خورده که، هر کس زیارت کند حسین(علیه السلام) را به این زیارت، از نزدیک یا دور و دعا کند به این دعا، قبول می کنم از او زیارتش را و می پذیرم خواهشش را به هر قدر که باشد و می دهم مسئلتش را، پس باز نگردد از حضرت من با نامیدی و خسار و بلکه بگردد با چشم روشن به برآوردن حاجت، فوز به جنت و آزادی از دوزخ، و قبول کنم شفاعت او را در حق هر کس که

شفاعت کند جز شفاعت دشمن ما اهل بیت که در حق او قبول نشود. و حق تعالیٰ قسم خورده به این امور بر ذات اقدسش و گواه گرفته ما را بر آنچه که گواهی دادند به آن ملاٹکه ملکوت. پس جبرئیل گفت: ای رسول خدا! پروردگار فرستاده مرا به سوی تو به جهت سور و بشارت تو و شادی و بشارت علی، فاطمه، حسن، حسین و امامان از اولاد تو<sup>(علیهم السلام)</sup> و شیعه شما تا روز رستاخیز.

پس صفوان گفت: حضرت صادق<sup>(علیه السلام)</sup> به من فرمود: ای صفوان! هرگاه حاجتی داشتی به درگاه خدای عز و جل، پس زیارت کن به این زیارت از هر مکانی که باشی و بخوان این دعا را و بخواه از پروردگار خود حاجت را، که برآورده شود از سوی خدا، و خدا خلاف وعده ای که به رسول خود به جود و امتنان خویش داده، نخواهد کرد والحمد لله.<sup>۱۷۹</sup>

---

- ۱۷۹- بحار الانوار، ج 89، ص 300، باب 24، کتاب المزار؛ مصباح الطوسی<sup>(رحمه الله)</sup>، ص 542 .546

## نقل سند کامل زیارت عاشورا

منقول در مصباح المتهدج شیخ طوسی (رحمه الله)

### سند اول

روایت: «صالح بن عقبه و سیف بن عمیرة قال: علقتہ بن محمد الحضرمی قلت

لابی جعفر (علیه السلام)...»<sup>۱۸۰</sup>.

یعنی: این دو نفر ( صالح بن عقبه و سیف بن عمیره ) مشترکاً از علقتہ بن محمد حضرمی زیارت عاشورا را از امام باقر (علیه السلام) نقل کرده اند.

### سند کامل به نقل از صالح بن عقبه

«شیخ طوسی (رحمه الله) از علی بن احمد بن محمد بن ابی جید از محمد بن حسن بن ولید از محمد بن حسن فروح صفار از محمد بن حسین بن ابی خطاب از محمد بن اسماعیل بن بزیع از صالح بن عقبه از علقتہ بن محمد حضرمی از امام باقر (علیه السلام)».

### سند کامل به نقل از سیف بن عمیره

«شیخ طوسی (رحمه الله) از علی بن احمد بن محمد بن ابی جید از محمد بن حسن بن ولید از محمد بن حسن صفار از محمد بن حسین بن ابی خطاب از

---

۱۸۰ - مصباح المتهدج، شیخ طوسی، ص 536 - 539، چاپ بیروت؛ کامل الزیارات، جعفر بن محمد بن قولویه، ص 325 - 328.

محمد بن اسماعیل بن بزیع از سیف بن عمیره از علقمه بن محمد الحضرمی از امام باقر(علیه السلام)».

### سند دوم

روایت محمد بن خالد طیالسی عن سیف بن عمیره، در خصوص زیارت عاشورا، از حضرت ابا عبدالله امام صادق(علیه السلام)<sup>۱۸۱</sup> «روی محمد بن خالد الطیالسی عن سیف بن عمیره».

سند کامل اینگونه می شود:

شیخ طوسی(رحمه الله) از حسین بن عبیدالله غضائی از احمد بن محمد بن یحیی از محمد بن یحیی عطار از محمد بن علی بن محبوب اشعری قمی از محمد بن خالد طیالسی از سیف بن عمیره از صفوان بن جمال از امام صادق(علیه السلام).

### سند سوم

«روی محمد بن اسماعیل بن بزیع عن صالح بن عقبة عن ابیه (عقبة بن قیس بن سمعان) عن أبی جعفر(علیه السلام)».<sup>۱۸۲</sup>

---

. ۱۸۱ - مصباح المتهجد، ص 540، چاپ بیروت؛ کامل الزیارات، ص 325 - 328 .

. ۱۸۲ - مصباح المتهجد، ص 772 .

با توجه به اینکه شیخ طوسی (رحمه الله) سه طریق برای وصول به کتاب «الحج» محمد بن اسماعیل بن بزیع نقل کرده است، سند کامل این گونه می شود:

- 1- «شیخ طوسی (رحمه الله) از ابن ابی جید (ابوالحسین علی بن احمد بن محمد بن ابی جید القمی)، از محمد بن حسن بن ولید، از علی بن ابراهیم، از پدرش (ابراهیم بن هاشم قمی)، از محمد بن اسماعیل بن بزیع».<sup>۱۸۳</sup>
- 2- «شیخ طوسی (رحمه الله) از حسین بن عبیدالله غضائی، از حسن بن حمزه علوی، از ابراهیم بن هاشم، از پدرش (ابراهیم بن هاشم قمی)، از محمد بن اسماعیل بن بزیع».
- 3- «شیخ طوسی (رحمه الله) از ابن ابی جید (ابوالحسین علی بن احمد بن محمد بن ابی جید القمی)، از محمد بن الحسن بن ولید، از سعد (بن عبدالله اشعری قمی) و حمیری (عبدالله بن جعفر حمیری)، و احمد بن ادريس (قمی)، و محمد بن یحیی (العطار القمی) از احمد بن محمد (بن عیسی الاعشری القمی)، و محمد بن الحسین (بن ابی الخطاب)، از محمد بن اسماعیل بن بزیع».<sup>۱۸۴</sup>

#### سند چهارم زیارت عاشورا

منقول در کتاب کامل الزیارات مرحوم ابن قولویه (رحمه الله)

۱۸۳- فهرست، شیخ طوسی (رحمه الله)، ص 215، رقم 605

۱۸۴- فهرست، شیخ طوسی (رحمه الله)، ص 236، رقم 706

«حدثني حكيم بن داود بن حكيم وغيره، عن محمد بن موسى الهمданى، عن محمد بن خالد الطيالسى، عن سيف بن عميرة وصالح بن عقبة جمیعاً، عن علقمة بن محمد الحضرمى و محمد بن اسماعيل، عن صالح بن عقبة، عن مالك الجھنی، عن أبي جعفر(عليه السلام)...»<sup>١٨٥</sup>.

سند كامل با سه طریق:

۱- «حكيم بن داود بن حكيم و غيرش از محمد بن موسى همدانی از محمد بن خالد طیالسی از سیف بن عمیره از علقمه بن محمد حضرمی از امام باقر(عليه السلام)».

۲- «حكيم بن داود بن حكيم و غيرش از محمد بن موسى همدانی از محمد بن خالد طیالسی از صالح بن عقبه از علقمه بن محمد حضرمی از امام باقر(عليه السلام)».

۳- «محمد بن اسماعيل از صالح بن عقبه از مالک جھنی از امام باقر(عليه السلام)».

### سند پنجم زیارت عاشورا

منقول در کتاب کامل الزيارات مرحوم ابن قولویه(رحمه الله)

قال صالح بن عقبة الجهنى وسيف بن عميرة قال علقة بن محمد الحضرمى فقلت  
لابى جعفر(عليه السلام): ...<sup>١٨٦</sup>.

صالح بن عقبة الجهنى و سيف بن عميرة از علقة بن محمد حضرمى نقلت  
کردنده به امام باقر(عليه السلام) عرض کرد.  
و سند كامل با دو طریق اینگونه می شود:

1. «جعفر بن محمد بن قولويه، از حکیم بن داود بن حکیم، و غیر او، از  
محمد بن موسی همدانی، از محمد بن خالد طیالسی، از سیف بن عمیره،  
وصالح بن عقبه جمیعاً، از علقة بن محمد حضرمى».
2. «محمد بن اسماعیل (بن بزیع)، از صالح بن عقبه، از مالک جهنی، از امام  
باقر(عليه السلام)».



# لعن

تعریف لعن

لعن از دیدگاه قرآن

لعن در کتب اهل سنت

فرازهایی از زیارت عاشورا در کتاب و سنت

سیره شیعیان

استحباب لعن

انی اکره لكم ان تكونوا سبائین



## تعريف لعن

ابن منظور در تعریف لعن می گوید: لعن: «الابعاد والطرد من الخير»<sup>۱۸۷</sup>؛

يعنى: لعن به معنای دور کردن و طرد از خیر است، و به تعبیر واضح تر دعا  
کردن برای اینکه خداوند رحمت خود را از کسی بردارد.

راغب اصفهانی می گوید: «لعن به معنای طرد و دور کردن با غضب است.  
لعن اگر از جانب خدا باشد در آخرت به معنای عقوبت و در دنیا به معنای  
انقطاع از قبول رحمت و توفیق است. و اگر از انسان باشد به معنای دعا و نفرین  
و درخواست بر ضرر غیر است».<sup>۱۸۸</sup>.

طريحي مي گويد: «لعن به معنای طرد از رحمت است».<sup>۱۸۹</sup>

ابن اثیر می گوید: «اصل لعن به معنای طرد و دور کردن از خداست. و از  
خلق به معنای سبّ و نفرین است».<sup>۱۹۰</sup>

---

۱۸۷- لسان العرب، ج 13، ص 387

۱۸۸- مفردات راغب، ص 471

۱۸۹- مجمع البحرين، ج 6، ص 309

۱۹۰- النهاية، ج 4، ص 330

خداؤند متعال در قرآن کریم 37 بار «لن» را با انتساب به خودش و نیز یک بار با انتساب به مردم به کار برده است. و این حد به کار بردن این واژه فی حد ذاته دلیل بر مشروعيت لعن از حیث اصل اولی است. و در قرآن هیچ موردی وجود ندارد که از لعن نهی شده باشد، در حالی که از سب نهی شده است؛ آنجا که می فرماید: «وَلَا تَسْبُبُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسْبُبُوا اللَّهَ عَذُولًا»<sup>۱۹۱</sup>؛ و شما مؤمنان به آنان که غیر خدا را می خوانند دشنام می دهید تا مبادا آنان هم از روی دشمنی و جهالت خدا را دشنام دهند».

هم چنین با مراجعت به سنت نبوی پی می بریم که پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآلہ)تعبیر «لن» و مشتقات آن را در موارد بسیاری، به کار برده است؛ نهی هایی که به خاطر نافرمانی بعضی از صحابه با غضب شدید همراه بوده است؛ که به بیش از سیصد مورد ثبت شده است.<sup>۱۹۲</sup>

پیامبر(صلی الله علیه وآلہ) فرمود: «خدا لعنت کند شراب، شرابخوار، ساقی، بایع و مشتری آن را»<sup>۱۹۳</sup> و نیز فرمود: «خدا لعنت کند رشوه دهنده و رشوه گیرنده را در قضاوت»<sup>۱۹۴</sup> و نیز فرمود: خدا لعنت کند ربا و گیرنده و دهنده و نویسنده و شاهد و... آن را». <sup>۱۹۵</sup> و ...

. ۱۹۱- انعام، آیه 108.

. ۱۹۲- موسوعه اطراف الحديث النبوی، ج 6، ص 594 - 606.

. ۱۹۳- سنن ابی داود، ج 3، ص 324.

. ۱۹۴- مسند احمد، ج 2، ص 387.

. ۱۹۵- الجامع الصغیر، ج 2، ص 406.

## لعن از دیدگاه قرآن

با مراجعه به قرآن کریم پی می بریم که خداوند متعال لعن را در چهار مورد به کار برده است:

۱- در مورد ابليس؛ آن جا که می فرماید: «وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدُّنْيَا»<sup>۱۹۶</sup>؛ و همانا لunct من بر توسط تا روز جزا».

۲- در مورد عموم کافرین؛ آن جا که می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَأَعَدَ لَهُمْ سَعِيرًا»<sup>۱۹۷</sup>؛ همانا خداوند لunct کرده کافران را و برای آنان جهنم را آماده نموده است».

۳- در مورد اهل کتاب به طور عموم و یهود به طور خصوص؛ آن جا که می فرماید: «لَعْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ»<sup>۱۹۸</sup>؛ لunct شدند کسانی که از بنی اسرائیل کافر شدند، به زبان داود و عیسی بن مریم».

۴- مواردی که لunct بر عنوان عامی وارد شده، که قابل انطباق بر مسلمین است؛ مثال:

---

. ۱۹۶- ص، آیه ۷۸.

. ۱۹۷- احزاب، آیه ۶۴

. ۱۹۸- مائدہ، آیه ۷۸

الف) عنوان ظالمین: «الْأَلْعَنَةُ اللَّهُ عَلَى الظَّالِمِينَ»<sup>۱۹۹</sup>; آگاه باش لعنت خدا بر ظالمان است».

ب) عنوان کاذبین: «وَالْخَامِسَةُ أَنَّ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ»<sup>۲۰۰</sup>; و بار پنجم قسم یاد کند که لعنت خدا بر او باد اگر از دروغ گویان باشد».

ج) عنوان ایدای رسول(صلی الله علیه وآلہ): «الَّذِينَ يُؤْدُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعْنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»<sup>۲۰۱</sup>; و کسانی که خدا و رسول را اذیت می کنند خداوند آنان را در دنیا و آخرت مشمول لعنت خود قرار داده است».

د) عنوان رمی محصنات به زنا: «إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْفَاجِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لَعِنْنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»<sup>۲۰۲</sup>; کسانی که به زنان با ایمان و پاک دامن بی خبر از کار بد تهمت بستند محققاً در دنیا و آخرت ملعون شدند».

ه) عنوان قتل مؤمن: «وَمَنْ يَقْتُلُ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِيبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعْنَةُ وَأَعْدَدَ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا»<sup>۲۰۳</sup>; و هرکس مؤمنی را به عمد بکشد مجازاتش آتش جهنم است که در آن جاوید معذب خواهد بود. خدا بر او خشم و لعنت کند، و عذابی بسیار شدید برایش مهیا سازد».

---

.18- هود، آیه ۱۹۹

.200- نور، آیه ۷

.201- احزاب، آیه ۵۷

.202- نور، آیه ۲۳

.203- نساء، آیه ۹۳

و) عنوان نفاق: «(وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ حَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعَنَهُمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ)<sup>۲۰۴</sup>؛ خدا مرد و زن از منافقان و کافران را وعده آتش دوزخ و خلود در آن داده، همان دوزخ برای کیفر آنان کافی است، و خدا آنان را لعن کرده و برای آنان عذاب ابدی است».

ز) عنوان فساد و قطع رحم: «(فَهُلْ عَسِيْتُمْ إِنْ تَوَلَّتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقْطِعُوا أَرْحَامَكُمْ \* أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَاصْمَمْتُمْ وَأَغْمَمْتُمْ أَبْصَارَهُمْ)<sup>۲۰۵</sup>؛ شما منافقان اگر از فرمان خدا و طاعت روی برگردانید یا در زمین فساد و قطع رحم کنید باز هم امید دارید؟ اینان همین منافقانند که خدا آنان را لعن کرده و گوش و چشمشان را کور گردانید».

قرآن طلیعه دار هدایت جامعه بشری است و برای راهنمایی گروه های مختلف فکری، عقیدتی و... اسلوب و مبانی خاص خود را دارد. با عاقلان به اقامه دلیل و برهان می پردازد و می فرماید: (إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاحْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَخْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَغْنِلُونَ)<sup>۲۰۶</sup> و جاهلان را پند و

.67- ۲۰۴- توبه، آیه 67

.22- ۲۰۵- محمد، آیه 22

.164- ۲۰۶- بقره، آیه 164

اندرز داده و می فرماید: (وَلَا تَتَبَعُوا حُطُوطَ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ)<sup>۲۰۷</sup> و بعد از اقامه دليل و برهان، و رد آن از طرف کافرکیشان، آنان را به خذلان و سخط خویش و عده داده و می فرماید: (الَّذِينَ كَفَرُوا أَبْيَسْنَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنفُسُهُمْ أَن سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ).<sup>۲۰۸</sup>

و با لعن و نفرین ابدی از آنان اظهار نفرت نموده که به چند نمونه از آنها در قرآن مجید اشاره می کنیم:

(وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ لَعْنَهُمُ اللَّهُ بِكُفُرِهِمْ فَقَلِيلًا مَا يُؤْمِنُونَ).<sup>۲۰۹</sup>

گفتند: قلب های ما در میان پوششی است [از این رو گفتار تو به دل های ما نمی رسد، ولی چنین نیست] بلکه خداوند آنان را به سبب کفرشان لعنت کرد [و از رحمت و هدایت خود دور ساخت] پس اندکی ایمان می آورند.

(وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِنْ قَبْلٍ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ).<sup>۲۱۰</sup>

و آن گاه که آنان را از جانب خداوند کتابی آمد که تصدیق کننده چیزی است که با آنهاست (تورات) با آنکه پیش از این با آن بر کافران پیروزی می جستند؛

.۲۰۷- بقره، آیه 168

.۲۰۸- مائدہ، آیه 80

.۲۰۹- سوره بقره: آیه 88

.۲۱۰- همان، آیه 89

ولی همین که آنچه (کتاب) با آن کس (پیامبر) که می شناختند بدیشان آمد، به او کافر شدند، پس لعنت خدا بر کافران باد.

(إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِمَا بَيَّنَاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ  
أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ الْأَعْنُونُ).<sup>۲۱۱</sup>

کسانی که حجت های روشن و هدایتگری را که ما نازل کرده ایم با وجود آنکه در کتاب آسمانی (قرآن) برای مردم توضیح داده ایم کتمان می کنند، خدا و لعن کنندگان لعنتشان می کنند.

(إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَا تَوَا وَهُمْ كُفَّارٌ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ  
أَجْمَعِينَ).<sup>۲۱۲</sup>

آنان که کافر شدند و کافر مردند، لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر آنها است.

(فَمَنْ حَاجَكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا  
وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلُ فَنَجْعَلُ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ).<sup>۲۱۳</sup>

پس هر کس با تو در مقام مجادله برآید درباره عیسی بعده از آنکه به وحی خدا به احوال او آگاهی یافته بگو بیایید ما و شما بخوانیم فرزندان، و زنان و نفوس

---

.۲۱۱- سوره بقره، آیه ۱۵۹

.۲۱۲- همان، آیه ۱۶۱

.۲۱۳- سوره آل عمران، آیه ۶۱

خود را تا با هم به میاهله برخیزیم (در حق یکدیگر نفرین و در دعا به درگاه خدا اصرار کنیم) تا دروغگو و کافران را به لعن و عذاب خدا گرفتار سازیم.

(أُولَئِكَ جَزَاوُهُمْ أَنَّ عَلَيْهِمْ لَعْنَةَ اللَّهِ وَالْمَلائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ.)<sup>۲۱۴</sup>

آنها سزايشان این است که لunct خدا و فرشتگان و مردم یکسره بر آنها باد.

(مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَاسْمَعْ غَيْرَ مُسْمَعَ وَرَاعَنَا لَيْاً بِالسِّتِّيهِمْ وَطَغَنَا فِي الدِّينِ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاسْمَعْ وَانظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَقْوَمَ وَلَكِنْ لَعْنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا).<sup>۲۱۵</sup>

از قوم یهود کسانی هستند که سخنان را جا به جا و پس و پیش می کنند و می گویند: (فرمان خدا را) شنیدیم و از آن سرپیچی کردیم و گویند: بشنو و همان به که نشنوی و ما را رعایت کن! و گفتارشان زبان بازی و طعنه و تمخر به دین است و اگر به احترام می گفتند: ما فرمان حق را شنیده و تو را اطاعت کنیم و تو سخن ما بشنو و به حال ما بنگر، برایشان نیکوتر و به صواب نزدیک تر بود؛ ولی خداوند آنها را به سبب کفرشان، به لunct خویش دچار نمود و جز اندکی ایمان نمی آورند.

(يَا أُولَئِكَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا رَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وَجْهَهَا فَرَدَّهَا عَلَى أَذْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبَّتِ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولاً).<sup>۲۱۶</sup>

.۲۱۴- سوره آل عمران، آيه ۸۷

.۲۱۵- سوره نساء، آيه ۴۶

.۲۱۶- سوره نساء، آيه ۴۷

ای کسانی که کتاب (آسمانی) به شما داده شده! ایمان بیاورید به آنچه ما آن را نازل کردیم (بر پیامبر خود) که تصدیق کننده چیزی است که از پیش با شما می باشد (تورات و انجیل)، پیش از آنکه صورت هایی را محو کنیم و سپس به پشت سر و گونه هایتان واژگون سازیم یا آنکه مانند اصحاب سبت (گروهی که روز شنبه دغل کاری کردند) لعنت شان کنیم و بدانید که کار خدا انجام شدنی و حتمی است.

(أُولِئِكَ الَّذِينَ لَعَنْهُمُ اللَّهُ وَمَنْ يَلْعَنُ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا).<sup>۲۱۷</sup>

آنها کسانی هستند که خداوند لعنت شان کرده و هر که به لعنت خدا گرفتار آید، هرگز برای او یاوری نخواهد یافت.

(لَعْنَةُ اللَّهِ وَقَالَ لَا تَخِذُنَّ مِنْ عِبَادِكَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا).<sup>۲۱۸</sup>

خداوند او (ابليس) را لعنت کرد و او گفت: من از بندگان تو بهره ای معین را خواهم گرفت.

(فَبِمَا نَفَضَّهُمْ مِيثاقُهُمْ لَعَنَاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحِرِّفُونَ الْكَلِمَ عنْ مَوَاضِيعِهِ وَتَسُوَّلُ حَظًا مِمَّا ذَكَرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَنْطَلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفُحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ).<sup>۲۱۹</sup>

.۲۱۷- سوره نساء، آیه ۵۲.

.۲۱۸- همان، آیه ۱۱۸.

.۲۱۹- سوره مائدہ، آیه ۱۳.

پس چون (بني اسرائیل) پیمان شکستند، آنان را لعنت کردیم و دل هایشان را سخت گردانیدیم (که موعظه در آنها اثر نکرد)، آنها معانی اصلی کلمات (کتاب الهی) را تغییر می دادند و از بهره آن کلمات که به آنها پند داده شد (در تورات) قسمتی را از دست دادند و همواره بر خیانتکاری و نادرستی آنان آگاهی می یابی؛ مگر اندکی از آنان، پس تو از ایشان درگذر و کار بدشان را عفو کن (که تحقیقاً) خدا نیکوکاران را دوست می دارد.

(قُلْ هَلْ أَنْبِئُكُمْ بِشَرٌّ مِّنْ ذِلِّكَ مَثُوَّبَةٌ عِنْدَ اللَّهِ مَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَغَضِيبٌ عَلَيْهِ وَجَحَلٌ مِّنْهُمْ  
الْقِرَدَةُ وَالخَنَازِيرُ وَعَبَدُ الطَّاغُوتِ أُولَئِكَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضَلُّ عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ).<sup>۲۲۰</sup>

بگو: آیا شما را خبر دهم که چه کسانی موقعیت و منزلشان نزد خدا بدتر است؟ آنان افرادی می باشند که خدا لعنت شان کرد و مورد خشمشان قرار داده و گروهی از آنان را (مسخ کرد و) به شکل بوزینه و خوک درآورد و آن کس که بندگی طاغوت کرد، جایگاه آنها از همه بدتر و از راه اعتدال و حق دورتر و گمراه ترند.

(وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غَلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلَعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَاتٍ يُنْفِقُونَ  
كَيْفَ يَشَاءُ وَلَيَزِيدُنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رِبْكَ طُغْياناً وَكُفْرًا وَأَلْقَيْنَا بِيَنْهُمْ  
الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ  
فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ).<sup>۲۲۱</sup>

.۶۰- سوره مائدہ، آیه ۲۲۰

.۶۴- سوره مائدہ، آیه ۲۲۱

يهوديان گفتند: دست خدا بسته است، دست هاي خودشان بسته باد! و به سبب اين سخن ناروا که گفتند، لعنت شده اند، بلکه دو دست (قدرت) الهی گشوده است و به هر كيفيتi که بخواهد روزi می دهد و بخشش می کند، و آنچه از جانب پروردگارت بر تو نازل شد، يقیناً بر سركشي و كفر بسياري از آنها می افزايد و ما هم تا روز رستاخيز دشمني و كينه را در بين ايشان افکنده ايم. هرگاه آتشى را برای جنگ (با مسلمانان) افروختند، خدا آن را خاموش کرد و آنها می کوشند که در زمين فتنه و فساد راه بیندازند و خدا هرگز مردم ستمکار مفسد را دوست نمی دارد.

(لِعْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَىٰ لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَىٰ ابْنِ مَرْيَمَ ذُلِّكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ).<sup>۲۲۲</sup>

کافران بنی اسرائييل به زبان داود و عيسى بن مريم لعنت شدند؛ به خاطر آنکه نافرمانی خدا نمودند و از حد خود تجاوز می کردند.

(وَنَادَىٰ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَنْ قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدْنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْنُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُوا نَعَمْ فَأَدَنَ مُؤَدِّنْ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ).<sup>۲۲۳</sup>

بهشتيان دوزخيان را ندا می دهنده که: آنچه را پروردگار ما به ما وعده داده بود، حق یافتیم، آیا شما نیز آنچه را خداوندان به شما (از عذاب) وعده کرده

.78- همان، آيه 222

.44- سوره اعراف، آيه 223

بود، حق یافتید؟ می گویند: آری، پس ندا دهنده ای بین آنان بانگ در دهد که لعنت خدا بر ستمکاران باد.

(وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْلَئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَى رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هُؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى رَبِّهِمْ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ).<sup>۲۲۴</sup>

چه کسی ستمکارتر از آن کسانی است که به خدا دروغ و افترا بینند، آنها (در قیامت) بر پروردگارشان عرضه می شوند و گواهان می گویند: اینان هستند که (بزرگترین ظلم را مرتکب شده و) به پروردگار خود دروغ می بستند، (ای خلائق) آگاه باشید که لعنت خدا بر ستمکاران باد.

(وَأَتَبْعِوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ عَادًا كَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا بُعْدًا لِعَادٍ قَوْمٍ هُودٌ).<sup>۲۲۵</sup>

در این دنیا و روز قیامت، لعنت به دنبال آنان خواهد بود، آگاه باشید که قوم عاد به پروردگارشان کفر ورزیدند، پس قوم عاد که قوم هود می باشند (از رحمت او) دور باد.

(وَأَتَبْعِوا فِي هَذِهِ لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ بِئْسَ الرُّفُدُ الْمَرْفُوذُ).<sup>۲۲۶</sup>

در این دنیا و روز قیامت، لعنت بدרכه آنان خواهد بود و چه بد عطاپی است که بهره ایشان می شود.

---

.۲۲۴- سوره هود، آیه ۱۸

.۲۲۵- همان، آیه ۶۰

.۲۲۶- همان، آیه ۹۹

(وَالَّذِينَ يَنْفَضُّونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ  
وَيَفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ الْلَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ).<sup>۲۲۷</sup>

و کسانی که پیمان خدا را پس از محکم کردنش می شکنند و چیزی را که خدا به پیوستن آن فرمان داده، گستته و در زمین فساد می کنند، آنها کسانی هستند که لعنت خدا بر آنان است و در آن عالم، بد سرایی دارند.

(وَأَتْبَعْنَاهُمْ فِي هَذِهِ الدُّرْبِيَّ لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ هُمْ مِنَ الْقَفْوَحِينَ).<sup>۲۲۸</sup>

و به دنبال ایشان در این دنیا لعنت قراردادیم و روز قیامت، ایشان از زشت کاران باشند.

(إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَأَعَدَ لَهُمْ سَعِيرًا).<sup>۲۲۹</sup>

به راستی که خدا کافران را لعنت کرد (از رحمت خود دور نمود) و برای آنان آتشی افروخته و آماده ساخت.

(رَبَّنَا آتَيْهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنْهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا).<sup>۲۳۰</sup>

پروردگار! آنها را از عذاب دو چندان بده و لعنت شان کن؛ لعنتی بزرگ.

(يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعْذِرَتُهُمْ وَلَهُمُ الْلَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ).<sup>۲۳۱</sup>

۲۲۷- سوره رعد، آيه 25

۲۲۸- سوره قصص، آيه 42

۲۲۹- همان، آيه 64

۲۳۰- همان، آيه 68

۲۳۱- سوره غافر، آيه 52

در آن روز ستمکاران را عذرخواهی (و پشیمانی) سود ندهد و بر آنان لعنت و خشم باشد و برای آنان سرای بد (جهنم) مهیا است.  
**(أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصْنَمَهُمْ وَأَغْمَى أَبْصَارَهُمْ).**<sup>۲۳۲</sup>

آنها (منافقین) کسانی هستند که خداوند آنان را لعن کرده و گوش هایشان را کر و چشم هایشان را کور گردانید.

**(وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنٌ السَّوءُ عَلَيْهِمْ دَائِرَةً السَّوءِ وَعَذِيبُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعْدَ اللَّهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا).**<sup>۲۳۳</sup>

و عذاب می کند مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرک را که درباره خداوند گمان بد دارند، گردش بد روزگار بر آنان باد و خدا بر آنها غصب نماید و آنها را لعنت کند و دوزخ را برای آنها فراهم کرده و آن، بد بازگشت گاهی است.

هدف و منظور قرآن مجید از این شیوه و روش، این نبوده است که انسان را بد زبان و دشنام گو به بار آورد یا این که بذر کینه و جبهه گیری بر ضد یکدیگر را در دل افراد جامعه پیاشد؛ بلکه هدف قرآن از این شیوه آن است که راه استواری ایمان و پایداری بر حق را به انسان بیاموزد که از آشکارترین مصدقهای ایمان محکم و ثبات بر حق، اصل تبری می باشد و لعن کردن از روشن ترین مصادیق تبری است.

---

۲۳۲- سوره محمد، آیه 23

۲۳۳- سوره فتح، آیه 6.

چکیده سخن این است که لعن کردن برای مؤمن در پذیرش حق و به دور  
افکندن باطل یک نوع تربیت روحی است.

## لعن در کتب اهل سنت

علاوه بر قرآن، احادیث نبوی موجود در کتب اهل سنت مشتمل بر بر لعن می باشد:

رسول اکرم (صلی الله علیه وآلہ) در مواطن مختلف، افرادی را لعن فرمود از جمله: «لما مرض رسول الله (صلی الله علیه وآلہ) مرضه الذى توفى فيه، فجهز إلى الروم جيشاً إلى موضع يقال له: مؤته، وبعث فيه وجوه الصحابة وأمر عليهم أسمة بن زيد فوّلاه وبرزوا عن المدينة، فتقل المرض برسول الله (صلی الله علیه وآلہ) وحينئذ تمهل الصحابة عن السير وتسللوا، ورسول (صلی الله علیه وآلہ) يصبح فيهم جهزوا جيش <sup>٢٣٤</sup> أسامي، لعن الله المتختلف عنه، حتى قالها ثلاثة»;

بعد از آنکه رسول خدا (صلی الله علیه وآلہ) مریض شدند دستور دادند عده ای از صحابه به سر کردگی اسامه بن زید به پادگان خارج از مدینه مستقر شوند که بعضی از این فرمان تخلف کردند (از جمله خلیفه اول و دوم) و آنجا بود که پیامبر متخلفین را سه بار لعن کرد».

مورد دیگر: «قال رسول الله (صلی الله علیه وآلہ): ستة لعنتهم لعنهم الله وكلنبي مجاب: المكذب بقدر الله والزائد في كتاب الله والمتسلط بالجبروت ليذل ما أعز الله

---

۲۳۴- طبقات ابن سعد، ج ۲، ص ۱، ح ۳۷؛ ج ۲، ص ۲، ح ۴۱؛ ج ۴، ص ۱، ح ۴۷؛ فتح البار، للعسقلاني، ج ۷، ص ۸۷، ج ۸، ص ۱۵۲؛ کنز العمال، ج ۱۰، ص ۵۷۲، ح ۳۰۲۶۶؛ تهذیب تاريخ ابن عساکر، ج ۱، ص ۱۱۷ و ۱۲۲؛ دلائل الصدق، ج ۳، ص ۴ و ۵؛ الملل والنحل، ج ۱، ص ۲۹؛ شرح نهج البلاغة، ج ۶، ص ۵۲؛ اصول الاخیار، ص ۶۸.

ويعز ما أذل الله والمستحل لحرم الله والمستحل من عترتيما حرم الله والتارك

٢٣٥. ستى؛

رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ) فرمود: لعنت باد بر شش گروهی که خدا و انبیاء آنان را لعنت کرده است:

1- کسی که قدرت الهی را تکذیب کند. 2- کسی که تحریفی در قرآن ایجاد کند. 3- کسی که به جبر متول می شود تا کسی را که خداوند عزیز کرده را خوار و ذلیل کند. 4- کسی که عزت دهد کسی را که خداوند او را ذلیل کرده است. 5- کسی که حلال خدا را حرام و حرام خدا را حلال شمارد. 6- کسی که سنت مرا ترک کند».

و صاحب صواعقه<sup>٢٣٦</sup> می گوید: «إن رسول الله(صلی الله علیه وآلہ) قال: ليدخلن الساعة عليكم رجل لعين! فدخل الحكم بن العاص؛

---

٢٣٥- هذا الحديث رواه الحاكم في مستدركه في ثلاثة مواضع، ج ١، ص ٣٦؛ ج ٢، ص ٥٢٥؛ ج ٤، ص ٩٠؛ وقال هذا حديث صحيح على شرط البخاري ولم يخرجا، رواه بن حبان في صحيحه، ج ١٣، ص ٦٠؛ والهيثمي في مجمع الروايات، ج ٩، ص ٣٧٢؛ والطبراني في المعجم الكبير، ج ١٧، ص ٤٣؛ وفي الأوسط، ج ٢، ص ٣٩٨؛ وابن أبي عاصمه في السنّة، ص ٦٢٨، ح ٢.

٢٣٦- الصواعق المحرقة، ص ١٤٤؛ رواه البلاذري في أنساب الأشراف، ج ٥، ص ١٢٦؛ والحاكم في مستدركه، ج ٤، ص ٤٨١؛ وصححة.

صاحب می گوید: روزی رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ) فرمودند: الان کسی وارد می شود که مورد لعن و نفرین است، و در آن هنگام حکم بن عاص وارد شد».

حکم بن عاص روزی از رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ) اذن خواست داخل شود رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ) صدای او را شنید و فرمود: «ائذنا لله، لعنة الله عليه وعلى من يخرج من صلبه إلا المؤمنين وقليل ما هم»<sup>۲۳۷</sup>; به او اذن دهد خدا لعنت کند او و کسی که از نسل او به وجود می آید مگر اشخاص مؤمن...».

و صاحب کنزالعمال<sup>۲۳۸</sup> می گوید: «أن رسول الله(صلی الله علیه وآلہ) لعن الحكم بن العاص وما ولد؛ رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ) لعن كرده حکم بن عاص و فرزندانش را». عایشه به مروان گفت: «إن رسول الله(صلی الله علیه وآلہ) لعن أباك وأنت في صلبه»<sup>۲۳۹</sup>.

۲۳۷- الغدير، ج 8، ص 245؛ جواهر المطالب في مناقب الامام على (عليه السلام)، ج 2، ص 192 .

۲۳۸- کنز العمال، 6/90.

۲۳۹- المستدرک للحاکم، 4/481؛ تفسیر القرطبی، 16/197؛ تفسیر الزمخشّری، 3/99؛ الفائق، 2/325؛ تفسیر ابن کثیر، 4/159؛ تفسیر الرازی، 7/491؛ واسد الغابة لابن الاثير، 2/34؛ النهاية لابن کثیر، 3/23؛ شرح النهج لابن ابی الحدید، 2/55؛ تفسیر النیسابوری بهامش تفسیر الطبری، 26/13؛ الاجابة للزرکشی، ص 141؛ تفسیر النسفي هامش الخازن، 4/132؛ الصواعق المحرقة لابن حجر، ص 108؛ ارشاد الساری للعسقلانی، 7/325؛ لسان العرب، 9/73؛ الدر المنثور للسيوطی، 6/41؛

و در روایت دیگر عایشه به مروان گفت: شنیدم رسول خدا (صلى الله عليه وآلـهـ) که به پدرت و جدت ابی العاص بن امیه می گفت شما شجره ملعونه در قرآن هستید.

«قالت عائشة لمروان بن الحكم: سمعت رسول الله (صلى الله عليه وآلـهـ) يقول لأبيك وجدك أبى العاص بن أمية أنكم الشجرة الملعونة فى القرآن». <sup>٢٤٠</sup>  
برهان الدين الحلبي در روایتی گفته است: «اللهم العن فلاناً، وفلاناً» <sup>٢٤١</sup> خدا لعنت كند فلانی و فلانی را».

بخاری می گوید: «حدثني سالم عن أبيه أنه سمع رسول الله (صلى الله عليه وآلـهـ) إذا رفع رأسه من الركوع من الركعة الأخيرة من الفجر يقول: اللهم العن فلاناً، وفلاناً»  
بعدما يقول: سمع الله لمن حمده، ربنا ولک الحمد، فأنزل الله: (ليس لك من الأمر شيء) إلى قوله (فإنهم ظالمون); <sup>٢٤٢</sup>

---

السيرة الحلبيه، 1/337؛ تاج العروس، 5/69؛ تفسير الشوكاني، 5/20؛ تفسير الالوسي، 6/2؛ السيرة الدحلانية بهامش السيرة الحلبيه، 1/245.  
٢٤٠- الدر المنثور للسيوطى، ج 4، ص 191؛ السيرة الحلبيه، ج 1، ص 337؛ تفسير الشوكاني، ج 3، ص 231؛ تفسير الالوسي، ج 15، ص 107.  
٢٤١- السيرة الحلبيه، ج 2، ص 234، طبعة مصر.  
٢٤٢- صحيح البخاري مشكول، ج 3، ص 24 طبعة عيسى البابى الحلبي بمصر.

رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ) هنگامی که سر از رکوع آخر نماز صبح بر می داشت و «سمع الله لمن حمده، ربنا ولک الحمد» می گفت آنگاه فرمودند: خدا لعن کن فلاپی و فلاپی را».

«وقف الرسول(صلی الله علیه وآلہ) طویلاً عند الحكم بن العاص والد مروان بن الحكم وجد خلفاء بنی أمیة فقال الرسول لأصحابه: (ويل لأمتی من هذا وولد هذا);<sup>۲۴۳</sup>

رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ) در نزد حکم بن عاص فرزند مروان بن حکم جد خلفاء بنی امیه مدت طولانی ایستاد آنگاه به اصحاب خود گفتند: وای به حال امتم از دست این و فرزند این».

«قال(صلی الله علیه وآلہ) يوماً لأصحابه مشيراً إلى الحكم: (ويل لأمتی مما في صلب هذا);<sup>۲۴۴</sup>

روزی رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ) به اصحاب خود در حالی که اشاره به حکم بن عاص می کرد فرمود: وای به حال امتم از دست نسلی که از این شخص است».

---

۲۴۳- راجع کنز العمال، ج 11، ص 167؛ والإصابة لابن حجر، ج 2، ص 29.

۲۴۴- رواه ابنعاشر راجع کنز العمال، ج 11، ص 167.

رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ) روزی در حالی که اشاره به حکم بن عاص کرد فرمود: «إن هذا سيخالف كتاب الله وسنة رسوله وسيخرج من صلبه فتن يبلغ دخانها السماء وبعضكم يومئذ شيعته»<sup>۲۴۵</sup>؛

این شخص (اشاره به حکم بن عاص) مخالفت می کند خدا و سنت رسول خدا را و خارج می شود از نسل او فتنه هایی به پا می شود که آفاق آسمان را می گیرد و بعضی از شماها (اشاره به اصحاب) پیروان او خواهد بود». «وبعد أن كشف الرسول(صلی الله علیه وآلہ) خطورة الرجل وحقيقة أولاده (عنده رسول الله ولعن أولاده»

بعد از آنکه رسول خدا حقیقت حکم بن عاص و اولادش را بیان کرد لعن کرد او و اولادش را»<sup>۲۴۶</sup>.

قال عبد الرحمن بن أبي بكر لمروان: (إن رسول الله(صلی الله علیه وآلہ) لعن أباك وأنت في صلبه).<sup>۲۴۷</sup>

عبدالرحمن بن ابی بکر به مروان گفت: رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ) لعن کرد پدر تو را در حالی که تو در نسل او بودی.

---

۲۴۵- رواه الدارقطني راجع كنز العمال، ج 11، ص 167 ; ابن عساكر، ج 11، ص 360؛ الطبراني، ج 167، ص 11.

۲۴۶- مجمع الزوائد، ج 5، ص 241 و قال رواه احمد والبزار والطبراني في الاوسط.

۲۴۷- مجمع الزوائد، ج 5، ص 241 و قال رواه البزار.

«وقال الإمام الحسن بن علي بن أبي طالب(عليه السلام) لمروان: لقد لعنك الله  
علي لسان رسوله وأنت في صلب أبيك»<sup>٢٤٨</sup>  
امام حسن(عليه السلام) خطاب به مروان فرمود: پیامبر خدا تو را لعن کرد در  
حالی که در نسل پدرت بودی».

حلبی به نقل از رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ) می گوید: «صار رسول الله يقول:  
اللهم العن فلاناً وفلاناً»<sup>٢٤٩</sup>

رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ) می فرمود: خدایا لعن کن فلانی و فلانی را». سیوطی در المنشور می گوید: «عن ابن عمر قال: قال رسول الله(صلی الله علیه وآلہ) يوم أحد: اللهم العن أباسفیان، والعن الحرش بن هشام، اللهم العن سهیل بن عمرو، اللهم العن صفوان بن أمیة...»<sup>٢٥٠</sup>

رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ) در روز احمد گفتند: خدایا لعن کن، اباسفیان و حرث بن هاشم و سهیل بن عمرو و صفوان بن امیه». «عن ابن عمر أنه قال: كان الرسول(صلی الله علیه وآلہ) يدعو على أربعة نفر...»<sup>٢٥١</sup>

---

٢٤٨- مجمع الزوائد، ج ٥، ص ٢٤٠؛ ابن سعد و ابن عساکر راجع کنز العمال، ج ١١، ص ٣٥٧؛ ابن کثیر، ج ٨، ص ٢٨٠

٢٤٩- السیرة الحلبیة، ج ٢، ص ٢٣٤

٢٥٠- الدر المنشور للسيوطی، ج ٥، ص ٧١؛ بخاری و ترمذی و نسائی و ابن جریر و بیهقی در دلائل نقل کرده است.

٢٥١- ترمذی و ابن جریر و ابن ابی حاتم.

رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ) بر علیه چهار نفر دعا می کرد...).

«وأخرج نصر بن مزاحم المنقري في وقعة صفين: عن البراء بن عازب قال: أقبل أبو سفيان ومعه معاوية فقال رسول الله(صلی الله علیه وآلہ): (اللهم العن التابع والمتبوع)  
اللهم عليك بالآقيعس، فقال ابن البراء لأبيه من الآقيعس؟ قال: معاوية;<sup>٢٥٢</sup>  
در واقعه صفين وقتی ابوسفیان و معاویه رو به روی رسول خدا(صلی الله علیه  
وآلہ)قرار گرفتند فرمود: اللهم العن التابع المتبوع...».

«وأخرج نصر بن مزاحم أيضاً قال... فنظر رسول الله(صلی الله علیه وآلہ) إلى أبي سفيان وهو راكب، ومعاوية وأخوه، أحدهما قائد وآخر سائق، فلما نظر إليه رسول الله(صلی الله علیه وآلہ) قال: (اللهم العن القائد والسائل والراكب) قلنا أنت سمعت  
رسول الله؟ قال: (نعم وإنما فصمت أذناني);<sup>٢٥٣</sup>

هنگامی که رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ) به ابی سفیان در حالی که سواره بود  
و معاویه و برادرش که یکی راه را به مرکب نشان می داد و دیگری حیوان را  
می برد برخورد کرد فرمودند: خدایا لعنت کن راهنما و راننده و سواره را. سؤال  
کردیم آیا تو از رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ) شنیدی. گفت: بله و اگر دروغ  
می گوییم گوشها یم کر شود».

محمد بن ابی بکر در نامه ای خطاب به معاویه می گوید:

---

. ٢٥٢-قاموس الرجال، ج 10، ص 107؛ وقعة صفين، ص 218.

. ٢٥٣-وقعة صفين، ص 217 و 220؛ تحقيق و شرح عبدالسلام محمد هارون؛ الانتصار، ج 8، ص 175.

«وأنت اللعين ابن اللعين، لم تنزل أنت وأبوك تبغيان لرسول الله الغوائل، وتجهدان في إطفاء نور الله، تجتمعان على ذلك الجموع، وتبذلان فيه المال وتؤلبان عليه القبائل، وعلى ذلك مات أبوك وعليه خلقته»<sup>٢٥٤</sup>؛

معاوية، تو ملعون فرزند ملعوني هستی که هنوز دست از طغیان بر رسول خدا نکشیده و سعی می کنید نور خدا را خاموش کنید و لشکرکشی می کنید و در این راه مال مصرف می کنید و قبائل را بر علیه رسول خدا می شورانید و بر این روش پدرت مرد...»<sup>٢٥٥</sup>.

---

٢٥٤- مروج الذهب للمسعودي، ج 3، ص 14؛ المناظرات في الامامة، ص 87؛ شرح احقاق الحق، ج 31، ص 525.

٢٥٥- مخازى عثمان الخميس، ص 101؛ روایات لعن در متون اهل سنت فراوان می باشد که به بعضی از آنها اشاره می شود:

«اسحاق بن محمد الفروي، ثنا: عبدالرحمن بن أبي الموال القرشي، وأخبرني محمد، قال رسول الله(صلى الله عليه وآلـه): ستة لعنتهم لعنهم الله وكل بنى مجاب المكذب بقدر الله، والزائد في كتاب الله، والمسلط بالجبروت يذل من أعز الله ويعز من أذل الله، والمستحل لحرم الله، والمستحل من عترتي ما حرم الله، والتارك لستتي، قد إحتاج البخاري بعد الرحمن بن أبي الموال، وهذا حديث صحيح الإسناد، ولا أعرف له علة، ولم يخرجاه». (الحاكم النسيابورى، المستدرک، ج 1، ص 36، ح 102)

«حدثنا: عبدالله بن جعفر الفارسي، ثنا: يعقوب بن سفيان، ثنا: إسحاق بن محمد الفروي، ثنا: عبدالرحمن بن أبي الموال، عن عبدالله بن موهب، عن أبي بكر بن محمد بن عمرو بن حزم، عن عمرة، عن عائشة قالت: قال رسول الله(صلى الله عليه وآلـه): ستة لعنتهم لعنهم الله وكل نبى مجاب، المكذب بقدر الله، والزائد في كتاب الله، والمسلط بالجبروت ليذل ما أعز الله ويعز ما أذل الله، والمستحل لحرم الله، والمستحل من عترتي ما حرم الله، والتارك لستتي». (المستدرک، ج 4، ص 90، ح 7011)

«عن عائشة: أن رسول الله(صلى الله عليه وآلـه) قال: ستة لعنتهم ولعنة الله وكل نبي مجاب: الزائد في كتاب الله عزوجل، والمكذب بقدر الله عزوجل، والمستحل حرمة الله، والمستحل من عترتي ما حرم الله، والتارك السنّة». (الهيثمي، مجمع الزوائد، ج 1، ص 176)

«وعن عائشة: أن رسول الله(صلى الله عليه وآلـه) قال: ستة لعنتهم وكل نبي مجاب، الزائد في كتاب الله، والمكذب بقدر الله، والمستحل لمحارم الله، والمستحل من عترتي ما حرم الله، وتارك السنّة». (الهيثمي، مجمع الزوائد، ج 7، ص 205)

«حدثنا محمد بن بشار، حدثنا ابن أبي عدى وسهل بن يوسف، عن سعيد، عن قتادة، عن أنس: أن النبي(صلى الله عليه وآلـه) أتاه رجل وذكوان وعصيّة وبنو لحيان فزعموه أنهم قد أسلموا واستمدوا على قومهم فأمدهم النبي(صلى الله عليه وآلـه) بسبعين من الأنصار، قال أنس: كنا نسميه القراء يخطبون بالنهار ويصلون بالليل فإنطلقا بهم حتى بلغوا بئر معونة غدوا بهم وقتلواهم، ففنت شهراً يدعى على رعل وذكوان وبني لحيان، قال قتادة: وحدثنا أنس أنهم قرءوا بهم قرآنًا ألا بلغوا عنا قومنا بأننا قد لقينا ربنا فرضى عنا وأرضانا ثم رفع ذلك بعد؟» (صحيف البخاري، الجهاد والسير، ح 2836)

«عن أنس بن مالك، أن النبي(صلى الله عليه وآلـه) قنت شهراً يلعن رعلاً وذكوان وعصيّة عصوا الله ورسوله، وحدثنا عمرو الناقد، حدثنا الأسود بن عامر، أخبرنا شعبة، عن موسى بن أنس، عن أنس، عن النبي(صلى الله عليه وآلـه) ينحوه». (صحيف مسلم، ح 1091)

«عن عمرو بن عبسة السلمي قال: كان رسول الله(صلى الله عليه وآلـه) يعرض الخيل وعنه عينه بن بدر الفزارى فقال رسول الله(صلى الله عليه وآلـه): أنا أعلم بالخيل منك، فقال عينه: وأنا أعلم بالرجال منك، فقال رسول الله(صلى الله عليه وآلـه) فمن خير الرجال؟ قال: رجال يحملون سيفهم على عاتقهم ورماحهم على مناسج خيولهم من رجال نجد، فقال رسول الله(صلى الله عليه وآلـه): كذبت بل خير رجال اليمين، والإيمان يمان إلى لخم وجذام وماكول حمير خير من أكلها، وحضر موته من بنى الحارت، والله ما أبالي لو هلك الحارتان جميعاً، لعن الله الملوك الأربع جمداً، ومحوساً، وأبغضاً، وأختهم العمردة، ثم قال: أمرني ربى أن لعن قريشاً مرتين فلعنتمهم، وأمرني أن أصلى عليهم فصليت عليهم مرتين، ثم قال: لعن الله تميم بن مرءة خمساً وبكر بن وائل سبعاً، ولعن الله قبيلتين من قبائل بنى تميم مقاعس وملادس ثم قال: عصيّة عصت الله ورسوله عبد قيس، وجعدة، وعصمة ثم قال: أسلم وغفار ومزينة وأحلافهم من جهينه خير من بنى أسد وتميم وغطفان وهوزان عند يوم القيمة، ثم قال: شر قبيلتين في العرب نجران وبنو تغلب، وأكثر القبائل في الجنة مذحج». (الحاكم النيسابوري، المستدرک، ح 6979)

«عن أنس أن رسول الله(صلى الله عليه وآلـه) قنت شهرأ قال: شعبـة، لعـن رـجالـاً، وـقال: هـشـام يـدـعـو عـلـى أـحـيـاء مـن أـحـيـاء الـعـربـ، ثـمـ تـرـكـهـ بـعـدـ الرـكـوعـ. هـذـا قـولـ هـشـامـ وـقـالـ: شـعـبـةـ، عـنـ قـتـادـةـ، عـنـ أـنـ أـنـ النـبـيـ(صـلـىـ اللـهـ عـلـيـهـ وـآلـهـ) قـنـتـ شـهـرـأـ يـلـعـنـ رـعـلاـ وـذـكـواـنـ وـلـحـيـانـ». (سنـنـ النـسـائـيـ، صـ 203، حـ 1067)

«... أبو سفيان بن حرب وأشياعه من بنى أمية، الملعونين في كتاب الله، ثم الملعونين على لسان رسول الله في عدة مواطن، وعدة مواضع، لماضي علم الله فيهم وفي أمرهم، ونفاقهم وكفر أحلامهم، فحارب مجاهداً، ودافع مكافداً، وأقام منابداً حتى قهره السيف، وعلا أمر الله وهم كارهون، فقتول بالإسلام غير منظوظ عليه، وأسر الكفر غير مقلع عنه، فعرفه بذلك رسول الله(صـلـىـ اللـهـ عـلـيـهـ وـآلـهـ) والـمـسـلـمـونـ، ومـيـزـ لهـ المؤـلـفـةـ قـلـوبـهـمـ، فـقـبـلـهـ وـلـدـهـ عـلـىـ عـلـمـ مـنـهـ، فـمـمـاـ لـعـنـهـ اللـهـ بـهـ بـعـدـ عـلـىـ لـسـانـ نـبـيـهـ(صـلـىـ اللـهـ عـلـيـهـ وـآلـهـ)، وـأـنـزـلـ بـهـ كـتـابـأـ قـوـلـهـ: وـالـشـجـرـةـ الـمـلـعـونـةـ فـيـ الـقـرـآنـ وـنـخـوـفـهـمـ فـمـاـ يـزـيـدـهـمـ إـلـاـ طـغـيـانـاـ كـبـيرـاـ، وـلـاـ إـخـتـلـافـ بـيـنـ أـحـدـ أـنـهـ أـرـادـ بـهـ بـنـىـ أـمـيـةـ ...

اللهـمـ العـنـ أـبـاـ سـفـيـانـ بـنـ حـربـ، وـمـعـاوـيـةـ إـبـنـهـ، وـبـيـزـيدـ بـنـ مـعـاوـيـةـ، وـمـرـوانـ بـنـ الـحـكـمـ وـوـلـدـهـ، اللـهـمـ العـنـ أـئـمـةـ الـكـفـرـ، وـقـادـةـ الـضـلـالـةـ، وـأـعـدـاءـ الـدـيـنـ، وـمـجـاهـدـيـ الرـسـوـلـ، وـمـغـيـرـيـ الـأـحـكـامـ، وـمـبـدـلـيـ الـكـتـابـ، وـسـفـاكـيـ الدـمـ الـحـرـامـ». (تـارـيـخـ طـبـرـيـ، صـ 185 وـ 189)

«ورأـيـ النـبـيـ(صـلـىـ اللـهـ عـلـيـهـ وـآلـهـ) أـبـاـ سـفـيـانـ مـقـبـلـاـ وـمـعـاوـيـةـ يـقـودـهـ وـبـيـزـيدـ أـخـوـ مـعـاوـيـةـ يـسـوقـ بـهـ فـقـالـ: لـعـنـ اللـهـ الـقـائـدـ وـالـراـكـبـ وـالـسـائـقـ، وـقـدـ روـيـ: أـنـ أـبـاـ سـفـيـانـ قـالـ: يـاـ بـنـيـ عـبـدـ مـنـافـ تـلـقـفـوـهـاـ تـلـقـفـوـهـاـ تـلـقـفـ الـكـرـةـ فـمـاـ هـنـاكـ جـنـةـ وـلـاـ نـارـ». (تـارـيـخـ اـبـيـ الـفـداءـ، اـحـدـاثـ سـنـةـ مـئـيـنـ وـثـلـاثـةـ وـثـمـانـونـ)

«عـنـ سـعـيـدـ بـنـ جـمـهـاـنـ، عـنـ سـفـيـنـةـ: أـنـ النـبـيـ(صـلـىـ اللـهـ عـلـيـهـ وـآلـهـ) كـانـ جـالـسـاـ فـمـرـ جـلـ عـلـىـ بـعـيرـ وـبـيـنـ يـدـيهـ قـائـدـ وـخـلـفـهـ سـائـقـ، فـقـالـ: لـعـنـ اللـهـ الـقـائـدـ وـالـسـائـقـ وـالـراـكـبـ». (مسـنـدـ الـبـازـ، الـبـحـرـ الـزـحـارـ، ماـ اـسـنـدـ سـفـيـنـةـ)

«وـعـنـ سـفـيـنـةـ: أـنـ النـبـيـ(صـلـىـ اللـهـ عـلـيـهـ وـآلـهـ) كـانـ جـالـسـاـ فـمـرـ جـلـ عـلـىـ بـعـيرـ وـبـيـنـ يـدـيهـ قـائـدـ وـخـلـفـهـ سـائـقـ، فـقـالـ: لـعـنـ اللـهـ الـقـائـدـ وـالـسـائـقـ وـالـراـكـبـ». (الـهـيـشـمـيـ، مـجـمـعـ الزـوـاـدـ، جـ 1، صـ 113)

«وـمـنـهـ قـولـ الرـسـوـلـ(صـلـىـ اللـهـ عـلـيـهـ وـآلـهـ): وـقـدـ رـآـهـ مـقـبـلـاـ عـلـىـ حـمـارـ وـمـعـاوـيـةـ يـقـودـ بـهـ وـبـيـزـيدـ إـبـنـهـ يـسـوقـ بـهـ: لـعـنـ اللـهـ الـقـائـدـ وـالـراـكـبـ وـالـسـائـقـ». (تـارـيـخـ طـبـرـيـ، جـ 8، صـ 185)

«عـنـ الـبـرـاءـ بـنـ عـازـبـ قـالـ: أـقـبـلـ أـبـوـ سـفـيـانـ وـمـعـهـ مـعـاوـيـةـ؟، فـقـالـ رـسـوـلـ اللـهـ(صـلـىـ اللـهـ عـلـيـهـ وـآلـهـ): اللـهـمـ العـنـ التـابـعـ وـالـمـتـبـعـ، اللـهـمـ عـلـيـكـ بـالـأـقـيـعـسـ، فـقـالـ إـبـنـ الـبـرـاءـ لـأـبـيـهـ: مـنـ الـأـقـيـعـسـ؟، قـالـ: مـعـاوـيـةـ». (ابـنـ مـزاـحـمـ المنـقـرـيـ، وـقـعـةـ صـفـيـنـ، صـ 217)

«قال: وخرج من فج فنظر رسول الله إلى أبي سفيان وهو راكب ومعاوية وأخوه، أحدهما قائد والآخر سائق، فلما نظر إليهم رسول الله(صلى الله عليه وآلها) قال: اللهم العن القائد والسايق والراكب، قلنا: أنت سمعت رسول الله(صلى الله عليه وآلها)؟، قال: نعم وإلا فصمتا أذناني، كما عميتا عيني». (وقة صفين،

ص 220

«عن عمرو بن عبسه السلمى قال: كان رسول الله(صلى الله عليه وآلها) يعرض يوماً خيلاً وعنه عبيña بن حصن بن بدر الفزارى، فقال له رسول الله(صلى الله عليه وآلها): أنا أفرس بالخيل منك فقال عبيña وأنا أفرس بالرجال منك فقال له النبي صلى الله عليه وسلم وكيف ذاك قال خير الرجال رجال يحملون سيفهم على عواتقهم جاعلين رماحهم على مناسج خيولهم لابسو البرود من أهل نجد فقال رسول الله(صلى الله عليه وآلها): كذبت بل خير الرجال رجال أهل اليمان والإيمان يمان إلى لخم وجذام وعاملة وأماؤل حمير خير من أكلها وحضرموت خير من بنى الحارث وقبيلة خير من قبيلة وقبيلة شر من قبيلة والله ما أبالي أن يهلك الحارثان كلهم لعن الله الملوك الأربع: جمداء ومخوساء وشرخاء وأبغضه وأختهم العمردة، ثم قال: أمرني ربى عز وجل أن أعن قريشاً مرتين فلعنهم، وأمرني أن أصلى عليهم فصليت عليهم مرتين ثم قال عصية عصت الله ورسوله غير قيس وجعدة وعصية ثم قال لأسلم وغفار ومزينة وأخلاقتهم من جهينة خير من بنى أسد وتميم وغطفان وهوازن عند الله عز وجل يوم القيمة، ثم قال شر قبيلتين في العرب نجران وبنو تغلب وأكثر القبائل في الجنة مذحج وأماؤل، قال: أبو المغيرة: قال صفوان: حمير حمير خير من أكلها قال: من مضى خير من بقى». (مسند احمد بن حنبل، ح 18628

«فقال رسول الله(صلى الله عليه وآلها): كذبت، بل خير الرجال رجال أهل اليمان والإيمان يمان إلى لخم وجذام وعاملة، وأماؤل حمير خير من أكلها، وحضرموت خير من بنى الحارث، وقبيلة خير من قبيلة، وقبيلة شر من قبيلة، والله لا أبالي أن يهلك الحارثان كلهم، لعن الله الملوك الأربع: جمداء ومخوساء وشرخاء وأبغضه وأختهم العمردة، ثم قال: أمرني ربى عز وجل أن أعن قريشاً فلعنهم، وأمرني أن أصلى عليهم مرتين فصليت عليهم مرتين». (الهيثمى، مجمع الزوائد، ج 10، ح 43)

«... ونزل فيه أيضاً: ويؤثرون على أنفسهم ولو كان بهم خاصصة، سبحانه الله أسامه أحب إلى رسول الله من نفسه؟ وقد سمع مراراً تأكيد رسول الله له أن يزحف بجيشه إلى مؤتة، حتى قال: صلوات الله عليه: لعن الله من تخلف عن جيش أسامه، فتعلل ولم يزل، عن عسكره حتى توفي رسول الله(صلى الله عليه وآلها) وصار غرض رسول الله(صلى الله عليه وآلها) من هذا البعض منقوضاً!! سبحانه الله أسامه أحب إلى

رسول الله من نفسه؟ وقد سمع مراراً تأكيد رسول الله له أن يزحف بجيشه إلى مؤتة حتى قال (صلى الله عليه وآلـهـ): لعن الله من تخلف عن جيش أسماء، فتعلل ولم يزل، عن عسكره حتى توفي رسول الله (صلى الله عليه وآلـهـ) وصار غرض رسول الله من هذا البعث منقوضاً!!». (الحاكم الحسكتاني، شواهد التنزيل، ج 1، ص 338)

«عن أنس، عن النبي (صلى الله عليه وآلـهـ) قال: المدينة حرم من كذا إلى كذا لا يقطع شجرها ولا يحدث فيها حدث من أحدث حدثاً فعليه لعنة الله والملائكة والناس أجمعين». (صحيفـ بخارـيـ، ح 1734)

«حدثنا عاصم قال: قلت لأنس بن مالك أحرم رسول الله (صلى الله عليه وآلـهـ) المدينة قال: نعم ما بين كذا إلى كذا فمن أحدث فيها حدثاً قال: ثم قال لى هذه شديدة من أحدث فيها حدثاً فعليه لعنة الله والملائكة والناس أجمعين لا يقبل الله منه يوم القيمة صرفاً ولا عدلاً، قال: فقال: ابن أنس أو آوى محدثاً». (صحيفـ مسلمـ، ح 2429)

«عن إبراهيم التيمي، عن أبيه، عن علي قال: ما عندنا شيء إلا كتاب الله تعالى وهذه الصحيفة، عن النبي (صلى الله عليه وآلـهـ) المدينة حرام ما بين عائر إلى ثور من أحدث فيها حدثاً أو آوى محدثاً فعليه لعنة الله والملائكة والناس أجمعين لا يقبل منه عدل ولا صرف وقال: ذمة المسلمين واحدة فمن أخفر مسلماً فعليه لعنة الله والملائكة والناس أجمعين لا يقبل منه صرف ولا عدل، ومن تولى قوماً بغير إذن مواليه فعليه لعنة الله والملائكة والناس أجمعين لا يقبل الله منه صرفاً ولا عدلاً». (مسند احمد، ح 936)  
«وللبخاري عنه: أن النبي (صلى الله عليه وآلـهـ) قال: المدينة حرم من كذا إلى كذا لا يقطع شجرها ولا يحدث فيها حدث، من أحدث فيها حدثاً فعليه لعنة الله والملائكة والناس أجمعين. (تيل الاوطار، الشوكاني، ج 5، ص 101)

ولمسلم، عن عاصم الأحول قال: سألت أنساً أحرم رسول الله (صلى الله عليه وآلـهـ) المدينة؟ قال: نعم هي حرام، ولا يختلي خلاها، فمن فعل ذلك فعليه لعنة الله والملائكة والناس أجمعين». (الشوكاني، نيل الاوطار، ج 5، ص 101)

«عن أنس بن مالك: أن النبي (صلى الله عليه وآلـهـ)، قال: إن المدينة حرم آمن من كذا إلى كذا لا يقطع شجرها، ولا يحدث فيها حدث فمن أحدث فيها حدثاً فعليه لعنة الله والملائكة والناس أجمعين لا يقبل منه صرف ولا عدل، رواه البخاري في الصحيح، عن عارم». (سنن الكبرى، ج 5، ص 197)

«المدينة حرم من كذا إلى كذا، لا يقطع شجرها ولا يحدث فيها حدث، من أحدث فيها حدثاً أو آوى محدثاً فعليه لعنة الله والملائكة والناس أجمعين، لا يقبل الله منه يوم القيمة صرفاً ولا عدلاً». (المتقى الهندي، كنز العمال)

«المدينه حرم ما بين عيرالي ثور فمن احدث فيها حدثاً او آوى محدثاً فعليه لعنة الله والملائكة والناس اجمعين لا يقبل الله منه يوم القيمة صرفاً ولا عدلاً، وذمة المسلمين واحدة يسعى بها أدناهم، فمن أخفر مسلماً فعليه لعنة الله والملائكة والناس أجمعين، لا يقبل الله منه يوم القيمة صرفاً ولا عدلاً، ومن أدعى إلى غير أبيه أو إنتسى إلى غير مواليه فعليه لعنة الله والملائكة والناس أجمعين، لا يقبل الله منه يوم القيمة صرفاً ولا عدلاً». (المتقى الهندي، كنز العمال، ج 12، ص 231)

«عن أنس، أن النبي (صلى الله عليه وآله) قال: المدينة حرام، من كذا إلى كذا، لا يقطع شجرها، ولا يحدث فيها حدث، من أحدث فيها حدثاً فعليه لعنة الله والملائكة والناس أجمعين». (محى الدين النووي، المجموع، ج 7، ص 476)

روى البخاري، عن أنس أن النبي قال: المدينة حرم، من كذا إلى كذا، لا يقطع شجرها، ولا يحدث فيها حدث، من أحدث فيها حدثاً فعليه لعنة الله والملائكة والناس أجمعين». (فقه السنة، ج 1، ص 690)  
«عن عبدالله بن عمرو قال: كنا جلوساً عند النبي (صلى الله عليه وآله) وقد ذهب عمرو بن العاص يلبس ثيابه ليتحققني، فقال: ونحن عنده ليدخلن عليكم رجل لعين، فوالله ما زلت وجلاً أتشوف داخلاً وخارجأ حتى دخل فلان يعني الحكم». (مسند احمد، ح 6233)

«عن عبدالله بن عمرو، قال: كنت عند رسول الله (صلى الله عليه وآله) فبينما نحن عنده إذ قال: ليدخلن عليكم رجل لعين، وكنت تركت عمرو بن العاص يلبس ثيابه ليتحققني، فما زلت انظر وأخاف حتى دخل الحكم بن أبي العاص، وهذا الحديث لا نعلم به يروى بهذا اللفظ إلا عن عبدالله بن عمرو بهذا الاسناد». (مسند البزار، حديث عبدالله بن عمرو بن العاص)

«وعن عبدالله بن عمرو قال: كنا جلوساً عند النبي (صلى الله عليه وآله) وقد ذهب عمرو ابن العاص يلبس ثيابه ليتحققني، فقال: ونحن عنده ليدخلن عليكم رجل لعين، فوالله ما زلت وجلاً أتشوف خارجاً وداخلاً حتى دخل فلان يعني الحكم». (مجمع الزوائد، ج 1، ص 112)

وعنه قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): ليطلعن عليكم رجل يبعث يوم القيمة على غير سنتى، أو على غير ملتي وكانت تركت أبي في المنزل فخففت أن يكون هو فأطلع رجل غيره، فقال رسول الله (صلى الله عليه وآله) هو هذا». (مجمع الزوائد، ج 1، ص 112)

«وعن عبد الله بن عمرو قال: كنا جلوساً عند النبي (صلى الله عليه وآله) وقد ذهب عمرو بن العاص يلبس ثيابه ليتحققني، فقال ونحن عنده: ليدخلن عليكم رجل لعين فوالله ما زلت وجلاً أتشوف خارجاً وداخلاً حتى دخل فلان يعني الحكم، رواه أحمد والبزار إلا أنه قال: دخل الحكم بن أبي العاص». (مجمع الزوائد، ج 5، ح 241)

«عن عبد الله بن الزبير، أنه قال: وهو على المنبر: ورب هذا البيت الحرام، والبلد الحرام إن الحكم بن أبي العاص وولده ملعونون على لسان رسول الله (صلى الله عليه وآله)». (الطبراني، معجم الكبير)  
«عن عبد الله بن الزبير قال: وهو على المنبر: ورب هذا البيت الحرام، والبلد الحرام، إن الحكم بن أبي العاص وولده ملعونون على لسان رسول الله (صلى الله عليه وآله)». (الفاكهي، أخبار مكه، ذكر من لم ير باساً)

«أخبرنا: أبوالقاسم بن الحصين، أنا: أبو على بن المذهب لفظاً، أنا: أبوبكر بن مالك، نا: عبد الله بن أحمد، حدثني أبي، نا: ابن نمير، نا: عثمان بن حكيم، عن أبي إمامه ابن سهل بن حنيف، عن عبد الله بن عمرو قال: كنا جلوساً عند النبي (صلى الله عليه وآله) وقد ذهب عمرو بن العاص يلبس ثيابه ليتحققني، فقال: ونحن عنده ليدخلن عليكم رجل لعين، فوالله ما زلت وجلاً أتشوف داخلاً وخارجياً حتى دخل فلان يعني الحكم».

و عن أبي الحسين بن الأبنوسى: أنا: أبوبكر بن بيرى قراءة، قالا: نا: محمد بن اسماعيل، أنا: ابن أبي خيشهما، نا: عبدالرحمن بن صالح الأزدي، نا: عمرو بن هاشم الحسنى، عن اسماعيل بن أبي خالد، عن عامر قال: سمعت عبد الله بن الزبير وهو مسند ظهره إلى الكعبه، وهو يقول: ورب هذا البيت الحرام إن الحكم بن أبي العاص وولده ملعونون على لسان رسول الله (صلى الله عليه وآله)». (ابن عساكر، تاريخ مدینه دمشق، ج 57 - 270)

«عن مسروق قال: قالت لى عائشة: أنى رأيتني على تل وحولى بقر تنحر فقلت لها: لتن صدق رؤياك لتكونن حولك ملحمة قالت: أعود بالله من شرك بشئ ما قلت: فقلت لها: فعلله أن كان أمر أسيسوء ك فقالت: والله لتن آخر من السماء أحب إلى: من أَنْ أَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَمَا كَانَ بَعْدَ ذَكْرِ عَنْهَا أَنْ عَلِيًّا قُتِلَ ذَلِكَ الشَّدِيدَةَ فَقَالَتْ لِي: إِذَا أَنْتَ قَدَّمْتَ الْكُوفَةَ فَإِكْتَبْ لِي نَاسًا مِنْ شَهِدَ ذَلِكَ مَنْ تَعْرَفَ مِنْ أَهْلِ الْبَلْدِ فَلَمَا قَدَّمْتَ وَجَدْتَ النَّاسَ أَشْيَاعًا فَكَتَبْ لَهَا مِنْ كُلِّ شَيْعَةِ عَشَرَةَ مِنْ شَهِدَ ذَلِكَ قَالَ: فَأَتَيْتَهَا بِشَهَادَتِهِمْ فَقَالَتْ: لَعْنَ اللَّهِ عَمْرُو بْنَ الْعَاصِ فَإِنَّهُ زَعَمَ لِي إِنَّهُ قُتِلَ بِمَصْرَ». (مستدرک الحاکم، کتاب معرفة الصحابة، ح 6744)

«وفي كتاب صفين أيضاً للمدائني، عن مسروق، أن عائشة قالت له لما عرفت أن علياً(عليه السلام) قتل ذا الثديَّة: لعن الله عمرو بن العاص ! فإنه كتب إلى يخبرني أنه قتله بالإسكندرية، إلا أنه ليس يمنعني ما في نفسي أن أقول ما سمعته من رسول الله(صلى الله عليه وآلها)، يقول: يقتله خير أمتي من بعدي». (ابن أبي الحديد، شرح نهج البلاغة، ج 2، ص 268)

«عن سليمان بن عمرو بن الأحوص، قال: أخبرني رب هذه الدار أبو هلال، قال: أسمعت أبا بزءاً، قال: كنا مع رسول الله(صلى الله عليه وآلها) في سفر فسمع رجلين يتغنىان وأحدهما يجيب الآخر وهو يقول: لا يزال حواري تلوح عظامه \*\*\* زوى الحرب عنه أن يجن فيقبرا فقال النبي(صلى الله عليه وآلها): إنظروا من هما قال: فقالوا: فلان وفلان، قال: فقال النبي(صلى الله عليه وآلها): اللهم إركسهما ركساً ودعهما إلى النار دعا». (مسند احمد بن حنبل، ح 18944)  
«عن ابن عباس، قال: سمع رسول الله(صلى الله عليه وآلها) صوت رجلين وهما يقولان: ولا يزال حواري تلوح عظامه \*\*\* زوى الحرب عنه أن يجن فيقبرا  
فسائل عنهم، فقيل: معاوية وعمرو بن العاص، فقال: اللهم إركسهما في الفتنة ركساً ودعهما إلى النار دعا». (المعجم الكبير، الطبراني)

«عن المطلب بن ربيعة قال: بينما رسول الله(صلى الله عليه وآلها) في بعض أسفاره يسير في بعض الليل إذ سمع صوت غناء، فقال: ما هذا؟، فنظر فإذا رجل يطارح رجلاً للغناء:  
لا يزال حواري تلوح عظامه \*\*\* زوى الحرب عنه أن يجن فيقبرا  
قال: اللهم إركسهما في الفتنة ركساً، ودعهما في نار جهنم دعا، لم يرو هذا الحديث، عن نصير بن الأشعث إلا عمرو بن عبد الغفار». (الطبراني، المعجم الأوسط، باب العين)  
«قال أبو بكر: ثنا: محمد بن فضيل، فذكره وفيه: أنه سمع أبا بزرة الأسلمي، يحدث: أنهم كانوا مع رسول الله(صلى الله عليه وآلها) فسمعوا غناء، فتشوفوا له، فقام رجل فاستمع، وذكرا قبل أن يحرم الخمر، فأتاهم ثم رجع، فقال: هذا فلان وفلان وهما يتغنىان، يجيب أحدهما الآخر، وهو يقول:  
لا يزال حواري تلوح عظامه \*\*\* زوى الحرب عنه أن يجن فيقبرا  
فرفع رسول الله(صلى الله عليه وآلها) يديه، فقال: اللهم إركسهما في الفتنة ركساً، ودعهما إلى النار دعا».  
(ابن حجر، المطالب العالية، كتاب المناقب)

«عن عمرو بن الأحوص، قال: حدثني: أبو هلال، عن أبي بزء، قال: كنا مع النبي (صلى الله عليه وآلها) في سفر، فسمع رجلين يتغنىان وأحدهما يقول لصاحبه:

## فرازهایی از زیارت عاشورا در کتاب و سنت

يزال حوار ما تزول عظامه \*\*\* زوى الحرب عنه أَن يجن فيقبرا  
قال رسول الله (صلى الله عليه وآلـهـ): من هذا؟، قال: فقيل له فلان وفلان، قال: فقال: اللهم إركسهما في  
الفتنـة ركـساـ، ودعـهـماـ فيـ التـارـ دـعاـ، حدـثـناـ: أـبـوـ بـكـرـ بـنـ أـبـيـ شـيـءـ ، حدـثـناـ: مـحـمـدـ بـنـ فـضـيلـ، عنـ يـزـيدـ بـنـ  
أـبـيـ زـيـادـ، عنـ سـلـيـمـانـ بـنـ عـمـروـ بـنـ الـأـحـوـصـ، قال: حدـثـنـيـ: ربـ هـذـهـ الدـارـ أـبـوـ هـلـلـ آـنـهـ، سـمعـ أـبـاـ بـرـزـةـ  
الـأـسـلـمـيـ، يـحـدـثـ أـنـهـمـ كـانـوـاـ مـعـ رـسـوـلـ اللـهـ (صـلـيـ اللـهـ عـلـيـهـ وـآلـهـ)، فـسـمـعـوـاـ غـنـاءـ فـتـشـوـفـوـاـ لـهـ، فـقـامـ رـجـلـ  
فـإـسـتـمـعـ، وـذـلـكـ قـبـلـ أـنـ تـحرـمـ الـخـمـرـ، فـأـتـاهـمـ، ثـمـ رـجـعـ، فـقـالـ: هـذـاـ فـلـانـ وـفـلـانـ ، وـهـمـاـ يـتـغـنـيـانـ يـجـبـ  
أـحـدـهـمـاـ الـآـخـرـ، وـهـوـ يـقـولـ، فـذـكـرـ نـحـوهـ». (مسند أـبـيـ يـعـلـىـ الـمـوـصـلـيـ، حـدـيـثـ أـبـيـ بـرـزـهـ الـأـسـلـمـيـ)  
«عنـ زـيـدـ بـنـ أـسـلـمـ، عنـ أـبـيـهـ، عنـ شـقـرـانـ قـالـ: كـانـ مـعـ النـبـيـ(صـلـيـ اللـهـ عـلـيـهـ وـآلـهـ) فـسـمـعـ قـائـلـاـ يـقـولـ:  
لاـ يـزـالـ حـوـارـيـ تـلـوحـ عـظـامـه~ \*\*\* زـوىـ الحـرـبـ عـنـهـ أـنـ يـخـنـ فيـقـبـرـاـ  
فـقـالـ النـبـيـ(صـلـيـ اللـهـ عـلـيـهـ وـآلـهـ) مـنـ هـذـاـ فـقـلـتـ: هـذـاـ مـعـاوـيـةـ بـنـ التـابـوتـ وـرـفـاعـةـ بـنـ عـمـروـ بـنـ التـابـوتـ، فـقـالـ  
الـنـبـيـ(صـلـيـ اللـهـ عـلـيـهـ وـآلـهـ): اللـهـمـ إـرـكـسـهـمـاـ فـيـ الـفـتـنـةـ رـكـساـ وـدـعـهـمـاـ إـلـىـ نـارـ جـهـنـمـ دـعاـ». (الـكـاملـ، جـ 4ـ  
صـ 4ـ)  
«عنـ أـبـيـ بـرـزـةـ قـالـ: كـانـ مـعـ النـبـيـ(صـلـيـ اللـهـ عـلـيـهـ وـآلـهـ) فـسـمـعـ صـوتـ غـنـاءـ فـقـالـ: إـنـظـرـوـاـ مـاـ هـذـاـ؟ـ فـصـعـدـتـ  
فـنـظـرـتـ فـإـذـاـ مـعـاوـيـةـ وـعـمـروـ بـنـ العـاصـ يـتـغـنـيـانـ فـجـئـتـ فـأـخـبـرـتـ نـبـيـ اللـهـ(صـلـيـ اللـهـ عـلـيـهـ وـآلـهـ)، فـقـالـ: اللـهـمـ  
إـرـكـسـهـمـاـ فـيـ الـفـتـنـةـ رـكـساـ، اللـهـمـ دـعـهـمـاـ إـلـىـ نـارـ دـعاـ». (ابـنـ الجـوزـيـ، الـمـوـضـوعـاتـ، جـ 2ـ، صـ 23ـ)  
«عنـ أـبـيـ بـرـزـةـ، قـالـ: تـقـنـىـ مـعـاوـيـةـ وـعـمـروـ بـنـ العـاصـ، فـقـالـ النـبـيـ(صـلـيـ اللـهـ عـلـيـهـ وـآلـهـ): اللـهـمـ إـرـكـسـهـمـاـ فـيـ  
الـفـتـنـةـ رـكـساـ، وـدـعـهـمـاـ فـيـ الـنـارـ دـعاـ». (ميـزانـ الـاعـدـالـ، جـ 4ـ، صـ 424ـ)  
«حدـثـنـاـ: أـبـيـ، أـسـعـتـ إـبـنـ رـاـهـوـيـهـ يـقـولـ: لـاـ يـصـحـ، عنـ النـبـيـ(صـلـيـ اللـهـ عـلـيـهـ وـآلـهـ) فـيـ فـضـلـ مـعـاوـيـةـ شـيـءـ،  
إـبـنـ فـضـيلـ: حدـثـنـاـ: يـزـيدـ بـنـ أـبـيـ زـيـادـ، عنـ سـلـيـمـانـ بـنـ عـمـروـ بـنـ الـأـحـوـصـ، عنـ أـبـيـ بـرـزـةـ، كـانـ مـعـ  
الـنـبـيـ(صـلـيـ اللـهـ عـلـيـهـ وـآلـهـ)، فـسـمـعـ صـوتـ غـنـاءـ، فـقـالـ: إـنـظـرـوـاـ مـاـ هـذـاـ؟ـ فـصـعـدـتـ فـنـظـرـتـ، فـإـذـاـ مـعـاوـيـةـ  
وـعـمـروـ بـنـ العـاصـ يـتـغـنـيـانـ، فـجـئـتـ فـأـخـبـرـتـهـ، فـقـالـ: اللـهـمـ العـنـهـمـاـ وـإـرـكـسـهـمـاـ فـيـ الـفـتـنـةـ رـكـساـ، وـدـعـهـمـاـ فـيـ  
الـنـارـ دـعاـ، هـذـاـ مـاـ أـنـكـرـ عـلـىـ يـزـيدـ». (الـذـهـبـيـ، سـيـرـ اـعـلـامـ النـبـلـاءـ، جـ 3ـ، صـ 132ـ)

گلوژه های زیارت عاشورا، بوی غربت و مظلومیت اهل بیت(علیهم السلام) را در طول تاریخ به مشام دل سوختگان می رساند، و اشک از دیدگان می فشاند. این واژگان روئیده از خون شهداء، ننگی است از ظلم اعدا، و داغی است گران از مظلومیت اهل ولا، که خون پاک شهیدان حسینی را از خاک ظلمت برافراشته و در قالب زیارتی سر تا سر همدردی و اظهار مودت با ایشان و عداوت با دشمنان خاندان نبوت، در تارک اعتقادات مسلمانان آزاده، برای همیشه درج نموده، از این رو مضامین و مفاهیم والای این زیارت شریفه در احادیث شیعه و سنی به وفور یافت می شود.

## ۱- حسن و حسین فرزندان رسول خدا می باشند

«السلام عليك يا بن رسول الله».

چگونه امام حسین(علیه السلام) فرزند رسول اکرم(صلی الله علیه وآلہ) خوانده می شود در حالی که ایشان فرزند دختر رسول الله(صلی الله علیه وآلہ) هستند و عرب معمولاً امتداد نسل و نسب را فقط از طرف اولاد ذکور می داند.

садات منسوب به پیامبر(صلی الله علیه وآلہ) هستند یا امیر المؤمنین(علیه السلام)؟  
چرا در بین شیعیان، سادات خود را متسب به پیامبر خدا(صلی الله علیه وآلہ) و از اولاد ایشان می دانند در حالی که شجره آنها در نهایت به حضرت

امیرالمؤمنین(علیه السلام) بر می گردد. بنابراین سادات از بستگان امیرالمؤمنین(علیه السلام) می باشند، نه از ذریه و نسل رسول الله(صلی الله علیه وآلہ)؟

برای پاسخ به این شبهه، ابتدا به نقل یک مناظره تاریخی بین امام موسی کاظم(علیه السلام) و هارون الرشید خواهیم پرداخت.

امام موسی کاظم(علیه السلام) می فرماید: روزی در مجلس هارون الرشید - خلیفه عباسی - وارد شدم. از من سؤالاتی را پرسید که یکی از آنها همین سؤال بود، چنین پاسخ دادم، خداوند در قرآن مجید می فرماید:

(وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلَّا هَدَيْنَا وَتُوحاً هَدَيْنَا مِنْ قَبْلٍ وَمِنْ ذُرْيَتِهِ دَاؤْدَ وَسَلِيمَانَ وَأَيُوبَ وَيَوْسُفَ وَمُوسَى وَهَارُونَ وَكَذِلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ \* وَزَكَرِيَا وَيَحْيَى وَعِيسَى وَإِلْيَاسَ كُلُّ مِنَ الصَّالِحِينَ<sup>۲۵۶</sup>) از این آیات نتیجه می شود: اولاد نوح و ابراهیم، داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس، همگی از صالحین اند. اما چون از برای عیسی مسیح پدری نبود، خدای تعالی او را از طریق حضرت مریم از ذرای انبیا قرار داد. همان طور نیز ما را از طرف مادرمان فاطمه(علیها السلام) از ذریه پیغمبر اسلام(صلی الله علیه وآلہ) قرار داده است.

این تفسیر را امام فخر رازی از علمای اهل تسنن در جلد چهارم تفسیر کبیر درباره همین آیه آورده است. او نیز حسن و حسین(علیهم السلام) را از طرف مادر، ذریه رسول الله(صلی الله علیه وآلہ) می داند.

و یکی دیگر از موارد آیه مباهله است.

در آیه شریفه: (فَمَنْ حَاجَكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِمَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنفُسَنَا وَأَنفُسَكُمْ ثُمَّ تَبَثِّهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةً اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ) <sup>۲۵۷</sup>; هر کس درباره عیسی با تو در مقام مجادله برآید، بعد از آن که با وحی خدا به احوال او آگاهی یافته، به آن ها بگو: بیایید بخوانیم پسرانمان و پسرانتان، زن هایمان و زن هایتان، و کسانی را که به منزله نفس ما هستند، و خودتان را، آنگاه با هم مباهله نماییم تا دروغگویان و کافران را به لعن و عذاب خدا گرفتار سازیم».

به دلیل آن که در وقت مباهله به جز علی بن ابی طالب، فاطمه، حسن و حسین(علیهم السلام) کس دیگری به همراه پیغمبر نبوده است لذا در این آیه مراد از «انفسنا» امیر المؤمنین علی(علیه السلام)، مراد از «نساءنا» فاطمه زهرا(علیها السلام) و مراد از «ابناءنا» حسن و حسین اند که خداوند آنان را پسران پیامبر خدا(صلی الله عليه وآلہ) نامیده است.

حال که به استناد آیه فوق، حسن و حسین فرزندان پیامبر خدا(صلی الله عليه وآلہ) می باشند پس معلوم می شود که جمیع سادات بنی فاطمه مفتخر به این افتخار بزرگ بوده و تماماً از ذرای پیامبر عظیم الشأن اسلام می باشند.

ابن ابی الحدید معتزلی در شرح نهج البلاغه<sup>۲۵۸</sup> و ابوبکر رازی در تفسیر آیه مباھله<sup>۲۵۹</sup>، با توجه به جمله «ابناءنا» به همین طریق استدلال می کنند که: همانطور که خداوند در قرآن مجید، عیسی مسیح را از طریق مادرش مریم از ذریه ابراهیم خوانده است، حسن و حسین(علیه السلام) از طرف مادرشان فاطمه(علیها السلام) پسران پیامبر خدا(صلی الله علیه وآلہ) می باشند.

«عن جابر عنه قال قال رسول الله(صلی الله علیه وآلہ): ان الله عزوجل جعل ذرية كل نبی فی صلبہ و ان الله تعالیٰ جعل ذریتی فی صلب علی بن ابی طالب<sup>۲۶۰</sup>؛ خداوند عزوجل ذریه هر پیغمبری را در صلب او قرار داد و ذریه مرا در صلب علی ابن ابی طالب قرار داد». «ابنای هذان ریحانتان، قاما او قعدا».<sup>۲۶۱</sup>

خطیب خوارزمی از پیامبر خدا(صلی الله علیه وآلہ) چنین نقل می کند: «این دو فرزندم حسن و حسین، ریحانه های من می باشند و هر دوی آنها امامند؛ خواه قائم به امر امامت باشند، خواه ساكت و نشسته».

---

۲۵۸- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 11، ص 26.

۲۵۹- تفسیر الرازی، ج 8، ص 82.

۲۶۰- معجم الكبير، ج 3، ص 2630؛ جامع الصغیر، ج 1، ص 262؛ کنز العمال، ج 11، ص 600.

۲۶۱- کنز العمال، ج 12، ص 112.

عمر بن الخطاب می گوید: «انی سمعت رسول الله(صلی الله علیه وآلہ) یقول کل حسب و نسب منقطع يوم القيمة ما خلا حسبي و نسبي وكل بنی اتشی عصبتهم لا بیهم ما خلا بنی فاطمة فانی انا ابوهم و انا عصبتهم»<sup>۲۶۲</sup>  
عمر بن الخطاب نقل می کنند که گفت: از پیامبر خدا(صلی الله علیه وآلہ)شنبیدم که فرمود: «هر حسب و نسبی به جز حسب و نسب من در روز قیامت منقطع است».

## 2- امام حسین(علیه السلام) فرزند امیرالمؤمنین و سیدالوصیین است «السلام عليك يابن اميرالمؤمنین وابن سیدالوصیین».

در این خصوص آنچه را حموینی شافعی در کتابش به نام فرائد السلطین آورده است نقل می کنیم: ابن عباس می گوید که پیامبر(صلی الله علیه وآلہ)فرمود: «انا سید النبیین وعلی سیدالوصیین» همچنین ابو نعیم در کتاب حلیه الاولیاء روایتی را از انس بن مالک بدین معنی نقل می کند: «رسول اکرم(صلی الله علیه وآلہ) روزی فرمود اولین کسی که از این در وارد شود امیرمؤمنان، سید مسلمانان، و آخرین اوصیا است در این زمان علی(علیه السلام) از در وارد شد».

## 3- فاطمه زهراء سیده عالمین است «السلام عليك يابن فاطمة الزهراء سيدة نساء العالمين».

---

262- کنز الفواید، ص 167؛ السیدة فاطمة الزهراء، ص 61؛ افحام الاعداء والخصوم، ص 77.

بخارى و مسلم صاحب صحيح ترين صحاح ششگانه نزد اهل سنت اين  
حديث را از رسول اكرم(صلی الله عليه وآلہ وسلم) نقل می کند که فاطمه سیده النساء اين  
امت است.<sup>۲۶۳</sup>

---

٢٦٣- المنصف، ج ٧، ص ٥٢٧؛ السنن الكبرى، ج ٤، ص ٢٥٢؛ خصائص أمير المؤمنين، ص ١١٩ .  
«عن عائشة قالت: أقبلت فاطمة (عليها السلام) إليها تمشي مشيتها مشية النبي (صلی الله علیه وآلہ وسلم)، فقال النبي (صلی الله علیه وآلہ وسلم): مرحباً بابتي ثم اجلسها عن يمينه أو عن شماليه، ثم أسر إليها حديثاً فبكت فقلت لها: لم تبكين؟ ثم أسر إليها حديثاً فضحك فقلت: ما رأيت كال يوم فرحاً أقرب من حزن، فسألتها عما قال، فقالت: ما كنت لأفشي سر رسول الله (صلی الله علیه وآلہ وسلم) حتى قبض النبي (صلی الله علیه وآلہ وسلم) فسألتها، فقالت أسر إلى: جبريل كان يعارضني القرآن كل سنة مرة وإنه عارضني العام مرتين ولا أراه إلا حضر أجل وإنك أول أهل بيتي لحافاً بي فبكيت، فقال: أما ترضين أن تكوني سيدة نساء أهل الجنة أو نساء المؤمنين؟ فضحك لت ذلك». ( الصحيح البخاري في كتاب بدء الخلق في باب علامات النبوة في الإسلام، ج ٤، ص ١٨٣، ج ٦، ص ١٠١).

«عن عائشة... قالت: إننا كنا أزواجاً النبي (صلی الله علیه وآلہ وسلم) عنده جميعاً لم تغادر منا واحدة، فاقبليت فاطمة (عليها السلام) تمشي ما تخطي مشيتها من مشية رسول الله (صلی الله علیه وآلہ وسلم) فلما رآها رحب بها وقال: مرحباً بابنتي، ثم اجلسها عن يمينه أو عن شماليه ثم سارت فبكت بكاء شديداً، فلتراي حزنه سارها الثانية فإذا هي تضحك فقلت لها: أنا من بين نسائه خشك رسول الله (صلی الله علیه وآلہ وسلم) باسر، فلما توفى قلت لها: عزمت عليك لما أخبرتني؟ قالت: أما الآن فنعم، فأخبرتني قالت: أما حين سارني في الامر الاول فانه اخبرني إن جبريل كان يعارضه بالقرآن كل سنة مرة وإنه قد عارضني به العام مرتين ولا ارجي الاجل الا قد اقترب فاتقى الله واصبرى فاني نعم السلف انا لك قالت: فبكيت بكائي الذي رأيت، فلما رأى جزعى سارنى الثانية قال: يا فاطمة الا ترضين أن تكوني سيدة نساء المؤمنين أو سيدة نساء هذه الامة؟». ( الصحيح البخاري، في كتاب الاستئذان، في باب من ناجي بين يدي الناس، ج ٧، ص ١٤١)

«عن حذيفة قال: سألتني أمي متى عهدك؟ - تعنى بالنبي (صلی الله علیه وآلہ وسلم) - فقلت: ما لى به عهد منذ كذا وكذا فقلت مني فقلت لها: دعيني آتى النبي (صلی الله علیه وآلہ وسلم) فأصلى معه المغرب حتى صلى العشاء ثم انقتل فتبعته فسمع صوتي فقال: من هذا حذيفة؟ قلت: نعم، وقال: وما

حاجتك غفر الله لك ولا مك؟ قال: إن هذا ملك لم ينزل الأرض قط قبل هذه الليلة استأذن ربه ان يسلم على ويبشرنى بأن فاطمة سيدة نساء أهل الجنـة وان الحسن والحسين سيدا شباب أهل الجنـة». (صحـح الترمذـى، ج 5، ص 226؛ ورواه الحاكم أيضـاً في مستدرـك الصـحـيـحـيـن، ج 3، ص 151) «عن عائشـة ان النـبـى (صـلـى الله عـلـيـه وآلـه وسـلـمـ) قال - هو في مرضـه الـذـى تـوـفـى فـيـه - يا فاطـمـة الـاتـرـضـيـن ان تـكـونـى سـيـدـة نـسـاء الـعـالـمـيـن وـسـيـدـة نـسـاء الـمـؤـمـنـيـن؟ قال: هـذـا اسـنـادـ صـحـحـ». (مستدرـك الصـحـيـحـيـن، ج 3، ص 156، صحـحـ مـسـلـمـ، ج 6، ص 1904 و 1905) «عن عمرـانـ بنـ حـصـينـ إـنـ النـبـى (صـلـى الله عـلـيـه وآلـه وسـلـمـ) قال: الا تـتـلـقـ بـنـا نـعـودـ فـاطـمـةـ فـانـهـاـ تـشـتـكـىـ؟ قـلـتـ: بـلـ، قـالـ: فـانـطـلـقـتـنـاـ حـتـىـ إـذـ اـنـتـهـيـنـاـ إـلـىـ بـابـهـاـ فـسـلـمـ وـاسـتـأـذـنـ فـقـالـ: اـذـخـلـ أـنـاـ وـمـنـ مـعـىـ؟ قـالـتـ نـعـمـ وـمـنـ مـعـكـ يـاـ اـبـتـاهـ. فـوـالـلـهـ مـاـ عـلـىـ إـلـآـ عـبـاـءـةـ فـقـالـ لـهـاـ: اـصـنـعـ بـهـاـ كـذـاـ وـاـصـنـعـ بـهـاـ كـذـاـ فـعـلـمـهـاـ كـيـفـ تـسـتـرـ، فـقـالـتـ: وـالـلـهـ مـاـ عـلـىـ رـأـسـيـ مـنـ خـمـارـ، قـالـ: فـأـخـذـ مـلـاـءـةـ كـانـتـ عـلـيـهـ فـقـالـ: اـخـتـمـرـ بـهـاـ، ثـمـ اـذـنـتـ لـهـمـاـ فـدـخـلـاـ، فـقـالـ: كـيـفـ تـجـدـيـنـكـ يـاـ بـنـيـهـ؟ قـالـتـ: إـنـىـ لـوـجـعـةـ وـإـنـهـ لـيـزـدـنـىـ اـنـهـ مـالـىـ طـعـامـ آـكـلـهـ، قـالـ: يـاـ بـنـيـهـ أـمـاـ تـرـضـيـنـ اـنـكـ سـيـدـةـ نـسـاءـ الـعـالـمـيـنـ؟ قـالـتـ: يـاـ أـبـتـ فـأـيـنـ مـرـيمـ اـبـنـهـ عـمـرـانـ؟ قـالـ: تـلـكـ سـيـدـةـ نـسـاءـ عـالـمـهـاـ وـأـنـتـ سـيـدـةـ نـسـاءـ عـالـمـكـ، أـمـاـ وـالـلـهـ زـوـجـتـكـ سـيـدـاـ فـيـ الدـنـيـاـ وـالـآـخـرـةـ». (حلـيـةـ الـأـوـلـيـاءـ لـابـيـ نـعـيمـ، ج 2، ص 42؛ وـروـاهـ الطـحاـوـيـ أـيـضاـ فيـ مشـكـلـ الـأـثـارـ، ج 1، ص 141) «عن جابرـ بنـ سـمـرةـ قـالـ: جاءـ نـبـىـ اللهـ (صـلـى اللهـ عـلـيـهـ وآلـهـ وسـلـمـ) فـجـلـسـ فـقـالـ: إـنـ فـاطـمـةـ وـجـعـةـ فـقـالـ: القومـ لوـ عـدـنـاهـاـ، فـقـامـ فـمـشـىـ حـتـىـ اـنـتـهـيـ إـلـىـ الـبـابـ عـلـيـهـاـ مـصـفـقـ قـالـ: فـنـادـىـ شـدـىـ ثـيـابـكـ فـانـ القـومـ جـاءـ يـعـدـونـكـ، فـقـالـتـ: يـاـ نـبـىـ اللهـ مـاـ عـلـىـ إـلـآـ عـبـاـءـةـ، قـالـ: فـاخـذـ رـدـاهـ فـرـمـىـ بـهـ إـلـيـهـاـ منـ وـرـاءـ الـبـابـ فـقـالـ: شـدـىـ بـهـذـاـ رـأـسـكـ، فـدـخـلـ وـدـخـلـ الـقـومـ فـقـعـدـ سـاعـةـ فـخـرـجـوـ، فـقـالـ القـومـ: تـالـلـهـ بـنـتـ نـبـيـنـاـ (صـلـى اللهـ عـلـيـهـ وآلـهـ وسـلـمـ) عـلـىـ هـذـاـ الـحـالـ، قـالـ: فـالـتـفـتـ فـقـالـ: أـمـاـ إـنـهـ سـيـدـةـ النـسـاءـ يـوـمـ الـقيـامـةـ؟». (حلـيـةـ الـأـوـلـيـاءـ، ج 2، ص 42) «عن أبي هـرـيـرـةـ قـالـ: اـبـطـأـ عـلـيـنـاـ رـسـوـلـ اللهـ (صـلـى اللهـ عـلـيـهـ وآلـهـ وسـلـمـ) يـوـمـاـ صـبـورـ النـهـارـ، فـلـمـاـ كـانـ العـشـىـ قـالـ لـهـ قـائـلـنـاـ: يـاـ رـسـوـلـ اللهـ قـدـ شـقـ عـلـيـنـاـ لـمـ يـرـكـ الـيـوـمـ، قـالـ: إـنـ مـلـكـاـ مـنـ السـمـاءـ لـمـ يـكـنـ زـارـنـىـ فـاسـتـأـذـنـ اللهـ فـيـ زـيـارـتـىـ فـأـخـبـرـنـىـ وـبـشـرـنـىـ أـنـ فـاطـمـةـ بـنـتـىـ سـيـدـةـ نـسـاءـ اـمـتـىـ وـأـنـ حـسـنـاـ وـحـسـيـنـاـ سـيـدـاـ شـبـابـ أـهـلـ الجنـةـ». (تـارـيـخـ مدـيـنـهـ دـمـشـقـ، ج 47، ص 481 و 482؛ المعـجمـ الـكـبـيرـ، ج 22، ص 417 و 418)

«عن عائـشـةـ إـنـ رـسـوـلـ اللهـ (صـلـى اللهـ عـلـيـهـ وآلـهـ وسـلـمـ) - فـيـ مـرـضـهـ الـذـىـ قـبـضـ فـيـهـ - قـالـ: يـاـ فـاطـمـةـ بـاـبـنـتـىـ أـحـنـىـ عـلـىـ فـاحـنـتـ عـلـيـهـ فـنـاجـاـهـاـ سـاعـةـ ثـمـ اـنـكـشـفـتـ عـنـهـ تـبـكـىـ وـعـائـشـةـ حـاضـرـةـ، ثـمـ قـالـ رـسـوـلـ اللهـ (صـلـى

الله عليه وآله وسلم) بعد ذلك ساعة احني على فأحنت عليه فناجاها ساعة ثم انكشفت عنه تضحك فقالت عائشة: يا بنت رسول الله أخبريني بماذا ناجاك أبوك؟ قالت: اوشكت رأيته ناجاني على حال سر ثم ظننت أنى أخبر بسره وهو حي، فشق ذلك على عائشة أن يكون سر دونها فلما قبضه الله إليه قالت عائشة لفاطمة(عليها السلام): ألا تخبريني ذلك الخبر؟ قالت: أما الآن فنعم، ناجاني في المرأة الاولى فأخبرني إن جبريل كان يعارضه القرآن في كل عام مرة وإنه عارضه القرآن العام مررتين وإنه أخبره إنه لم يكن نبي إلا عاش نصف عمر الذي كان قبله وإنه أخبرني أن عيسى عاش عشرين ومائة سنة ولا أراني إلا ذاهب على رأس الستين، فأبكياني ذلك، وقال: يا بنية إنه ليس من نساء المؤمنين اعظم رزية منك فلا تكوني أدنى من امرى صبراً، ثم ناجاني في المرأة الأخرى فأخبارني أنى أول أهله لحوقاً به، وقال: إنك سيدة نساء أهل الجنة، قال: اخرجه ابن عساكر». (المعجم الكبير، ج 22، ص 417 و 418؛ كنز العمال، ج 13، ص 676)

«عن عائشة قالت لفاطمة بنت رسول الله(صلى الله عليه وآله وسلم): ألا ابشرك إنى سمعت رسول الله(صلى الله عليه وآله وسلم) يقول: سيدات نساء أهل الجنة اربع مريم بنت عمران، وفاطمة بنت رسول الله(صلى الله عليه وآله وسلم) وخدیجہ بنت خویلد وآسیة». (مستدرک الصحيحین، ج 3، ص 205)

«عن على(عليه السلام) إن النبي(صلى الله عليه وآله وسلم) قال لفاطمة(عليها السلام): ألا ترضين أن تكوني سيدة نساء أهل الجنة وابنيك سيدا شباب أهل الجنة؟». (كنز العمال، ج 13، ص 290)  
«في كنز العمال ولفظه: أما ترضين انى زوجتك أول المسلمين إسلاماً، وأعلمهم علمأً، فانك سيدة نساء أمتي كما سادت مريم قومها، أما ترضين يا فاطمة؟ ان الله اطلع على أهل الارض فاختار منهم رجالين فجعل احدهما أباك والآخر بعلك، قال: اخرجه الحاكم والطبراني والخطيب». (كنز العمال، ج 11، ص 177؛ المعجم الكبير، ج 22، ص 416؛ كنز العمل، ج 11، ص 605، ح 32925)

«و عن ابن عباس عن النبي(صلى الله عليه وآله وسلم) قال: اربع نسوة سيدات عالمهن، مريم بنت عمران، وآسية بنت مزاحم، وخدیجہ بنت خویلد، وفاطمة بنت محمد(صلى الله عليه وآله وسلم)، وفضلهن عالماً فاطمة(عليها السلام)، قال: خرجه الحافظ الثقفى الاصبهانى، (أقول) وذكره السيوطى ايضاً فى الدر المنتشر فى ذيل تفسير قوله تعالى: (واذ قالت الملائكة يا مريم إن الله اصطفاك وطهرك واصطفاك على نساء العالمين) فى سورة آل عمران وقال: اخرجه ابن عساكر من طريق مقاتل عن

---

الضحاك عن ابن عباس عن النبي (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ). (ذخائر العقبى، ج 1، ص 44؛ كنز العمال، ج 12، ص 66)

«عن ابن عباس قال: خط رسول الله (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) أربعة خطوط، ثم قال: اتدرون ما هذا؟ قالوا: الله ورسوله أعلم، قال: إن أفضل نساء أهل الجنة خديجة بنت خويلد، وفاطمة بنت محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)، ومريم بنت عمران وأسيء بنت مزاحم (ال الحديث) قال: هذا حديث صحيح الأسناد».

(مستدرك الصحيحين، ج 3، ص 174 و 205)

«عن أبي هريرة - واللفظ يطابق الموضع الآخر - قال: قال رسول الله (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): خير نساء العالمين اربع، مريم بنت عمران، وأسيء بنت مزاحم، وخدية بنت خويلد، وفاطمة بنت محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)». (الاستيعاب، ج 4، ص 1821 و 1896؛ ذكره الهيثمي أيضاً في مجمعه، ج 9، ص 223)

«في كنز العمال ولفظه: خير رجالكم على وخير شبابكم الحسن والحسين وخير نسائكم فاطمة، قال: اخرجه ابن عساكر عن ابن مسعود». (كنز العمال، ج 12، ص 28 و 102، ح 34191؛ تاريخ بغداد، ج 4، ص 391؛ تاريخ مدینه دمشق، ج 14، ص 167؛ ينابيع المودة، ج 2، ص 275)

«في فيض القدير في المتن: خديجة خير نساء عالمها، ومريم خير نساء عالمها، وفاطمة خير نساء عالمها، قال: اخرجه الحارث بن أبيأسامة في مسنده عن عروة بن الزبيبر». (فيض القدير للمناوي، ج 3، ص 432)

«عن ثابت البناي يحدث عن أنس بن مالك إن رسول الله (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) قال: خير نساء العالمين اربع، مريم بنت عمران، وأسيء بنت مزاحم امرأة فرعون، وخدية بنت خويلد، وفاطمة بنت محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)». (تفسير ابن جرير، ج 3، ص 180)

«عن أنس بن النبي (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) قال: حسبك من نساء العالمين مريم ابنة عمران، وخدية بنت خويلد، وفاطمة بنت محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)، وأسيء امرأة فرعون». (رواوه الحاكم في مستدرك الصحيحين، ج 3، ص 157)

«عن قتادة قال: ذكر لنا أن نبي الله كان يقول: حسبك بمريم بنت عمران، وامرأة فرعون، وخدية بنت خويلد، وفاطمة بنت محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) من نساء العالمين». (تفسير ابن جرير الطبرى، ج 3، ص 357)

## ٤- شهادت امام حسین(علیه السلام) بزرگ ترین مصیبت «مصیبة ما اعظمها واعظم رزیتها فی الاسلام وفی جمیع اهل السماوات والارض».

معنی این جمله آن است که مصیبت شهادت حسین(علیه السلام) آنچنان بلای عظیم و بزرگی است که در اسلام و بر تمام اهل آسمان ها و اهل زمین بزرگ تر

---

«عن أبي موسى الاشعري قال: قال رسول الله(صلی الله علیه وآلہ وسلم): كمل من الرجال كثير ولم يكمل من النساء إلا مريم، وأسيء امرأة فرعون، وخدیجہ بنت خویلد، وفاطمة بنت محمد(صلی الله علیه وآلہ وسلم)». (تفسیر ابن حیران، ج ٣، ص ١٨٠)

«فى السيوطى فى الدر المنثور فى ذيل تفسير قوله تعالى: (واذ قالت الملائكة يا مريم إن الله اصطفاك وظهرك واصطفاك على نساء العالمين) فى سورة آل عمران قال: وأخرج ابن مردويه عن أنس قال: قال رسول الله(صلی الله علیه وآلہ وسلم): إن الله اصطفى على نساء العالمين أربعة، أسيء بنت مراح، ومريم بنت عمران، وخدیجہ بنت خویلد، وفاطمة بنت محمد رسول الله(صلی الله علیه وآلہ وسلم)». (السيوطى فى الدر المنثور)

وعن عائشة... ان النبي(صلی الله علیه وآلہ وسلم) قال: «وهو في مرضه الذي توفي فيه، يا فاطمة، ألا ترضين ان تكوني سيدة نساء العالمين، وسيدة نساء هذه الأمة، وسيدة نساء المؤمنين». (صحیح مسلم، ج 7، ص 142؛ السیدة فاطمة الزهراء، ص 167؛ المستدرک، ج 3، ص 156)

وفى رواية الحاكم فى المستدرک: «يا فاطمة ألا ترضين ان تكوني سيدة نساء العالمين، وسيدة نساء هذه الأمة». (صحیح بخاری، ج 7، ص 142؛ المستدرک، ج 3، ص 156؛ عمدة القاری، ج 22، ص 266؛ السنن الكبرى، ج 4، ص 352)

وعن عمران بن حصین ان الرسول(صلی الله علیه وآلہ وسلم) قال لفاطمة: «أما ترضين ان تكوني سيدة نساء العالمين، قالت: فأین مريم ابنة عمران، قال لها: أی بنیة، تلك سيدة نساء عالمها، وأنت سيدة نساء العالمين». (الاستیعاب، ج 4، ص 1895)

از آن نازل نشده است. گریه پیامبر (صلی الله علیه وآلہ) بر حسین (علیه السلام) 50 سال پیش از شهادت ایشان نشان دهنده عظمت این مصیبت است.<sup>۲۶۴</sup>

### حضرت آدم در کربلا

هنگامی که حضرت آدم (علیه السلام) به زمین فرستاده شد. میان او و همسرش «حوا» جدایی افتاد. آدم برای یافتن همسرش، به جستجو پرداخت. در میانه راه، گذارش به کربلا افتاد. پس بی اختیار، اشک از چشمانش جاری شد و ابری از غم، دلش را تسخیر کرد. سر به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا! بار دیگر، دچار معصیتی شده ام که این حال به من دست داده است؟

خطاب رسید: «ای آدم! گناهی از تو سر نزد است، بلکه در این سرزمین، فرزند تو - حسین (علیه السلام) - را با ستم، به قتل می رسانند».

عرض کرد: خدایا حسین کیست؟ آیا از پیامبران است؟

ندا آمد: «نه، پیامبر نیست، ولی فرزند پیامبر آخر الزمان - محمد بن عبدالله - است».

عرض کرد: خدایا! قائل او کیست؟

خطاب آمد: «نامش یزید است که ملعون آسمان ها و زمین است».

در این هنگام به جبرئیل رو کرد و گفت: درباره قاتل حسین (علیه السلام) چه باید کرد؟

---

۲۶۴- مستدرک سفینة البحار، ج 7، ص 213؛ حقوق آل البيت (عليهم السلام)، ص 194.

جبرئیل گفت: «باید او را لعن کرد».

آدم(علیه السلام) چهار بار یزید را لعن کرد و راه خود را در پیش گرفت و از سرزمین کربلا خارج شد.<sup>۲۶۵</sup>

### کشتی نوح در کربلا

عجله کنید: «همه سوار بر کشتی شوید، کودکان را فراموش نکنید. عذاب خداوند نازل شده است». این کلامی بود که حضرت نوح(علیه السلام) به قوم خود می گفت: از آسمان و زمین آب فوران می کرد و زش باد شدید نیز، وحشت و اضطراب مردم را دو چندان کرده است. همه بر کشتی سوار شدند و کشتی بر امواج پر تلاطم آب سرگردان شد. مدتی در راه بود که ناگهان کشتی از حرکت ایستاد. نوح(علیه السلام)، مضطرب و نگران با خود می گفت: خدایا! چه شده است؛ چرا کشتی حرکت نمی کند؟

ناگهان ندا آمد: «ای نبی الله! این جا، سرزمینی است که فرزند زاده خاتم الانبیا(صلی الله علیه وآلہ) و پسر اشرف اولیا کشته می شود».

نوح پرسید: قاتل او کیست؟

ندا آمد: «قاتل او، ملعون آسمان ها و زمین است». نوح(علیه السلام) چهار بار قاتلان آن حضرت را لعن کرد تا سرانجام کشتی به راه افتاد و از غرق شدن نجات پیدا کرد.<sup>۲۶۶</sup>

### عبور حضرت ابراهیم از قتلگاه

ابراهیم(علیه السلام) به سرزمین کربلا رسید. آرام آرام با مرکبش می گذشت که ناگهان به گودال قتلگاه رسید و اسب، او را به زمین زد. ابراهیم(علیه السلام) زیان به استغفار گشود و عرض کرد: خدایا! از من، چه خطایی سر زده است که به این بلا دچار شود؟

جبرئیل نازل شد و عرض کرد: «ای ابراهیم! از تو گناهی سر نزده است. در این سرزمین، فرزند آخرین فرستاده خدا، - محمد بن عبدالله - را به قتل می رسانند».

قاتل او کیست؟

جبرئیل گفت: «قاتل او، ملعون آسمان ها و زمین است که قلم، بر روح اعظم، لعن او را نگاشته است». در این هنگام، ابراهیم دست خود را به طرف آسمان بالا برد و در حق قاتلان آن حضرت، لعن و نفرین کرد.<sup>۲۶۷</sup>

باد و سلیمان(علیه السلام)

---

۲۶۶- بحار الانوار، ج 10، ص 158، چاپ قدیم.

۲۶۷- بحار الانوار، ج 10، ص 157، چاپ قدیم.

سلیمان بر بساط خود، در آسمان در حال حرکت بود. ناگهان، باد به جنب و جوش افتاد و بساط سلیمان از کنترل ولی خارج شد. سلیمان(علیه السلام) تعجب کرد و وحشت و اضطرابی عجیب، سرپای او را فرا گرفت.

پرسید: چه شده است؟

باد جواب داد: ما به قتل گاه حسین(علیه السلام) رسیده ایم.

سلیمان پرسید: حسین(علیه السلام) کیست؟

باد گفت: او فرزند علی بن ابی طالب و دختر خاتم الانبیا - محمد مصطفی - است که در این سرزمین، به دست قومی جفاکار به قتل می رسد.

سلیمان پرسید: نام قاتلش کیست؟

پاسخ داد: او ملعون زمین و آسمان ها است.

در این هنگام، سلیمان دست به آسمان برداشت و یزید را لعن کرد. باد به خود آمد و بساط سلیمان را برداشت و از زمین کربلا دور کرد.<sup>۲۶۸</sup>

### عیسی(علیه السلام) و کربلا

عیسی(علیه السلام) که در جمع حواریان بود و از سرزمین کربلا می گذشت، پس از شنیدن خبر قرار گرفتن شیری بر سر راه عابران، جلو آمد و رو به شیر گفت: چرا در این راه نشسته ای و مانع رفت و آمد عابران هستی؟

حیوان به زبان آمد و گفت: یا نبی الله! نمی گذاریم از این جا بگذری، مگر آن که بر یزید، قاتل حسین، لعن کنی.  
عیسی (علیه السلام) پرسید: قاتل او کیست؟  
شیر گفت: ملعون چرندگان و پرندگان و درندگان بیابان ها است. به ویژه در ایام عاشورا.

عیسی (علیه السلام) به همراه حواریان دست به آسمان برداشت و یزید و قاتلان امام حسین (علیه السلام) را لعن کرد، آنگاه شیر از سر راه کنار رفت و آنان از آن سرزمین گذشتند.<sup>۲۶۹</sup>

گریه رسول اکرم (صلی الله علیه وآلہ) بر امام حسین (علیه السلام)  
فاطمه زهراء (علیها السلام) فرمود: روزی به محضر رسول خدا (صلی الله علیه وآلہ) وارد شدم و فرزندم امام حسین را در حالی که کودک بود در حجر ایشان قرار دادم ناگهان دیدم رسول خدا شروع به گریه کردند؟ سؤال کردم جانم فدای شما چرا گریه می کنید؟ فرمود: این جبرئیل است که به من خبر داد ام تم این فرزندم را خواهد کشت. سؤال کردم از جبرئیل آیا این فرزندم؟ گفت: آری، آن گاه تربتی به من داد که به رنگ خون بود...<sup>۲۷۰</sup>.

۲۶۹- بحار الانوار، ج 10، ص 157، چاپ قدیم.

۲۷۰- دلائل الامامة، ص 180؛ الارشاد، شیخ مفید، ج 2، ص 129؛ المستدرک، ج 3، ص 177؛ کنز العمال، ج 12، ص 123.

### علی بن ابی طالب در کربلا

ابن سعد نقل می کند: چون امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) در مسیر صفين از کربلا گذشت و رو به روستای نینوا بر کرانه فرات قرار گرفت، ایستاد و سؤال کردند به این سرزمین چه می گویند؟ گفت: کربلا، حضرت گریست تا آنکه زمین از اشکها یشتر شد. فرمود: روزی خدمت پیامبر رسیدم که می گریست. سبب گریه را پرسیدم، فرمود: جبرئیل پیش من بود. مرا خبر داد که فرزندم حسین (علیه السلام) در کنار فرات در جایی به نام کربلا کشته می شود. مشتی از خاک آن را برداشت و داد تا بویش کنم، چشمانش پر از اشک شد.<sup>۲۷۱</sup>

۵- موافقت بعضی از فرازها من جمله: «بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكُمْ مِنْهُمْ» با اصول دین که همان تولی و تبری باشد.

۶- موافقت بعضی از فرازها من جمله: «إِنِّي سِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» با حدیث نبوی که فرمود: «انا حرب لكم حاربتهم، سلم لمن سالمتم». <sup>۲۷۲</sup>

این مضمون از زیارت عاشورا در دو جا به صورت «إِنِّي سِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ» تکرار شده است.

۲۷۱- طبقات، ج 7، ص 274؛ اخبار الطوال، ص 107؛ شرح احقاق الحق، ج 8، ص 147.

۲۷۲- ترمذی، سنن، ج 5، ص 3962، ح 360؛ حاکم، مستدرک، ج 3، ص 149؛ طبری، معجم الكبير، ج 3، ص 40، ح 2620.

احمد بن حنبل هم حدیثی را به صورت مستند و با مضامون فوق از رسول الله(صلی الله علیه وآل‌ه) نقل می کند: «ابوهریره نقل می کند که رسول الله(صلی الله علیه وآل‌ه) به علی و حسن و حسین و فاطمه نگاه کرد و فرمود: «انا حرب لمن حاربکم، سلم لمن سالمکم».<sup>۲۷۳</sup>

ترمذی<sup>۲۷۴</sup> نقل نموده است: زید بن ارقم نقل می کند که رسول الله به علی و فاطمه و حسن و حسین فرمود: «انا حرب لكم حاربتم، سلم لمن سالمتم».<sup>۲۷۵</sup>

7- در چندین قسمت از زیارت عاشورا مانند «أَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ» و یا «اللَّهُمَّ اجْعِلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدَ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَمَمَاتِي مَمَاتَ مُحَمَّدَ وَآلِ مُحَمَّدَ» آمده است. معنای این جملات از زیارت عاشورا چیزی جز دعای بر آن نیست که خداوند ما را از رهروان راه اهل بیت(علیه السلام) در این دنیا و محشور با آنها در آخرت قرار دهد. روایات بیشماری از رسول الله(صلی الله علیه وآل‌ه) آمده است که ما را به تبعیت از اهل بیت(علیهم السلام)امر می نماید. آنچه ما به عنوان حدیث ثقلین می شناسیم یک شاهد قوی در سنت رسول الله(صلی الله علیه وآل‌ه) برای این فراز از زیارت می باشد که رسول الله(صلی الله علیه وآل‌ه) مسلمین را امر به تبعیت از اهل بیت(علیهم السلام) کرد.<sup>۲۷۶</sup>

۲۷۳- ج 2، ص 422.

۲۷۴- سنن ترمذی، ج 5، ص 360.

۲۷۵- سنن الترمذی، ج 5، ص 360.

۲۷۶- صحیح مسلم، ج 7، ص 122.

**حديث اول: محمد بن عيسى الترمذى در کتاب سنن الترمذى**

زید بن ارقم قال: قال رسول الله(صلی الله علیه وآلہ): «انی تارک فیکم ما ان  
تمسکتم به لن تضلوا بعدی، احدهما اعظم من الآخرة؛ کتاب الله حبل ممدود من  
السماء الى الارض وعترتی اهل بیتی ولن یفترقا حتی یردا على الحوض فانظروا  
كيف تخلفوني فیهما. هذا حديث حسن غریب;<sup>۲۷۷</sup>

زید بن ارقم گفت: رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ) فرمود: من از میان شما  
می روم در حالی که دو چیز را در میان شما می گذارم، اگر به آن دو تمسک  
جوئید هرگز بعد از من به گمراهی و ضلالت کشیده نخواهد شد، یکی از آن دو  
برتر از دیگری است؛ قرآن کریم که مانند ریسمانی از آسمان به زمین متصل  
است، و عترت و اهل بیتم، این دو هرگز از یکدیگر جدا نمی شوند، تا اینکه در  
کنار حوض کوثر بر من وارد شوند، پس بنگرید که چگونه در مورد آن دو عمل  
می کنید، این حديث اگرچه حسن است، اما غریب و ناآشنا است».

**حديث دوم: محمد بن عيسى الترمذى در کتاب سنن الترمذى**

---

۲۷۷- سنن الترمذى، ج 5، ص 329، ح 3876؛ مجمع الزوائد، ج 3، ص 267؛ المعجم الصغير، ج 1، ص 135.

از جابر بن عبد الله قال: رسول الله (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) در روز عرفه در حج مشاهده کردم که سوار بر شترش خطبه می خواند و فرمود: «يا ايها الناس انی ترکت فيکم ما ان اخذتم به لن تضلوا كتاب الله و عترتی أهل بيتي»<sup>۲۷۸</sup>

جابر بن عبد الله نقل کرد: رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) را در روز عرفه در حج مشاهده کردم که حضرت سوار بر شتر بودند و خطبه می خواندند و می فرمودند: ای مردم من دو چیز در میان شما به امانت می گذارم، اگر از آن دو بهره جستید هرگز به گمراهی نخواهید رفت، قرآن کریم و عترتی اهل بیت».

#### حدیث سوم: مسلم بن حجاج در کتاب صحیح مسلم

«حدثني زهير بن حرب وشجاع بن مخلد جمیعاً عن ابن عطیة قال زهير حدثنا اسماعيل بن ابراهيم حدثني ابو حيان حدثني يزيد ابن حيان قال انطلقتانا وحسين بن سبرة وعمر بن مسلم الى زيد بن ارقمن فلما جلسنا إليه قال له حسين لقد لقيت يا زيد خيراً كثيراً رأيت رسول الله (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) وسمعت حدیثه وغزوت معه وصلیت خلفه لقد لقيت يا زيد خيراً كثيراً حدثنا يا زيد ما سمعت من رسول الله (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) قال: يا ابن اخي والله لقد كبرت سنی وقدم عهدي ونسیت بعض الذي كنت اعی من رسول الله (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فما حدثتكم فاقبلوا وما لا فلا تکلفونیه ثم قال قام رسول الله (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) يوماً فینا خطیباً بماء يدعی خماً بین

---

278- سنن الترمذی، ج 5، ص 328، ح 3876؛ المستدرک، ج 1، ص 93؛ السنن الکبری البیهقی، ج 114، ص 10.

مكة والمدينة فحمد الله واثنى عليه ووعظ وذكر ثم قال اما بعد الا ايها الناس فاما  
انا بشر يوشك ان يأتي رسول ربى فاجيب وانا تارك فيكم ثقلين اولهما كتاب الله  
فيه الهدى والنور فخذوا بكتاب الله واستمسكوا به فتحت على كتاب الله ورغب فيه  
ثم قال واهل بيته اذكركم الله في اهل بيته اذكركم الله في اهل بيته اذكركم الله في  
اهل بيته. فقال له حصين ومن اهل بيته يا زيد أليس نساؤه من اهل بيته قال نساؤه  
من اهل بيته ولكن اهل بيته من حرم الصدقة بعده قال ومن هم قال هم آل علي وآل  
عقيل وآل جعفر وآل عباس قال كل هؤلاء حرم الصدقة قال نعم<sup>۲۷۹</sup>

يزيد بن حيان گفت: من و حصين بن سبره و عمر بن مسلم به نزد زيد بن  
ارقم رفته، آنگاه حصين به او گفت: ای زید! تو با دیدن جمال رسول خدا(صلی  
الله علیه وآلہ) و شنیدن سخنانش و شرکت در غزوات و نماز خواندن پشت سر  
پیامبر(صلی الله علیه وآلہ) خیر و برکت زیادی به دست آوردی، ای زید اکنون از  
آنچه که از رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ) شنیدی اندکی برایمان نقل کن؟ زید  
گفت: ای پسر برادرم به خدا سوگند کاسه عمرم لبریز شده و بر بیشتر آنچه که از  
رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ) دیده یا شنیده ام گرد فراموشی نشسته است. پس  
آنچه را که به شما می گویم بپذیرید و بر ما باقی آن اصرار نکنید، سپس گفت:  
روزی پیامبر خدا در میان ما و در کنار رودی بین مکه و مدینه به نام خم  
خطبه ای خواند و بعد از حمد و ثنای الهی و موعظه و ارشاد

---

. ۲۷۹- صحيح مسلم، ج 7، ص 123؛ المعجم الكبير، ج 5، ص 183؛ تفسير ابن كثير، ج 3، ص 494.

فرمود: ای مردم بدانید که من همچون شما انسانم و بی تردید اجلم نزدیک است، پس من او را اجابت خواهم کرد، اما دو چیز گرانبها در میان شما می گذارم، کتاب خدا، که در آن هدایت و نور است، از قرآن درس بگیرید و به آن تمسک جویید، پس پیامبر در مورد قرآن سفارشات اکیدی نمود و ما را به قرآن تشویق و ترغیب نمود، سپس فرمود: و دیگری اهل بیت من می باشند، پس خدا را در مورد اهل بیتم به یاد آورید و این جمله را سه مرتبه تکرار نمودند، حصین از زید پرسید: اهل بیت پیامبر شامل چه کسانی می شود آیا همسران پیامبر نیز اهل بیت او محسوب می شوند؟

زید گفت: آری همسران پیامبر نیز اهل بیت اویند، و هر کسی که صدقه بر او حرام باشد نیز اهل بیت پیامبر می باشد».

حدیث چهارم: «وحدثنا محمد بن بكار بن الريان حدثنا حسان (يعنى ابن ابراهيم) عن سعيد بن مسروق عن يزيد بن حيان عن زيد بن ارقم عن النبي(صلى الله عليه وآلله)وساق الحديث بنحوه بمعنى حديث زهير؛

يزيد بن حيان گفت: زيد بن ارقم از رسول خدا(صلى الله عليه وآلله) برایمان مثل حدیث قبل (حدیث سوم) نقل نمود».

حدیث پنجم: «حدثنا ابویکر بن ابی شیبۃ حدثنا محمد بن فضیل وحدثنا اسحاق بن ابراهیم اخبرنا جریر کلاهما عن ابی حیان بهذا الاسناد نحوه حدیث

اسماعیل و زاد فی حدیث جریر کتاب الله فیه الهدی والنور من استمسک به واخذ  
به کان علی الهدی ومن اخطأه ضل؛<sup>۲۸۰</sup>

اسحاق بن ابراهیم گفت: جریر از ابن حیان به همان اسناد حدیث قبل،  
برایمان حدیث را نقل کرد، اما در حدیث اسماعیل، اضافه دارد که: کتاب خدا  
(قرآن) در آن هدایت و نور است، هرکس به آن تمسک جوید و از آن بھرہ گیرد،  
هدایت می شود، و هرکس از فرامین قرآن تخلف ورزد، در گمراهی آشکار به  
سر می برد».

حدیث ششم: «حدثنا محمد بن بکار بن الريان حدثنا حسان (يعنى ابن ابراهيم)  
عن سعید (وهو ابن مسروق) عن يزيد بن حیان عن زید بن ارقم قال دخلنا عليه فقلنا  
له لقد رأيت خيراً لقد صاحبت رسول الله (صلى الله عليه وآلـهـ وـصـلـيـتـ خـلـفـهـ وـسـاقـهـ)  
الحاديـثـ بـنـحـوـ حـدـيـثـ اـبـيـ حـيـانـ غـيـرـ اـنـهـ قـالـ الاـ وـانـىـ تـارـكـ فـيـكـ ثـقـلـيـنـ اـحـدـهـماـ كـتـابـ  
اللهـ عـزـوجـلـ هوـ حـبـلـ اللهـ مـنـ اـتـبـعـهـ كـانـ عـلـىـ الـهـدـیـ وـمـنـ تـرـكـهـ كـانـ عـلـىـ ضـلـالـةـ وـفـیـهـ  
فـقـلـنـاـ مـنـ اـهـلـ بـیـتـهـ نـسـائـهـ قـالـ لـاـ وـاـیـمـ اللهـ اـنـ المـرـأـةـ تـكـونـ مـعـ الرـجـلـ العـصـرـ مـنـ الدـهـرـ  
ثـمـ يـطـلـقـهـاـ فـتـرـجـعـ إـلـىـ اـبـیـهاـ وـقـوـمـهـاـ اـهـلـ بـیـتـهـ اـصـلـهـ وـعـصـبـتـهـ اـذـنـینـ حـرـمـوـاـ الصـدـقـةـ

بعد؛<sup>۲۸۱</sup>

---

.۲۸۰- صحیح مسلم، ج 7، ص 123؛ صحیح ابن خزیم، ج 4، ص 63؛ کنز العمال، ج 1، ص 178.

.۲۸۱- صحیح مسلم، ج 7، ص 123؛ صحیح ابن حیان، ج 1، ص 330؛ کنز العمال، ج 1، ص 185.

یزید بن حیان گوید: بر زید بن ارقم وارد شدیم و به او گفتیم: با مصاحبت و مجالست با رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ) و اقتدا به حضرتش در نماز، خیر بسیاری به دست آورده. این حدیث همانند حدیث ابن حیان است الا اینکه فرمود: به درستی من دو چیز گرانبها در میان شما می گذارم، یکی از آنها کتاب خداوند عزو جل است که ریسمان مستحکم خداوند است، هر کس از آن تبعیت کرده و به آن چنگ زند در مسیر هدایت قرار می گیرد و هر آن کس که از آن روی گرداند، به سوی گمراهی می رود و در آن ضلالت باقی خواهد ماند.

پس پرسیدم اهل بیت پیامبر چه کسانی هستند، آیا همسرانش نیز اهل بیت او حساب می شوند؟ گفت: به خدا سوگند، نه همانا زنان در برده ای از زمان با مردان زندگی می کنند، سپس او را رها کرده به سوی پدر، خانواده و قومش باز خواهند گشت. اما اهل بیت پیامبر(صلی الله علیه وآلہ)کسانند که صدقه بر آنان بعد از پیامبر اسلام حرام باشد».

**حدیث هفتم: احمد بن شعیب النسائی در کتاب سنن النسائی**  
از زید بن ارقم گفت: زمانی که پیامبر(صلی الله علیه وآلہ) از حججه الوداع بازگشت در غدیر خم توقف نمود و فرمود: «... إِنِّيْ قَدْ تَرَكْتُ فِيمَا تَرَكْتُمْ أَكْبَرَ مِنَ الْآخِرِ كِتَابَ اللهِ وَعَتَرْتَى اهْلَ بَيْتِيْ فَانظُرُوهُ كَيْفَ تَخْلُفُونِيْ فِيهِمَا

فانهما لئن يتفرقا حتى يردا على الحوض ثم قال إن الله مولاي وانا ولی کل مؤمن ثم  
اخذ بيده على فقال من كنت ولیه فهذا ولیه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه;<sup>۲۸۲</sup>

ابی طفیل به نقل از زید بن ارقم می گوید: زمانی که پیامبر(صلی الله علیه وآلہ) از  
حجۃ الوداع بازگشتند در غدیر خم توقف نمودند، و فرمودند: . . . مرگ مرا به  
سوی خود می خواند و عنقریب او را اجابت کرده و از میان شما خواهم رفت،  
اما دو چیز گران بها به رسم امانت برایتان باقی می گذارم، که یکی ارزشش از  
دیگری بیشتر است، کتاب خدا و عترت و اهل بیتم، پس مواظب باشید که  
چگونه با این دو امانت رفتار می کنید که هرگز از هم جدا نمی شوند تا آنکه بر  
حوض کوثر بر من وارد شوند، سپس فرمود: خداوند متعال مولی و سرپرست من  
و تمام مؤمنان است، آنگاه دست حضرت علی(علیه السلام) را گرفت و فرمود:  
هر کس که من مولی و سرپرست اویم، بعد از من علی امام و سرپرست او است،  
پروردگارا سرپرستی کن کسی را که از حضرت علی(علیه السلام) متابعت و پیروی  
نماید».

ابی طفیل می گوید: «فقلت لزید: سمعته من رسول الله(صلی الله علیه وآلہ) قال ما  
كان في الدوحتات رجل الا راه بعينه وسمع باذنه»;<sup>۲۸۳</sup>

---

. ۴۵ - المستدرک، ج ۳، ص ۱۰۹؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۶۴؛ السنن الکبری، ج ۵، ص ۴۵.

. ۴۵ - السنن الکبری، السنایی، ج ۵، ص ۴۵.

ابی طفیل می گوید به زید بن ارقم گفتم: تو واقعاً خودت این کلام را از رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ) شنیدی؟ گفت: هیچ کس در آنجا نبود مگر اینکه او را دید و کلامش را شنید».

**حدیث هشتم: اسحاق بن راهویه در مسندهش**

«خبرنا ابو عامر العقدی، عن کثیر بن زید، عن محمد بن عمر بن علی، عن ابیه، عن علی رضی الله عنہ، قال: ان النبی(صلی الله علیه وآلہ)حضر الشجرة بخم، ثم خرج اخذا بید علی رضی الله عنہ قال: الستم تشهدون ان الله تبارک و تعالیٰ ربکم؟ قالوا: بلى، قال(صلی الله علیه وآلہ): الستم تشهدون ان الله ورسوله اولی بکم من انفسکم، وان الله ورسوله اولیاؤكم؟ فقال: بلى قال: فمن كان الله ورسوله مولا، فان هذا مولا، وقد تركت فيکم ما ان اخذتم به لن تضلو: كتاب الله تعالى، سببه بیده، وسببه بايديکم، واهل بيته»<sup>۲۸۴</sup>.

حضرت علی(علیه السلام) فرمود: رسول خدا در مراجعت از مکه در کنار درخت خم توقف نمودند، مردم به دورش حلقه زدند، حضرت دست مرا گرفت و خطاب به حجاج فرمود: آیا شهادت به ربوبیت الهی می دهید؟ گفتند: آری، فرمود: آیا گواهی می دهید که خدا و رسولش بر نفستان از خودتان بیشتر ولايت و اختیار دارند؟ گفتند: بلى، آنگاه حضرت فرمود: هر کس که خدا و رسولش ولی

---

۲۸۴- خلاصه عبقات الانوار، ج 1، ص 128؛ کنز العمال، ج 13، ص 140؛ تاریخ مدینه دمشق، ج 42 ص 213.

و سرپرست اوست، همانا علی بعد از من سرپرست و صاحب اختیار اوست، سپس فرمودند: من از میان شما می روم و در میان شما دو چیز می گذارم که اگر به آن تمسک جسته و دست توسل به دامن آنها زنید هرگز دچار گمراهی نخواهید شد. کتاب خدا و عترتم».

**حدیث نهم: یعقوب بن سفیان الفسوی در کتاب المعرفة والتاريخ**

«عن زید بن ارقم قال: قال النبي(صلی الله علیہ وآلہ وسے): انی تارک فیکم ما ان تمسکتم به لن تضلوا: کتاب الله عزوجل وعترتی اهل بیتی، وانهما لن یفترقا حتی  
یردا علی الحوض»<sup>۲۸۵</sup>.

زید بن ارقم گفت: نبی مکرم اسلام فرمود: من در میان شما چیزی می گذارم که اگر به آن متولّ شوید و به دامان آن چنگ زنید، بعد از من از گمراهی و ضلالت مصون خواهید ماند، کتاب خدا و عترتم، این دو از یکدیگر جدا نمی شود تا بر من در کنار حوض کوثر وارد شوند».

**حدیث دهم: احمد بن حنبل در کتاب مسند احمد**

«حدثنا الاسود بن عامر ثنا شريك عن الركين عن القاسم بن حسان بن زيد بن ثابت قال قال رسول الله(صلی الله علیہ وآلہ وسے) انی تارک فیکم خلیفتین کتاب الله حبل

---

۲۸۵- مسند احمد، ج 3، ص 14؛ مجمع الزوائد، ج 9، ص 163؛ المعجم الصغیر، ج 1، ص 131؛ المعجم الكبير، ج 3، ص 65؛ کنز العمال، ج 1، ص 172؛ تفسیر الشعلی، ج 8، ص 40؛ تفسیر الآلوسي، ج 4، ص 18؛ بیانبیع المودة، ج 3، ص 294؛ الشافی فی الامامه، ج 2، ص 308؛ غایة المرام، ج 2، ص 21؛ المعرفة والتاريخ، ج 5، ص 294.

ممدود ما بين السماء والارض او ما بين السماء الى الارض وعترتى اهل بيته وانهما

<sup>٢٨٦</sup>; لُن يَتَفَرَّقَا حَتَّى يَرْدَا عَلَى الْحَوْضِ;

زید بن ثابت به نقل از رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ) گفت: من از میان شما می روم، در حالی که دو چیز گرانبهای برای شما می گذارم، کتاب خدا که مانند ریسمانی از آسمان به زمین متصل است و عترتم اهل بیت، و این دو از هم مفارقت نمی کنند تا اینکه در حوض کوثر بر من وارد شوند».

**حدیث یازدهم: الطبرانی در کتاب المعجم الكبير**

«حدثنا على بن عبدالعزيز، ثنا أبو نعيم، ثنا كامل ابوالعلاء، قال: سمعت حبيب بن أبي ثابت يحدث، عن يحيى بن جعدة، عن زيد بن أرقم، قال: خرجنا مع رسول الله(صلی الله علیه وآلہ) حتى انتهينا الى غدير خم امر بدوح فكسح في يوم ما اتي علينا يوم كان اشد حرا منه، فحمد الله واثنى عليه وقال: يا ايها الناس، انه لم يبعثنبي قط الا عاش نصف ما عاش الذين كانوا قبله واني اوشك ان ادعى فاجيب واني تارك فيكم ما لన تضلوا بعده، كتاب الله ثم قام واخذ بيده على رضي الله عنه فقال: يا ايها الناس، من اولى بكم من انفسكم؟ قالوا: الله ورسوله اعلم. قال:

<sup>٢٨٧</sup>; من كنت مولاه فعلى مولاه;

---

. ٢٨٦- مسند احمد، ج 5، ص 182؛ کنز العمال، ج 1، ص 172.

. ٢٨٧- المستدرک، ج 3، ص 533؛ المعجم الكبير، ج 5، ص 171؛ نفحات الازهار، ج 7، ص 245.

یحیی بن جعده گفت از زید بن ارقم شنیدم که می گفت: ما با رسول خدا از مکه خارج شدیم به سوی مدینه، تا اینکه به غدیر خم رسیدیم در روزی که شدت گرما و سوز آن بی سابقه بود، رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ) در میان جمع حاجج بعد از حمد و ثناء باری تعالی فرمود: ای مردم! خداوند پیامبری نفرستاد مگر اینکه به اندازه نصف عمر نبی قبلی عمر می کند و نزدیک است که من دعوت حق را لبیک گوییم و از میان شما بروم، اما چیزی در بین شما از خود باقی می گذارم که اگر به آن تمسک کنید هرگز در مسیر زندگانی دچار لغزش و گمراهی نخواهد شد. کتاب خدا؛ آنگاه حضرت ایستادند و دست حضرت علی(علیه السلام) را گرفته و فرمود: ای مردم! ولایت چه کسی بر نفس خودتان بیشتر است؟ گفتند: خدا و رسولش، نسبت به این مسئله آگاه ترند. حضرت فرمود: هرکه من مولا و سرپرست اویم، این علی(علیه السلام) نیز بعد از من سرپرست و ولی اوست».

**حدیث دوازدهم:** احمد بن حنبل در کتاب مسنند احمد «حدثنا عبدالله حدثني ابى ثنا اسود بن عامر ثنا اسرائيل بن عثمان بن المغيرة عن علی بن ربيعة قال: لقيت زيد بن ارقم وهو داخل على المختار او خارج من عنده

فقلت له اسمعت رسول الله(صلى الله عليه وآلـه) يقول: انی تارک فیکم التقلین قال

نعم،<sup>۲۸۸</sup>

علی بن ربیعه گوید: زید بن ارقم را ملاقات نمودم در حالی که به مجلس مختار داخل می شدم یا آنکه خارج می شد؛ به او گفتم: آیا از رسول خدا(صلى الله عليه وآلـه) استماع کرده و به دو گوش خود شنیده ای که حضرت می فرمود: من در میان شما دو چیز گران بها می گذارم؟ گفت: بله».

حدیث سیزدهم: «حدثنا فهد بن سلیمان قال: ثنا ابو غسان مالک بن اسماعیل النھدی قال ثنا اسرائیل بن یونس عن عثمان بن المغیرة عن علی بن ربیعة الاسدی قال: لقيت زید بن الارقم وهو داخل على المختار او خارج فقلت ما حدیث بلغنى عنک سمعت النبي(صلى الله عليه وآلـه)يقول انی تارک فیکم التقلین كتاب الله - عزو جل - و عترتی؟ قال: نعم». همچنین الطبرانی حدیث را به این صورت نقل می کند: «حدثنا علی بن عبدالعزیز ثنا أبو غسان مالک بن اسماعیل ثنا اسرائیل عن عثمان بن المغیرة عن علی بن ربیعة قال لقيت زید بن ارقم داخلا على المختار او خارجاً قال قلت حدیثا بلغنى عنک سمعت رسول الله(صلى الله عليه وآلـه)انی تارک فیکم التقلین

كتاب الله و عترتی قال نعم،<sup>۲۸۹</sup>

---

. ۲۸۸- مسند احمد، ج 4، ص 371؛ المعجم الكبير، ج 5، ص 186؛ فضائل الصحابة لابن حنبل، ج 2، ص 572.

. ۲۸۹- نفحات الازهار، ج 2، ص 162.

علی بن ریبعه اسدی گفت: با زید بن ارقم ملاقاتی داشتم در حالی که او به نزد مختار می‌رفت و یا آنکه از آنجا بر می‌گشت، گفتم: ای زید! از تو به من حدیثی رسید حاکی از آن که تو گفته‌ای از رسول خدا شنیدم: من در میان شما دو چیز گرانبها می‌گذارم، کتاب خدا و عترتم؟ گفت: آری.

اللبانی در کتاب خود «صحیح الجامع الصغیر»: «انی تارک فیکم خلیفین، کتاب الله جبل ممدوح ما بین السماء والأرض وعترتی اهل بيته وانهما لن يتفرقا حتى يردا على الحوض».<sup>۲۹۰</sup>

۸- عظمت مصیبت واردہ بر اهل بیت چنان بزرگ و دردآور است که انبیاء الهی نیز بر این واقعه ندبه کرده و اشک ریخته اند و مطلب به علت وضوح بی نیاز از شرح و بیان است که فرمود: **لَقَدْ عَظُّمَتِ الرَّزِيْةُ وَجَلَّتْ وَعَظُّمَتِ الْمُصِيْبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ...».**  
**«وَجَلَّتْ وَعَظُّمَتْ مُصِيْبَتُكَ فِي السَّمَاوَاتِ».**

این فراز بدین معنی است که سوگواری تو در آسمان ها بزرگ و عظیم شد. شاید این سؤال مطرح شود که سوگواری امام حسین(علیه السلام) در آسمان ها چگونه ظاهر شد. طبرانی محدث بزرگ اهل سنت در کتاب «المعجم الكبير» خود روایت مستندی بدین معنی نقل می‌کند<sup>۲۹۱</sup>: «زمانی که امام حسین(علیه السلام)

. ۲۹۰- مسند احمد، ج ۵، ص ۱۲۸؛ کنز العمال، ج ۱، ص ۱۷۲.

. ۲۹۱- المعجم الكبير، تأليف الطبراني، متوفى ۳۶۰، ج ۳، ص ۱۱۳

کشته شد آسمان برای چندین روز به رنگ خون در آمد». نور الدین الهیشمی عالم مشهور حدیث شناس اهل سنت در کتاب خود می گوید<sup>۲۹۲</sup>: «راویان این روایت مورد اعتماد و صحیح هستند». در روایت دیگری طبرانی می گوید<sup>۲۹۳</sup>: «زمانی که امام حسین(علیه السلام) کشته (شهید) شد خورشید گرفت به طوری که ستارگان در وسط روز ظاهر شدند و مردم گمان کردند که روز رستاخیز فرا رسیده است».

نور الدین الهیشمی می گوید<sup>۲۹۴</sup>: «این روایت دارای سند خوب و قابل قبولی است». سیوطی می گوید<sup>۲۹۵</sup>: «زمانی که امام حسین(علیه السلام) کشته (شهید) شد آسمان خون بارید به طوری که همه چیز پر از خون گشت». روایت صحیحه در مورد اینکه پس از قتل (شهادت) امام حسین(علیه السلام) آسمان خون بارید بسیار زیاد هستند<sup>۲۹۶</sup>. در واقع این فراز از زیارت عاشورا به همین حوادث طبیعی که پس از واقعه کربلا اتفاق افتاده است می تواند اشاره داشته باشد.

**«مُصِيَّةٌ مَا أَعْظَمَهَا وَأَعْظَمَ رَزْبَتَهَا فِي الْإِسْلَامِ وَفِي جَمِيعِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ».**

معنی این جمله آن است که مصیبت شهادت حسین(علیه السلام) آن چنان بلای عظیم و بزرگی است که در اسلام و بر تمام اهل آسمان ها و اهل زمین بزرگ تر از آن نازل نشده است که مرور انبیاء عظیمی الشأنی چون آدم، نوح و ابراهیم و

۲۹۲- مجمع الزوائد، تألیف نور الدین الهیشمی، متوفی ۸۰۷، ج ۹، ص ۱۹۸.

۲۹۳- المعجم الكبير، ج ۳، ص ۱۱۴.

۲۹۴- مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۹۷.

۲۹۵- خصائص الکبیری، السیوطی، ج ۲، ص ۲۱۴

۲۹۶- مخازی عثمان الخمیس، ص ۷۰.

عیسی (علیهم السلام) و... به آن سرزمین و طواف به گرد کعبه عشق و گریه کردن بر مظلومیت سبط نبی اعظم، و گریستن پیغمبر اسلام بر شهادت مظلومانه امام حسین (علیه السلام) و همین طور پدر بزرگوارش امیرالمؤمنین (علیه السلام) خود گواهی صادق بر عظمت این مصیبت عظمی است.

9- دفع از مقام و منزلت بعد از اعتراف به آن: تحمل ظلم دردناک است و دردناک تر از آن زمانی است که دشمن معترض به مقام و منزلت مظلوم بوده و در عین حال ظلم روا می دارد که فرمود: «لَعْنَ اللَّهُ أُمَّةً دَفَعْتُكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ وَأَزَّتُكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمُ الَّتِي رَتَبَكُمُ اللَّهُ فِيهَا» در صورتی که در روایات دارد:

«قال رسول الله (صلی الله علیه وآلہ): سیلقی اهل بیتی من بعدی تطریداً و تشریداً<sup>۲۹۷</sup>»

رسول خدا (صلی الله علیه وآلہ) فرمودند: بعد از من اهل بیتم رانده و فراری خواهند شد».

«قال النبي (صلی الله علیه وآلہ) لعلی (علیه السلام): اما انک ستلقی بعدی جهداً.

قال (علیه السلام): فی سلامة من دینی؟ قال: فی سلامة من دینک؛<sup>۲۹۸</sup> پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآلہ) به امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) فرمود: بعد از من با مشکلات مواجه خواهی شد. امیرالمؤمنین (علیه السلام) سؤال کردنده: آیا دینم در امان خواهد بود. پیامبر (صلی الله علیه وآلہ) فرمودند: بلی».

---

297- المستدرک على الصحيحين، ج 4، ص 466 و 487.

298- المستدرک الحاکم، ج 3، ص 140؛ کنز العمال، ج 11، ص 617.

و همچنین رسول خدا (صلی الله علیه وآلہ) فرمود: «یا علی انک من بعدی مغلوب  
مغضوب تصبر علی الاذی فی الله...»<sup>۲۹۹</sup>

رسول اکرم (صلی الله علیه وآلہ) خطاب به علی بن ابی طالب (علیه السلام)  
فرمودند: یا علی بعد از من دشمن بر تو غالب خواهد شد و مورد ظلم قرار  
خواهی گرفت و به خاطر خدا بر آزار آنها صبر می کنی و...».

10- اعتراف به مهدویت و دعا برای طلب خون سیدالشہدا (علیه السلام):  
می فرماید: «وَأَكْرَمْنِي بِكَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثارِكَ مَعَ إِمَامٍ مَّنْصُورٍ مِّنْ أَهْلِ بَيْتٍ» و  
در فرازی دیگر می فرماید: «وَأَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثارِي كُمْ مَعَ إِمَامٍ هُدَىً ظَاهِرٌ نَاطِقٌ  
بِالْحَقِّ».

11- دعا برای وصول به مقام محمود مقامی که رسیدن به آن جز بزرگ ترین  
آرزو و امیال ابناء بشر، از بدو خلقت تا قیام قیامت بوده است. بر همین اساس در  
این زیارت شریفه می فرماید: «وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُبَلَّغَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ».

12- اعتراف به صحت شفاعت در روز قیامت که فرمود: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةً  
عَلَيْهِ السَّلَامِ يَوْمَ الْوُرُودِ...».

13- شفیع آوردن به درگاه الهی برای کسب مقام اخروی که می فرماید: «اللَّهُمَّ  
اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا بِالْحُسَينِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ».

---

. 299- الفضائل، ج 5، ص 14؛ همچنین در بحار الانوار، ج 29، ص 461.

و این فرازها شمه‌ای از مضامین نورانی زیارت شریفه عاشورا است که بر دل  
شیفتگان و مخلصین درگاه ولایت اهل بیت (علیهم السلام) می‌تابد.



## سیره شیعیان

سیره شیعیان از دانشمند و عوام، در همه دوران ها و تمامی شهرها بر این جاری است که به عنوان عبادت آفریدگار بر کسانی که به اهل بیت(علیهم السلام)ستم روا داشته اند، لعنت می فرستند که به طور قطع آشکار کننده آن است که از ائمه هدایتگر(علیهم السلام) به آنها القاء شده است.

سیره شیعه نیز جاری شده است بر عبادت خدا به وسیله لعن فرستادن بر دشمنان اهل بیت(علیهم السلام) و ستم کنندگان به ایشان و کسانی که حقوقشان را غصب کرده اند و چیزهایی از ایشان را که خداوند حرمتش را لازم دانسته برخود روا شمردند و به اذیت و آزارشان پرداختند و حقشان را انکار کردند و بر ناسزا گویان به ایشان و ستیزه گران با آنان، همچنین لعن بر قاتل امیرمؤمنان(علیه السلام) و قاتلان امام حسین(علیه السلام); بلکه قاتلان همه امامانی که به شهادت رسیده اند.

همچنین در زیارت های خصوصی و عمومی ائمه هدی(علیهم السلام)، کمتر زیارتی را می یابیم که خالی از لعنت بر دشمنان اهل بیت(علیهم السلام)، قاتلان و ستمگران ایشان باشد.

## استحباب لعن

در روایاتی که به سر حد تواتر رسیده، بر کسانی که به اهل بیت(علیهم السلام)ستم کرده اند و حقوق ایشان را به ناروا گرفته اند و آنان را کشته اند لعنت شده است و در بسیاری از آن روایات آمده است که مراقبت و مواختی بر لعن بر چنین افرادی استحباب دارد.

در صحیفه سجادیه از امام زین العابدین(علیه السلام) در دعای روز جمعه و عید قربان آمده است: «اللَّهُمَّ هذَا يَوْمٌ مُبَارَكٌ مَيْمُونٌ، وَالْمُسْلِمُونَ فِيهِ مُجْتَمِعُونَ فِي أَقْطَارٍ أَرْضِكَ، يَشْهُدُ السَّائِلُ مِنْهُمْ وَالظَّالِبُ وَالرَّاغِبُ وَالرَّاهِبُ وَأَنْتَ النَّاظِرُ فِي حَوَاجِهِمْ... - إِلَى أَنْ قَالَ: اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْمَقَامُ لِخُلَفَائِكَ وَأَصْفَيَائِكَ وَمَوَاضِعِ أَمَانَائِكَ فِي الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ الَّتِي اخْتَصَصَتْهُمْ بِهَا قَدِ ابْتُزُوهَا، وَأَنْتَ الْمُقَدَّرُ لِذَلِكَ... - إِلَى أَنْ قَالَ: حَتَّى عَادَ صِفْوَتُكَ وَخُلَفَاؤُكَ مَغْلُوبِينَ مَقْهُورِينَ مُبْنَزِينَ، يَرَوْنَ حُكْمَكَ مُبْدِلاً... - إِلَى أَنْ قَالَ: اللَّهُمَّ الْعَنْ أَعْدَاءِهِمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالآخِرِينَ، وَمَنْ رَضِيَ بِفِعَالِهِمْ، وَأَشْيَاعِهِمْ وَأَتْبَاعَهُمْ...<sup>۳۰۰</sup>; پروردگار! این روزی است پر برکت و فرخنده که مسلمان‌ها در گوشه و کنار زمین تو گرد هم آیند و همگی از تو خواستار آمرزش اند و دست نیاز به درگاه‌ت را کرده اند، همه به تو امیدوارند و از غصب تو بیمناک اند و تو به حوالشان آگاهی و به احوالشان بینایی... - تا این که می فرماید: بارالها!

---

۳۰۰- صحیفه سجادیه کامله، دعای 48 (دعای روز عید قربان و روز جمعه)، ص 354؛ جمال الاسیوع، ص 267؛ المصباح الکفعمی، ص 434.

این جایگاه (خلافت و خواندن خطبه و اقامه نماز عید) مقام ویژه خلفا و برگزیدگان تو می باشد و کسانی که امین تو می باشند و در درگاه تو از درجه و مقامی بس والا که ویژه آنان ساخته ای، برخوردارند؛ اما غاصبان این مقام را از آنان ریودند و توبی تقدیر کننده... - تا آنکه فرموده است: تا این که (بر اثر غصب خلافت) برگزیدگان و جانشینان تو به ظاهر شکست خوردن و حقوقشان به یغما رفت و می دیدند که حکم تو تبدیل شده... - تا این که فرموده: بارالها ! دشمنان ایشان را از پیشینیان و آیندگان و هرکس که از کردار آنان خشنود است و پیروان و حامیانشان همه را لعنت کن (از رحمت خود محرومshan بدار) و آنها را به عذاب دردناکی معذب فرماء...».

«عن داود الرقى قال: كنت عند أبي عبدالله(عليه السلام) إذا استسقى الماء فلما شربهرأيته قد استعبر وأغرورقت عيناه بدموعه ثم قال لى: يا داود لعن الله قاتل الحسين(عليه السلام) وما من عبد شرب الماء فذكر الحسين(عليه السلام) وأهل بيته ولعن قاتله إلا كتب الله عز وجل له مائة ألف حسنة وحط عنه مائة ألف سيئة ورفع له مائة ألف درجة وكأنما أعتق مائة ألف نسمة وحشره الله عز وجل يوم القيمة ثلث الفؤاد<sup>٣٠١</sup>؛

---

٣٠١- الكافي، ج 6، ص 391، ح 6؛ وسائل الشيعة، ج 25، ص 272، ح 1؛ بحار الانوار، ج 63، ص . 464

شیخ کلینی(رحمه الله) از داود رقی روایت کرده که گفت: در خدمت امام صادق(علیه السلام) بودم، حضرت آب خواست، چون آشامید، اشک در حدقه چشمانش موج زد و گریست و فرمود: ای داود! خدا لعنت کند کشنه حسین(علیه السلام) را؛ یاد مصیبت های حسین(علیه السلام) چه قدر زندگی را تلغی و ناگوار می سازد، من هیچ آب خنکی را نمی آشامم جز آنکه حسین(علیه السلام) را یاد می کنم) و هیچ بنده ای نیست که آب بیاشامد و حسین(علیه السلام) را یاد کند و قاتل او را لعن کند؛ جز آنکه خداوند صد هزار درجه برایش بالا برد، گویا صد هزار بنده آزاد کرده و خداوند او را در روز قیامت در حالی محشور فرماید که دلش شادمان و خنک شده باشد».

شیخ کلینی در «کافی»<sup>۳۰۲</sup> و ابو الفتح کراجکی در کتاب «کنز الفوائد»<sup>۳۰۳</sup> به سلسله سند خودش از حضرت جعفر بن محمد، از پدر و اجدادش(علیهم السلام)، از امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب(علیه السلام) در حدیث طولانی چنین روایت نمودند:

(پیامبر(صلی الله علیه وآلہ) به او فرمود): «یا عَلَیْ وَالَّذِی بَعَنَنِی بِالنِّبُوَّةِ وَاصْطَفَانِی عَلَى جَمِيعِ الْبَرِّیَّةِ لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبَدَ اللَّهَ تَعَالَیْ أَلْفَ عَامٍ مَا قَبْلَ اللَّهُ ذِلِّکَ مِنْهُ إِلَّا بِوِلَايَتِکَ وَوِلَايَةِ الْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِکَ، وَإِنَّ وِلَايَتَکَ لَا تُقْبَلُ إِلَّا بِالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِکَ

۳۰۲- کافی، ج 2، ص 125.

۳۰۳- کنز الفوائد، ص 185.

وأَعْدَاءِ الْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِكَ بِذُلِّكَ أَخْبَرَنِي جِبْرِيلُ(عليه السلام) فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيَكُفُرْ؛ اى على؛ قسم به آن که مرا به پیامبری برانگیخت و بر تمامی کائنات و آفریدگان برگزید، اگر بنده ای خداوند را هزار سال عبادت کند، خداوند عبادتش را نمی پذیرد؛ جز به وسیله ولایت تو و ولایت امامان از فرزندان تو و قطعاً ولایت تو پذیرفته نمی شود؛ جز به وسیله برائت و بیزاری جستن از دشمنان تو و دشمنان امامان از فرزندان. جبرئیل مرا به آن خبر داده، پس هر که خواهد آن را تصدیق کند و هر که خواهد کافر شود».

شيخ کلینی در کتاب «كافی» در باب زیارت قبر مقدس ابا عبدالله، حسین بن علی(عليهم السلام) روایتی نقل کرده طولانی از امام صادق(عليه السلام) که چنین فرمودند: «عن أبي عبدالله(عليه السلام) قال: إذا أتيت قبر الحسين(عليه السلام) فائت الفرات واغسل بحیال قبره وتوجه إليک وعليک السکينة والوقار حتى تدخل إلى القبر من الجانب الشرقي وقيل حين تدخله: السلام على ملائكة الله المنزلين، السلام على ملائكة الله المردفين، السلام على ملائكة الله المسمومين، السلام على ملائكة الله الذين هم في هذا الحرم مقيمون فإذا استقبلت قبر الحسين(عليه السلام) فقل: السلام على رسول الله، السلام على أمين الله على رسleه وعزائم أمره والخاتم لما سبق والفاتح لما استقبل والمهيمن على ذلك كله والسلام عليه ورحمة الله وبركاته ثم تقول: اللهم صل على أمير المؤمنين عبدك وأخي ورسلك الذي انتجبته بعلمه وجعلته هاديا لمن شئت من خلقك والدليل على من بعثته برسالاتك وديان الدين

بعدک و فصل قضایک بین خلقک و مهیمن علی ذلک کله والسلام عليه و رحمة

الله و برکاته...;

سلام بر فرشتگانی که فرود آمده اند... (تا آنجا که فرمود): خدا لعنت کند آن کسی را که شما را کشت و کسی که به او دستور داد و کسی که خبر آنچه اتفاق افتاده بود، به او رسید و بدان خشنود شد. شهادت می دهم که همه کسانی که پرده حرمت شما را دریدند و خون شما را ریخته اند، بر زبان پیامبر اُمّی (مکتب نرفته) لعنت شده اند».

سپس می گویی: «پروردگار! بر همه کسانی که نعمت تو را تبدیل کردند و با ملت تو مخالفت ورزیدند و از فرمان تو روی برگرداندند و به پیامبر تو تهمت زدند و نسبت ناروا دادند و به راه (دین) تو پشت کردند، لعنت فرست. خدایا! گورهایشان را از آتش پر کن و آتش به اندر و نشان بیفکن و خودشان و پیروانشان را کبود چشم<sup>۳۰۴</sup> به سوی جهنم برانگیز. پروردگار! ایشان را لعنت کن؛ بدان گونه که هر فرشته مقرب و هر پیامبر برانگیخته شده به رسالت و هر بنده مؤمنی که خداوند قلبش را آزموده، لعنتشان می کنند. خدایا! ایشان را در پرده های پنهان و در ظاهر و آشکار بی پرده لعنت کن. بارالها! لعنت کن جِئْت های (بت ها و اشخاص بی خیر و منفعت) این امت را و لعنت کن گردنکشان و بیداد گران متکبر این امت را و لعنت کن کشندۀ امیر المؤمنین را و لعنت کن کشندۀ امام

---

۳۰۴- ظاهراً کنایه از کوری باشد به دلیل چند آیه دیگر مثل آیات 124 و 125 سوره طه.

حسین را و آنان را گرفتار کن به عذاب سختی که هیچ یک از جهانیان بدان  
عذاب نمی شود...».<sup>۳۰۵</sup>

### انی اکره لکم ان تکونوا سبایین

اشکال: گاهی گفته می شود روایتی از امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب(علیه السلام) وارد شده است که فرموده اند: «إِنِّي أَكْرَهُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا سَبَائِينَ»<sup>۳۰۶</sup>; من خوش ندارم که شما از بسیار دشنام دهنگان باشید؛ و این دال بر حرمت نفرین کردن و دشنام دادن است. چگونه و با توجه به این حدیث لعن جایز باشد؟

پاسخ این کلام:

۱- واژه «أَكْرَه» جز با قرینه بر حرمت اصطلاحی دلالت نمی کند و در اینجا قرینه ای وجود ندارد؛

۲- حکم متوجه مخاطبینی است که به ایشان فرموده: «لَكُمْ» و این که فراغیر به همه مسلمانان باشد، احراز نمی شود؛ چون احتمال دارد ویژه جنگجویانی باشد که همراه آن حضرت بوده اند، به لحاظ اینکه اقتضای مقام نبرد و تاخت و تاز بر دشمن این است که از درگیری لفظی اجتناب شود و تمام توجه به چیزی باشد که در آن حال مهم تر و سودمندتر است؛

---

۳۰۵- فروع کافی، ج ۴ ص ۵۷۲ ح ۱.

۳۰۶- نهج البلاغه، خطبه ۲۰۶

۳- محلی که کراحت در آن قرار می گیرد، «سباب» یعنی بسیار دشنام گوی بد دهان می باشد و تفاوت است میان کسی که بسیار دشنام گوی و ناسزا می گوید با کسی که یک بار دشنام می دهد، به لحاظ اینکه سباب صیغه مبالغه است و مفهومش دشنام گویی زیاد و بد دهانی است و روشن است که کراحت سبّ زیاد، مستلزم آن نیست که «سبّ» به خودی خود کراحت داشته باشد؛

۴- نهی در این روایت نهی ارشادی است، نه نهی مولوی (به قرینه جملاتی که در بعد از آن آمده است): «وَلَكُنْكُمْ لَوْ وَصَقْتُمْ أَعْمَالَهُمْ وَذَكَرْتُمْ حَالَهُمْ كَانَ ذِلِكَ أَصْوَبَ فِي الْقَوْلِ وَأَبْلَغُ فِي الْعُذْرِ»<sup>۳۰۷</sup> وليکن شما اگر رفتار آنها را توصیف کنید و حالات ناروایشان را بگوئید، در گفتار شایسته تر می باشد و برای اتمام حجت، رساتر است». به این معنی که مضمون روایت ارشاد و راهنمایی است به اینکه بیان حال آنها بر روح و اراده طرف مقابل تأثیر بیشتری دارد تا دشنام، نه این که مفهومش تحریم دشنام یا مرجوحیت آن باشد؛

۵- در لغت و در عرف میان سبّ و لعن تفاوت آشکاری وجود دارد. سبّ به معنای دشنام دادن به آبرو و شرف دیگران است، در حالی که لعن به معنای آرزو کردن و خواستن از خداوند است که رحمت خود را از کسی دور کند و او را گرفتار سازد.

بنابراین چنانچه از سبّ و دشنام گویی نهی و منع کردن، لازمه اش این نیست که از لعنت کردن هم نهی و منع شده باشد. با این بیان روشن می شود که درست نیست به روایاتی که در مذمّت دشنام گویی و بد دهانی وارد شده است، بر مرجوح بودن لعن استدلال شود؛ زیرا دشنام و حرف های بد بر زبان آوردن از مصادق های «سبّ» است، نه «لعن»، و نهی از «سبّ» (به هر یک از مصادق هایش) مستلزم آن نیست که از لعن هم منع شده باشد.

علاوه بر این، بین نصوص و تصریحاتی از قرآن و سنت که بر رجحان لعن دلالت دارند و نصوصی که از آنها بوی نهی به مشام می رسد می توان جمع عرفی نمود و جمععش بدین گونه امکان دارد که به حسب متعلق باشد. و در این صورت، لعنی که از آن نهی شده، لعن بر مؤمنان و ناسزا گفتن به ایشان است و لعنی که رجحان دارد، لعن بر ستمگران به ویژه کسانی است که بر اهل بیت(علیهم السلام) ستم روا داشته اند و در روایات شواهدی بر آن وجود دارد، از جمله:

روایتی که شیخ کلینی در «کافی» به سلسله سند خود تا به امام باقر(علیه السلام) رسانده که آن حضرت فرمود: «پیامبر خدا(صلی الله علیه وآلہ وسلم) خطبه ای برای مردم فرمود: «... ثُمَّ قَالَ أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَنْ هُوَ شَرٌّ مِّنْ ذَلِكَ؟ قَالُوا: بَلِّي يَا رَسُولَ اللهِ. قَالَ: الْمُنْفَحَّشُ اللَّعَانُ الَّذِي إِذَا ذُكِرَ عِنْدَهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَنَهُمْ وَإِذَا ذَكَرُوهُ لَعْنُوهُ»<sup>۳۰۸</sup>. سپس فرمود: آیا به شما خبر دهم از بدتر از آن؟ عرض کردند: آری ای

پیامبر خدا. فرمود: هر زه گویی که زیاد لعن کند که چون نزد چنین کسی از مؤمنان یاد شود، به ایشان لعنت فرستد، و چون او را یاد کنند، به او لعن کنند.

شاهد دیگر بر آن نیز روایتی است که شیخ صدوq به سلسله سند خود از امام باقر (علیه السلام) نقل کرده که در تفسیر فرمایش خدای عز و جل: (...وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنَاً<sup>۳۰۹</sup>؛ «و با مردم به زبان خوش سخن بگویید»، فرمود: «با مردم آن گونه سخن بگویید که دوست می دارید بدان گونه با شما سخن بگویند؛ زیرا خدا بنده ای را که به مردم بسیار نفرین می کند و ناسزا می گوید و با نیش و کنایه به مؤمنان سخن می گوید و فحش دهنده بی آبرویی که از ناسزا گفتن و ناسزا شنیدن باکی ندارد و گدایی که در درخواست کمک کردن، لجاجت و ستیز می کند، دشمن می دارد و بنده ای را دوست می دارد که با حیا، بردبار، پاکدامن و پارسا باشد».<sup>۳۱۰</sup>

اما روایتی که در آن آمده است: «كَرِهْتُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا لَعَانِينَ شَتَّامِينَ تَشْتِمُونَ وَتَتَبَرُّؤُونَ...<sup>۳۱۱</sup>؛ دوست ندارم برای شما که بسیار لعن کننده و دشمن دهنده باشید و پیوسته دشnam می دهید و بیزاری می جوئید...» تا پایان روایت که در آن نهی از اظهار لعن وارد شده؛ زیرا حجر بن عدی و عمر بن حمق شورش کرده بودند و آشکارا از اهل شام برائت می جستند و به آنها لعنت می کردند. امیرالمؤمنین

.۳۰۹- سوره بقره: ۸۳

.۳۱۰- تحف العقول، ص ۳۱۰، ح ۶۷؛ امالی شیخ صدوq، ص ۳۲۶، ح ۵.

.۳۱۱- واقعه صفین، ص ۱۰۲.

علی بن ابی طالب(علیه السلام) شخصی را نزد آنها فرستاد و به ایشان دستور داد تا از آن کار دست بکشند و در آن مورد بین آن دو نفر و آن حضرت گفتگویی صورت گرفت که در پایان، حضرت به ایشان فرمود: «دوست ندارم برای شما که...» و به خصوص اگر این نهی را به دقت بنگریم و اینکه آن در بردارنده برائت است که سخنی در وجوب آن نیست.

پس از آن آشکار می شود نهی که در آن باره وارد شده، در مورد اظهار و اعلام به آن در جلوی مردم است به ویژه در آن موقعیت خاص، و قوی ترین شاهد بر آن روایاتی است که در آنها نقل شده است که امیر المؤمنین(علیه السلام) به معاویه و پیروانش لعنت می کرد. پس ناگزیریم نهی آن حضرت در آنجا (به حجر بن عدی و عمرو بن حمق) را بر آن موقعیت خاص حمل کنیم تا بتوانیم جمع بین آن و آیات و روایاتی بنماییم که صحیح آنها بیش از حد تواتر است.



## بررسی نسخه های خطی

### زیارت عاشورا

نسخه خطی مصباح کبیر

نسخه خطی مصباح صغیر

اعتماد علماء در بحث و فتاوى

شرح زیارت عاشورا

نسخ خطی که فرازهای لعن در آن ذکر شده است



## **بررسی نسخه های خطی**

جهت بررسی نسخ خطی به پنج مورد اشاره می شود:

- 1- در خصوص نسخه خطی «مصابح کبیر» و نسخی که از آن موجود می باشد.
- 2- در خصوص نسخه خطی «مصابح صغیر» و نسخی که از آن موجود می باشد.
- 3- در مورد اعتماد علماء در کتب و فتاویشان.
- 4- در خصوص شروحی که بر زیارت عاشورا تدوین شده است.
- 5- در خصوص نسخی که فرازهای لعن در آن ذکر نشده و علت عدم درج این فقرات در دعا.

## **در خصوص نسخه مصابح کبیر**

کتاب مصابح کبیر شیخ طوسی (رحمه الله) از کتب ادعیه معروف است که زیارت عاشورا در این کتاب نقل شده است و نسخ خطی از مصابح متھجد کبیر (که به زمان شیخ طوسی (رحمه الله) بر می گردد) وجود دارد که می توان ضمن تطبیق نسخ موجود با آن نسخه تمام فرازهای زیارت عاشورا را به اثبات رساند.

در اینجا به بعضی از نسخی که محل شاهد ما می باشد اشاره می شود تا  
ادعای ما در خصوص زیارت عاشورا را به اثبات رساند.

## **نسخه مرحوم غیاث الدین استرآبادی(رحمه الله)**

این نسخه مهم ترین نسخه از مصباح کبیر می باشد به دلیل اینکه بین نسخه «مصباح الکبیر» و نسخه مرحوم «غیاث الدین استرآبادی(رحمه الله)» طریق مشترک وجود دارد که به زمان خود شیخ طوسی(رحمه الله) بر می گردد و این مقابله نسخه با نسخه شیخ طوسی(رحمه الله) را مولی احمد بن حاجی محمد بشروی تونی(رحمه الله) ذکر نموده است که این مقابله مذکور در حقیقت به سه مقابله بر می گردد که آنها را مورد بررسی قرار می دهیم.

**مقابله اول:** مقابله نسخه مرحوم غیاث الدین استرآبادی(رحمه الله) بر نسخه مرحوم حسن بن راشد(رحمه الله)، و این مقابله توسط مرحوم مولی احمد تونی(رحمه الله) صورت گرفته است.

**مقابله دوم:** مقابله نسخه مرحوم حسن بن راشد(رحمه الله) بر نسخه مرحوم علی بن احمد رمیلی(رحمه الله)، و نسخه مرحوم رمیلی(رحمه الله) مقابله شده بر نسخه مرحوم ابن سکون(رحمه الله)، و با ذکر این مقابله دوم روشن می شود که نسخه ابتدا توسط مرحوم حسن بن راشد بر نسخه مرحوم علی بن احمد رمیلی(رحمه الله) صورت گرفته و خود مرحوم علی بن احمد رمیلی(رحمه الله) نسخه خود را با نسخه مرحوم ابن سکون(رحمه الله) مقابله نموده است.

**مقابله سوم:** نسخه مرحوم حسن بن راشد(رحمه الله) بر نسخه های متعدده؛ از جمله مقابله نموده با نسخه مرحوم ابن ادریس(رحمه الله) و نسخه مرحوم ابن ادریس(رحمه الله) مقابله شده با نسخه مصنف مرحوم شیخ طوسی(رحمه الله)، و

مقابله کننده اول، عمام الدین شریف استرآبادی(رحمه الله) است و مقابله کننده دوم، مرحوم ابن ادریس(رحمه الله) است.

بعد از بررسی سلسله مقابله های که صورت گرفته به این نتیجه می رسیم که نسخه مرحوم غیاث الدین استرآبادی(رحمه الله) به نسخه مرحوم شیخ طوسی(رحمه الله) از نظر سند متصل است و می توان به صحت نسخه غیاث الدین استرآبادی پی برد. مقابله صورت گرفته با بررسی مقابله هایی که صورت گرفته اند بدین شرح می باشد: مرحوم غیاث الدین استرآبادی(رحمه الله) مقابله کرده نسخه خود را بر نسخه مرحوم حسن بن راشد(رحمه الله) و مرحوم حسن بن راشد(رحمه الله) مقابله کرده نسخه خود را بر نسخه مرحوم علی بن احمد الرمیلی(رحمه الله) و مرحوم علی بن احمد الرمیلی(رحمه الله) نسخه خود را مقابله کرده بر نسخه مرحوم ابن سکون(رحمه الله) و مرحوم ابن سکون(رحمه الله) نسخه خود را مقابله کرده با نسخه مرحوم شیخ طوسی(رحمه الله) نسخه حسن بن راشد با نسخ مختلفی مقابله شده است از جمله آن مقابله ها، مقابله نسخه حسن بن راشد(رحمه الله) با نسخه ابن ادریس است که نسخه ابن ادریس به زمان شیخ طوسی(رحمه الله) می رسد.





صفحه اول از نسخه غیاث الدین



صفحه زیارت در نسخه غیاث الدین



صفحه دیگر از نسخه غیاث الدین

**تذکری در خصوص نسخه غیاث الدین استرآبادی(رحمه الله)**

این نسخه بنابر آنچه که گذشت:

- 1- نسخه توسط خود غیاث الدین استرآبادی(رحمه الله) کپی شده است.
- 2- این نسخه طبق اجازه ای که بر آن ثبت شده است، یکی از شاگردان استرآبادی این نسخه را برایشان قرائت کرده است.
- 3- این نسخه با دقت از نسخه شیخ طوسی(رحمه الله) کپی گرفته شده است.
- 4- بنابر یادداشتی که بر نسخه استرآبادی(رحمه الله) وجود دارد، دو بار با نسخه اصلی تطبیق شده است.

اجازات که بر روی نسخه غیاث الدین(رحمه الله) وجود دارد به زمان خود مؤلف شیخ طوسی(رحمه الله) می رسد و اینگونه در نسخه ثبت شده است کاتب نسخه غیاث الدین بن شمس الدین نجم استرآبادی(رحمه الله) و کپی این نسخه در 15 شعبان سال 912 هـ به اتمام رسیده است.

و در آخرین صفحه نسخه غیاث الدین(رحمه الله) دارد:

«فِي يَوْمِ الْخَمْسِ خَامِسٌ عَشْرٌ مِّنْ شَهْرِ شَعْبَانَ الْمُعْظَمِ الْمُنْتَظَمِ فِي سَلْكِ شَهْرٍ  
سَنَةِ اثْنَيْ عَشْرَ وَتِسْعَمَائِةٍ هِجْرَيَّةٍ بِنَبْوَيَّةٍ عَلَى صَاحِبِهِ الْمُصْلُوَاتِ النَّامِيَّاتِ رَبِّ كَمَا  
وَفَقْتِنِي لَاتَّمَامِهِ وَفَقْنِي لِلتَّحْلِي بِمَا فِيهِ رَبَّنَا تَقْبِلُ مَنَا إِنْكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَارْحَمُ  
عَبْدَ آقَا... وَأَنَا الْعَبْدُ... غِياثُ الدِّينُ بْنُ شَمْسِ الدِّينِ».

در آخر نسخه غیاث الدین استرآبادی(رحمه الله)، احمد بن حاجی محمد معروف به تونی در حاشیه مطلبی دارد که دال بر اعتبار این نسخه است.

تونی(رحمه الله) در حاشیه ذکر کرده است که این نسخه را مکرر بر طبق نسخه های مختلف تصحیح کرده است و نسخی که از روی آن تصحیح صورت گرفته به زمان شیخ طوسی(رحمه الله) می رسد.

مرحوم تونی(رحمه الله) در حاشیه اینگونه می گوید:  
(بلغت المقابلة بنسخة مصححة وقد بذلنا الجهد فى تصحیح وإصلاح ما وجد فيه من الغلط إلا ما زاغ عنه البصر وحسن عنه النظر).

يعنى نسخه خود را با نسخه مصححه مقابله کرده و در آن تلاش کردم که اشتباه را از نسخه ام زائل کنم مگر آنکه چشم به خطأ رفته باشد.

حسن بن راشد در حاشیه دیگر نسخه غیاث الدین(رحمه الله) ذکر می کند:  
[بلغت مقابلته بنسخة مصححة بخط على بن أحمد المعروف بالرمیلی، ذكر أنه نقل نسخته تلك من خط على بن محمد السكون وقابلها بها بالمشهد المقدس العائري الحسيني سلام الله عليه، وكان ذلك في سابع شعبان المعظم عمت ميامنه من سنة ثلاثين وثمانمائة كتبه الفقير إلى الله حسن بن راشد].

يعنى نسخه خود را با نسخه ای به خط على بن احمد معروف به رمیلی(رحمه الله)مقابله کرده ام و مرحوم رمیلی(رحمه الله) گفته که نسخه خود را با نسخه على بن محمد سکون(رحمه الله) در کربلای معلی در 7 شعبان سال 830 هـ. ق مقابله کرده ام.

و همچنین در حاشیه دیگر از نسخه غیاث الدین (رحمه الله) مرحوم حسن بن راشد (رحمه الله) می گوید: [بلغت المقابلة بنسخ متعددة صحيحة وذلك في شهر شعبان من سنة إحدى وسبعين وتسعمائة، و كان واحد من النسخ بخط الشيخ العالم الفاضل محمد بن إدريس العجلی صاحب كتاب (السرائر)].

يعنى من نسخه خود را با نسخ متعدد در شعبان سال 971 هـ . ق مقابله کردم و يکي از نسخ، نسخه شیخ ابن ادریس (رحمه الله) می باشد. (لازم به تذکر است که نسخه ابن ادریس به زمان شیخ طوسی (رحمه الله) بر می گردد) و در آخر نسخه خود ابن ادریس (رحمه الله) دارد:

[فرغ من نقله وكتابته محمد بن منصور بن أحمد بن إدريس بن الحسين بن القاسم بن عيسى العجلی في جمادی الأولى سنة سبعين وخمسمائة (خلده الله تعالى) وعورض هذا الكتاب بالأصل المسطور بخط المنصف (رحمه الله)، وبذلت فيه وسعى ومجهدی إلا ما زاغ عنه نظری وحسر عنه بصری، والله الله من غير فيه شيئاً أو بدل وتعاطی ما ليس فيه فانه أقسم عليه بحق الله سبحانه و Mohammad (صلى الله عليه وآله) أن یغير فيه حرفاً أو یبدل فيه لفظاً من إعراب وغيره، ورحم الله من نظر فيه و دعا له وللمؤمنین بالغفران].

يعنى: من نسخه خود را در سال 570 هـ . ق به پایان رساندم و آن را با نسخه مؤلف (شیخ طوسی (رحمه الله)) مقابله کردم. در آخر نسخه استرآبادی (رحمه الله) می گوید:

... وكتب العبد الأقل عماد الدين على الشريف القارى الاستربادى فى السنة المذكورة. ونحن حين قابلناه بذلك الأصل كان معنا مختصر المصباح بخط العالم العابد الورع على بن محمد بن محمد بن على بن السكون الحلى(رحمه الله) فكلما كتبنا عليه بخطهما فالمراد ابن السكون وابن إدريس.

وكان الفراغ منها فى أوائل شهر محرم الحرام من شهور سنة ثمان وستين بعد الألف من الهجرة النبوية عليه الصلاة والتحية.

و در آخر این نسخه مرحوم استرآبادی می گوید: نسخه خود را با نسخه اصل ابن سکون و ابن ادریس الحلی تطبیق نموده و نسخه خود را در اوائل محرم الحرام سال 1068 هـ . ق به پایان رساندم.

## **نسخه ابن ابی الجود**

این نسخه یکی از مهم ترین نسخ «مصابح الکبیر» است و صحیح ترین نسخه موجود می باشد و به واسطه اجازه ای که در این کتاب موجود است زمان آن به شیخ طووسی(رحمه الله) می رسد، اجازه را مرحوم سید حیدر حسینی(رحمه الله) به مرحوم ربیب الدین ابن ابی الجود(رحمه الله)داده است و خود مرحوم سید حسینی(رحمه الله) اجازه را از استادش مرحوم ابن شهر آشوب(رحمه الله) گرفته است (صاحب کتاب معالم العلماء) و خود مرحوم ابن شهر آشوب(رحمه الله) از جدش و استادش مرحوم شهر آشوب سروی اجازه داشته و مرحوم شهر آشوب سروی(رحمه الله) از استادش مرحوم شیخ طووسی(رحمه الله)مجاز بوده است. با توجه به مطلب فوق و سلسله اجازات مذکور بر متبع منصف ظاهر می شود که نسخه مرحوم ابن ابی الجود(رحمه الله)به زمان شیخ طووسی بر می گردد که نسخه کپی جلد اول آن موجود می باشد. این نسخه در حال حاضر در مرکز بزرگ مخطوطات دارالصدیقه الشهیدة (علیها السلام)نگهداری می شود و نسخه دیگری در مکتبه آیت الله نجفی مرعشی(رحمه الله)می باشد که مشهور است که نسخه مرحوم ابن ابی جارود(رحمه الله)است ولیکن بعد از تتبیع، بر ما روشن شد که نسخه متأخر بوده و نسخه اصلی نمی باشد؛ بلکه نسخه ای است که از روی نسخه ابی جود(رحمه الله) کپی گرفته شده است. لازم به تذکر است نسخه ای که مربوط به ابی جود(رحمه الله)و نسخه اصل است، به تاریخ 627 هـ. ق بر می گردد و اجازه مرحوم حیدر حسینی(رحمه الله) که بر روی نسخه حک شده، سال 629 هـ. ق

می باشد، روشن می شود که سید حیدر حسینی(رحمه الله)بعد از کپی گرفتن از نسخه اصلی ابی جود(رحمه الله) آن را به ابی جود(رحمه الله) نشان داده شده و ابی جود(رحمه الله) اجازه را بر آن ثبت کرده است و نسخه موجود نسخه اصلی ابی جود(رحمه الله)نمی باشد بلکه کپی آن است که توسط سید حیدر حسینی(رحمه الله)نوشته شده است.

این نسخه خطی فعلاً در کتابخانه دار الصدیقہ الشهیده(علیها السلام)نگاهداری می شود.





صفحه ای که اجازه سید حیدر حسین به واسطه ابی جود بر آن حک شده است



صفحه اول از نسخه ابی جود



صفحه دیگر از نسخه ابی چود

**تأیید بر نسخه غیاث الدین(رحمه الله) و ابن ابی جود(رحمه الله)**  
پنج نسخه وجود دارد که می توانند تأیید بر نسخه مرحوم غیاث الدین  
استرآبادی(رحمه الله) و نسخه مرحوم ابن ابی جود(رحمه الله) باشند که آن نسخه ها  
عبارتند از:

1- نسخه مرحوم رقی (رحمه الله)

2- نسخه مرحوم نهاری (رحمه الله)

3- نسخه مرحوم محمد فاضل التونی (رحمه الله)

4- نسخه الانصاری (رحمه الله)

نسخ خطی آن زمان با توجه زمان تقيه و مشکلاتی که شيعيان داشتند به  
شكل های مختلف نگاشته می شد که با الهام گیری از «مصباح کبیر» دست به  
دست رد و بدل می شد. و بعضی از نسخ، مانند نسخه مرحوم فاضل تونی (رحمه  
الله) و نسخه کتابخانه آیت الله مرعشی (رحمه الله)، نسخه خواجه شیر احمد و ...  
فقرات فصول سه گانه که شامل لعن (اللهم العن اول ظالم...) و سلام (السلام  
عليک يا ابا عبدالله) و (اللهم خص انت اول ظالم...) می باشد در حاشیه کتاب ذکر  
شده است که این خود دال بر سخت گیری بر شيعيان و ملاحظه امور در آن  
دوران بوده است و هرگز به نسخ موجود آن زمان نظر کرد پی می برد که  
شيعيان با توجه به تقيه و فشاری که داشتند به هر نحو ممکن می خواستند اين  
زيارت مباركه به دست افراد برسد و هرچند مجبور شوند فرازی از آن را حذف  
نمایند که رعایت تقيه در بعضی از نسخ خطی به وضوح مشاهده می شود.

## نسخه رقی

کاتب محمد بن یوسف بن محمود الرقی با نسخ معرب خوب. قبل از شروع کتاب و بسمله صیغه وقنا نامه روی کتاب به خط نستعلیق دیده می شود که در آن گفته شده: «بنا به وصیت میرزا محمد داودی این کتاب وقف شیعیان علی بن ابی طالب (علیه السلام) گردیده که از آن مستفیض شوند و از شهر مقدس بیرون نبرند». تاریخ وقنا نامه 1241 هجری است.

متن کتاب با جمله زیر پایان می یابد:

«وقد تم تحریره فی الرابع من شهر رجب المرجب من شهور سنة تسعة وتسعين  
بعد الف على يد اقل العباد عملاً واكثراً زللاً المحتاج الى رب الودود محمد بن  
یوسف بن محمود الرقی مولداً والمشهدی مسكنناً الحمد لله اولاً وآخراً وباطناً اللهم  
وفقنا للعمل به وصل على محمد و آله».

پس از جمله بالا با خط نستعلیق و با زبان عربی محمد بن یوسف می نویسد که: «این نسخه با نسخه ای که به خط علی بن احمد معروف به رمیلی مقابله شده و نسخه رمیلی با نسخه ابن سکون مقابله شده است و نسخه خط رمیلی با نسخه نوشته شده مقابله گردیده و نسخه مسکون که از طرف الحسن بن راشد نوشته شده با چند نسخه دیگر در شعبان سنه 971 مقابله شده است که یکی از این نسخه ها به خط علامه محمد بن ادریس حلی صاحب کتاب «السرایر» بوده که در آخر آن نوشته شده: محمد بن منصور بن احمد بن ادریس بن الحسین بن

قاسم بن عیسی عجلی در جمادی الاولی سنه 570 آن را نوشته است، و این نسخه با نسخه اصل که به خط مؤلف بوده در سال 573 مقابله گردیده، نسخه <sup>۳۱۲</sup> معتبر و پاکیزه است.

---

۳۱۲- کتابخانه ملک تهران، به شماره 1256، تاریخ کتاب 1099 هجری دارای 239 برگ یعنی 478 صفحه 21 سطری خط نسخ معرب خوب کاغذ ترمه، قطع 2/19 سانتیمتر عرض و 25 سانتیمتر طول در بعضی صفحات کتاب حواشی وجود دارد.



صفحه اول نسخه رقی که عبارت وقف نقش بسته است



صفحه زیارت عاشورا

فرازهای لعن در زیارت عاشورا

صفحه دیگر از نسخه رقی



صفحه آخر کتاب نسخه رقی و عبارت های مقابله نسخه با نسخه های مختلف

### **نسخه محمد صالح نهاری(رحمه الله)**

این نسخه بنابر حاشیه ای که در آن وجود دارد به تاریخ 1062 بر می گردد و با نسخه مولی عبدالله تونی الشیروی (صاحب وافیه در علم الاصول متوفی سنه 1071 هـ) مقابله شده است.

و در حاشیه کتاب محمد صالح النهاری (رحمه الله) این گونه می نویسد: «قد حرر و نقل هذا الكتاب عن النسخة المولى الالمعى أَفْضَلِ الْفَضَلَاءِ وَأَصْلَحِ الْصِّلَاحَاءِ استادی مجتهد الربانی مولانا عبدالله التونی ادام الله فضله ونسله.

تاریخ کتابتها سنه ثلاثة و خمسین و سعماۃ و علیها بخطه سلمه الله ما صورته قد وقع الفراغ من مقابله هذه النسخة الشريفة حادی عشر شهر شعبان المعظم من سنه سبع و خمسین بعد الألف من الهجرة النبویة علیه أَفْضَلِ الْفَضَلَاءِ وَأَصْلَحِ الْصِّلَاحَاءِ الفقراء إلى الله ابن حاجی محمد التبردی الخراسانی عبدالله وقد كانت النسخة التي قبلت معها نسخة عتیقة تاریخ کتابتها سنه اثنین و ثلاثین و سعماۃ و علیها مکتوب ما صورته قابلت هذا المصباح في الحلة في مقام مولانا جعفر الصادق (رحمه الله) مع نسخة الأصل الذي هي بخط مصنفه (رحمه الله) وأنا الفقیر عبدالرحمن بن محمد الجزائري غفر الله ذنبهما».

فاضل تونی خبر می دهد که مقابله و کپی نسخه ای به سال 732 هـ بر می گردد و نسخه اصلی متعلق به عبدالرحمن بن محمد جزائری است که مقابله

شده است با نسخه اصلی مؤلف مصباح المتهجد (شيخ طوسی(رحمه الله)) و این مقابله در حله در کنار مقام امام صادق (رحمه الله) صورت گرفته است.  
و همچنین در حاشیه نسخه النهاری دارد:

«وعليه ايضاً بلغ مقابله بنسخة مصححه منقوله عنها فى مجالس متعددة آخرها  
سادس شهر محرم الحرام من شهور سنة... وستين وتسعمائة من الهجرة النبوية عليه  
افضل الصلاة والتحية وصح إلا ما زاغ عنه البصر وحسن عنه النظر والحمد لله  
وحده... كتب الحواشى على هذا الكتاب الشريف العزيز فى مشهد سیدنا ومولانا  
أمير المؤمنين (عليه السلام)».

يعنى: نسخه تونی که النهاری از آن کپی گرفته است مقابله دیگری با  
نسخه های مختلف شده است که آخرين مقابله سال 963 هـ صورت گرفته  
است.

و همچنین در حاشیه نسخه النهاری دارد:  
«وبلغ مقابله بنسخة مصححة... مصنفه رحمه الله عليه العبد عبدالعلی الکلینی  
الحلی وعلیه ايضاً خط الشهید الثانی فی أول عمل شهر رمضان وقد كتب صورة  
هذا... هذا كله صورة خطه حفظه الله وسلمه. انتهى ما كتب بالحاشیة من أسفل».  
که ذکر کرده است فاضل تونی مقابله دیگری غیر از دو مقابله قبل و آن مقابله  
را عبدالعلی کلینی حلی صورت داده است.

و تونی ذکر می کند که نسخه ای که از آن کپی گرفته است به سال 732 هـ  
بر می گردد و خط ثانی که به نظر می آید حواشی از شهید ثانی برای اعمال شهر  
رمضان باشد. نهاری بعد از ذکر مقابله های تونی می گوید: با توجه به اعتماد به  
این نسخه، نسخه خود را از او کپی گرفته است.

و در حاشیه کتاب خود اینگونه می گوید:

«قد وفقني الله تبارك وتعالي على مقابلة هذا الكتاب وتصحیحه وإصلاحه مع  
المنتسب المذكور في الحاشية ومع الحواشی المسطورة في هامشه بقدر الجهد  
والطاقة إلا ما زاغ عليه البصر وحسن عنه النظر والحمد لله كثيراً وسبحان الله بكرة  
وأصيلاً وصلواته على أشرف أنبيائه وخير جميع خلقه عبده... وصفيه محمد المصطفى  
وآله مصابيح الدجى وسلم كثيراً الضعيف ومحمد صالح بن خان أَحْمَدْ عَفْيُ اللَّهِ عَنْهُمَا  
بمحمد وآل الله سنة 1062 هـ».

يعنى: خداوند به من توفيق داد که این نسخه را مقابله و تصحیح و اصطلاح  
کنم... با توجه به تمام حواشی ای که در نسخه موجود است تمام توان خود را به  
کار گرفتم که چیزی از نظر پنهان نماند ولکن ممکن است بعضی از موارد از  
دیدگان من دور مانده باشند و حمد می کنم خدا را و تسبیح می گوییم او را...  
ومحمد بن صالح بن خان احمد که خدا رحمتش کند و از گناهانش درگذرد به  
حق محمد وآل محمد سال 1062 هـ . ق.



نسخه انہاری که در حاشیه آن مقابله ها ذکر شده است

تأكيد مؤلف بر تصحيح نسخه و مقابله آن با نسخ معتبر

### **نسخه بخشی التوفی (رحمه الله)**

این نسخه حسب ظاهر که بر روی نسخه ذکر شده است با نسخه ابن ادریس (رحمه الله) مبادرتاً یا به واسطه نسخه دیگر مقابله شده است.

این نسخه در سال 899 هـ کپی برداری شده است و مقابلات و تصحیحات متعدد بر روی این نسخه وجود دارد از جمله تصحیحات ناسخ و فرزند و چند نفر از علماء و این نسخه را شیخ کمال بن بخشی بن محمد توفی بر محقق کرکی خوانده است.

### **خصوصیات نسخه**

1- تاریخ نسخ معلوم است.

2- قرائت نسخه بر محقق کرکی

این نسخه جزء کتب خطی دانشگاه تهران می باشد.



صفحه ای از نسخه بخشی التونی و ذکر می کند در حاشیه مقابله با او نسخه

صفحه دیگر از نسخه تونی که حاشیه متفاوت بر آن نقش بسته است

صفحه زیارت عاشورا در نسخه تونی

### **نسخه انصاری (رحمه الله)**

این نسخه بنابر آنچه بر ظاهر نسخه درج شده است، مقابله شده است با نسخه غیاث الدین استرآبادی (رحمه الله) (قبلاً مقابلاتی که بر نسخه مرحوم غیاث الدین استرآبادی (رحمه الله) صورت گرفته ذکر شد)، و آن توسط محمد یونس بن محمد خان الهمدانی در سال 1115 هـ و همچنین این نسخه توسط شیخ اسماعیل انصاری زنجانی با 5 نسخ دیگر مقابله شده است و این کار در سال 1401 هـ صورت گرفته است.

- 1- نسخه عالم بزرگ حاج شیخ عبدالحسن و آن نسخه خود تصحیح شده بود با نسخه ابن ادریس و السکون.
- 2- نسخه سید جلیل میرزا عبدالحسین یزدی و تصحیح شده بود این نسخه به ابن ادریس و السکون.
- 3- نسخه نقاش الرازی (در مورد آن در این کتاب مفصل بحث شده است).
- 4- با نسخه ای که ادعی شده، نسخه قدیمی است مقابله شده است.



صفحه‌ای از نسخه انصاری که تاریخ مقابله ذکر شده است

صفحه دیگر از نسخه انصاری

صفحه زیارت عاشورا و فرازهای لعن

## در خصوص نسخه خطی مصباح صغير

مرحوم شیخ طویلی (رحمه الله) «مصباح صغير» را تأليف نمود تا نسبت به مصباح کبیر مختصر باشد و چون در آن زمان اختصار مرغوب بود و همچنین زمان اقتضا می کرد کتابی نسبت به «مصباح کبیر» تدوین شود که به اهم مطالب اشاره کرده باشد و حمل آن آسان باشد و راحت تر در دسترس قرار گیرد و این قاعده متداول بوده و هست. اگر به کتاب «مفاتیح الجنان» نظر شود می بینید که بعضی کتب تدوین شده اند در این زمان به عنوان مختصر یا منتخب مفاتیح الجنان به چاپ رسیده است. اقتضا داشت که کتاب «مصباح کبیر» به صورت خلاصه تدوین شود تا اهم مطالب در آن تدوین شود. بر این اساس، کتاب «مصباح صغير» تدوین و در اختیار مؤمنین قرار گرفت و کتاب مصباح صغير مورد رجوع علمای قرار گرفت و از آن نقل قول کرده اند، که می توان از جمله به نسخه سید بن طاووس (رحمه الله) اشاره کرد که در کتاب «مصباح زائر» به کتاب «مصباح صغير» استناد کرده است.

نسخه خطی موجود از مصباح صغير به شرح زیر می باشد:

- 1- نسخه خطی مرحوم ابن علقمی (رحمه الله)
- 2- نسخه خطی مرحوم طبسی مشهدی (رحمه الله)
- 3- نسخه خطی مرحوم ابن زنبور (رحمه الله)
- 4- نسخه خطی مکتبه آیت الله گلپایگانی (رحمه الله)

5- نسخه خطی مکتبه آیت الله نجفی مرعشی (رحمه الله)

### **نسخه خطی مرحوم محمد بن احمد بن علقمی(رحمه الله)**

این نسخه از اقدم نسخ موجود از «مختصر المصباح» می باشد و این نسخه به مرحوم شیخ محمد بن احمد بن العلقمی(رحمه الله) نسبت داده می شود.

این نسخه هم اکنون در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در تهران به شماره سند 86589 نگهداری می شود و تاریخ آن به سال 578 هـ. ق بر می گردد و این نسخه از جهت وضوح خط و حواشی که بعضی از بزرگان از جمله مرحوم شهید اول محمد بن مکی(رحمه الله)، شهید ثانی مرحوم زین الدین(رحمه الله) و مرحوم علامه مجلسی(رحمه الله) بر آن، از امتیاز خاصی برخوردار است.

این نسخه فقط می تواند یک مؤید قوی برای نسخ معتبره باشد و این نسخه به واسطه تقيه در آن دست کاری شده است که با مشاهده اصل نسخه می توان به این حقیقت پی برد که فرازهای زیارت عاشوراً کاملا در این نسخه بوده ولیکن بعضی از فرازها به خاطر رعایت تقيه محو شده است.





عکس صفحه شناسائی



جلد كتاب



صفحه اول از زیارت



صفحه دوم از زیارت



و کلمات دیگر جای گرفته است



آخرین صفحه نسخه که تاریخ آن ذکر شده است

سه فصل مورد بحث در این کتاب عبارتند از:

فصل اول: اللَّهُمَّ إِنْ أَوْلَى طَالِمَ الْحَقَّ مُحَمَّدًا وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآخِرَ تَابِعَ لَهُ عَلَى ذَلِكَ، اللَّهُمَّ إِنَّ الْعَنْ الْعِصَابَةَ الَّتِي جَاهَدَتِ الْحُسَيْنَ [عَلَيْهِ السَّلَامُ] وَشَاعَتْ وَبَأَيَّعَتْ وَتَابَعَتْ عَلَى قَتْلِهِ، اللَّهُمَّ اعْنُهُمْ جَمِيعاً .

فصل دوم: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا آبَا عَبْدِ اللَّهِ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ، عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامُ اللَّهِ أَبْدَا مَا بَقِيتُ وَبِقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِرِيَارِتِكُمْ، السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلَى عَلَى بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أُولَادِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ .

فصل سوم: اللَّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أُولَئِكَ الظَّالِمُونَ مِنِّي وَأَبْدَا بِهِ الْأَوْلَ ثُمَّ الْثَانِيَ وَالثَّالِثَ وَالرَّابِعَ، اللَّهُمَّ إِنَّ الْعَنْ يَزِيدَ خَامِسًا، وَالْعَنْ عُبَيْدَ اللَّهِ بْنَ زِيَادَ وَابْنَ مَرْجَانَةَ وَعُمَرَ بْنَ سَعْدَ وَشِمْرَا وَآلَ أَبِي سُفِينَ وَآلَ زِيَادَ وَآلَ مَرْوَانَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ .

فصل ثالث از زیارت عاشورا در نسخه علقمنی محو شده است و لیکن به وضوح روشن است که این فقره در نسخه بوده لکن به دلیل شدت تقیه محو شده است و بعدها به خاطر تمییک نسخه و یا خفت تقیه به این نسخه اضافه شده است.

### **نسخه مرحوم محمد بن علی طبیسی(رحمه الله)**

این نسخه هم اکنون در مکتبه مرحوم آیت الله حکیم(رحمه الله) در نجف اشرف نگهداری می شود و در قرن 11 در 5 شوال سال 1081 هـ. ق توسط مرحوم محمد بن علی بن محمود طبیسی(رحمه الله) نگاشته شده است.

شیخ آقا بزرگ تهرانی(رحمه الله)، مرحوم شیخ محمد بن علی طبیسی(رحمه الله) را از طبقات اعلام شیعه ذکر کرده و از او به عالم فاضل تعبیر نموده است.<sup>۳۱۳</sup>

بعد از بررسی این نسخه خطی پی می بریم که مرحوم محمد فاضل بن محمد مهدی مشهدی(رحمه الله) نسخه را با نسخه ابی سکون(رحمه الله) مقابله کرده است. این مقابله در اواسط ذی الحجه سنه 1081 هـ. ق صورت گرفته است.

و مرحوم محمد فاضل مشهدی(رحمه الله) از اعلام قرن 11 می باشد که بعضی از فقهاء، از او به فقیه امامی، محدث و شاعر تعبیر نموده اند و از شاگردان مرحوم حر عاملی(رحمه الله) می باشد.<sup>۳۱۴</sup>

و این نص مقابله ای است که در این نسخه ذکر شده است:

«الحمد لله موفق الخيرات و مجيب الدعوات والصلاۃ على محمد وآلہ شفیعی الخطیبات والسیئات، فقد بلغت مقابلة هذا الكتاب وتصحیحه من أوله إلى هنا بنسخ صحيحة بقدر الوسعت والطاقة، منها نسخة كانت بخط الشیخ الفقیه العابد الزاهد الورع

---

.۳۱۳- طبقات اعلام الشیعه، ج 5، ص 527

.۳۱۴- طبقات فقهاء، ج 12، ص 39، ترجمه 3875

على بن محمد بن محمد بن على بن السكون طاب ثراه، وكتبت في سنة ثمان و خمسين و خمسماة، وبالغت في مطابقته لها و تصححه منها، و مع ذلك فسهو القلم و طغيان البصر من عوارض ذات البشر، وكان ذلك في أواسط شهر ذى الحجة من سنة إحدى وثمانين بعد الألف من الهجرة، و أنا العبد الفقير إلى الله الغنى فاضل بن محمد مهدي المشهدى، فرحم الله من إذا نظر فيه أو عمل بما تضمنه دعاني [دعا لي [بالرحمة المغفرة والرضوان].

محمد بن فاضل مشهدى مى گويد: من اين نسخه را با نسخه ابن سكون(رحمه الله)كه قدمت نسخه به سال 558 هـ. ق مى رسد در سال 1081 هـ. ق نيمه ذى الحجه مقابله كردم.

و خود مرحوم محمد على طبسى(رحمه الله) در پایان نسخه خود مى گويد: «تم الكتاب والحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد و آله الطاهرين، اتفق الفراغ من نسخة أصيل الثلاثاء الخامس من شهر شوال من سنة إحدى وثمانين بعد الألف من الهجرة النبوية بيد الفقير إلى الله الغنى محمد على الطبسى».

فارغ شدم از کتابت این نسخه سه شنبه 5 شهر شوال سنه 1081 بعد از هجرت رسول اکرم(صلی الله علیه وآلہ).

و بعد از مراجعه به نسخه مرحوم محمد على طبسى(رحمه الله) مشاهده مى شود بعضی تصحیحات نسخه طبسى(رحمه الله) به واسطه نسخه محمد فاضل

مشهدی(رحمه الله) صورت گرفته، که خود مشهدی(رحمه الله) نسخه خود را با نسخه سکون(رحمه الله) مقابله نموده است.

مشهدی در صفحه اول از مخطوطه خود می گوید:  
«ما أدرجته في هذا الكتاب من الأدعية المهمة التي لم ينقلها الشيخ المصنف  
(قدس الله روحه) فيه ونقلها في المصباح المتهدج.

منها دعاء على بن الحسين(عليه السلام) من أدعية الصحيفة في يوم الجمعة والأضحى، ومنها دعاء مروي عن أبي جعفر(عليه السلام) في يوم الجمعة بعد الظهر.  
ومنها دعاء السحر لأبي حمزة الشمالي مروي عن على بن الحسين سيد العابدين(عليه السلام) في شهر رمضان.

وأحمد الله الذي وفقني لاستكتابه و مقابلته، وأسئلته أن يوفقني لطاعته وعبادته  
بحق محمد و آله مبلغ شريعته و مالكي طريقته، وأنا العبد الجانى الفانى محمد  
فاضل بن محمد مهدى المشهدى».

يعنى بعضی از ادعیه مهم که در مصباح کبیر شیخ طوسی(رحمه الله) ذکر کرده است و در مصباح صغير آن را حذف نموده در نسخه خود ذکر کرده ام. سپس مرحوم مشهدی(رحمه الله) به موارد دعاها که ذکر کرده است اشاره می کند.





مشاهده می شود



صفحه اول از نسخه



صفحه اول از شرح زیارت



صفحة اول زيارة عاشورا



صفحه مشتمل بر فصل ثالثه



صفحه مشتمل بر فصول ثلاٹه

## **نسخه مرحوم ابن ابی زنبور(رحمه الله)**

بعد از بررسی نسخه های موجود در کتابخانه «ثامن الحجج» حضرت امام رضا(علیه السلام) در مشهد مقدس به شماره 9607، این گونه به دست می آید که مرحوم حسن بن ابی جود(رحمه الله) نسخه «مصباح صغیر» را بر شیخ مرحوم خودش عماد الدین ابوالرضا احمد بن علی بن ابی زنبور(رحمه الله)خوانده است و این مقابله در سال 607 صورت گرفته که نص این گونه آمده است:

«بسم الله الرحمن الرحيم، يقول أصغر عباد الله تعالى وأضعف خلقه وأحوجهم إلى عفوه وتجاوزه، الحسن بن محمد بن يحيى بن على بن أبي الجود، عفى الله عنه ورحمه، قرأأت مختصر مصباح المتهجد على شيخي العالم عماد الدين أبي الرضا أحمد بن على بن... ابن أبي زنبور(قدس سره)، في سنّه سبع وستمائة، وأخبرني أنه قراه على شيخه رشيد الدين أبي جعفر محمد بن على بن شهر آشوب، فأخبره به عن جده شهر آشوب بن أبي نصر بن أبي الجيش المازندراني، عن مؤلفه الشيخ السعيد أبي جعفر الطوسي(قدس سره)، والحمد لله رب العالمين والصلوات خلقه سده الحمد نبى الرحمة واله الطاهرين».

يعنى حسن بن جود در سال در سال 607 نسخه مصباح صغیر را بر شیخ خودش مرحوم بن ابی زنبور(رحمه الله) خوانده و شیخ ابی رضا احمد بن علی بن ابن ابی زنبور(رحمه الله) نسخه را بر شیخ رشید الدين ابی جعفر محمد بن علی بن شهر آشوب خوانده و ابن شهر آشوب(رحمه الله) می گوید جلد شهر آشوب بن

ابی نصر بن ابی جیش مازندرانی این نسخه را از شیخ طوسی (رحمه الله) نقل می کند.

لازم به ذکر است که نسخه ناقص می باشد و بعضی از فرازهای دعاها مختلف ذکر شده است. از جمله اینکه در «اللهم العن اول ظالم» دارد: «اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد و آخر تابع له على ذلك اللهم العن العصابة التي جاهدت الحسين و شاعرت و باغتت على قتلها اللهم اجعل لعنتك وبأسك ونقمتك عليهم اللهم العنهم جميعا (يقول ذلك مائة مرة)».

و در فصل سلام دارد: «السلام عليك يا ابا عبدالله و على الانوار... السلام على الحسن والحسين و على علي بن الحسين و على اصحاب الحسين (يقول ذلك مائة مرة)».

و در فصل سوم «اللهم خص» دارد: «اللهم خص انت اول ظالم بالعن مني وابداً به اولاً والعن عبيدة الله بن زياد وابن مرجانة و عمر بن سعد وشمرا و آل ابی سفیان و آل زیاد و آل مروان الى يوم القيمة» و در این فراز «ثم الثنای والثالث والرابع اللهم العن یزید خامساً» حذف شده است و ثبت فصل سوم به صورت موجود در نسخه، دال بر مراعات تقیه بوده است.



شماره نسخه در کتابخانه آستان قدس



صفحه نهایی نسخه و ابتدای دعای ابو حمزه



نهايت دعا با اسم كاتب دعا



صفحه ای که قرائت را بر آن نوشته است



صفحه اول از نسخه



صفحه اول از زیارت



صفحة مشتمل بر فصل لعن



فصل اللهم خص و پایان زیارت



صفحه دیگر از زیارت که شامل فصل سلام و فصل اللهم خص و ...

#### نتیجه:

این نسخه می تواند مؤید قوی برای سایر نسخه های موجود باشد. این نسخه مطابق است با نسخه «مصبح صغير» و همچنین موافق است با نسخه «مصبح كبير». مقابله های متعدد موجود در حواشی قابل توجه است، این نسخه با خط های متفاوت و افراد متعدد حاشیه زده شده است و از این تعلیق ها می توان نتیجه گرفت که این نسخه در دست افراد متعددی قرار گرفته است.

## **نسخه کتابخانه آیت الله گلپایگانی(رحمه الله)**

این نسخه در کتابخانه مرحوم آیت الله گلپایگانی(رحمه الله) می باشد که به شماره 41384 ثبت شده است. تاریخ کتابت این نسخه مشخص نیست اما از بعضی از قرائی استفاده می شود که نسخه توسط عده ای از متاخرین تدوین شده است ولیکن دارای مقابله ای است که می تواند مؤید برای سایر نسخ خطی باشد.

### **امتیازات نسخه**

از خصوصیات ممیزیه این نسخه آن است که بر روی آن مقابله و تصحیحات فراوانی انجام شده است که می توان به مقابله ای که با نسخه مرحوم ابن ادریس(رحمه الله) و مرحوم ابن السکون(رحمه الله) شده است اشاره کرد. خبر مقابله این نسخه توسط مؤلف در نسخه مشاهده می شود. بعضی از تصحیحات نگاشته شده در این نسخه، توسط خود شخص مؤلف تدوین شده و بعضی دیگر از موارد تصحیح را از واسطه گرفته و در نسخه ثبت نموده است.

این نسخه خطی با نسخه خطی مرحوم ابن ادریس حلی(رحمه الله) مقابله شده که مؤلف اینگونه اشاره می کند: این نسخه با نسخه ای که با دست خط شیخ شیخ سعید محمد بن ادریس(رحمه الله) می باشد مقابله شده است. متن زیارت عاشورا همراه با فصول سه گانه در این کتاب آمده است.



زکاء تصحیح شده است



در این صفحه مقابله با نسخه ابن سکون و ابن ادریس ذکر شده است



در دایره بالا دو مقطع مقابله اولی با نسخه سکون و ابن ادریس ذکر شده است



بین رفته است



صفحه شرح زیارت

صفحه ابتداء زیارت

صفحه دوم از زیارت



فصل سوم از زیارت

صفحه چهارم از زیارت و در این، ابتدا فصل لعن وجود دارد

صفحه دیگر از زیارت

### **نسخه مرحوم معین الدین اصفهانی(رحمه الله)**

نسخه مرحوم معین الدین اصفهانی(رحمه الله) است که در کتابخانه دانشگاه تهران و در شماره 2353 نگهداری می شود.

و در آخر فرازهای زیارت دارد:

«ثم تقول: اللهم العن أول ظالم حق محمد وآل محمد و آخر تابع له على ذلك اللهم العن العصابة التي جاهدت الحسين وشاعرت وبايعت على قتلها اللهم العنهم جميعا (تقول ذلك مائة مرة).

ثم تقول: السلام عليك يا ابا عبدالله وعلى الارواح التي حلت بفنائك عليك مني سلام الله ما بقيت و بقى الليل والنهار ولا جعله الله آخر العهد مني لزيارةكم السلام على الحسين وعلى بن الحسين وعلى اولاد الحسين وعلى أصحاب الحسين (تقول ذلك مائة مرة).

ثم تقول: اللهم خص أنت اول ظالم باللعن وابدا به اولاً، اللهم العن يزيد بن معاوية والعن عبيد الله بن زياد وابن مرجانه و عمر بن سعد و شمراً و آل ابى سفيان و آل مروان إلى يوم القيمة».

و در حاشیه کتاب به خط دیگر اینگونه ذکر شده است: «اولاً ثم الثاني والثالث والرابع والعن يزيد خامساً» که همانگونه که بیان شد این تعلیقه ها و حاشیه ها بر اثر مرور زمان و تخفیف فشار بر شیعه به کتاب اضافه شده است.



صفحه ای از نسخه معین الدین اصفهانی

### **نسخه مرحوم عبدالسمیع (رحمه الله)**

نسخه مرحوم عبدالسمیع (رحمه الله) به قرن 11 بر می گردد و در مکتبه مجلس شورای اسلامی تهران به شماره 13433 محافظت می شود و در تاریخ روز یکشنبه 16 ذی القعده سال 1054 نوشته شده است.

نص زیارت بعد از لعن و سلام صد مرتبه دارد:

«اللهم خص انت اول ظالم باللعن وبدأ به اللهم العن يزيد بن معاویة والعن عبیدالله بن زیاد وابن مرجانة و عمر بن سعد و شمرا و آل ابی سفیان و آل زیاد وآل مروان على يوم القيمة» ثم تسجد... و در حاشیه دارد: «اولاً ثم العن الثانی والثالث والرابع اللهم العن يزيد خامساً».

و همان مطلب قبل در همین مقطع تکرار می گردد و جای شبّه نیست که بعدها نسخه طبق اصل موجود حاشیه زده شده است و حذف این فراز به خاطر شدّت تقيیه بوده است.



صفحه ای از نسخه مرحوم عبدالسمیع

صفحه زیارت عاشورا در نسخه مرحوم عبدالسمیع

### **نسخه مرحوم شاهروdi (رحمه الله)**

این نسخه در آستان قدس رضوی نگهداری می شود و تاریخ آن شب 6 ربیع  
الثانی سنه 1126 هـ می باشد و نویسنده این نسخه مرحوم محمد جعفر بن حق  
نظر کلوری شاهروdi (رحمه الله) و از مقطع (اولاً ثم الثاني والثالث والرابع اللهم العن  
یزید خامساً) را در پرانتز ذکر کرده است، بعضی خواسته اند بدین جهت بهانه  
گرفته و بگوید در پرانتز ذکر کردن دال بر آن است که این مقطع در اصل کتاب  
مصبح المتهجد نبوده است. ذکر این مقطع در بین پرانتز دال بر آن است که این  
نسخه از نسخ کپی برداری شده است که در تقيیه سخت نگاشته شده و مقطع در  
پرانتز را نداشته لذا کمی کننده برای حفظ امانت آن را در پرانتز ذکر کرده است.

### **نسخه مرحوم شمس الدین یزدی(رحمه الله)**

این نسخه در مکتبه آیت الله بروجردی(رحمه الله) نگهداری می شود و به قرن 7 هجری بر می گردد و ظاهر این نسخه این است که یک نسخه ای وجود داشته که بعضی از اوراق آن از بین رفته بوده و مرحوم شمس الدین(رحمه الله) با استفاده از آن اوراق ناقص نسخه را کامل کرده است صفحه آخر این نسخه دال بر این مدعی می باشد.



آخرين صفحه نسخه مرحوم شمس الدين يزدي

## نسخه ملا محمد جعفر

نسخه مذکور در مرکز احیاء التراث الاسلامی قم به شماره 3789 نگهداری می شود و مجموع اوراق آن 147 می باشد و تاریخ آن به محرم سال 1073 هـ بر می گردد و به احتمال زیاد مؤلف همان محمد جعفر معروف به ترک می باشد. این نسخه فرازهای سلام صد مرتبه و لعن صد مرتبه را دارد، فراز اللهم خص «اللهم العن اولاً ثم الثالث والثالث والرابع والعن يزيد خامسا» را ندارد و به جای کلمه عبیدالله اشتباهًا عبدالله آورده شده و اینگونه ثبت شده است «اللهم خص انت اول ظالم عبدالله بن زياد و ابن مرجانه و عمر بن سعد و شمرا و آل ابی سفیان و آل زياد و آل مروان الى يوم القيمة».

در خصوص این نسخه نکاتی قابل دقت می باشد:

اولاً: در ایام شدت تقیه کپی شده لذا بعضی فرازهای دعا حذف شده است.  
ثانیاً: نسخه ثبت شده بر اثر آنکه از نسخه کپی گرفته شده که با ظرف تقیه تدوین شده لذا با کپی گرفتن از عین آن نسخه موجود بعضی فرازها ذکر نشده است.

ثالثاً: با توجه به اینکه دأب این بوده که هنگام مقابله بعضی از اشخاص قرائت می کردند و دیگران آن را می نوشتند ممکن است شخصی که آن را قرائت کرده از نسخه ای قرأت کرده که این فراز به دلیل شدت تقیه قرائت نشده است لذا آنگونه کپی شده است، در هر حال وجود این نسخه موجب انکار یا تغییر زیارت عاشورا با توجه به قرائن موجود و شرایط سخت تقیه نمی شود.

## نسخه کرکانی

نسخه دیگری با عنوان نسخه کرکانی در مرکز احیاء التراث الاسلامی در قم مقدس به شماره 322/3 وجود دارد که در ماه صفر سال 1123 هـ نوشته سده است و کاتب این نسخه معلوم نمی باشد ولیکن در سنین مختلف در دست بعضی قرار داشته که نام آنها بر روی این نسخه درج شده است.

در حاشیه کتاب ثبت شده که: فرهاد میرزا فرزند ولی عهد در سال 1281 هـ مالک آن بوده و در سال 1323 هـ کرکانی آن را تملیک کرده است و این کتاب با دعاهای هفته شروع می شود و تمام فرازهای زیارت عاشورا در آن ذکر شده است الا فراز «ابدأ به اولاً ثم الثنائي والثالث والرابع» که عدم ذکر این مقطع پر واضح است که مؤمنین با توجه به فشار و اختناق موجود سعی می کردند بهانه دست معاندین ندهند و بعضی از فرازها را حذف کرده تا بتوانند این زیارت را به آسانی در اختیار یکدیگر قرار دهند و حذف این فرازها چیزی از اصل زیارت عاشورا بر طبق نص موجود در مصباح المتهجد کم نمی کند.

و این اختلاف نسخ نه تنها در خصوص بعضی زیارات رخ می داده است بلکه احادیث متعدد صحیح موجود می باشد که علماء آن را حمل بر تقيه می کنند. خود مؤید این مدعی است که شیعه همواره با توصیه امام(علیه السلام) شرایط تقيه را مراعات می کردند. و یکی از مواردی که مورد تقيه بوده بعضی از فرازهای زیارت عاشورا بوده که با مراعات تقيه حذف می شده است.

و اگر به حاشیه این زیارت در این نسخه با دقت نظر شود مشاهده می شود کلمه «اولاً» از فراز «اللهم العن اولاً ثم الثاني...» در نسخه موجود می باشد و بقیه فرازها محو شده است و لذا این احتمال دارد که:

- 1- فرازهای زیارت عاشورا از جمله «اللهم العن اولاً ثم الثاني و...» در نسخه بوده ولیکن به خاطر شرایط تقيه محو شده و در این نسخه به وضوح مشاهده می شود که پاک شده است.
- 2- لفظ «اللهم العن اولاً ثم الثاني و...» بعدها به نسخه اضافه شده و دوباره به خاطر مراعات تقيه آن را محو کرده اند و لفظ اولاً خوب محو نشده است.

## **نسخه علاء بیک**

یکی از نسخه ها نسخه علاء بیک می باشد که در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره 3247 نگهداری می شود.

این نسخه در تاریخ 951 هـ ماه ربی شده است و نویسنده آن محمد بن جلال الدین مشهور به علاء بیک (رحمه الله) است.

در متن زیارت فصل سوم از زیارت دارد:

«اللهم خص بالعن مني ابداً به» و مقطع «اولاً ثم الثاني والثالث والرابع اللهم العن

یزید خامساً» در حاشیه ذکر شده است.

### **نسخه عبدالحی (رحمه الله)**

این نسخه به قرن دهم بر می گردد که ناسخ آن سید عبدالحی (رحمه الله) می باشد و در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی (رحمه الله) نگهداری می شود که شماره آن 6716 می باشد، و در حاشیه بعد از ذکر صد لعن دارد: «و شایعت و تابعت علی قتلہ اللہم اجعل لعنتک وبأسک ونقتمک علیہم اللہم العنہم جمیعاً...». ثم یقول: «اللہم خص انت اول ظالم باللعن منی وابدا به اللہم العن یزید خامساً والعن عبیداللہ بن زیاد...».

و در حاشیه نسخه با خط دیگر دارد «اولاً ثم الثاني والثالث والرابع...».

این نسخه همانگونه که مشاهده می شود در خصوص کلمات اضافه شده در شایعت و تابعت علی... متعارف است و برای مبالغه در اظهار تنفر از معاندین اهل بیت (علیہم السلام) کلمات دیگری در نسخه اضافه شده است که ضرری به اصل زیارت نمی رسد و این امر هم اکنون هم متداول است که در حین دعا بعضی کلمات که دال بر ظلم معاندین است ذکر می شود و عدم ذکر اولاً ثم الثاني والثالث... بر می گردد بر همان حفاظتی که شیعه سعی بر آن داشته که آن را مراعات کند و بعدها به واسطه رفع تقيیه یا خصوصی شدن نسخه این فرازها اضافه شده است.

## **نسخه ابن زنگی**

این نسخه در قرن ششم کپی شده است و در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی (رحمه الله) نگهداری می شود و در شماره 14226 بایگانی شده است.  
و بر روی این کتاب نام طفرلتین اتابک ابی المظفر مسعود بن مودود بن زنگی بن اقا سقیر نصیر امیرالمؤمنین نوشته شده است.

اما چرا این نسخه به ابن زنگی معروف شده است دقیقاً نمی توان جواب داد  
ولیکن بر حسب آنچه که آن زمان موسوم بوده، یک کتاب اگر در کتابخانه شخصی نگهداری می شده آن کتاب به آن شخص نسبت داده می شده، بعد  
نیست بدین گونه بوده است. در آخر این نسخه خطی اینگونه دارد:

«اللهم خص انت اول ظالم باللعن منی وابداً به اولاً ثم العن الثاني والثالث  
والرابع اللهم العن یزید خامس ظالم... تغییر جزئی در بعضی از فقرات دعا ضرری  
به اصل و اثبات آن نمی زند و گفتن العن یزید خامس ظالم یا یزید خامساً یک  
معنی است و اینگونه تغییر موجب اشکال نمی شود.

## **نسخه مرحوم فرخ**

این نسخه متعلق است به فرخ بن عبدالله(رحمه الله) و در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می شود و شماره آن ش 202 خ و در مشهد مقدس کتابت شده است.

و این نسخه شامل لعن و صلووات صد مرتبه می باشد و فصل سوم را اینگونه ثبت کرده است: «اللهم خص انت اول ظالم باللعن منی وابداً (به او لا ثم العن الثاني والثالث والرابع) الى اللهم العن يزید بن معاویه».

## اعتماد علما به زيارت عاشورا

- كتاب مزار كبير
- كتاب مصباح الزائر و جناح المسافر
- كتاب فرحة الغرى فى تعيين قبر أمير المؤمنين (عليه السلام)
- منهاج الصلاح فى اختصار المصباح
- زيارة عاشورا در منهاج الصلاح
- مزار شهيد اول
- حجة الامان الواقعية و جنة الايمان باقية
- البلد الامين والدرع الحصين
- بحار الانوار



سزاوار است در این بخش از بحث، اشاره ای به اعتماد علماء به صحت زیارت عاشورا، و نقل آن در کتب بعضی از اجلاء و بزرگان شود.

### **کتاب مزار کبیر (مزار بن المشهدی)**

این زیارت مبارکه را مرحوم شیخ محمد بن جعفر مشهدی(رحمه الله) در کتاب «مزار» نقل کرده است و کتاب «مزار کبیر» یا «مزار بن مشهدی» از مهم ترین کتب ادعیه و یکی از قدیمی ترین منابع دعایی شیعه محسوب می شود.

مرحوم شیخ محمد بن جعفر المشهدی از بزرگان قرن ششم هجری و هرچند بعضی در وثاقت ایشان بحث دارند اما بعضی ایشان را توثیق کرده ولیکن بنابر نظر ما، در دعا نیاز به بررسی سند نمی باشد و این کتاب دعا بوده و با توجه به اخبار من بلغ، این کتاب نیازی به بررسی سندی ندارد و می توان به ادعیه های آن عمل کرد.

ابن مشهدی در مقدمه کتاب دارد:

بسم الله الرحمن الرحيم

حمد مخصوص خداوندی است که دارای احسان قدیم است. امتنان و نعمت های او... و سلطنتش عالی است. برهانی روشن و شأنی رفیع دارد.

خدایی که ما را از هلکات نجات داد و پاک نمود ما را از شباهت و به ما الهام فرمود اعمال صالحه را، و ما را تأیید فرمود و ما را قرار داد از پیروان بهترین مخلوقات، کسی که خداوند او را انتخاب فرمود برای بهترین پیامبری ها، محمد ابن عبدالله پیغمبری که تأیید گردیده به معجزات و برطرف کننده غم ها و غصه ها و نجات دهنده از همه سختی ها، صلووات خدا بر او و آل او، کسانی هستند که ما را به نمازها دعوت می کنند و امر به دادن زکات می نمایند و آگاه می کنند شیعیان خود را به اعمال خیر تا زمانی که آسمان و زمین بر پاست.

اما بعد: همانا من جمع آوری نمودم در این کتاب انواع زیارت نامه هایی را که در مشاهد مشرفه خوانده می شود و آنچه که از ناحیه امامان معصومین (علیهم السلام) تشویق به خواندن آنها در مسجدهای مبارک شده است و همچنین ذکر نمودم آنچه را که بعد از نمازها به آن توصیه شده است و همچنین ذکر نمودم آنچه را که بندگان در خلوت، شدت و گرفتاری بدان پناه ببرند و خدا را با آن ذکر کنند: (دعاهایی که نقل کرده ام از روایان ثقه و درست گفتار که ناقل قول معصومین (علیهم السلام) هستند و اولین چیزی که با آن کتاب را شروع کردم روایاتی است که در آن به زیارت پیامبر (صلی الله علیه وآلہ) و ائمه هدی (علیهم السلام) تشویق و تحریص شده است. و نقل نمودم روایتی که دال بر ثوابی است که به زائرین این زیارت می رسد. سپس ذکر می کنم آنچه را که باید زائر در هنگام عزم به زیارت این بزرگان و هنگام خروج برای زیارت آنها به جای آورد. سپس ذکر می کنم آنچه که در مورد زیارت پیامبر عظیم الشأن (صلی الله علیه وآلہ) وارد شده؛

زیرا که آن جناب در فضل و شرف بر سایر ذوات مقدسه تقدم دارد و امید دارم که خداوند مرا در این امر موفق گرداند و حاجات کسانی که به این ادعیه پناه می آورند، برآورده فرماید و مشکلات آنها را به لطف خود آسان گرداند. همانا فضل او تنها پناه و ملجم برای همگان است و هیچ امیدی جز به لطف او نمی باشد، اوست که شنونده و جواب دهنده است.

مرحوم ابن مشهدی(رحمه الله) در دو موضع از کتاب «مزار» زیارت عاشورا را نقل نموده است.

موضع اول: مرحوم ابن مشهدی(رحمه الله) ذکر نموده زیارت عاشورا را در زیارات حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و آن زیارت پنجم و ششم کتاب «مزار کبیر» می باشد. و در این مقطع از کتاب به زیارت عاشورا اشاره کرده و در ذیل زیارتی که صنوان از شیخ طوسی(رحمه الله) با کلمه «یا الله یا الله...» روایت شروع کرده که در نزد عرف به «دعای صفوان» معروف می باشد و در بین عوام مؤمنین این دعا را «دعای علقمه» می گویند، اکنون عین عبارت مرحوم مشهدی(رحمه الله) را نقل می کنیم:

«زیارت دیگری که برای امیرالمؤمنین و امام حسین بن علی (علیه السلام) روایت شده است:

روایت نمود محمد بن خالد طیالسی از سیف ابن عمیره و سیف بن عمیره می گوید: بیرون رفتم با صفوان بن مهران جمال و جمع دیگری از اصحاب به سوی نجف بعد از آنکه حضرت صادق (علیه السلام) وارد شده و آنجا را زیارت

کرده بودند، من به همراه صفوان و جمعی دیگر زیارت نمودیم؛ پس زیارت حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را پس وقتی فارغ شدیم از زیارت، صفوان برگشت و صورت خود را به سوی حرم ابی عبدالله الحسین (علیه السلام) گرداند و گفت همانا زیارت می کنیم حسین بن علی (علیه السلام) را از همین مکان در کنار سر مبارک امیرالمؤمنین (علیه السلام)».

سپس ابن مشهدی روایتی را ذکر کرده است که شیخ طوسی در «مصطفیٰ المتھج» آورده است اما با کمی اختلاف.

موقعیت ذکر زیارت ابا عبدالله حسین (علیه السلام) از جمله ذکر زیارت عاشورا را ذکر می کند ابتدا می گوید:

«زیارت دیگری برای ابا عبدالله (علیه السلام) در روز عاشورا هست که شخص از قریب یا بعید آن را می خواند. پس ابن مشهدی (رحمه الله) تمام زیارت که به همان شکل موجود در مفاتیح الجنان را ذکر می نماید».



## **مصباح الزائر و جناح المسافر**

یکی از مهم ترین منابع و مأخذی که زیارت عاشورا را نقل نموده، کتاب «مصباح الزائر و جناح المسافر» تأليف مرحوم سید رضی الدین علی بن موسی ابن طاووس(رحمه الله)می باشد.

مرحوم سید ابن طاووس زیارت عاشورا را به طور کامل در کتاب «مصباح الزائر و جناح المسافر» نقل نموده است و در نقل خود به دو نسخه اعتماد کرده است. به نسخه «مصباح کبیر» مرحوم شیخ طوسی(رحمه الله)که جد بزرگوارش می باشد و نسخه «مصباح صغیر»؛ یعنی با استفاده از کتاب مصباح صغیر و کبیر جدش، زیارت عاشورا را نقل نموده است.

### **توجه به یک مطلب:**

با نظر به نقل سید بن طاووس روشن می شود که ایشان فقرات لعن و سلام را صد مرتبه از «مصباح صغیر» نقل نموده است و اما فصل های «اللهم خص انت» و همچنین دعای سجده را مرحوم سید، چنانچه از ظاهر کلامش استفاده می شود از کتاب «مصباح کبیر» نقل کرده و چنانچه خود مرحوم سید در عبارتی می گوید: علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن طاووس این روایت را نقل کردیم با سندش از «مصباح الکبیر» و این نسخه مقابله شده با خط مصنف کتاب و در کتاب «مصباح کبیر» دو فرقه صد مرتبه لعن و سلام موجود نبود و ما آن دو فصل را از «مصباح صغیر» نقل می کنیم.

مرحوم ابن طاووس ابتدا نقل می کند زیارت در روز عاشورا را طبق روایتی  
که شیخ طوسی نقل کرده است و سندی که ابن طاووس نقل می کند اینگونه  
است که صالح بن عقبه عن ابی جعفر(علیه السلام) سپس زیارت عاشورا را  
به شکل کامل نقل می کند.





صفحه اول، ابتدا کلام ابن طاووس



صفحه دوم در فصل زیارت



صفحة اول متن زیارت



صفحه دوم متن زیارت



صفحه سوم متن زیارت



صفحه چهارم متن زیارت



صفحه اول از ابتداء دعای صفوان



صفحه پایانی دعا



صفحه پایانی روایت زیارت

## **كتاب فرحة الغرى فى تعين قبر أمير المؤمنين (عليه السلام)**

از کتب مهم و قدیمی است که در آن زیارت عاشورا درج شده است. مؤلف این کتاب سید عبدالکریم بن احمد بن موسی بن جعفر بن طاووس است(رحمه الله) می باشد که متولد سال 647 هـ. و در سال 693 هـ. وفات نمود و قریب 45 سال زندگی کرده و عمومیش سید رضی الدین علی بن مولی بن جعفر بن طاووس(رحمه الله) است که صاحب کتاب «مصابح الزائر» می باشد و در کتب تراجم از سید عبدالکریم(رحمه الله) به تجلیل یاد می شود.

و سید عبدالکریم بن احمد بن موسی بن جعفر(رحمه الله) در مقدمه نسخه کتاب می فرماید:

«الحمد لله مظهر الحق و مبديه، ومدحض الباطل ومدجيه، ومسدد الصواب ومسديه، ومشيد بنائه ومعليه، أحمده مجتها ولا أصل إلى الواجب فيه، وأثنى و ما قدر ثنائي حسب ما يفيضه على ويليه، والصلة على رسوله محمد النبي، وعلى آله المقتدين بهديه فيما يذره ويهديه.

وبعد: فإن بعض من يجب حقه على من الصدور الأماجد، والأعيان الأفاضل، طلب مني ذكر ما ورد من الآثار الدالة، على موضع مضجع أمير المؤمنين (عليه السلام)، وأن أذكر ذلك مستوفى الحدود تمام الأقسام، فكتبت ما وصل إليه الجهد وصدق بسطره الوعد، مظهراً ذلك من دائرة غضون الدفاتر، مع ضيق الوقت وتعب الخاطر، مع أن الوارد من ذلك في الكتب شتيت الشمل مجهول المحل. ولكنني اجتهدت غاية

الاجتهاد، ولم آل جهداً بحيث أصل إلى مطابقة المراد، ومن الله تعالى أسأل عناء  
عاصمة من الزلل، حاسمة مواد الخطأ والخطل بمنه، ورتبت الكتاب على مقدمتين و  
خمسة عشر باباً:

المقدمة الأولى: في الدليل على أنه (عليه السلام) في الغرى حسب ما يوجبه  
النظر.

المقدمة الثانية: في السبب الموجب لاخفاء ضريحه عليه السلام.

وأما الأبواب فهي بهذه:

الباب الأول: في ما ورد عن رسول الله(صلى الله عليه و آله وسلم).

الباب الثاني: فيما ورد في ذلك عن أمير المؤمنين على بن أبي طالب (عليه  
السلام).

الباب الثالث: فيما ورد عن الحسن والحسين (عليه السلام).

الباب الرابع: فيما ورد عن زين العابدين على بن الحسين (عليهما السلام).

الباب الخامس: فيما ورد عن محمد بن علي الباقر (عليه السلام).

الباب السادس: فيما ورد عن جعفر بن محمد الصادق (عليه السلام).

الباب السابع: فيما ورد عن موسى بن جعفر الكاظم (عليه السلام).

الباب الثامن: فيما ورد عن علي بن موسى الرضا (عليه السلام).

الباب التاسع: فيما ورد عن محمد بن علي الجواد (عليه السلام).

الباب العاشر: فيما ورد عن علي بن محمد الهادى (عليه السلام).

الباب الحادى عشر: فيما ورد عن الحسن بن علي العسكرى (عليه السلام).

الباب الثانى عشر: فيما ورد عن زيد بن علي الشهيد.

الباب الثالث عشر: فيما ورد عن الخليفة المنصور والرشيد بن المهدى فى ذلك،  
ومن زاره من الخلفاء من بعده حسب ما وقع إلينا.

الباب الرابع عشر: فيما ورد عن جماعة من بنى هاشم وغيرهم من العلماء  
والفضلاء.

الباب الخامس عشر: فيما ظهر عند هذا الضريح المقدس مما هو كالبرهان على  
المنكر من الكرامات».

که سید عبدالکریم(رحمه الله) بعد از حمد و درود بر رسول گرامی اسلام و بیان  
تلاش خود در جهت تدوین این کتاب می گوید: کتاب را بر طبق دو مقدمه و  
15 باب تنظیم کرده است که مقدمه اول شامل دلیل بر اینکه قبر مطهر  
امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب(عليه السلام) در نجف می باشد و مقدمه دوم در  
سبب اخفاء قبر امیرالمؤمنین(عليه السلام) می باشد (قبر حضرت(عليه السلام) تا زمان  
هارون الرشید مخفی بوده است) و سپس ابواب کتاب را ذکر کرده است که با  
روایات رسول اکرم(صلی الله علیه وآلہ) شروع و با ذکر کرامات در نزد ضریح  
امیرالمؤمنین(عليه السلام) پایان می یابد.

## مکان زیارت در نسخه فرحة الغری

صاحب کتاب «فرحة الغری» به مناسبت در بین زیارات امیرالمؤمنین(علیه السلام) روایت صفوان (دعای علقمه) و زیارت مخصوص ابا عبدالله الحسین(علیه السلام) که در بالای سر مرقد امیرالمؤمنین(علیه السلام) خوانده می شود را ذکر نموده است، زیارت عاشورا را در باب ششم ذکر نموده و چهل روایت از امام صادق(علیه السلام) مناسب با مقام ذکر می نماید. در نقل این زیارت به «مزار» محمد بن جعفر مشهدی(رحمه الله) اعتماد کرده است. صاحب «فرحة الغری» می گوید: اشکال نشود که روایت صفوان فرقی کرده است بدلیل اینکه تردد امام صادق (علیه السلام) در آن مکان های مبارکه و مواضع مختلفه بوده و امام (علیه السلام) در هر مناسبت مطلبی را می فرمودند و این روایت با روایت مصباح منافاتی ندارد.

## **منهاج الصلاح فى اختصار المصباح**

از مصادر مهم در نقل زیارت عاشورا کتاب «منهاج الصلاح فى اختصار المصباح» متعلق به حسن بن یوسف بن المطهر الحلى (رحمه الله) و کتاب «منهاج» علامه حلى (رحمه الله) همان اختصار کتاب «مصباح کبیر» شیخ طوسی (رحمه الله) است و علامه حلى (رحمه الله) به طلب خواجه نصیر الدین طوسی (رحمه الله) کتاب «مصباح الكبير» را در ده باب خلاصه کرده که باب آخر آن را مربوط به علم کلام تدوین نمود به «الباب الحادی عشر» معروف است و در مقدمه کتاب غرض از تدوین کتاب را بیان نموده است.

لازم به تذکر است این کتاب متأسفانه هنوز به شکل کتاب خطی نگهداری می شود و هنوز به چاپ نرسیده است و آنچه از این نسخه در مرکز دار الصدیقة الشهیده (عليها السلام) نگهداری می شود به قرن 11 بر می گردد.

بر متبع کتب خطی مخفی نماند که کتاب «مصباح متهجد» شیخ طوسی (رحمه الله) دارای شروح و تعلیقات فراوان بوده است و بعضی از آنها در زمان های مختلف نگاشته شده است که می توان به این موارد اشاره کرد.

- 1- اختیار المصباح، مرحوم ابن باقی قرشی (رحمه الله).
- 2- ایضاح المصباح، مرحوم نیلی (رحمه الله).
- 3- تتمات المصباح، مرحوم سید رضی الدین علی بن طاووس (رحمه الله).
- 4- قبس المصباح، مرحوم صهرشتی (رحمه الله).
- 5- منهاج الصلاح، مرحوم علامه حلى (رحمه الله).

- 6- مختصر المصباح، مرحوم شيروانى (رحمه الله).
  - 7- مختصر المصباح، مرحوم سيد عبدالله شبّر (رحمه الله).
  - 8- مختصر المصباح، مرحوم نظام الدين على بن محمد (رحمه الله).
  - 9- منهاج الصلاح، مرحوم ابن عبد ربه الحلّى (رحمه الله).
- و كتاب - منهاج الصلام - مختصر كتاب مصباح كبير شيخ طوسى(رحمه الله) است.



## **زيارة عاشوراء منهج الصلاح**

بر طبق آنچه که از نسخه خطی کتب به دست ما رسیده است فرازهای سه گانه که شامل لعن مکرر و سلام مکرر و اللهم خص انت و... ذکر شده است و علامه حلی فقط الفاظ زیارت را از مصباح متهجد نقل کرده است و روایتی که فضل زیارت را نقل می کند را بیان نکرده است و روایت دوم که دال بر دعای صفوان از امام صادق(علیه السلام) است را ذکر ننموده است، روایت دیگری را علامه حلی نقل کرده اند که شیخ طوسي(رحمه الله) آن را در «مصباح متهجد» ذکر نکرده است و این روایت مربوط به اخبار رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ) بر آنچه که بر صدیقه شهیده(علیها السلام) و امیر المؤمنین(علیه السلام) و امام حسن و امام حسین(علیه السلام) خواهد گذشت می باشد.

نص روایتی که علامه حلی(رحمه الله) نقل نموده: «و زار النبي(صلی الله علیه وآلہ) يوماً فاطمة(علیها السلام)، فھیأت له طعاماً من تمر و قرص و سمن، وجاری عادتها معه(علیه السلام)، واجتمعوا على الأكل هو وعلى فاطمة والحسن والحسين(عليهم السلام)، فلما أكلوا، سجد رسول الله(صلی الله علیه وآلہ) وأطال سجوده، ثم بكى، ثم ضحك، ثم جلس، وكان أجرأهم فى الخطاب على بن أبي طالب(علیه السلام)، فقال: يا رسول الله رأينا منك اليوم ما لم نره قبل ذلك؟ قال: وما هو؟ قال: سجدت وبكيت وضحكت بما سبب ذلك؟ فقال(علیه السلام): إنى لما أكلت معكم فرحت وسررت بسلامتكم واجتماعكم، فسجدت لله تعالى شكرأً، فهبط جبرئيل(علیه السلام) إلى وأنا

ساجد فقال: ربك يقرأك السلام ويقول: سجدت شكرًا لفرحك بأهلك؟ فقلت: نعم،  
قال: ألا أخبرك بما يجري عليهم بعدك؟ فقلت: بلى يا أخي جبرئيل، فقال: أما ابنتك  
 فهي أول أهلك لحوقاً بك، بعد أن تظلم، ويؤخذ حقها، ويمنع إرثها، ويظلم بعلها،  
 ويكسر ضلعها، وأما ابن عمك فيظلم، ويمنع حقه، ويقتل، وأما الحسن فإنه يظلم،  
 وتطأ الخيول، وينهب رحله، وتسبى نساوه وذراريه، ويدفن مرملًا بدمه، ويدفنه  
 الغرباء، فبكى، وقلت: هل يزوره أحد؟ قال: يزوره الغرباء؟ قلت: فما لمن زاره من  
 الشواب؟ قال: يكتب له ثواب ألف حجة، وألف غزوة كلها معك، فضحك.<sup>٣١٥</sup>

---

٣١٥- مستدرك الوسائل، ج 10، ص 275؛ بحار الانوار، ج 98، ص 44



صفحه اول از کتاب که شامل دیباچه کتاب است



صفحه دوم از کتاب که شامل دیباچه است



فصل پنجم از کتاب تحت عنوان اعمال محرم و ذکر بعد از آن زیارت عاشورا



صفحه دوم از زیارت عاشورا



صفحه سوم از زیارت عاشورا



صفحه چهارم از زیارت عاشورا شامل فصل سلام و فصل لعن و ...



صفحه دیگر از زیارت عاشورا و ذکر سلام و فصل اللهم خص انت...

## **مزار شهید اول(رحمه الله)**

و یکی دیگر از کتبی که در آن به زیارت عاشورا اعتماد شده و از مدارک مهم و با ارزش می باشد، کتاب «مزار» شهید اول (قدس سرہ) می باشد کتاب «مزار» از شهید اول، ابو عبدالله شمس الدین، محمد بن شیخ جمال الدین حکی العاملی، النباطی، الجزرینی(رحمه الله) از بزرگان قرن 8 و متولد سال 734 هـ. می باشد و او در سال 786 هـ. به شهادت رسید و عمر شریفشان در هنگام شهادت 52 سال بود.

## **اشاره ای به فهرست المزار**

این کتاب دارای ابوبی است که و هر باب شامل فصول و خاتمه می باشد و کل کتاب به صورت دو باب ذکر شده است. در باب اول 8 فصل را ذکر کرده و سپس یک خاتمه ای را ذکر نموده اند که خود خاتمه شامل 4 فصل می باشد و باب دوم این کتاب دارای هفت فصل است. سپس خاتمه ای را ذکر کرده است که خاتمه خود شامل سه فصل می باشد و در فصل چهارم از باب اول آنچه مربوط به زیارت امام حسین (علیه السلام) است ذکر شده است و در همانجا زیارت عاشورا را به شکل موجود در «مفاتیح الجنان» همراه با سه فصل (شامل لعن وسلام و اللهم خص انت اول ظالم باللعن منی) ذکر نموده است.

شهید اول(رحمه الله) به ذکر الفاظ زیارات اکتفا کرده و فضل زیارت را ذکر ننموده است، بعد از بررسی کتاب پی می بریم که شهید اول(رحمه الله) هدفش آن

بوده که کتاب جامع و مختصری را گردآوری کند که طالب بتواند با استفاده از زیارت ضمن آنکه سهل الوصول باشد و به هدف خود، که همان توسل است بررسد. لذا از ذکر اسانید و روایات مربوط به زیارت صرف نظر کرده است.

شیخ در مقدمه کتاب می فرماید:

«بسم الله الرحمن الرحيم، و به نستعين، اللهم يا من جعل الحضور في مشاهد أصفيائه ذريعة إلى الفوز بدرجات أحبائه، نسألك أن تصلى على سيد أنبيائك محمد و آله أمنائك، وأن توفقاً لزيارة ضرائجهم المشرقة كلها، وأن تنطق ألسنتنا بأداء المناسب المأثورة فيها. و بعد، فهذا المنتخب موضوع لبيان ما ينبغي أن يعمل في المشاهد المقدسة والأمكنة المشرفة من الأفعال المرغبة والأقوال المروية، وهو مشتمل على بابين».

«... آنچه که سزاوار است عمل شده در مشاهد مقدسه و اماكن مشرفه، از افعال مرغوب و اقوال رؤيت شده...».





صفحه اول از کتاب مزار شهید اول



صفحه مشتمل بر لعن مکرر صد بار و ابتدا سلام مکرر



صفحه مشتمل بر تتمه سلام و فصل اللهم خص و دعا به خود



آخرین صفحه نسخه

## **حجۃ الامان الواقیة وجنة الایمان الباقية (مصباح الكفعمی)**

این کتاب از مصادر مهمی است که زیارت عاشورا را ذکر نموده و این کتاب معروف به «مصباح الكفعمی» تالیف شیخ تقی الدین ابراهیم بن علی بن علی العاملی الکفعمی (رحمه الله) است.

این شخصیت از اعلام طایفه شیعه در قرن ۹ بوده و سال ولادت آن عالم بزرگوار ۸۴۰ هـ و به طور یقین تا سال ۸۹۵ هـ زنده بوده به اعتبار اینکه در همین سال نسخه خود را به پایان رسانده است.

و «کفعم» بر وزن «زمزم» روستایی از روستاهای جبل عامل بوده و «الکف» به معنی روستا و «عیما» اسم روستایی بوده است و اصلش «کف عیما» یعنی روستای «عیما» بوده است.

و به خاطر نسبت به آن مکان «کفعیماوی» شده که یاء به خاطر شدت امتزاج، حذف شده است و به بواسطه استعمال پی در پی «کفعمی» شده است.

و این عالم جلیل القدر ثالیفات فراوانی دارد که از آن جمله می توان به دو کتاب او در ادعیه اشاره کرد. «جنة الامان العراقيه فى جنة الایمان الباقية» معروف به «مصباح کفعمی» و دومین کتاب «البلد الأمين والدرع الحصين».

زیارت عاشورا در باب ۴۱ که مخصوص زیارات می باشد ذکر شده است.

## **كتاب البلد الأمين والدرع الحسين**

این کتاب شامل 50 فصل است که در باب 11 که به زیارات اختصاص دارد و زیارت عاشورا به شکل موجود در «مفاتیح الجنان» ذکر شده است و قبل از ذکر زیارت قسمتی از روایات فضل زیارت را ذکر نموده است و این لحن کلام اوست:

«وأما زيارة عاشوراء من قرب أو بعد، فمن أراد ذلك، وكان بعيداً عنه (عليه السلام)، فليبرز إلى الصحراء، أو يصعد سطحاً مرتفعاً في داره، ويوميء إليه (عليه السلام)، ويجهد بالدعاء على قاتله، ثم يصلى ركعتين، وليكن ذلك في صدر النهار قبل أن تزول الشمس، ثم ليندب الحسين (عليه السلام) ويبكيه ويأمر من في داره بذلك من لا يتقيه، ويقيم في داره مع من حضره المصيبة بإظهار الجزع عليه، وليعز بعضهم بعضاً بمصابهم بالحسين (عليه السلام)، فيقول: أعظم الله أجورنا بمصابينا بالحسين (عليه السلام)، وجعلنا الله وإياكم من الطالبين بثأره مع ولية الإمام المهدى من آل محمد(عليهم السلام)، فإذا أنت».

«صليت الركعتين المذكورتين آنفأ، فكبّر الله مائة مرة، ثم أوم إلىه (عليه السلام)، وقل: السلام عليك يا أبا عبدالله، السلام عليك يا بان رسول الله . . .» سپس الفاظ زیارت را به شکل مشهور که مشتمل بر سه فصل نقل کرده است. و بعد از ذکر سجود فرموده است:

«ثم صل ركعتي الزيارة بمهما شئت وقل بعدهما: اللهم إني لك صليت ولك  
ركعت ولك سجدة وحدك لا شريك لك لأنك لا تجوز الصلاة والركوع والسجود  
إلا لك لأنك أنت الله لا إليه إلا أنت، اللهم صل على محمد وآل محمد وأبلغهم  
أفضل السلام والتحيّة واردد على منهم السلام، اللهم وهاتان الركعتان هدية مني إلى  
سيدي مولاي الحسين بن علي (عليهما السلام)، اللهم صل على محمد وآله وتقبلهما  
مني وأجرني عليهما أفضل أملٍ ورجائٍ فيك وفي وليك يا ولـي المؤمنين».

ثم بعد ذلك ذكر صلاة يوم عاشورا وهي أربع ركعات.

ثم بعد ذلك ذكر روایة صفوان المشتملة على الدعاء، ولكنه اقتصر على قوله:

«ثم ادع بـ هذه الزيارة بهذا الدعاء المروى عن الصادق (عليه السلام)، وهو يا الله  
يا الله يا الله . . .». <sup>٣١٦</sup>

## بخار الأنوار

از موارد مهمی که زیارت عاشورا را ذکر نموده است کتاب «بخار الأنوار» علامه مجلسی است.

و علامه مجلسی کتاب «بخار» را به کتابهای مختلف تقسیم نموده است که از جمله آن کتاب «میزارات» که مختص زیارات معصومین (علیهم السلام) می باشد ابتداء زیارت حضرت رسول (صلی الله علیه وآلہ) را ذکر می کند و سپس صدیقه شهیده فاطمه زهرا (علیها السلام) و سپس زیارت ائمه بقیع (علیهم السلام) و زیارت امام امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (علیه السلام) را در هفت باب ذکر می کند و نام آن را ابواب زیارت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) می گذارد.

و بعد از آن روایات که مختص سیدالشہدا است ذکر می کند که ضمن 32 باب می باشد که عنوان آن ابواب «فضل زیارت سید شباب اهل الجنۃ ابی عبد الله الحسین (علیه السلام) و آدابها وما يتبعها» می گذارد و در باب 24 از این ابواب ذکر می کند آنچه که مختص به زیارت عاشورا می باشد و آن را در 9 روایت بیان می نماید.

الرواية الأولى: روایة ابن قولویه (قدس سره) فی «کامل الزیارۃ».

الرواية الثانية: روایة الشیخ الطووسی (قدس سره) فی «مصابح المتهجد»، و ذکر فیها الزیارۃ کاملۃ مشتملة علی الفصول الثلاثة.

**الرواية الثالثة:** رواية الشيخ الطوسي الثانية التي رواها عن صفوان المشتملة على دعاء صفوان، والتي ذكرها في ذيل الرواية السابقة في مصباح المتهدج.

**الرواية الرابعة:** رواية الشيخ الطوسي التي ذكر فيها رواية عبد الله بن سنان عن أبي عبد الله الصادق (عليه السلام).

**الرواية الخامسة:** رواية السيد ابن طاوس (قدس سره) في الإقبال، وهي رواية عبد الله بن سنان المتقدمة عن الشيخ الطوسي.

**الرواية السادسة:** رواية صاحب «المزار الكبير»، ونقل نفس الرواية السابقة لعبد الله بن سنان بأسناد متصل إلى الشيخ الكليني بأسناده عن عبد الله بن سنان عن أبي عبد الله الصادق (عليه السلام).

**الرواية السابعة:** رواية السيد ابن طاوس (قدس سره) التي رواها في الإقبال عن كتاب المختصر من المتنخب.

**الرواية الثامنة:** رواية نسبها لمزار الشيخ المفید أعلا الله مقامه، وهذه الزيارة هي الزيارة المعروفة بـ«زيارة الناحية المقدسة».

**الرواية التاسعة:** رواية لصاحب «المزار الكبير»، ونسبت مى دهد به ناحيه مقدسه كه همان روایت سابق است. الأبواب المختص بزيارة الحسين (عليه السلام) و زيارة عاشورا را همراه با لعن و تکرار صد مرتبه و فصل سلام و فصل اللهم خص أنت أول ظالم . . . را ذکر می کند.

اصل زیارت اضافه شده تا با زیارت اصلی که در «مصطفیح المتهجد» نقل شده مطابق باشد و زمان تقيیه اقتضا می کرد احياناً در بعضی نسخه ها حذف شود که ابتدا مرحوم معین الدین اصفهانی (رحمه الله) برای درامان بودن شیعه و بهانه ندادن دست اعداء اهل بیت (علیهم السلام) فراز اولاً ثم الثاني و... را حذف کرده که بعدها نسخه به دست اشخاص دیگر رسیده و آن را اضافه کرده اند که اضافه کردن این فراز به خاطر مواظبت بر نسخه بوده که در مکانی محافظت می شده و اعداء به آن دسترسی نداشته اند لذا آن فراز اضافه شده است یا زمان بر شیعیان سهل تر شد که توانستند این فراز را که در اصل بوده به حاشیه این نسخه اضافه کنند و یا... که همه آنها می توانند بر صحت نسخه گواه دهد.

## شرح بعضى علماء بر

### زيارة عاشورا

- شفاء الصدور في زيارة عاشورا
- رساله في كيفية زيارة عاشورا
- اللولؤ النضيد في شرح زيارة عاشورا
- الكنز الخفي
- شرح زيارة عاشورا



## **شروح بعضی علماء بر زیارت مبارکه عاشورا**

شرح مختلفی بر زیارت عاشورا تدوین شده که به بعضی از آن شروح اشاره می‌شود تا اهمیت این زیارت عظیم بر همگان روشن گردد آن قدر این زیارت مورد اهتمام بوده است که علمای بزرگ را بر آن داشته که شرحی بر آن بنویسند و به بعضی از شروح اشاره می‌شود.

### **1-شفاء الصدور فی زیارت عاشورا**

کتاب «شفاء الصدور فی زیارت عاشورا» از بزرگترین شروح زیارت عاشورا می‌باشد و مؤلف آن علامه میرزا ابوالفضل طهرانی (قدس سره) می‌باشد که در سال 1316 هـ وفات یافت و این کتاب به زبان فارسی تدوین شده است که توسط سید علی ابطحی اصفهانی تحقیق و أخيراً به چاپ رسیده است.

### **2-رسالة فی کیفیت زیارت عاشورا**

این کتاب با دقت نظر خاصی تدوین شده است و مؤلف آن شیخ أبوالمعالی الكلبائی، متولد 1315 هـ رجالی معروف و صاحب کتب متعدد می‌باشد. وی

كتابی را تدوین کرد که شامل تنبیهات می باشد و در یکی از تنبیهات به زیارت عاشورا اشاره کرده است و آن را شرح داده است.  
تاکنون این زیارت به شکل نسخه حجری بوده که به واسطه بعضی از طلاب،  
تصحیح و «دار الصدیقه الشهیده (علیها السلام)» آن را به چاپ رسانده است.

### 3-اللوئُ النضيد فی شرح زیارت عاشورا

تألیف شیخ نصر الله شبستری(رحمه الله) و یک چاپ به صورت غیر محقق از آن وجود دارد که به واسطه «مرکز الزهراء(علیها السلام)» ان شاء الله به زودی به چاپ خواهد رسید و نسخه خطی آن در مرکز دار الصدیقه الشهیده(علیها السلام) نگهداری می شود.

### 4-الكنز المخفی

این شرح از مهمترین شرح های زیارت عاشورا می باشد که توسط شیخ عبدالنبي عراقی(رحمه الله) از علماء بزرگ که شاگرد محقق عراقی(رحمه الله) بوده تدوین شده و به زبان فارسی به چاپ رسیده است. این کتاب به صورت یک مقدمه و انوار تقسیم بندی شده که بدین صورت آمده است: النور الاول والنور الثاني هکذا تا آخر ذکر.

اخیراً این کتاب ترجمه شده و هم اکنون توسط بعضی طلاب در حال تدوین و آماده شدن جهت چاپ می باشد که «مرکز الزهراء(علیها السلام)» متبناً این کار می باشد و نسخه خطی آن در دار الصدیقه الشهیده(علیها السلام) نگهداری می شود.

## ۵-شرح زیارت عاشورا

از مهم ترین شروح زیارت عاشورا می باشد و توسط شیخ مفید شیرازی بحرانی(رحمه الله) تدوین شده است که نسخه خطی آن در کتابخانه آیت الله مرحوم نجفی مرعشی (قدس سره) نگهداری می شود و در حال تحقیق توسط «مرکز الزهراء(علیها السلام)» است و ان شاء الله به زودی به چاپ خواهد رسید.



## زیارت عاشورا در قرون متمادیه

قرن چهارم:

- 1- شیخ ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه(رحمه الله) – مشهور به ابن قولویه (م 367 یا 369)، متن زیارت را در کتاب کامل الزیارات روایت کرده است<sup>۳۱۷</sup>.
- 2- شیخ الطائفه ابو جعفر محمد بن حسن طوسی (م 460)، متن زیارت را در کتاب مصباح المتهجد (ص 713 - 724) و نیز در مختصر مصباح المتهجد مشهور به مصباح صغیر آورده است<sup>۳۱۸</sup>.

---

۳۱۷- کامل الزیارات، باب 71، ص 174 - 179. (شرح حال این عالم بزرگوار در صفحه... گذشت)

۳۱۸- مصباح صغیر، تاکنون چاپ نشده، و نشانی 12 نسخه خطی آن، در یادنامه شیخ طوسی، ج 3،

ص 671 - 672 ذکر شده است. (شرح حال این عالم بزرگوار در صفحه... گذشت)  
شهید سعید، قاضی نور الله شوشتاری در کتاب مجالس المؤمنین، ج 1، ص 481 - 482 می نویسد:  
«نقل است که بعضی از مخالفان، به عرض خلیفه عباسی رسانیدند که شیخ طوسی(رحمه الله) و  
اصحاب او از شیعه امامیه، سب صحابه می کنند و کتاب مصباح او که دستور اعمال و ادعیه سنه  
متهجدان ایشان است، بر آن گواهی می دهد، زیرا که در دعاء روز عاشورا از آن کتاب واقع است که:  
«اللهم خص اول ظالم باللعن منی وابدا به اولا ثم الثنای والثالث والرابع، اللهم العن بزيد خامساً». پس  
خلیفه به طلب شیخ و کتاب مصباح فرستاد. چون شیخ با کتاب حاضر شد، و باعث طلب او مذکور  
گردید، منکر سب شد. و چون کتاب را گشودند، و دعای مذکور به او نمودند، و گفتند: این را چه عذر  
خواهید گفت؟ شیخ طوسی(رحمه الله)، بدون تأمل به خلیفه گفت: مراد از آن عبارت، نه آن است که  
غمزان گمان برد اند، بلکه مراد از اول ظالم، قabil، قاتل هاییل است که بنیاد قتل در دنیا نهاد، و ابواب  
لعن بر وی گشاد، و مراد از ثانی، عاقر ناقه صالح است. و اسم عاقر، قیدار بن سالف بود. و مراد از ثالث،  
قاتل یحیی بن زکریا است که به سبب بغیه ای از بغایای بنی اسرائیل، اقدام به قتل آن معصوم نمود. و  
مراد از رابع، عبدالرحمن بن ملجم لعنه الله است که اقدام به قتل علی بن ابی طالب(علیه السلام) نمود.

### قرن ششم:

3- قطب الدین راوندی(رحمه الله)<sup>۳۱۹</sup> مؤلف مزار قدیم - که به نوشه شیخ آقا بزرگ تهرانی(رحمه الله)<sup>۳۲۰</sup> در الذریعه، ج 20، ص 322، معاصر با طبرسی(رحمه الله) صاحب احتجاج بوده - زیارت عاشورا را در کتاب خود نقل نموده است.

---

خلیفه چون آن تأویل را شنید، تصدیق او نمود، و انعام فرمود، و از ساعی و غماز انتقام کشید». این بیان تقبیه آمیز شیخ طوسی(رحمه الله) در کتب دیگر نیز به نقل از مجالس المؤمنین نقل شده است.  
۳- ابوالحسین احمد بن یحیی بن اسحاق ابن راوندی از متکلمین و فیلسوف در راوند، روستایی در نزدیکی کاشان دیده به جهان گشود و این شهر زادگاه عالمان بسیاری شناخته می شود. او گلی از بوسنان مکتب محمدی بود که از آن دیار برخاست و قطب الدین لقب یافت او فرزند «هبة الله بن حسین بن هبة الله بن حسن راوندی» بود. پدر و جد قطب الدین، از عالمان و بر جستگان آن دیار بوده اند. فرزانه برومند راوند، علاوه بر پدر، از محضر بزرگان دیگری استفاده کرده است. قطب الدین خوشه چین خرم من عالمانی است که ثمره اندیشه شان قرنها متمادی مشام انسانها را معطر ساخته است. افکار بزرگ شخصیت‌هایی چون شیخ صدق(رحمه الله)، سید مرتضی(رحمه الله)، سید رضی(رحمه الله) و شیخ طوسی(رحمه الله)، در اندیشه و تفکر او جای پیدا کرده اند. بنابر آنچه در ریاض العلماء آمده است، قطب الدین(رحمه الله) روایاتی از بزرگان حدیث در شهرهای اصفهان، خراسان و همدان شنیده و نقل کرده است و از این روزنه می توان به مسافرت‌های علمی او به شهرهای مختلف پی برد. چنانکه قرار داشتن قبر شریف او در شهر قم، دلیلی بر استفاده او از محضر استادان آن دیار است. برخی از استادان او عبارت اند از: ابو جعفر محمد بن علی بن محسن حلبي، ابوالحسن محمد بن علی بن عبدالصمد تمیمی نیشابوری، سید ابوالبرکات محمد بن اسماعیل مشهدی و صفی الدین مرتضی بن داعی بن قاسم که اکثر بزرگان و اندیشه وران آن عصر در زمرة استادان وی میباشند. قطب راوندی(رحمه الله) خود به قرآن عشق می‌ورزید و در راه نشر معارف آن پر تلاش بود اما تأثیر نفس قدسی استادش طبرسی بزرگ(رحمه الله)، در اندیشه و آثار گران سنگ او نقش بسزایی داشت. راوندی(رحمه الله) دانشمند بزرگ و وارسته قرن ششم از چهره های درخشانی است که فرزانگان بسیاری از محضر نورانی اش به فیض رسیده و دانش اندوخته و خود نیز شمع فروزان محاذل علمی

---

گردیده اند. از میان اینوه جویندگان علم که از خرمن فضل راوندی(رحمه الله)خوشی چینی کرده اند نام فرزندان وی درخششی ویژه دارد. او نه تنها در مسجد و منزل و مکتب بلکه در سفر و حضر، به نورافشانی پرداخته و شاگردان بسیاری را به جامعه اسلامی آن روز ارائه داده است. شاگردان قطب الدین(رحمه الله)چهره های برجسته ای هستند که از وی به نقل روایت پرداخته اند. محمد بن علی معروف به «ابن شهر آشوب(رحمه الله)» از ستارگان درخشان تشیع و برجسته ترین شاگردان قطب بود. «ابن شهر آشوب(رحمه الله)» در کتاب خویش «معالم العلماء» با یادی از قطب الدین(رحمه الله) به عنوان استاد خویش نام وی را ثبت کرده است. و در بیشتر رشته های علوم اسلامی تبحر و تخصص خود را به نمایش گذارد که می توان به آثار زیر اشاره نمود: ۱-ام القرآن. ۲-تفسیر القرآن، در دو جلد. ۳-خلاصه التفاسیر، در ده جلد. ۴-شرح آیات المشکله فی التنزیه. ۵-الباب فی فضل آیه الکرسی. ۶-الناسخ و المنسوخ من القرآن. ۷-الخرایج و الجرایح، این کتاب که معروف‌ترین آثار قطب به شمار می آید در بیان مسائل کلامی و عقاید بوده و در برگیرنده هفت کتاب پیرامون مسأله معجزه و شیوه زندگی رسول خدا(صلی الله علیه وآل‌ه) است. ۸-ام المعجزات، نام کتابی است که راوندی پس از چندی به عنوان «تتمه الخرایج» به نگارش درآورد. ۹-الاختلافات، این کتاب در برگیرنده اختلافهای کلامی بین شیخ مفید و سید مرتضی (علم الهدی) بوده و ۹۵ مسأله اختلافی در آن بررسی شده است. ۱۰-تهاافت الفلاسفه، این کتاب که نشان دهنده دانش فلسفی قطب است در موضوع حکمت و فلسفه نگارش شده و به تناقض گویی فلاسفه پرداخته است. ۱۱-جواهر الكلام فی شرح مقدمه الكلام، شرحی بر کتاب «مقدمه الكلام» شیخ طوسی در علم کلام است. ۱۲-آیات الاحکام، این کتاب آیاتی از قرآن کریم را که مربوط به مسائل فقهی و احکام دینی است مورد بحث و بررسی قرار داده است. ۱۳-احکام الاحکام. ۱۴-الإنجاز، شرحی است بر کتاب «لایجاز فی الفرائض» شیخ طوسی. ۱۵-حل المعقود فی الجمل و العقود. ۱۶-الشافعی فی الغسله الثانية. ۱۷-الخمس. ۱۸-من حضره الاداء و علیه القضاء. ۱۹-رساله الفقهاء. ۲۰-مشکلات النهاية. ۲۱-المنتهی فی شرح النهاية، این کتاب به شرح نهایه شیخ طوسی پرداخته و در ده جلد به چاپ رسیده است. ۲۲-الرائع فی الشرایع. ۲۳-النیات فی جمیع العبادات. ۲۴-نهیه النهاية. ۲۵-فقه القرآن، این کتاب گرانسنج با تلاش و کوششی ستودنی به دست توانمند قطب

راوندی نوشته شده است. او در کتاب فوق تمام آیات قرآنی را که به احکام فقهی مربوط بوده است به ترتیب ابواب فقه دسته بندی کرده و در دو جلد به یادگار نهاده است.

26- تحفه العلیل، در موضوع دعا و آداب آن و احادیث مربوط به امراض و بلاها. 27- رساله فی صحه احادیث اصحابنا، موضوع آن بیان صحت احادیثی است که علمای شیعه نقل کرده اند. 28- شرح الكلمات المائی، شامل شرح صد کلمه از سخنان حضرت علی(علیه السلام). 29- خیاء الشهاب، شرحی بر کتاب شهاب الاخبار قاضی سلامه مصری. 30- لباب الاخبار. 31- لب اللباب، اخبار و احادیثی در موضوع اخلاق. 32- مزار، کتابی بزرگ در موضوع زیارت‌نامه‌ها. 33- المجالس فی الحدیث. 34- دعوات معروف به سلوه الحزین، موضوع این کتاب ارزشمند مربوط به آداب دعواها و تأثیر آنها است که در چهار باب تدوین گشته است. 35- جنی الجنین، در تاریخ اولاد امام هادی(علیه السلام) و امام عسکری(علیه السلام). 36- قصص الانبیاء، در این کتاب تاریخ و شرح زندگی پیامبران از زبان روایات بیان شده است.

37- المستقتصی، نام کتابی از راوندی در علم اصول فقه است. این کتاب شرحی بر الذریعه سید مرتضی در علم اصول می‌باشد. 38- التغیریب فی التعریب. 39- الاغریب فی الاعراب. 40- شرح العوامل المائیه. شامل صد عامل در علم نحو. 41- غریب النهایه، در شرح لغتهای مشکل فقهی کتاب نهایه شیخ طوسی.

42- نفعه المصدور، این کتاب دیوان اشعار قطب راوندی است. چهاردهم شوال 573 ق. نزدیکیهای اذان ظهر بود که نسیم عطرآگین بهشت مشام راوندی را نوازش داد و شبین اشک از دیدگان زنان و کودکان سرازیر گشت و جهان اسلام در عزای یکی از فرهیختگان مکتب اهل بیت(علیهم السلام) به سوگ نشست. پس از مراسم تشییع پیکر پاک آن فرزانه در جوار مرقد مطهر حضرت معصومه(علیها السلام) به خاک سپرده شد و روح «سعید» محدثان به ملکوت اعلیٰ پر کشید. از آن پس جسم مطهرش با کتابها و نوشته هایش جاودانه شد و روزی که پس از هشت قرن تعمیرگران صحن مطهر حضرت معصومه(علیها السلام) با پیکر سالم و سیمای نورانیش رو به رو شدند چیزی جز این منزلت را برای او تصور نکردند که باید جسم مطهرش چون روح شاهد و ناظرش بر حوزه فقاht اهل بیت(علیهم السلام) تا قیام قیامت سالم بماند. حضرت آیت الله مرعشی نجفی(رحمه الله) به پاس خدمات او، سنگ قبری بلند و به یاد ماندنی را بر فرازش به یادگار نهاد تا زائران حرم فاطمه معصومه(علیها السلام) در ابتدای ورود و خروج از صحن مبارکش چشمانشان به قبر این فرزانه بزرگ روشن شود.

### قرن هفتم:

۴- شیخ محمدبن جعفر(رحمه الله) (ابن مشهدی) در مزار کبیر<sup>۳۲۱</sup>.

۵- سید رضی الدین علی بن طاووس(رحمه الله) (م ۶۶۴) در کتاب مصباح النائر<sup>۳۲۲</sup>.

---

۳۲۰- روایت او در شفاء الصدور، ص 38 - 40، چاپ قدیم (ج ۱، ص 100 - 104، چاپ حروفی قم) آمده است.

۳۲۱. شیخ سعید ابو عبدالله، محمد بن جعفر بن علی المشهدی الحائری؛ معروف به محمد بن مشهدی وابن مشهدی از اجلاء علمای سلف می باشد و اصحاب به کتب او اعتماد کرده اند و عمدہ ادعیه و زیارات، از کتب ایشان اخذ شده است ولیکن به دلیل آنکه کتب ایشان(رحمه الله) کم منتشر گردیده از این رو اسمشان مجھول مانده است. و علمای بزرگ از جمله محدث حر عاملی می گوید: شیخ محمد بن جعفر المشهدی(رحمه الله) فاضل محدث و صدوق و برایشان کتب متعددی است و شیخ شهید محمد بن مکی(رحمه الله) در اجازه اش به شمس الدین شیخ سعید ابی عبدالله محمد بن جعفر المشهدی(رحمه الله) می نویسد که روایت کرده از بن مشهدی(رحمه الله) به واسطه تمام کتب و روایاتش و این خود دال بر آن است که بن مشهدی مرتبه والایی داشته است.

علامه مجلسی(رحمه الله) در کتاب شریف «بحار الانوار» از کتاب کبیر «فى الزيارات» بن مشهدی(رحمه الله) نقل می کند و سید بن طاووس(رحمه الله) در کتاب شریف «مصباح الزائر» خود از بن مشهدی(رحمه الله) نقل می کند و شیخ منتجب الدین(رحمه الله) در کتاب فهرست خود می گوید، سید ابو البرکات محمد بن اسماعیل مشهدی(رحمه الله) فقیه محدث است.

کتاب مزار ابن مشهدی(رحمه الله) از کتبی است که علمای بزرگ از جمله سید رضی الدین علی بن موسی(رحمه الله) در «مصباح الزائر» و سید عبدالکریم ابن طاووس(رحمه الله) در «فرحة الغری» و علامه مجلسی(رحمه الله) اعتماد نموده اند.

۳۲۲- شفاء الصدور، 35 و 48 چاپ قدیم (ج ۱، ص 96 و 117 جدید) و الذريعة، ج 21، ص 119؛ شرح حال این بزرگوار در صفحه... گذشت.

۶- سید عبدالکریم بن احمد بن طاووس(رحمه الله) (۶۴۸ - ۶۹۳<sup>۳۲۳</sup>) در کتاب فرحة الغری چاپ نجف، ص ۹۶ - ۹۸ صدر روایت صفوان جمال در زیارت عاشورا را آورده است.<sup>۳۲۴</sup>

۳۲۳- سید جمال الدین، احمد بن موسی بن جعفر بن طاووس حسینی حلی(رحمه الله) از علمای بزرگ قرن هفتم هجری است. آشناترین سخن در نسب سید جمال الدین، احمد بن موسی بن طاووس(رحمه الله) این است که او برادر سید ابن طاووس، صاحب کتاب اقبال است. از جمله اجداد بزرگوار او، شیخ طوosi(رحمه الله) و شیخ ورام بن ابی فراس(رحمه الله)، صاحب مجموعه ورام هستند. لقب ابن طاووس و آل طاووس بخاطر جد بزرگ آنان ابو عبد الله، محمد بن اسحاق(رحمه الله) به این خاندان داده شده که در اثر جمال و حسن صورت به طاووس د ملقب شده است. سلسله شریفه آل طاووس منتهی به داود، برادر رضاعی امام صادق(علیه السلام)می باشد. داود(رحمه الله) کسی است که وقتی در زندان بود، امام صادق(علیه السلام)دعای معروف «ام داود»، از اعمال نیمه رجب، را به مادر او آموخت و بدین وسیله فرزندش از زندان نجات یافت. خاندان آل طاووس همچون گوهري در بین مسلمین می درخشید و در این خاندان نیز، ده ها در ناب با درخشندگی خود چشم همگان را خیره کرده اند و این سؤال و تعجب را برای همه تداعی کرده اند که چگونه می شود یک خاندان این همه فضیلت را یک جا در خود جمع کندا در یک تفحص اجمالی اسامی بیش از ۲۰ عالم بزرگوار را در یک مقطع کوتاه زمانی در این خاندان می توان مشاهده کرد. علمایی همچون سید رضی الدین علی(رحمه الله)، صاحب «اقبال»، فرزندان او محمد و علی، که کتاب کشف المهجّه را برای آنان نوشته است... علمایی که هر کدام از آنان کتبی گرانقدر در علوم مختلف به یادگار گذاشته اند. از جمله فضائل ارزشمند این خاندان

جلیل القدر، نقابت طالبیان است. در عصر عباسی نقیب طالبیان ریاست تمام سادات عصر خویش را به عهده داشته و مرجع حل اختلافات و دعاوی سادات بوده و امین ترین فرد در بین سادات برای این منصب انتخاب می شده است. شرط اساسی دیگر برای این منصب، داشتن علم و اجتهاد بوده است. در ارزش این منصب همان بس که بزرگی چون سید ابن طاووس(رحمه الله)، از جمله افتخارات خود این را می داند که نقابت طالبیان به او واگذار شده است. نقابت طالبیان در بین این خاندان جلیل القدر تا

## قرن هشتم:

7- آیت الله علامه حلی(رحمه الله) (م 726) که بنا به نقل شفاء الصدور (چاپ قدیم، و ج 1، ص 85 جدید) - زیارت عاشورا را در کتاب منهاج<sup>۳۲۵</sup> الصلاح فی اختصار المصباح روایت کرده است<sup>۳۲۶</sup>.

---

چندین نسل ادامه داشت. مقام سید ابو الفضائل به قدری بلند و عالی است که هر بزرگی نام او را می برد، سر گُرنش و تعظیم خم می کند. تمام کسانی که در نوشته های خود نامی از این بزرگوار بردند اند، جز ستایش و تعریف هیچ ندارند. بنا به شهادت تمام بزرگان، سید احمد بن طاووس(رحمه الله) متبحر در علوم مختلف بوده است. او قله های رفیع علوم مختلف از جمله فقه، اصول فقه، کلام، شعر، ادبیات و... را در نور دیده است. با اینکه فرزندان سید موسی بن جعفر چهار نفر بوده اند، اما بیشتر اوقات سید علی و سید احمد(رحمه الله) یک جا ذکر می شوند و تنها سید احمد به دنبال سید علی یاد می شود و کسی که با مقام علمی و تقوایی سید علی آشنا باشد مقام و منزلت سید احمد را هم درک خواهد نمود.

از جمله مشایخ سید جمال الدین بن طاووس می توان به افراد ذیل اشاره کرد:

1- شیخ نجیب الدین ابن نما حلی(رحمه الله) 2- شیخ یحیی بن محمد سوراوی(رحمه الله) 3- سید عبد الکریم بن طاووس(رحمه الله)، فرزند بزرگوار او شاگرد بر جسته سید در کتاب رجال خود، تألیفات استاد را 82 جلد شمرده است. این کتاب ها در علوم مختلف نوشته شده، اما متأسفانه همه آنها به دست ما نرسیده است. تعدادی از تألیفات سید احمد عبارتند از:

1- بناء المقالة الفاطمية فی نقض الرسالة العثمانية 2- ملاذ علماء الامامية، در فقه 3- الفوائد العدة، در اصول فقه 4- الثاقب المسخر علی نقض المشجر، در اصول دین 5- الروح، در رد ابن ابی الحدید 6- شواهد القرآن 7- بشری المحققین، در فقه و... سید احمد بن طاووس (رحمه الله) اولین کسی است که تقسیم معروف روایت به چهار قسم صحیح و موثق و حسن و ضعیف را عنوان کرد. این نظریه تا زمان علامه مجلسی(رحمه الله) مقبولیت عام داشت؛ لکن علامه مجلسی(رحمه الله) تقسیم را گسترش داد و چند قسم دیگر به آن افزود و تعداد اقسام حدیث به بیش از 9 قسم افزایش یافت. سید احمد بن موسی پس از عمری پر بار، که تمام آن را در راه ترکیه نفس و هدایت مردم و اعتلای نام مقدس ائمه

۸- شیخ شمس الدین محمدبن مکّی، شهید اول<sup>۳۷۷</sup> (سال شهادت 786). به نوشه شفاء الصدور، ص 32 (چاپ قدیم، وج 1، ص 86 چاپ جدید)، زیارت عاشورا را در کتاب المزار خود روایت کرده است.

قرن نهم:

۹- شیخ تقی الدین ابراهیم بن علی کفعمی<sup>۳۷۸</sup> (م 905) در جنة الواقیة، زیارت را روایت کرده است. (به نقل از شفاء الصدور، ص 34، چاپ قدیم و ج 1، ص 92 چاپ جدید).

قرن دوازدهم:

۱۰- علامه محمد باقر مجلسی<sup>۳۷۹</sup> (م 1110) روایت زیارت عاشورا را در سه کتاب خود آورده است:

---

اطهار علیهم السلام گذراند، در سال 673 هجری در شهر حله دیده از جهان فرو بست و به سوی معشوق حقیقی شتافت. قبر آن بزرگوار، که منشأکرامات و ملجم دردمدان است، در شهر حله معروف است و دوستداران عترت پیامبر(صلی الله علیه وآلہ) همواره به زیارت آن قبر شریف می روند. مرقد شریف سید احمد ابن طاووس(رحمه الله) پس از سال ها فراموشی دوباره رونق یافته است. این رونق دوباره، بعد از خوابی بود که شخصی از صالحین در مورد محل مرقد آن بزرگوار دید و در نتیجه مرقد او دوباره مرمت شد و مورد توجه خاص و عام واقع گشت.

۳۲۶- نسخ خطی متعددی از این کتاب در دست است، از جمله دو نسخه که در فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی، ج 2، ص 296 و ج 6، ص 298 معرفی شده است. شرح حال این بزرگوار در صفحه ... گذشت.

۳۲۷- شرح حال این بزرگوار در صفحه ... گذشت.

۳۲۸- شرح حال این بزرگوار در صفحه ... گذشت.

۳۲۹- شرح حال این بزرگوار در صفحه ... گذشت.

الف - بحار الانوار، ج 101، چاپ اسلامیه، ص 290 - 303؛ و ج 8 چاپ سنگی قدیم تبریز، ص 241 (چاپ کمپانی، ص 251).

ب - زاد المعاد، ص 252 - 453

ج - تحفة الزائر، باب هشتم، ص 211 - 217

11- سید علی بن عبدالکریم (یا سید علی بن عبدالحمید) نجفی<sup>۳۰</sup> در کتاب ایضاح اهل الصلاح فی شرح مختصر المصباح (که آغاز تأثیف آن سال 784

۳۰ . علی بن عبد الحمید(رحمه الله) نوه سید فخار یعنی (سید شمس الدین، فخار بن مَعْدَة موسوی، از علمای بزرگوار قرن ششم و هفتم هجری و از بزرگان شهر حله است، شهری که در قرون متتمادی مهد علم و عالمان بوده است. او از فرزندان ابراهیم مجتبی، نوه امام کاظم(علیه السلام) است. نسب وی با ده واسطه به امام هفتم شیعیان، حضرت موسی بن جعفر(علیهم السلام) می رسد. سید فخار نه تنها فقیه و اصولی بود بلکه شاعر و ادبی بزرگ و مورخی توانا نیز به شمار می رفت و در شمار علمای نسّابه قلمداد می شود) است از جمله فقهاء و نامداران عصر خویش بوده و کتاب ارزشمند «الأئمّة المضيّة» در شرح زندگانی و فضائل امام عصر حجه بن الحسن(علیه السلام) از او به یادگار مانده است که یکی از منابع و مأخذ بحار الانوار هم می باشد. علامه بهاء الدین سید علی بن سید عبدالکریم نیلی نجفی که جلالت شائعش بسیار و مناقبیش بی شمار است و تلمذد شیخ شهید و فخر المحققین است. اصل کتاب الأئمّة المضيّة مشترک بین دو نفر است که هر یک کتابی با این نام داشته اند. الأئمّة که تعییر به الأئمّة الإلهيّة فی الحکمة الشرعيّة یا الأئمّة المضيّة فی الحکمة الشرعیّة شده است. این کتاب از سید علی بن عبدالکریم نیلی نجفی(رحمه الله) است و همان طور که از نامش پیداست کتابی جامع است در رابطه با علم کلام و فقه و اصول فقه و اسرار قرآن. اثبات امامت وجود و عصمت آن حضرت از راه عقل، اثبات آن حضرت از قرآن، اثبات آن از روایات خاصه، اثبات آن از روایات اهل سنت، ولادت آن حضرت، سبب غیبت آن جناب، طول عمر ایشان، وکلای آن جناب و روایان از او، توقیعات شریف آن حضرت، کسانی که آن حضرت را ملاقات کرده اند، علامات ظهور حضرت و وضعیت جهان و اجتماع در ایام حکومت حضرت مهدی(علیه السلام) از فصل های این اثر است. همچنین الأئمّة المضيّة در غیبت امام عصر(علیه السلام) که بنابر نظر بزرگانی چون شیخ آقا بزرگ تهرانی مؤلف آن علی بن عبدالحمید بن

هجری است) در ضمن شرح مصباح صغیر، شرح زیارت<sup>۳۳۱</sup> عاشورا را آورد  
است.<sup>۳۳۲</sup>

---

فخار بن معبد موسوی است و منتخب این کتاب به نام «الغيبة» از علی ابن عبدالکریم نیلی نجفی است. بنابراین نویسنده کتاب الأنوار الإلهیة همان کسی است که منتخب الأنوار المضیئة را گردآورده و آقا بزرگ نام آن را الغيبة دانسته، گرچه دیگران نام خاصی برای آن ذکر نکرده اند. سید عبداللطیف کوه کمری در مقدمه کتاب منتخب الأنوار المضیئة، اصل

کتاب را از سید علی نیلی نجفی دانسته و گفته منتخب آن از کسی دیگر است که ما او را نمی‌شناسیم و این کتاب را از الأنوار المضیئة در احوالات امام عصر(علیه السلام) انتخاب نکرده، بلکه از الأنوار المضیئة فی الحکمة الشرعیة جمع آوری کرده است. اشکال این نظریه آن است که این کتاب در احوالات امام عصر(علیه السلام) نبوده تا منتخب آن در غیبت امام عصر(علیه السلام) باشد. اما روش مؤلف به این قرار است که مؤلف در کتاب خویش از روش عقلی و نقلی با هم بهره برده، بدین شکل که قیاس‌های منطقی از انواع مختلف را در لای مطالب کتاب و همراه روایات آورده تا هیچ اشکالی از طرف غیر شیعیان و حتی غیر مسلمانان بر کتاب وارد نشود. همچنین روایات را با ذکر اسناد و منابع نقل آورده است. این کتاب در دوازده فصل مرتب شده است:

1. اثبات امامت و وجود و عصمت آن حضرت از راه عقل 2. اثبات آن حضرت از قرآن 3. اثبات آن از روایات خاصه 4. اثبات آن از روایات اهل سنت 5. ولادت آن حضرت 6. سبب غیبت آن جناب 7. طول عمر ایشان 8. وكلای آن جناب و روایان از او 9. توقعات شریف آن حضرت 10. ملاقات کنندگان آن حضرت 11. علامات ظهرور 12. وضعیت جهان و اجتماع در ایام حکومت حضرت مهدی(علیه السلام). سید علی نیلی نجفی(رحمه الله) کتاب خویش را خلاصه کرده که با نام «سرور أهل الإيمان فی علامات ظهرور صاحب الزمان» منتشر شده است. البته این نام را ناسخ کتاب برای آن برگزیده چون سید(رحمه الله) برای کتاب نامی انتخاب نکرده است.

12- سید حسین بن ابی القاسم جعفر خوانساری (م 1191)، رساله‌ای در شرح زیارت عاشورا نوشته، که مرحوم سید احمد روضاتی در مقدمه کتاب «مناهج المعارف» ضمن آثار ایشان نام می‌برد.

قرن سیزدهم:

14- محدث خبیر، سید عبدالله شبّر (م 1242) در کتاب «مصالح الانوار فی حل مشکلات الاخبار»، ج 2، ص 341 - 342، زیارت را روایت کرده و شرحی درباره فقره «لعن الله امة اسرجت والجمت وتهیأت وتنقبت لقتالك» آورده است.

15- مرحوم سید حیدر کاظمی (1205 - 1265) در کتاب «عمدة الزائر» ص 145 - 146 متن زیارت عاشورا را روایت کرده است. شرح حال و مقامات علمی ایشان در کتاب «احسن الودیعه» ج 1، ص 21 - 29 آمده است. وی در کتاب «انیس الزائرين» (نسخه خطی شماره 3321 کتابخانه آستان قدس رضوی) نیز زیارت عاشورا را آورده است.

16- مرحوم میرزا محمدعلی شهرستانی (م حدود 1290) شرحی به زیارت نوشته است.

17- مرحوم سید اسد الله شفتی (م 1290) مانند پدرشان، شرحی بر زیارت نوشته است.

قرن چهاردهم:

- 18- مرحوم شیخ جعفر شوستری (م 1303) در کتاب «الخصائص الحسینیه» چاپ حروفی نجف، ص 173 - 175 و نیز در رساله فتواییه «منهج الرشاد» مطالبی درباره زیارت عاشورا دارد.
- 19- مرحوم شیخ زین العابدین مازندرانی (م 1309) بیاناتی در کیفیت زیارت عاشورا دارد که در «تذکرہ الزائرین» سید حسین ساروی طباطبائی نقل شده است.
- 20- مرحوم میرزا حبیب الله رشتی (1234 - 1312) نیز مطالبی در کیفیت زیارت دارد، که در «تذکرہ الزائرین» آمده است.
- 21- مرحوم شیخ ابوالمعالی کرباسی - یا کلباسی (1247 - 1315) رساله ای در کیفیت زیارت عاشورا دارند.
- 22- مرحوم شیخ علی بن محمد جعفر شریعتمدار استرآبادی (م 1315) مانند پدر بزرگوارش سه رساله در زیارت عاشورا نوشته است.
- 23- مرحوم مولی محمد اشرفی مازندرانی (م 1315) رساله ای در کیفیت زیارت عاشورا دارند.
- 24- مرحوم حاج میرزا ابوالفضل طهرانی (م 1316) کتاب «شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور» را نوشته که شرح زیارت عاشورا است.
- 25- مرحوم مولی فتح الله شیخ الشریعه اصفهانی (م 1339) مطالبی در کیفیت زیارت عاشورا دارد، که در «تذکرہ الزائرین» آمده است.

- 26- مرحوم مولی حبیب الله شریف کاشانی (م 1262 - 1340) شرحی بر زیارت عاشورا دارد، که منتشر شده است.
- 27- مرحوم سید حسن طباطبائی ساروی (م حدود 1351) درباره زیارت عاشورا دو رساله نوشته، که در فصل سوم معرفی شده اند. یکی از این رساله ها، (رساله تذکرہ الزائرین مختصر یا صداق الحور فی شرح زیارة العاشور) در همان فصل به چاپ رسیده است.
- 28- مرحوم شیخ عبدالکریم حائری یزدی (1276 - 1355)، که طریقه ایشان در خواندن زیارت عاشورا، در کتاب «المصباح و النور» توتونچی، ص 7، و نیز در حاشیه مفاتیح الجنان (ج 1، چاپ جدید شفاء الصدور به نقل از آن) ذکر شده است.
- 29- مرحوم حاج شیخ عباس قمی (م 1359) در سه کتاب خود، درباره زیارت عاشورا مطالبی بیان داشته است:
- الف - مفاتیح الجنان، در قسمت زیارات مخصوصه ابا عبدالله الحسین(علیه السلام).
- ب - هدایة الزائر، باب چهارم، ص 133 - 149.
- ج - سفینه البحار، ج 2، ص 607 - 608 ماده «نقب»، در توضیح عبارت «تنقّبت لقتالک».
- 30- مرحوم شیخ عباس حائری تهرانی (م 1360) شرحی بر زیارت عاشورا نوشته اند.

- 31- مرحوم سید محسن امین جبل عاملی صاحب «اعیان الشیعه» (م 1371) در کتاب «مفتاح الجنات» - شامل ادعیه و زیارات و مستحبات - زیارت عاشورا را آورده است. (ج 2، ص 355)
- 32- مرحوم شیخ محمد رضا افضل العصر تهرانی (م 1372) در رساله «هزار مسئله» (چاپ سنگی تهران 1347 قمری، ص 70 - 71 مسئله 450 و 451) درباره کیفیت زیارت سخن گفته است.
- 33- مرحوم شیخ محمد حسین کاشف الغطاء (1295 - 1373) در کتاب «الفردوس الاعلی» (مجموعه مقالات و بیانات متفرقه ایشان، که توسط مرحوم شهید سعید محمد علی قاضی طباطبائی گردآوری شده) درباره زیارت عاشورا بیاناتی ایراد کرده است. (الفردوس الاعلی، ص 22 - 26)
- 34- مرحوم شیخ عبد النبی نجفی عراقي (1308 - 1387) رساله ای درباره زیارت عاشورا دارند. وی از تلامذه بزرگانی همچون شیخ الشريعه اصفهانی، آقا ضیاء الدین عراقي، شیخ علی قوچانی، شیخ مهدی مازندرانی و میرزای نائینی بوده است.
- 35- مرحوم شیخ عبدالحسین امینی صاحب الغدیر (م 1390) در کتاب «دب الزائر» کلام مولی شریف شیروانی صاحب کتاب «الصلف المشحون» درباره کیفیت زیارت را نقل کرده است. کلام مرحوم شیروانی در حاشیه 110 - 111 چاپ جدید شفاء الصدور و 264 - 267 کتاب المؤثر النضید شبستری نیز نقل شده است.

36- محدث بزرگ مرحوم حاج میرزا حسین نوری (متوفی 1320) در چندین موضع از کتاب نفیس مستدرک الوسائل به روایت زیارت عاشورا اشاره می کند. از جمله: کتاب الحج، ابواب المزار، باب 41، ح 6، طبع جدید، ج 10، ص 293 - باب 49، ح 8 و 9؛ ج 10، ص 315 - 317 - باب 86، ح 16، ج 10، ص 412 - 416. در اینجا متن زیارتی را که «زیارت عاشورای غیر معروفه» نامیده می شود، با اسناد آن آورده است.

37- صاحب حدائق شیخ یوسف بحرانی درباره زیارت عاشورا بحث کرده است. (کنز مخفی، ص 3)

38- فاضل محقق سبزواری در کتاب مفاتیح الجناء (که به تعبیر محدث نوری، از کتب نفیسه ادعیه است). درباره کیفیت زیارت عاشورا سخن گفته است. (سلامه المرصاد، محدث نوری، چاپ سنگی 1309 تبریز، ص 33 - 34)

39- سید مهدی بحرانی (م 1343) دو رساله درباره زیارت عاشورا نوشته است: «الصرنخة المهدوية الكبیری» و خلاصه آن به نام «الصرنخة المهدوية الصغری».

40- مرحوم شیخ محمد باقر فقیه ایمانی (متوفی 1370 قمری) رساله ای تحت عنوان «رساله حول زیارة عاشوراء والبحث عن سند و معناه» دارد، که فرزند دانشمندش در مقدمه کتاب دیگر او «مطلع الانوار فی ذکر الامام الغائب عن الابصار» (چاپ اول، مطبوعه سعید، مشهد، 1412) در ضمن شرح حال ایشان، در زمرة آثار مخطوط، نام برده است.

41- مرحوم مولی عبدالرحیم کرمانشاهی، رساله ای با عنوان «رساله حول زیارة عاشوراء» دارد، که در مقدمه کتاب «کشف الاسرار» ایشان (در شرح منظمه فقهی علامه بحر العلوم، که به اهتمام آیت الله جلیلی کرمانشاهی چاپ شده) ضمن شرح حال ایشان نام برده شده است.

42- مرحوم آقا میرزا محمد حسن نجفی (1236 - 1317) رساله ای درباره زیارت عاشورا دارد. وی از شاگردان فقهای بزرگی همچون صاحب جواهر، صاحب ضوابط و شیخ انصاری است. و مدفن او در تخت فولاد اصفهان قرار دارد. بنگرید: تذکرة القبور ملا عبدالکریم گزی اصفهانی، ص 34 - 36

43- آیت الله جعفر سبحانی در جزوی ای تحت عنوان (سند زیارت عاشورا) به بررسی سند زیارت عاشورا پرداخته اند

44- کتاب زیارت عاشورا فراتر از شباهات (فارسی)، تأليف استاد الفقهاء والمجتهدين فقيه مقدس میرزا جواد تبريزی(قدس سره)<sup>۳۳۳</sup>، متوفی سال 1427

---

۳۳۳- یکی از اعیان و مفاخر فقهای نامدار شیعه و یکی از اکابر و متبخرین در علوم اسلامی و یکی از استوانه های فقهی و اجتهادی در فقه جعفری که از نظر آثار و برکات وجودی بسیار با برکت بوده مرحوم فقيه مقدس میرزا جواد تبريزی(قدس سره) است، بسیار عابد، زاهد، اهل خشوع و تهجد بود و مداومت بر علم و دانش داشت. جماعت بسیاری از او بهره بردنده. او بر تمام موالین و محبین اهل بيت(عليهم السلام) و فضلاء و طلاب حوزه حق دارد زیرا که در قرن خود در علوم و ولاء اهل بيت(عليهم السلام) تحولی عظیم ایجاد نمود. هرگاه در پی شناخت ایشان برآییم ایشان را آگاه بر هر فنی خواهیم یافت. جملات مدح و ستایش در معرفی او، ناتوانند. گویا او تندیس علم و دانش و ادب و تجسم فضل و کمال است. فقيه هوشیار محدث پارسا، ثقہ جلیل القدر و سرچشمہ بزرگواری ها و فضیلت ها و دارای تألیفات سودمندی است. علمای دین نه تنها از استاد خود درس علم و دانش

هـ. ق، ضمن اثبات اعتبار زیارت عاشورا، از جوانب مختلف آن را مورد بررسی قرار داده است. و اصل زیارت عاشورا را با تصحیح کامل و تطبیق آن با نسخ<sup>334</sup>

---

می آموزنده بلکه مراتب معنوی و کسب کمال را سپری می نمایند. مرحوم میرزا جواد تبریزی(قدس سره) هم زمان با طی مدارج علمی و سریع تر از آن مدارج معنوی و کمالات روحی را پیمودند تا آنجا که مصدق واقعی عالم ربانی گشت. این ادعا با مروری بر سجایای اخلاقی ایشان کاملاً روش من می شود از جمله خصائص بارز اخلاقی مرحوم میرزا(قدس سره) می توان به این موارد اشاره کرد: یاد خداوند متعال: مرحوم میرزا(قدس سره) هیچ گاه از یاد خدا غافل نبود و تمام اعمالش را با قصد قربت انجام می داد.

زیارت و توسل: مرحوم میرزا(قدس سره) به زیارت ائمه هدی(علیهم السلام) اهمیت فراوانی می داد و هر جا فرصت می یافت و یا امکان بر ایشان حاصل می شد شروع به خواندن دعا و زیارت ائمه(علیهم السلام) می نمودند.

توجه خاص به توسل به معصومین(علیهم السلام) باعث گردیده بود که مرحوم میرزا(قدس سره) به تأثیف کتب عقایدی روی آورند و اهمیت خاصی به رد شباهت و دفاع از کیان تشیع و مظلومیت اهل بیت(علیهم السلام) دهند.

زهد و پارسایی: یک ویژگی بسیار مهم در زندگی این بزرگ مرد زهد و پارسایی و ساده زیستی اوست. مرحوم میرزا(قدس سره) تمام امکانات را در اختیار داشتند اما با همه اینها، زندگی شخصی مرحوم میرزا(قدس سره) در نهایت زهد و پارسایی سپری می شد.

تواضع: تواضع مرحوم میرزا(قدس سره) از دیگر خصائص اوست. مرحوم میرزا(قدس سره) هیچ گاه به مقام اجتماعی و بالا و پائین بودن موقعیت نظر نمی کرد، آن خصائص روحی و کمالات معنوی با علم و دانش گستره از او شخصیتی ممتاز ساخته بود.

سعه صدر، خوش فهمی، حسن سلیقه، داشتن نظم و برنامه تحصیلی، ظرافت طبع، معنویت سخن و پختگی و بی نقص بودن آثار علمی، تخلق به اخلاق الهی و قرب منزلت از خصوصیات این عالم ربانی است.

قدیمی که زمان آنها به شیخ طوسی(رحمه الله)می رسد ذکر نموده اند. ( محل دفن این عالم بزرگوار مسجد بالاسر حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه(عليها السلام)قم، قسمت علماء می باشد).

45- زیارت عاشورا فوق الشبهات (عربی)، تأليف استاد الفقهاء والمجتهدين میرزا جواد تبریزی(قدس سره)، متوفی سال 1427 هـ. ق، زیارت عاشورا را از جوانب مختلف مورد بررسی قرار داده و اعتبار آن را ثابت نموده اند و با نسخه زمان شیخ طوسی(رحمه الله)تطبیق نموده اند<sup>۳۳۵</sup>.

---

تعلیم و تعلم از مهم ترین خدمات ایشان به شمار می آید. شخصیت بارز علمی ایشان در دقیق بودن در مطالب، و عمیق فکر کردن و حسن سلوک با طلاب هر روز گروه بیشتری از افراد علاقمند و با استعداد را به سوی مجلس درس ایشان می کشاند.

ایشان یکی از اعجوبه های روزگار خود بودند که در زمینه های مختلف علمی از جمله: فقه، اصول، کلام، رجال و... کتابهایی ارزشمند نوشته که به زیور آراسته شده و در حدود ده ها کتاب از آثار خطی ایشان به جای مانده است که حاکی از نبوغ این فقیه فقید است.

تألیفات فراوان و گوناگون وی در علوم و فنون مختلف اسلامی، هر کدام گوهری تابناک و گنجینه ای پایان ناپذیر است که هم اکنون با گذشت ایام روز به روز بر ارزش و اعتبار آنها افزوده می شود و جایگاهی بس رفیع و والا یافته اند و در صدر قفسه کتابخانه ها و در سینه فقها و دانشمندان جای می گیرد که از آن میان می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

1- ارشاد الطالب فی شرح المکاسب - 7 جلد

2- تنقیح مبانی العروة (طهاره) - 7 جلد

3- تنقیح مبانی العروة والمناسک (الحج) - 3 جلد

4- اسس القضاء والشهادات

5- اسس الحدود والتعزيرات

6- کتاب القصاص

46- حجت الاسلام وال المسلمين سید یاسین موسوی، در کتابی به بررسی سند  
زیارت عاشورا و ذکر بعضی از فضائل زیارت عاشورا پرداخته اند.

- 
- 7- کتاب الديات
  - 8- طبقات الرجال (دوره كامل 11 جلد) - تبيين و تصحيح طبقات الرجال 15 جلد - معجم الرجال 5 جلد - مجمع الرواية 2 جلد
  - 9- الدروس في علم الاصول (دوره كامل اصول)
  - 10- تنقیح مبانی العروة (الصلة) (در حال چاپ)
  - 11- تنقیح مبانی العروة (كتاب الصوم)
  - 12- تنقیح مبانی العروة (كتاب الزكاة والخمس)
  - 13- صراط النجاة 12 جلد
  - 14- كتاب ظلمات فاطمة الزهراء (عليها السلام) (در حال چاپ)
  - 15- كتاب امير المؤمنین علی بن ابی طالب: (در حال چاپ)
  - 16- فدک
  - 17- الشعائر الحسينية
  - 18- زیارت عاشورا فراتر از یک شببه (در حال چاپ)
  - 19- زیارت عاشوراء فوق الشبهات
  - 20- نفی السهو عن النبی (صلی الله علیه وآلہ)
  - 21- نصوص الصحیحة علی الائمه (علیهم السلام)
  - 22- الانوار الھیة فی مسائل العقائدیة
  - 23- النکات الرجالیة (مخطوط)
  - 24- ما استنفدت من الروایات فی استنباط الاحکام الشرعیة (وسائل الشیعہ مخطوط)
  - 25- النصائح (آداب المتعلمين)

توجه علمای بزرگ به

زیارت عاشورا



## توجه علمای بزرگ به زیارت عاشورا

وحید بهبهانی (رحمه الله)

«معروف است که آقا محمد باقر معروف به وحید بهبهانی، زمانی که برای زیارت به حرم سیدالشهدا مشرف می شد، اول آستان کفش کن آن جناب را می بوسید و روی مبارک و محاسن شریف خود را بدان می مالید پس از آن، با خضوع و خشوع و رقت قلب به اندرون حرم مشرف می شد و زیارت می کرد و در مصیبت امام حسین (علیه السلام) کمال احترام را مراعات می فرمود».<sup>۳۳۶</sup>

## حکم به خواندن زیارت عاشورا

آقای حاج سید احمد زنجانی (رحمه الله) در کتاب *الكلام يجر الكلام* از مرحوم آیت الله آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی (رحمه الله) نقل نموده است اشاره کرد که فرمود: من و آقای آقا میرزا علی آقا (رحمه الله) - آقا زاده میرزا شیرازی (رحمه الله) - و آقا سید محمود سنگلچی (رحمه الله) در سامرای شیبی روی بام در خدمت مرحوم آقای میرزا محمد تقی شیرازی (رحمه الله) درس می خواندیم.

در اثنای درس، استاد بزرگ ما، مرحوم آقای سید محمد فشارکی(رحمه الله)<sup>۳۳۷</sup> تشریف آوردن، در حالی که آثار گرفتگی و انقباض در بشره اش پیدا بود، معلوم شد شنیدن خبر بروز وبا در عراق (سامرا) ایشان را این گونه منقلب کرده است. فرمود: شما مرا مجتهد می دانید؟ عرض کردیم: بلی، فرمود: عادل می دانید؟ عرض کردیم: بلی! فرمود: من به تمام زن و مرد شیعه سامرا حکم می کنم که هر یک از ایشان یک مرتبه زیارت عاشورا را به نیابت از طرف نرجس خاتون، والده ماجده امام زمان(علیه السلام)بخوانند، و آن مخدره را نزد فرزند بزرگوارش، شفیع قرار دهند تا آن حضرت از خداوند عالم بخواهد که خدا شیعیان مقیم سامرا را از این بلا نجات دهد. به محض اینکه<sup>۳۳۸</sup> حکم صادر گردید، تمام شیعیان مقیم

---

۳۳۷- آیت الله سید محمد بن قاسم فشارکی(رحمه الله) اصفهانی؛ در سال ۱۲۵۳ قمری (۱۲۱۴ شمسی) در منطقه فشارک (اصفهان) به دنیا آمد، در سن ۱۱ سالگی به عراق رفت، و کفالت او را برادر بزرگش ابراهیم ملقب به «کبیر» بر عهده گرفت. و برخی دروس را نزد برادر و ما بقی را نزد علمای دیگر مانند آیت الله فاضل اردکانی(رحمه الله) و حاجی آقا حسن بن سید مجاهد(رحمه الله) گذراند. در سال ۱۲۸۶ قمری، به نجف رفت و در محضر آیت الله حاج میرزا محمد حسن شیرازی(رحمه الله) تلمذ کرد و در سال ۱۲۹۱ به همراه آیت الله شیرازی(رحمه الله) به سامرا رفت. پس از وفات آیت الله شیرازی(رحمه الله) مجدداً در سال ۱۳۱۲ هجری قمری به نجف بازگشت. آن طور که آقا بزرگ تهرانی در کتاب خود می فرماید: در مسجد هندی در نجف،

کرسی تدریس داشت، که حدود ۳۰۰ شاگرد در درس او حاضر می شدند. شیخ عباس قمی(رحمه الله) در «فوايد الرضويه» می فرماید: زمانی که آیت الله شیرازی(رحمه الله) در شعبان ۱۳۱۲ وفات کرد بزرگان به او رجوع کردند؛ زیرا اعتقاد داشتند که او اعلم پس از میرزا است، و از او خواستند که تصدی امور شرع و مرجعیت را بر عهده بگیرد، اما ایشان فرمود: من خود می دانم که شایسته این کار نیستم؛

سامرا، حکم را اطاعت کرده و زیارت عاشورا، را طبق همان دستور خواندند، در نتیجه بعد از خواندن زیارت عاشورا، یک نفر شیعه سامرا تلف نشد، در صورتی که هر روز حدود پانزده نفر از غیر شیعه تلف می شدند.<sup>۳۴۹</sup> لازم به تذکر است که از آن به بعد تمامی تلفات متوجه عامه بود که باعث شد عده ای از آنان متنبه شده و به مذهب حق روی آورند.<sup>۳۵۰</sup>

---

زیرا ریاست امور شرعی نیاز به امور دیگری غیر از علم دارد، و من در این امور وسوس خاصی دارم، و من به غیر از تدریس به کاری نباید مشغول شوم. ایشان اشاره کرد که به سراغ مرحوم میرزا محمد تقی شیرازی (رحمه الله) بروند که این یکی از دلایل بلندی همت، پاکی نفس و اخلاص قلب این بزرگوار بوده است. حاج میرزا محمد حسین نائینی (رحمه الله)، حاج شیخ عبدالکریم حائری بزدی (رحمه الله)، آقا شیخ محمد رضا نجفی (رحمه الله)، حاج شیخ محمد حسین طبسی (رحمه الله) و آقا میرزا سید علی مدرس بزدی (رحمه الله) از شاگردان وی بودند. او در نجف درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد. از آثار وی، اصاله البرائة، الاغسال، الفروع المحمدیه، مجموعه رسالاتی در فقه و غیره، شرح اوائل رساله البرائه شیخ انصاری، رساله ای در خلل نماز می باشد. وفات وی را در 1316 قمری (1277 شمسی) دانسته اند. محل دفن وی یکی از حجرات صحن مقدس علوی است.

۳۴۹-الکلام یجر الکلام، ج ۱، ص ۵۴ - ۵۵

۳۵۰-فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سرہ) می فرمودند: هر هفته عده ای از طلاب حوزه نجف اشرف شب های جمعه برای زیارت سالار شهیدان (علیه السلام) از نجف به کربلا می رفتند و من هم توفیق داشتم که یکی از آنان باشم، و هر هفته به ساحت مقدس آن بزرگوار عرض ادب می کردم، و موفق می شدم که در کنار قبر مطهر و رو به روی ضریح آن امام مظلوم (علیه السلام) زیارت عاشورا بخوانم، و به واسطه این توسل، از سیدالشهدا، امام حسین (علیه السلام) مدد می جستم. در این جهت مولی (علیه السلام) عنایت فراوانی به من کرد، و بسیاری از مشکلاتم به واسطه این توسل حل می شد. زیارت عاشورا مجرّب است، بر آن مداومت کنید و بدانید که بسیاری از علمایی که به درجات رفیع رسیدند، به واسطه توصلات بوده که از جمله آنها مداومت بر خواندن زیارت عاشورا است. در مورد زیارت

### شیخ مرتضی انصاری (رحمه الله)

در شرح احوال شیخ مرتضی انصاری (رحمه الله)، نواده شیخ انصاری آورده اند که: «از جمله عاداتش خواندن زیارت عاشورا بوده که در هر روز، دو بار صبح و عصر آن را می خواند و بر آن بسیار مواظبت می نمود. بعد از وفاتش کسی او را در خواب دید و از احوالش پرسید، در جواب سه مرتبه فرمود: عاشورا، عاشورا، عاشورا».<sup>۳۴۱</sup>.

### میرزا محدثی (رحمه الله)

فقیه زاهد عادل، مرحوم شیخ جواد عرب - که مرجع تقلید گروهی از شیعیان عراق بوده - در شب 26 ماه صفر 1336 هـ. ق در نجف اشرف در خواب، حضرت عزرائیل (سلام الله علیه) را می بیند. پس از سلام از او می پرسد: از کجا می آیی؟

- از شیراز، و روح میرزا ابراهیم محلاتی را قبض کردم .

- روح او در عالم برزخ در چه حالی است ؟

---

عاشرها سهل انگاری نکنید، خداوند به واسطه این توسولات به شما مقامی خواهد داد که دنیا و آخرت شما را تضمین خواهد کرد، ان شاء الله تعالى.

341- زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، ص 377

- در بهترین حالات و در بهترین باغ های بزرخ و خداوند هزار ملک موکل او  
کرده است که فرمان او را می برند.

- برای چه عملی از اعمال به چنین مقامی رسیده است؟

- برای خواندن زیارت عاشورا.

(مرحوم میرزای محلاتی سی سال آخر عمرش، زیارت عاشورا را ترک نکرد  
و هر روز که به سبب بیماری یا امری دیگر نمی توانست زیارت عاشورا بخواند،  
نایب می گرفت).

وقتی که آن مرحوم از خواب بیدار می شود، فردای آن شب به منزل آیت الله  
میرزا محمد تقی شیرازی (میرزای دوم) می رود و چون خواب خود را برای  
میرزا نقل می کند، ایشان می گریند. سبب گریه را می پرسند، می فرماید:  
میرزای محلاتی از دنیا رفت واستوانه فقه بود. گفتند: شیخ خوابی دیده و واقعیت  
آن معلوم نیست. میرزا می فرماید: بلی، خواب است؛ اما خواب شیخ مشکور  
است نه خواب افراد.

فردای آن روز، تلگراف درگذشت میرزای محلاتی از شیراز به نجف مخابره  
شد و صدق رؤیای شیخ آشکار گشت.<sup>۳۴۲</sup>.

## عاشر عاشورا

---

. ۳۴۲- داستان های شگفت، شهید دستغیب، ص 273 و 274

محدث نوری در کتاب نجم الثاقب از سید احمد فرزند سید هاشم رشتی(رحمه الله)، تاجر ساکن رشت، نقل می کند که گفت: «در سال هزار و دویست و هشتاد، برای ادای حج و زیارت خانه خدا از رشت به تبریز آمدم، آنجا در خانه یکی از تجار معروف، به نام حاج صفر علی منزل نمودم. چون کاروانی نبود متوجه بودم که چگونه سفر را ادامه دهم، تا آنکه حاج جبار نامی که جلوه دار کاروان و از شهر سده اصفهان بود، مال التجاره ای برداشت، و من به همراه کاروان او حرکت کردم.

در یکی از منازل ما بین راه (در ترکیه) حاجی جبار جلوه دار، نزد ما آمد، که این منزلی که در پیش داریم مخوف است، قدری زودتر بار کنید که به همراه قافله باشید، چون در سایر منازل ما اغلب از قافله عقب بودیم، ما هم تقریباً دو ساعت و نیم یا سه ساعت به صبح مانده حرکت کردیم. به اندازه نیم یا سه ربع فرسخ از منزل دور شده بودیم، که هوا تاریک شد و برف باریدن گرفت، به طوری که هر یک از رفقا سر خود را پوشانده و تند راندن. هرچه کردم به آنها برسم ممکن نشد، تا آنکه آنها رفتند و من تنها ماندم، پس از اسب خود پیاده شده و در کنار راه نشستم. از آنجا که مبلغ ششصد تومان با خود داشتم مضطرب گشته، و تصمیم گرفتم که در همین مکان بمانم تا آفتاب طلوع کند، و سپس به منزل قبلی مراجعت کرده تا دلیلی بیابم و به کاروان ملحق شوم.

ناگاه در مقابل خود باغی دیدم، که در آن، باغبانی بیل به دست گرفته بر درختان می زد تا برف آنها بریزد. مرد پیش من آمد و در فاصله کمی ایستاد،

فرمود: تو کیستی؟ عرض کردم: رفقای من رفته اند و تنها در این بیابان مانده ام و راه را هم نمی دانم. به زبان فارسی فرمود: نماز شب بخوان تا راه را پیدا کنی. من مشغول خواندن نماز شب شدم. بعد از فراغ از تهجد، باز آمد و فرمود: نرفتی؟ گفتم: به خدا قسم راه را نمی دانم. فرمود: زیارت جامعه بخوان! من زیارت جامعه را از حفظ نمی دانستم - و الان هم از حفظ ندارم - اما ایستادم و زیارت جامعه را از حفظ خواندم. باز فرمود: نرفتی؟ بی اختیار گریه ام گرفت، و گفتم: راه را نمی دانم! فرمود: زیارت عاشورا بخوان! من عاشورا را از حفظ نمی دانستم - و تا کنون هم حفظ نیستم - اما در آنجا با لعن و سلام و دعای علقمه از حفظ خواندم.

باز آمد و فرمود: نرفتی؟ گفتم: نرفتی. تا صبح شد، فرمود: من حالا تو را به کاروان می رسانم، رفت و بر الاغی سوار شد، بیل خود را به دوش گرفت، و فرمود: پشت سر من بر الاغ سوار شو! سوار شدم، عنان اسب خود را کشیدم، تمکین نکرد و حرکت ننمود. فرمود: جلوی اسب را به من بده! دادم، بیل را به دوش چپ و عنان اسب را به دست راست گرفت و به راه افتاد و اسب در نهایت تمکین، متابعت کرد. پس دست خود را بر زانوی من گذاشت و فرمود: شما چرا نماز شب نمی خوانید؟ و سه مرتبه فرمود: نافله، نافله، نافله.

باز فرمود: چرا عاشورا نمی خوانید؟ عاشورا، عاشورا، عاشورا.

بعد فرمود: چرا جامعه نمی خوانید؟ سه مرتبه فرمود: جامعه، جامعه، جامعه.

در همان حال به من فرمود: اینها رفقای تو هستند که لب نهر آب فرود آمده و  
برای نماز صبح مشغول و ضو گرفتن هستند!!

من از الاغ پیاده شدم که سوار اسب خود شوم نتوانستم، او پیاده شد و بیل را  
در برف فرو برد، مرا سوار کرد و به سوی رفقا برگردانید.

در آن هنگام به فکر فرو رفته و از خود سؤال کردم که این شخص چه کسی  
بود که به زبان فارسی حرف می زد، در صورتی که زبانی جز ترکی، و مذهبی  
غالباً جز عیسوی در آن حدود یافت نمی شد، چگونه مرا با این سرعت به رفقایم  
رسانید؟ پس پشت سر خود نگاه کردم، احدی را ندیده، و اثری از او نیافتم و  
آن گاه به رفقای خود ملحق شدم.<sup>۳۴۳</sup>

**اگر نبود «الفین و زیارت عاشورا!»**

فرزنده مرحوم علامه حلی (رحمه الله)، علامه را در خواب دید و از احوال  
آخرت از او سؤال کرد، جواب فرمود: «لولا الآلفين و زيارة الحسين لاهلكتنى  
الفتاوى».

يعنى اگر نبود كتاب الفين و زيارت امام حسین (عليه السلام)، فتواهای من، مرا  
هلاک می کرد.

---

۳۴۳- نجم الثاقب، ص 601 - 602، مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی (رحمه الله)، بعد از زیارت جامعه  
کبیره حکایت سید رشتی.

آن مرحوم، مداومت به زیارت امام حسین (علیه السلام) داشته و در کتاب «الفین» دو هزار دلیل و برهان برای حقانیت و تقدم و افضلیت امیر المؤمنین (علیه السلام) بر سایرین و بطلان خلافت دیگران اقامه نموده است<sup>۳۴۴</sup>.

### مرحوم کمپانی(رحمه الله)

نقل است که مرحوم کمپانی با خود قرار گذاشته بود که هر روز زیارت عاشورا را بخواند و سایر کارهایش ؛ مانند تدریس و تقریر بحث‌ها و تهجد و نمازهای نافله و ... را نیز انجام دهد ؛ حتی از درگاه خداوند خواسته بود در روزی که مقدر است روز آخر عمرش باشد، خواندن زیارت عاشورایش ترک نشود ؛ آن را بخواند، بعد فوت کند تا بالآخره روز آخر عمرش فرا رسید، زیارت عاشورا را خواند و شبش فوت کرد<sup>۳۴۵</sup>.

### عاشورا، عاشورا

#### میرزا جواد تبریزی(قدس سره) و زیارت عاشورا

حجت الاسلام، شیخ غلامرضا توکلی می گوید: روزی خانمی از تهران تماس گرفته و اصرار می کرد که با مرحوم میرزا جواد تبریزی(قدس سره) صحبت نماید، به ایشان گفتم: میرزا(قدس سره) فعلاً مکالمه‌ی تلفنی ندارند، اگر مطلبی دارید

---

۳۴۴- روضات الجنات، ج 2، ص 282

۳۴۵ . شرح احوال فقیه راحل شیخ اراکی، ص 614.

بفرمایید که به آقا برسانم. آن خانم گفت: جهت گرفتاری که داشتم زیاد به مسجد جمکران می رفتم چهل شب تمام شد اما مشکلم حل نشد، تا اینکه شبی در عالم خواب دیدم که حضرت ولی عصر(علیه السلام) در مکانی حضور دارند. (بدون آنکه مشاهده شود) در عالم خواب برای دیدن حضرت(علیه السلام) به آن مکان رفتم اما کثرت جمعیت اجازه نداد به حضرت(علیه السلام) برسم با این حال دیدم که مردم دور یک پیرمرد روحانی را گرفته اند و مسائلی را با او مطرح می کنند، به من گفتند که مشکل خود را با این آقا در میان بگذار. من به محضر آن روحانی رفتم اما قبل از آنکه مسئله ام را مطرح کنم و از ایشان راهنمایی بطلبم، اسم او را سؤال نمودم، گفتند: میرزا جواد تبریزی است. من مشکل خود را به ایشان گفتم، ایشان جوابی داده و دستوری فرمودند، اما بعد از بلند شدن از خواب جواب را فراموش نمودم و بسیار ناراحت شدم. از بعضی از روحانیون تهران سؤال کردم، شما شخصی به نام جواد تبریزی می شناسید، گفتند: ایشان از مراجع تقليد در قم می باشند. شماره‌ی دفتر ایشان را پیدا نمودم و الان می خواهم قضیه را به ایشان برسانید و بگویید شما چه می فرمایید. شیخ توکلی می گوید: خدمت آقا آمد و مطلب را به ایشان رساندم، مرحوم میرزا (قدس سرہ) بدون آنکه عکس العملی نشان دهد در حالی که اشک در چشمانت مبارکشان حلقه زد، فرمودند: به آن خانم بگویید زیارت عاشورا بخواند مشکلش ان شاء الله حل خواهد شد.

## عاشرنا عاشورا عاشورا

در شرح حال مرحوم شیخ مرتضی (قدس سرہ)، نواده شیخ انصاری آورده اند که: از جمله عاداتش خواندن زیارت عاشورا بوده که هر روز دو بار صبح و عصر آن را می خوانده و بر آن بسیار مواظبت می نمود، پس از وفاتش کسی او را در خواب دید و از احوالش پرسید، در جواب سه مرتبه فرمود: عاشورا، عاشورا، عاشورا<sup>۳۴۶</sup>.

### ترک زیارت حسین (علیه السلام) و اعتراض رسول خدا (صلی الله علیه وآلہ وسلم)

ابوالحسن فارسی می گوید:

من بسیار به زیارت حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) مشرف می شدم تا این که بر اثر فقر و پیری آن را ترک کردم . شبی رسول خدا (صلی الله علیه وآلہ وسلم) را در خواب دیدم ؛ در حالی که حسن و حسین (علیهم السلام) با او بودند و من بر آنان گذشتم .

حسین (علیه السلام) به جدش عرضه داشت: این مرد بسیار به زیارت من می آمده ؛ ولی اکنون ترک کرده است.

رسول خدا (صلی الله علیه وآلہ وسلم) به من فرمود: آیا از کسی مانند حسین می بُری و زیارتش را ترک می نمایی؟!

عرضه داشتم: هرگز؛ ولی پیر و ناتوان شده ام.

رسول خدا (صلی الله علیه وآلہ وسلم) فرمود: هر شب به پشت بام خانه ات برو و با انگشت شهاده به جانب آن حضرت (علیه السلام) اشاره کن و بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى جَدِّكَ وَأَبِيكَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى أُمِّكَ وَأَخِيكَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَئِمَّةِ مِنْ بَنِيكَ»<sup>۳۴۷</sup>.

### زيارت حضرت امام حسین (علیه السلام)

مرحوم ابن داود قمی (رحمه الله) در کتاب زیاراتش آورده:

مرا همسایه ای بود که هر ماه به زیارت حسین (علیه السلام) می رفت تا این که سالمند و ناتوان گردید و نتوانست به زیارت رود.

پس از مدتی با پای پیاده به زیارت مشرف شد و پس از چند روز به کربلا رسید. به حرم رفت و بر آن حضرت (علیه السلام) سلام نمود، نماز زیارت به جای آورد و خوابید.

در خواب ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) را دید که از قبر بیرون آمده و به او فرمود: چرا بر من جفا کردی؛ با این که نسبت به من مهربان بودی؟

---

۳۴۷- بحار الانوار؛ کتاب المزار.

۳۴۸- گنجینه رؤیا.

عرضه داشت: یا سیدی! جسم ناتوان شده و در دلم افتاد که شاید آخر عمرم باشد، در طول چند روز به زیارت شما آمدم و روایتی از شما نقل شده که دوست دارم آن را از خودتان بشنوم.

فرمود: بگو.

گفتم: از شما روایت شده که فرموده اید: هرکس در زمان حیاتش مرا زیارت کند، پس از مرگش او را زیارت می کنم.

فرمود: بله، من این را گفته ام و اگر آن شخص را در آتش ببینم، بیرون ش می آورم.<sup>۳۴۹</sup>

### ارزش گریه کردن بر امام حسین (علیه السلام)

سید بحر العلوم (رحمه الله) به قصد تشرف به سامرا تنها به راه افتاد. در بین راه راجع به این مسأله که گریه بر امام حسین (علیه السلام) گناهان را می آمرزد، فکر می کرد. همان وقت متوجه شد که شخص عربی سوار بر اسب به او رسید و سلام کرد.

بعد پرسید:

جناب سید! درباره چه چیز به فکر فرو رفته ای؟ اگر مسأله ای علمی است بفرمایید شاید من هم اهل باشم؟

سید بحر العلوم عرض کرد: در این باره فکر می کنم که چطور می شود خدای تعالی این همه ثواب به زائرین و گریه کنندگان بر حضرت سیدالشہدا (علیه السلام) می دهد؛ مثلاً در هر قدمی که در راه زیارت بر می دارند، ثواب یک حج و یک عمره در نامه عملشان نوشته می شود و برای یک قطره اشک، تمام گناهان صغیره و کبیره شان آمرزیده می شود؟ آن سوار عرب فرمود: تعجب نکن من برای شما مثالی می آورم تا مشکل حل شود.

سلطانی به همراه درباریان خود به شکار می رفت . در شکارگاه از لشکریانش دور شد و به سختی فوق العاده ای افتاد و بسیار گرسنه شد . خیمه ای را دید و وارد آن خیمه شد. در آن سیاه چادر، پیروزی را با پرسش دید. آنان در گوشه خیمه عنیزه ای (بز شیرده) داشتند و از راه مصرف شیر این بز، زندگی خود را می گردانند.

وقتی سلطان وارد شد، او را نشناختند؛ ولی به خاطر پذیرایی از مهمان، آن بز را سر بریده و کباب کردند؛ زیرا چیز دیگری برای پذیرایی نداشتند. سلطان، شب را همان جا خوابید و روز بعد، از ایشان جدا شد و هر طوری که بود، خود را به درباریان رسانید و جریان را برای اطرافیان نقل کرد . در نهایت از ایشان سوال کرد: اگر من بخواهم پاداش میهمان نوازی پیروز و فرزندش را داده باشم، چه عملی باید انجام بدهم؟

یکی از حضار گفت: به او صد گوسفند بدهید.

دیگری که از وزرا بود، گفت: صد گوسفند و صد اشرفی بدھید.

یکی دیگر گفت: فلان مزرعه را به ایشان بدھید.

سلطان گفت: هر چه بدھم، کم است؛ زیرا اگر سلطنت و تاج و تختم را هم بدھم آن وقت، مقابله به مثل کرده ام؛ چون آنها هر چه را که داشتند، به من دادند. من هم باید هر چه را که دارم به ایشان بدھم تا سر به سر شود.

بعد سوار عرب به سید فرمود:

حالا جناب بحر العلوم! حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) هر چه از مال و منال و اهل و عیال و پسر و دختر و خواهر و سر و پیکر داشت، همه را در راه خدا داد. پس اگر خداوند به زائرین و گریه کنندگان آن حضرت این همه اجر و ثواب بدھد، نباید تعجب نمود؛ چون خدا که خدایی اش را نمی تواند به سیدالشهدا (علیه السلام) بدھد.

پس هر کاری که می تواند، آن را انجام می دهد؛ یعنی با صرف نظر از مقامات عالی خود امام حسین (علیه السلام)، به زوار و گریه کنندگان آن حضرت درجاتی عنایت می کند. در عین حال، اینها را جزای کامل برای فدای کاری آن حضرت نمی داند.

چون شخص عرب این مطالب را فرمود، از نظر سید بحر العلوم غایب شد.

**مرثیه حضرت سیدالشهدا توسط محتم کاشانی**

محتم پسری داشت که از دنیا رفت. چند بیت در رثای وی گفت. شبی حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه وآلہ وسلم) را در خواب دید که فرمودند:

«تو برای فرزند خود مرثیه می‌گویی؛ اما برای فرزند من مرثیه نمی‌گویی؟»  
می‌گوید: بیدار شدم؛ ولی چون در این رشته کار نکرده بودم، سر رشته پیدا  
نکردم که چگونه وارد مرثیه فرزند گرامی آن حضرت شوم.

شب دیگر در خواب مورد عتاب حضرتش گردیدم که فرمود: چرا در مصیبت  
فرزنند مرثیه نگفتی؟ عرض کردم: چون تا کنون در این وادی قدم نزده ام، لذا راه  
ورود برای خود پیدا نکردم. فرمود: بگو «باز این چه شورش است که در خلق  
عالم است».

بیدار شدم، همان مصراع را مطلع قرار دادم و آنچه که می‌بایست، سرودم تا  
رسیدم به این مصراع که گفتم: «هست از ملال گر چه بَری ذات ذو الجلال». در  
اینجا ماندم که چگونه این مصراع را به آخر برسانم که به مقام الوهیت جسارتنی  
نکرده باشم. شب، حضرت ولی عصر - ارواحنا فداه - را در خواب دیدم که  
فرمودند:

چرا مرثیه خود را به اتمام نمی‌رسانی؟

عرض کردم: در این مصراع به بن بست رسیده ام، نمی‌توانم رد شوم. فرمود  
که بگو: «او در دل است و هیچ دلی نیست بی ملال».

بیدار شدم؛ این مصراع را ضمیمه آن مصراع نموده و بیت را به آخر  
رسانیدم.

استفتائات و سیره میرزا تبریزی (قدس سره)

در خصوص زیارت عاشورا



**بعضی در خصوص زیارت عاشورا تشکیک راه می اندازد و می گویند در زیارت لعن  
نبوده است؟**

بسمه تعالی: زیارت عاشورا از زیارات معتبره و مُجرب می باشد، زیارت عاشورا را شیخ طوسی (رحمه الله) در مصباح المتهجد صغیر و کبیر نقل کرده است (به همین شکل موجود در مفاتیح الجنان نیز نقل شده است). نسخ خطی فراوانی وجود دارد که از سه حال خارج نیست؛ یا تمام زیارت به شکل موجود در مفاتیح الجنان نقل شده است و یا اینکه قسمت لعن، به دلیل تقيه حذف شده است که محل حذف در نسخ خطی مشهود می باشد و به دلیل فشار بر تشیع، حفظ تقيه و تسهیل در رد و بدل نمودن آن، فرازهای لعن را حذف کرده اند و یا آنکه در بعضی از نسخ کپی شده، قسمت لعن در حاشیه ذکر شده که به دلیل تقيه ابتدا در نسخه ذکر نشده بود، ولیکن بعد از آنکه نسخه به شخصی خاص تعلق گرفته یا تشدید بر تشیع کمی برطرف شده است، آن را در حاشیه ذکر کرده اند تا مطابق با نسخه اصلی شود. در خصوص زیارت عاشورای موجود، با تمام فرازهایی که در مفاتیح الجنان ذکر شده است، شباهه ای وجود ندارد و معتبر می باشد.

در خصوص زیارات معروف از جمله جامعه، عاشورا، توسل، ناحیه و ... بعضی از افراد تشکیکاتی راه می اندازند و می گویند: سند این زیارات معلوم نمی باشد یا ضعیف است و کلماتی از این قبیل که موجب بروز توهّمات به خصوص در نسل جوان می شود. مضمون زیارات معروف، در بعضی از روایات وارد شده است و با مراجعه به روایات، مضامین فقراتی از ادعیه‌ی شریفه موجود می باشد و همچنین این زیارات مُجرب است و بزرگان ما با توسل به این ادعیه به درجه‌ی عالی رسیدند و این گونه ادعیه که مضامین آن در روایات وارد شده، مُجرب است، نیاز به سند ندارد و هر کس آنها را بخواند، خداوند متعال ضمن قبول این عمل، به آنها پاداشی خواهد داد (ان شاء اللہ تعالیٰ) و مسئله‌ی تشکیک از ابتدا از بعضی افراد بی اطلاع و منحرف سر می زده و می زند و نباید به گفتار آنان گوش داد. بعضی از لذت عبادت دور هستند و فکر می کنند با مطرح کردن این مسائل می توانند دنیای خود را آباد کنند. حال آنکه این حرف‌ها ضمن قطع توفیق الهی، عاقبت خوشی برای این گونه افراد نخواهد داشت. خداوند به همه‌ی ما توفیق دهد که با وسیله بردن (وابتغوا إلیه الوسیلة...) به درگاه خداوند متعال، به خواندن این ادعیه موفق شویم.

شما در خصوص سؤالات زیر، چه می فرمایید؟

1. کسی که می گوید زیارت عاشورای اصلی این نیست؛ بلکه این زیارت تحریف شده است!  
2. ما بر علماء اشکال کردیم، به ما جواب درست ندادند!  
3. و در ملأ عام، حتی در نماز جمعه این اشکالات را مطرح می کنند!  
4. می توان به آنها خمس داد؟!  
5. آیا خواندن نماز پشت سر آنها جایز است؟
- بسمه تعالیٰ:
1. هیچ گونه تزویری در زیارت عاشورا نیست و فقط بین نسخ اختلاف وجود دارد که به آن تزویر نمی گویند؛ بلکه اختلاف نسخ به دلیل تقیه اتفاق افتاده است و نسخی که در نزد ما است شامل تمام فقرات زیارت عاشورا، به شکلی که در مفاتیح الجنان است، می باشد و طبق اجازات موجود در بعضی نسخ، نسخه‌ی موجود به زمان شیخ طوسی(رحمه الله)می رسد و تمام فقرات دعا در آن وجود دارد.
  2. علماء و بزرگان جواب مسئله را مناسب با مقام می گویند.
  3. حاضر شدن و گوش دادن به خطبه‌ی این شخص جایز نیست.
  4. دادن وجوه به این شخص جایز نیست.
  5. نماز پشت سر این شخص جایز نمی باشد.  
والله الہادی الی سواء السبیل.

از شما کتابی تحت عنوان زیارت عاشورا، فوق الشبهات صادر شد و بسیار مفید بود.

نظر نهایی شما در خصوص زیارت عاشورا چیست؟

بسمه تعالی: همان گونه که در کتاب به آن تأکید کردیم، زیارت عاشورا از حیث سند صحیح است. بعضی از نسخ مصباح المتهجد که به شکل نسخه خطی می باشد در دسترس است و بعضی از این نسخه ها با توجه به اجازات موجود بر آن، تاریخش به زمان شیخ طوسی(رحمه الله) می رسد و علمای بزرگ طایفه، این زیارت را با تمام فرآزهای آن ذکر کرده اند، از جمله محمد بن مشهدی(رحمه الله) در مزار، ابن طاووس(رحمه الله) در مصباح و شهید اول(رحمه الله) در مزارش و ... .

زیارت عاشورا مجبوب است و علمای بسیاری به برکت این زیارت شریف، توفیقاتی کسب کرده اند و همین شهرت زیارت، در اثبات آن کافی است و مؤمنین در آن زمان تقيه، با آن مشکلات موجود به روش های مختلف از ادعیه حفاظت کرده اند تا به دست ما برسد و زیارت عاشورا به شکل موجود در مفاتیح الجنان، از حیث سند معتبر می باشد و جای هیچ شباهه ای در آن نیست و خواندن آن اجر و ثوابی دارد که اهلش آن را درک می کنند.

## آیا زیارت عاشورا معتبر است؟

بسمه تعالی: زیارت عاشورا از زیارات معتبره می باشد و این زیارت مبارکه در کتب متعدد علمای ابرار ذکر شده است و مضمونش صحیح می باشد، زیارت عاشورا معتبر است و خداوند به همه توفیق خواندن آن را عنایت فرماید. به وسوسه‌ی افرادی که از علم حظی نبرده اند گوش ندهید و هر آنچه را که در راه زنده نگاه داشتن مصائب اهل بیت(علیهم السلام) انجام می دهید، مأجور هستید و زیارت عاشورا بیان مظلومیت اهل بیت(علیهم السلام) و عمق فاجعه‌ی کربلا و موارد ظلم به اهل بیت(علیهم السلام) است، بخوانید که ان شاء الله فردای قیامت ذخیره‌ی خوبی خواهید داشت، موفق باشید.

در زیارت عاشورا آمده: «إنْ هذَا يوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ بَنُو أُمَّيَّةِ...» در حالی که زیارت عاشورا در طول سال خوانده می شود، آیا می توان عبارت را تغییر داد؟  
بسمه تعالی: کلمه‌ی «هذا» به روز عاشورا اشاره دارد؛ یعنی به درستی که روز عاشورا؛ و از این رو در طول سال، چه شب و چه روز خوانده می شود.

**آیا روایت واردہ در خصوص زیارت عاشورا از امام باقر(علیه السلام) صحیح است و آیا می توان بر آن اعتماد کرد؟**

بسمه تعالی: زیارت عاشورا از زیاراتی است که علمای بزرگ آن را می خوانند و این زیارت نزد شیعه مشهور است و قرائت آن موجب ثواب می باشد و همان گونه که در روایت واردہ آمده، قابل اعتماد است، از جهت سند صحیح می باشد، شبیه ای در آن نیست و در کتب معتبر علماء نیز ذکر شده است.

#### **ماهیت زیارت عاشورا چیست؟**

ضمن بیان ظلم هایی که بر اهل بیت(علیها السلام) گذشته، ابراز لعن و نفرین بر ظالمین آنها است و از طرفی ارسال سلام و تجدید پیمان با خاندان اهل بیت(علیهم السلام) می باشد، بر خواندن این زیارت مداومت کنید که آثار عجیبی دارد.

#### **زیارت عاشورا را چگونه باید خواند؟**

به همان صورتی که در *مناتیح الجنان*، مرحوم شیخ عباس قمی(رحمه الله) ذکر شده است.

### چرا زیارت عاشورا در مجامع حدیثی شیعی ذکر نشده است؟

مجامع حدیثی شیعه به عنوان منابع مورد مراجعه‌ی کلیه‌ی افراد، حتی عامه بوده است و مبنای محدثان، بزرگ اجتناب از ذکر احادیثی بوده که با تقيه سازگاری ندارد (با توجه به اينکه شیعه همواره در فشار حکام جور بوده) از اين رو مشاهده می شود که اين زیارت شریفه در منابع حدیثی ذکر نشده است و به ذکر زیارت عاشورا در کتب ادعیه که فقط مورد مراجعه شیعه بوده اکتفا نموده اند، پس عدم ذکر زیارت عاشورا در منابع اولیه‌ی شیعه، حاکی از آن نیست که این زیارت قبلًا نبوده و بعداً پدیدار گشته است؛ بلکه دستگاه ظلم بعد از رحلت رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ) با تکیه بر اریکه‌ی قدرت، قرن‌ها نگذشت شیعه به راحتی رأی و معتقدات خود را منتشر کند و کتابخانه‌های شیعی بارها به واسطه‌ی مخالفین مورد هجوم قرار گرفته و به آتش کشیده شد. به همین جهت علمای بزرگ با تلاش بی وقفه و تحمل مشقات آن زمان (که همواره در دوران متعدد، تقيه را پیشه‌ی کار خود قرار داده بودند) توانستند اثری را جهت حفظ مبانی حدیثی شیعه تدوین نمایند، که اولین آنها 400 اثری بود که به اصول اربعائیه معروف گردید. این مجموعه توسط اصحاب ائمه(علیهم السلام) تدوین شد و حاوی کلمات ائمه(علیهم السلام) در موضوعات مختلف بوده است که به مرور زمان، و هجوم به منابع غنی شیعی، اکثر آنها از بین رفته اند، و آنچه که امروزه از اصول اربعائیه باقی مانده است بیش از 16 اصل نمی باشد، که مرحوم محدث نوری(رحمه الله) در خاتمه‌ی کتاب مستدرک الوسائل ذکر

نموده اند. سپس با تلاش بزرگان، کتب اربعه تدوین شد که هم اکنون این کتب؛  
یعنی *الكافی*، *تهدیب*، *استبصار*، *من لا يحضره الفقيه* منبع مراجعه‌ی علمای بزرگ  
می باشد.

از زمان غصب خلافت و تخلف از فرامین رسول خدا(صلی الله علیه وآل‌ه)  
هجوم به خانه‌ی حضرت فاطمه‌ی زهراء(علیها السلام)، خانه نشین کردن امام  
شیعیان، علی بن ابی طالب(علیه السلام) و تبعید یاران راستین اسلام، فشار بر  
شیعیان و مخلصین درگاه اهل بیت(علیهم السلام) به واسطه‌ی مخالفین روز به روز  
بیشتر شد و عرصه را بر شیعیان تنگ تر کردند. در شام که دورترین نقطه‌ی  
خلافت اسلامی بود بنی امية لعنة الله علیهم ریشه دواند و قدرت گرفت و جانشین  
رسول خدا(صلی الله علیه وآل‌ه) را بر روی منابر مورد لعن قرار داده و با به شهادت  
رساندن دخت رسول خدا(صلی الله علیه وآل‌ه) فاطمه‌ی زهراء(علیها السلام) و علی بن  
ابی طالب(علیه السلام)، وصی برحق رسول اکرم(صلی الله علیه وآل‌ه) هر آنچه که  
توانستند بر سر اسلام آوردن. به طوری که دو ریحانه‌ی رسول خدا(صلی الله علیه  
وآل‌ه)، امام حسن و امام حسین(علیهما السلام) را با بدترین آزارها به شهادت  
رساندند.

امام باقر(علیه السلام) فرمود:

ذلت و خواری شیعه، بلای مهم و کشتار، پس از شهادت امام حسن(علیه  
السلام) و در زمان معاویه اتفاق افتاد. در هر شهری شیعیان ما را می کشند و  
دست و پای افراد را، حتی به گمان شیعه بودن آنان، قطع می کردند. هر کسی به

ما اظهار محبت می نمود، به زندان می رفت. اموالش را غارت، و خانه اش را خراب می کردند و این بلا و مصیبت ادامه داشت، تا آنکه زمان/بن زیاد و قاتل امام حسین(علیه السلام) فرا رسید».<sup>۳۵۰</sup>

پس از بنی امية، بنی عباس لعنة الله عليهم با شعار دروغین و با افکار پلید و منحرف خود، هر آنچه توانستند بر سر شیعیان آورند؛ زیرا از حقانیت و قدرت گرفتن شیعیان هراس داشتند و ائمه‌ی اطهار(علیهم السلام) را با بھانه‌های پوچ و بی اساس مسموم و یا شهید نمودند و اصحاب راستین آنان را زندانی، تبعید و یا به شهادت رساندند. این روش خصمانه در قرون متتمادی ادامه داشت و حکام جور هرچه از آثار شیعی به دستشان می رسید، از بین می بردن. ولیکن این مذهب با فدایکاری علمای بزرگ و حامیان دین، توانست پا بر جا بماند، ولو با اندک مبانی که علی رغم تقیه و فشار تدوین شده است و همواره علمای طائفه سعی کرده اند طوری حرکت کنند که بھانه ای به دست مخالفین ندهنند و عدم ذکر زیارتی مانند زیارت عاشورا، که با تقیه سازگاری ندارد از همین رو است، به همین دلیل زیارت عاشورا را فقط در کتبی که مورد مراجعه شیعه بوده، ثبت و ضبط نموده اند. این زیارت شریفه عمدتاً در کتب ادعیه ای که به کتب مزار علماء معروف است، ذکر شده است.

---

. ۳۵۰- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج. ۳، ص ۱۵

**زیارت عاشورا در کدام کتب آمده است؟**

زیارت عاشورا یکی از زیارات مشهوره می باشد، که در کتب بزرگان شیعه در طول قرون و اعصار ذکر شده است، که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره نمود:

1. کامل الزیارات، ابن قولویه قمی (رحمه الله)، قرن چهارم.
2. مصباح المتهجد، شیخ طوسی (رحمه الله)، قرن پنجم.
3. مزار کبیر، محمد بن جعفر المشهدی (رحمه الله)، قرن ششم.
4. مصباح الزائر، سید علی بن موسی بن طاووس (رحمه الله)، قرن هفتم.
5. فرحة الغری، سید عبدالکریم بن احمد بن طاووس (رحمه الله)، قرن هفتم.
6. منهاج الصلاح، علامه حلبی (رحمه الله)، قرن هشتم.
7. کتاب مزار، شهید اول، سید محمد بن مکی (رحمه الله)، قرن نهم.
8. البیلد الامین، علامه تقی الدین ابراهیم کفعومی (رحمه الله)، قرن دهم.
9. بحار الانوار و تحفه الزائر و زاد المعاد، علامه مجلسی (رحمه الله)، قرن یازدهم و .... .

چرا زیاراتی مانند زیارت عاشورا نیاز به بررسی سندی ندارند؟

زیاراتی مانند زیارت عاشورا (جامعه کبیره، توصل، کسائے، ناحیه مقدسه و...)

احتیاج به بررسی سند ندارد، و این گونه زیارات مشهور و شعار شیعه شده است و مضامین آن در روایات صحیح وجود دارد و علمای بزرگ بدان عمل کرده و جزء معتقدات شیعه شده است، چه شعاری بالاتر از بیان ظلم هایی که بر خاندان اهل بیت(علیهم السلام) وارد شده است. زیارت عاشورا بیان ظلم، لعن بر ظالمین اهل بیت(علیهم السلام) و سیدالشہدا(علیه السلام) و احیای واقعه طف است و باید بر آن محافظت کرد؛ زیرا زنده نگاه داشتن واقعه کربلا، زنده نگاه داشتن مذهب برحق تشیع است. اگر کسی به مظلومیت اهل بیت(علیهم السلام) به خصوص هجوم به خانه‌ی وصی رسول خدا(صلی الله علیه وآلہ) و دختر رسول گرامی اسلام(صلی الله علیه وآلہ)، امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب(علیه السلام) و حضرت صدیقه‌ی شهیده، فاطمه‌ی زهراء(علیها السلام) و سیدالشہدا، امام حسین(علیه السلام) (که از مسلمات نزد شیعه است) آگاهی پیدا کند، حقیقت را خواهد یافت. همان گونه که بسیاری از افراد به واسطه‌ی آگاهی بر این ظلم‌ها، حقانیت مذهب تشیع و اهل بیت(علیهم السلام) بر آنها روشن گردیده و بدان روی آورده‌اند. همان گونه که شهادت بر مولای ما امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب(علیه السلام)(شهادت ثالثه) در اذان، شعار شیعه شده و ترک آن جایز

نمی باشد و کوتاهی در مثل این موارد، گناهی نابخشودنی به دنبال دارد<sup>۳۵۱</sup>; زیرا که شعار مذهب و بانگ حقانیت اهل بیت(علیهم السلام) است.

در فرازی از زیارت عاشورا می خوانیم: «و لعن الله بنی امية قاطبة؛ و خدا همه‌ی افراد بنی امية را المحت کند»، سؤال این است که بعضی از بنی امية شیعه بودند و بعضی مانند معاویه بن یزید (معروف به معاویه صغیر) خود را از خلافت خلع کرده و اظهار پشیمانی می نمود و بعضی مانند عمر بن عبدالعزیز (هشتمنی خلیفه اموی) نسبت به آل محمد(صلی الله علیه و آله) محبت فراوانی کرد و بخشی از حق آنها را ادا نمود و... پس چرا همه‌ی بنی امية مورد لعن قرار گرفته اند؟

بسمه تعالی: مراد از بنی امية در زیارت شریفه عاشورا کسانی هستند که در غصب خلافت و ظلم به اهل بیت(علیهم السلام) به هر شکلی نقش داشتند. والله العالم.

زیارت عاشورا دارای صد لعن و سلام است ولیکن گاهی انسان نمی تواند صد بار ذکر کند، تکلیف چیست؟

---

۳۵۱. کلیه‌ی فرازها از کتاب زیارت عاشورا فراتر از شبیه و مجموعه‌ی استفتائات فقیه مقدس میرزا جواد تبریزی(قدس سره) اخذ شده است.

سمه تعالی: می توان به یک بار اکتفا کند و افضل آن است که صد مرتبه ذکر  
نماید و در هر حال اختصار لعن در زیارت عاشورا به یک بار جایز است، والله  
الموّفق.

چرا در ذکر سجده‌ی زیارت عاشورا گفته می‌شود: «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدُ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَى مَصَابِهِمُ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عَظِيمِ رَذْيَتِي؛ بِپُورْدَگَارِ بَرْ تُو سِپَاسِ بَاد، هَمْچُون سِپَاسِ كسانی که برای مصابیب شهیدان کربلا به سپاس و شکر تو پرداخته اند؟

بسمه تعالی: قضیه‌ی سیدالشهدا(علیه السلام) موجب نجات بشر و حفظ مذهب  
برحق تشیع است و از جهتی موجب تنبه و بیداری بسیاری از افراد، به خصوص  
جوانان است که بتوانند به واسطه‌ی این واقعه‌ی عظیم راه حق را تشخیص دهند  
و این واقعه موجب سازندگی و نجات است و چه بسیار افرادی که به واسطه‌ی  
تأمل در قضایای سیدالشهدا(علیه السلام) طریق صحیح را تشخیص داده و نجات  
یافتنند.

آیا در زیارت عاشورا هنگام سجده‌ی آخر دعا «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدُ الشَّاكِرِينَ...» باید  
رو به کعبه سجده کند؟

بسمه تعالی: سجده برای خداست و به هر طرف باشد مانعی ندارد، ولیکن به  
طرف قبله باشد اولی است.

## اهمیت دادن مرحوم میرزا (قدس سرہ) به زیارت عاشورا

فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی(قدس سرہ) گاہی در روزهای زیارتی امام حسین (علیه السلام) به پشت بام می رفتند و زیارت عاشورا را در زیر آسمان می خواندند و به ساحت مقدس ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) عرض ادب می کردند. ایشان همواره مدافع زیارت عاشورا بودند و جوانان و مؤمنین را به خواندن آن ترغیب می کردند و حتی برای رد شباهات، کتابی تحت عنوان زیارت عاشورا، فوق شباهات تدوین کردند و می فرمودند: بسیاری از علماء به واسطه‌ی مداومت بر زیارت عاشورا به درجه و مقام عالی نائل شدند، و مضمون زیارت عاشورا دفاع از حریم ولایت، معرفی غاصبان و به افتضاح کشیدن دستگاه بنی امیه و بنی العباس است و روشنگر ظلم‌هایی است که بر خاندان نبوت (علیهم السلام) گذشته، آن را در هر حال فراموش نکنید.

مرحوم میرزا (قدس سرہ) ضمن دفاع از این زیارت، در استفتاثات مختلف می فرمودند: «به اینان که در خصوص زیارت عاشورا تشکیک می کنند، توجه نکنید. اینان از لذت عبادت به دورند و طعم شیرین عبادت را نچشیده اند؛ دستگاه سیدالشهدا - امام حسین (علیه السلام) - سفینه‌ی نجات است. متولیین و عزاداران واقعی سیدالشهدا در آخرت در بهترین مکان‌ها منزل خواهند کرد. ان شاء الله تعالى، خدا توفیق دهد که ما هم عزادار واقعی آن امام شهید (علیه السلام) محسوب شویم.» و جمله‌ی معروف مرحوم میرزا (قدس سرہ) که در درس خود فرمودند: «ای کاش من روضه خوان ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) بودم»،

همیشه در ذهن ها زنده است که این پیرمرد ولا چگونه به این خاندان عشق  
میورزید و میدان دار دفع شباهات و دفاع از حریم ولایت بود.

## **زیارت عاشورا دارای سند صحیح بوده**

**و شبهه ای در آن نیست،**

### **میرزا تبریزی(قدس سره) و زیارت عاشورا**

روزی در محضر فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) چنین مطرح شد که یک شیخ منحرف در احساء، تشکیکاتی در خصوص زیارت عاشورای موجود مطرح کرده و به طور کلی این شیخ کذایی حرف های امروزی دارد و به نظرش آمده که به مسائلی رسیده که کسی تا کنون به آن نرسیده است. فقیه مقدس، میرزا تبریزی (قدس سره) فرمودند: «زیارت عاشورا از نظر سند، صحیح می باشد و هیچ گونه تحریفی در آن صورت نگرفته و اگر کسی می گوید که تحریف شده، باید دلیل اقامه کند، که از اقامه‌ی دلیل عاجز است و فقط انکار می کند تا مشهور شود. (خالف تعرف) نباید به حرف چنین اشخاصی گوش داد، نسخه‌ی مصباح المتهجد موجود است و در آن زیارت عاشورا به شکل معروف موجود می باشد. نسخه ای که من مشاهده کردم به زمان شیخ طوسی (قدس سره) بر می گردد، اصلاً این گونه زیارات به سند احتیاج ندارند؛ بلکه زیارت عاشورا مجبوب است، هرچند که بعضی به همین شکل معروف نقل کرده اند، مانند محمد بن المشهدی (قدس سره) در المزار، ابن طاووس (قدس سره) در مصباح و شهید اول (قدس سره) در کتاب مزار و ... و چه بسیار افرادی که از برکت زیارت عاشورا به حوائج خود رسیدند و چه بسیار علمایی که آن را تجربه کردند و به درجه‌ی معنوی نائل شدند. اصلاً این گونه زیاراتی که مجبوب هستند و آثار

آن بر همه ظاهر شده است، احتیاج به سند ندارند و با همه‌ی این احوال، زیارت عاشورا به همین شکل موجود، محکم است و جای تردیدی در آن نیست. بخوانید و مرا دعا کنید که به دعای خیر شما احتیاج دارم. خداوند آنان را که در جهت دفاع از مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) تلاش می‌کنند، موفق گرداند، ان شاء الله تعالى.

## زیارت عاشورا همراه با لعن، ثابت است

و شبهه ای در آن نیست

### میرزا جواد تبریزی(قدس سره) و لعن در زیارت عاشورا

در سال های پایانی عمر شریف فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سره) بعضی از افراد مدعی، ولیکن بی سواد و منحرف، در خصوص زیارت عاشورا شباهتی در جامعه به راه انداختند که مرحوم میرزا (قدس سره) با قاطعیت مقابل آنان ایستاد و با نوشتن استفتائات متفاوت، ضمن رد شباهت، جواب محکمی به مشککین دادند.

ایشان می فرمودند: «اینان که شبهه به راه می اندازند، چون لذت عبادت و مناجات را نچشیده اند و توانایی درک فواید توسل، از جمله زیارت عاشورا را ندارند، دست به القا می زنند. علمای بزرگ به واسطه‌ی توسل به این زیارت شریف، به درجات عالی نائل شدند». مرحوم میرزا (قدس سره) می فرماید: «زیارت عاشورا همراه با لعن، به شکلی که در کتاب *مفاتیح الجنان* آمده، ثابت است. آنان که به خواندن زیارت عاشورا استمرار دارند، اثر خواندن این دعا را دیده و می بینند. برخواندن آن مداومت کنید و به حرف منحرفين جاهل گوش ندهید که آنان از رحمت خداوندی به دور هستند. زیارت عاشورا، یادآور مصائبی است که بر اهل بیت (علیهم السلام) گذشته و هر کس به واسطه‌ی این زیارت به اهل بیت (علیهم السلام) توسل کند، مأجور است و ان شاء الله گره کارهایش باز خواهد شد و در این دنیا اثر خواندن این دعا را خواهد دید، این دعای شریف مجبوب

است و مؤمنین و مخلصین درگاه ولایت بر آن مداومت کنند. ممکن است بعضی افراد در دعاهای دیگر شبه به راه انداخته و با برداشت ناقص خود، که ناشی از بی سوادی آنهاست حرف هایی بزنند، اما بدانید که ادعیه‌ی مشهور از جمله زیارت جامعه، و دعای توسل، و حدیث کسائے و... مجبوب هستند و وسیله‌ای برای ارتباط با پروردگار به شمار می‌روند. بر آنها مداومت کنید که اثر آن را در همین دنیا خواهید دید. ان شاء الله تعالى.»

## **خواندن زیارت عاشورا در جوار بارگاه ملکوتی**

**سیدالشہدا، امام حسین (علیه السلام)،**

### **میرزا جواد تبریزی(قدس سرہ) و خواندن زیارت عاشورا**

فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی (قدس سرہ) می فرمودند: هر هفته عده ای از طلاب حوزه‌ی نجف اشرف شب‌های جمعه برای زیارت سالار شهیدان از نجف به کربلا می‌رفتند و من هم توفیق داشتم که یکی از آنان باشم و هر هفته به ساحت مقدس آن بزرگوار عرض ادب می‌کردم و موفق می‌شدم که در کنار قبر مطهر و روبه روی ضریح آن امام مظلوم (علیه السلام) زیارت عاشورا بخوانم و به واسطه‌ی این توسل، از سیدالشہدا، امام حسین (علیه السلام) مدد می‌جستیم. در این جهت مولا (علیه السلام) عنایت فراوانی به من کرد و بسیاری از مشکلاتم به واسطه‌ی این توسل حل می‌شد. زیارت عاشورا مجبور است، بر آن مداومت کنید و بدانید که بسیاری از علمایی که به درجات رفیع رسیدند، به واسطه‌ی توسولات بوده، که از جمله‌ی آنها مداومت بر خواندن زیارت عاشورا است. در مورد زیارت عاشورا سهل انگاری نکنید و به حرف افراد منحرف که لذت عبادت، توسل و دعا را نچشیده اند و فقط کارشان شببه افکنی است، توجه نکنید. خداوند به واسطه‌ی این توسولات به شما مقامی خواهد داد که دنیا و آخرت شما را تضمین خواهد کرد، ان شاء الله تعالى.

## زیارت عاشورا پلی به سوی استجابت دعا

نماز پشت سر کسانی که زیارت عاشورا

را منکر می شوند، جایز نیست

یک روز در شورای استفتاء، بحث شد که هر از چند گاه عده ای متأسفانه بعضی معمم، شروع به سم پاشی در بین متدينین می کنند و می گویند، فلان خبر ثابت نیست و درست بودن آن معلوم نمی باشد؛ از جمله عده ای در خصوص زیارات و ادعیه می گویند، ما برای آن سند نیافتیم و زیارت عاشورا به شکل موجود در مفاتیح الجنان، تحریف شده است. از مرحوم میرزا(قدس سره) سؤال شد: آیا می شود پشت سر این گونه اشخاص نماز خواند؟ اتفاقاً آن روز بحث در مورد کسی بود که در زیارت عاشورا تشکیک کرده است.

فقیه مقدس، میرزا جواد تبریزی(قدس سره) ابتدا فرمودند: اینان مگر نمی دانند که برخی از ادعیه و زیارات با چه زحمت و جهادی به ما رسیده است! ما همیشه در زمان تقیه زندگی کرده ایم و شیعیان در طول تاریخ در فشار بوده اند و ادعیه و زیارات سینه به سینه به ما نقل شده است و مضامین اکثر آنها در روایات موجود می باشد. اگر به بعضی نسخ خطی مراجعه کنید پی می برد که آنها مجبور بودند بعضی از فقرات ادعیه را حذف یا محو کنند تا بتوانند به دیگران برسانند. زیارت عاشورای مشهور، ثابت است و تزویری در آن نیست و آنچه از نظر اختلاف بین نسخ وجود دارد، به آن تزویر گفته نمی شود. نسخه ای که از نظر سند و متن ثابت است و زمان آن به شیخ طوسی(قدس سره) برمی گردد و

شامل تمام فقرات زیارت می باشد را مشاهده کردم و جای شکی در آن نیست و همچنین عمل علمای بزرگ و مجرب بودن زیارت در اثبات آن کافی می باشد، به تشکیکات افراد توجه نکنید؛ زیرا منشأ آن، دوری آن سیه دلان از معنویت و لذت نبردن از عبادت است. زیارت عاشورا، پلی است به سوی استجابت دعا و ارتباط معنوی با پروردگار متعال و برائت جستن از اعدای اهل بیت(علیهم السلام)، خداوند به همه توفیق دهد که این زیارت مبارک را قرائت نمایند و به واسطه‌ی توسل و خواندن این زیارت، حاجت همه برآورده شده و گره کار آنان برطرف شود؛ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى.